



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

حاج آیت الله العظمیٰ

مرگ تاجرانہ

شہید و شہادت

در کلام رہبر معظم انقلاب اسلامی (مدظلہ العالی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرگ تاجرانہ : شهید و شہادت در کلام رہبر معظم انقلاب اسلامی (مدظلہ العالی)

نویسنده:

محمد رضا طاهری

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانہ ای قائمہ اصفہان

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۱۲ | مرگ تاجرانه: شهید و شهادت در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) |
| ۱۲ | مشخصات کتاب |
| ۱۳ | اشاره |
| ۱۷ | مقدمه |
| ۲۲ | فهرست مطالب |
| ۳۳ | فصل اول: چیستی شهادت |
| ۳۴ | اشاره |
| ۳۶ | ۱. تعریف شهادت |
| ۳۷ | ۲. ارزش و جایگاه شهادت |
| ۳۷ | اشاره |
| ۳۸ | ۱-۲. زیباترین و بارزترین مرگها |
| ۴۰ | ۲-۲. هدیه ی الهی در قبال «قیام الله» و «مجاهدت» شهید |
| ۴۲ | ۲-۳. شهادت؛ مفهوم اختصاصی ادیان |
| ۴۳ | ۲-۴. مرگ زیرک ترین انسانها |
| ۴۷ | ۲-۵. کهنه نشدن شهادت با گذشت زمان |
| ۴۸ | ۲-۶. همراه بودن با تسلأ و آرامش برای بازماندگان |
| ۴۹ | ۳. تفاوت درجات شهادتها |
| ۴۹ | ۳-۱. عناصر مؤثر در اختلاف درجات شهادتها |
| ۵۴ | ۳-۲. مراتب و مقامات شهیدان |
| ۵۵ | ۴. علمداران کاروان شهادت |
| ۵۵ | ۴-۱. پیامبران الهی |
| ۵۸ | ۴-۲. امام حسین |
| ۶۱ | ۴-۳. امام خمینی (قدس سره) |

| | |
|----|--|
| ۶۱ | ۵. ملحقان به شهدا |
| ۶۱ | ۵-۱. جانبازان؛ شهدای زنده |
| ۶۴ | فصل دوم : ویژگی های شهیدان |
| ۶۴ | اشاره |
| ۶۶ | ۱. ویژگی های فردی |
| ۶۶ | ۱-۱. ایثار و دل بریدن از عواطف و خواسته های شخصی |
| ۷۲ | ۱-۲. اخلاص و حرکت فی سبیل الله |
| ۷۵ | ۱-۳. برخورداری از ایمان، تقوا و قدرت معنوی |
| ۷۸ | ۱-۴. آرمان گرایی و جهان بینی الهی |
| ۸۰ | ۱-۵. پیشتازی در دین فهمی و دین داری |
| ۸۱ | ۱-۶. الگوگیری از معصومین (علیهم السلام) |
| ۸۲ | ۱-۷. عقلانیت و منطق گرایی |
| ۸۲ | ۱-۸. تکلیف گرایی در کنار برنامه ریزی برای رسیدن به نتیجه |
| ۸۳ | ۱-۹. خودآگاهی و روشن بینی |
| ۸۵ | ۲. ویژگی های شهیدان در تعامل با جامعه |
| ۸۵ | ۲-۱. ترجیح دادن مصالح امت اسلامی بر خواست خود |
| ۸۶ | ۲-۲. بصیرت، شناخت نیاز لحظه و شجاعت اقدام در فرصتها |
| ۸۹ | ۲-۳. نترسیدن از غربت و استقبال از مرگ |
| ۹۰ | ۲-۴. گمنامی و بی ادعایی |
| ۹۰ | ۳. ویژگی های شهیدان در برخورد با دشمنان |
| ۹۰ | ۳-۱. ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان و به عجز درآوردن آنان |
| ۹۱ | ۳-۲. نترسیدن از تجهیزات مرگبار دشمن |
| ۹۴ | فصل سوم : آثار شهادت |
| ۹۴ | اشاره |
| ۹۶ | ۱. آثار فردی شهادت |
| ۹۶ | ۱-۱. نزول ملائکه ی الهی و بهره مندی از عطر فرشتگان |

| | |
|-----|---|
| ۹۶ | ۱-۲. رسیدن به برترین دستاورد بشری و اوج قلّه ی کمال و افتخار |
| ۹۷ | ۱-۳. برخورداری از نور قیامتی و دیدن چهره ی محبوب |
| ۹۹ | ۱-۴. کسب رضوان الهی و رسیدن به قرب الهی |
| ۱۰۰ | ۱-۵. مشاهده ی وعده ی الهی و جدا شدن از خوف و حزن |
| ۱۰۱ | ۱-۶. اشراف بر عالم دنیا و اعمال انسانها |
| ۱۰۲ | ۲. آثار اجتماعی شهادت |
| ۱۰۲ | اشاره |
| ۱۰۳ | ۲-۱. الگوسازی برای جوانان و حق طلبان |
| ۱۰۶ | ۲-۲. نشان دادن راه و هدف به همگان |
| ۱۰۸ | ۲-۳. آزادی، خودباوری و استقلال از وابستگی |
| ۱۱۲ | ۲-۴. شکست ناپذیر کردن انقلاب و میهن و دور کردن خطر دشمن از آن |
| ۱۱۵ | ۲-۵. گسترش صفا، معنویت و نشاط انقلابی در جامعه |
| ۱۱۶ | ۲-۶. حرکت آفرینی و استحکام بخشی به بازماندگان |
| ۱۲۰ | ۲-۷. کنار رفتن فتنه، نفاق، کفر و فساد در جامعه |
| ۱۲۲ | ۲-۸. ماندگار شدن اهداف الهی و مستحکم شدن ارزشها در جامعه |
| ۱۲۵ | ۲-۹. حفظ عزّت و شرافت ملت در برابر حاکمان ظالم و متجاوزان |
| ۱۳۲ | ۳. آثار جهانی و تاریخی شهادت |
| ۱۳۲ | ۳-۱. حفظ اسلام و سربلند شدن آن در عالم |
| ۱۳۸ | ۳-۲. ایجاد اقتدار برای کشور و نظام در میان ملتها |
| ۱۴۳ | ۳-۳. سرافراز شدن نظام و اثبات حَقّانیت آن برای جهانیان |
| ۱۴۴ | ۳-۴. محکومیت جنایتکاران در چشم منصفان عالم و آشکار شدن قدرت اسلام ناب |
| ۱۴۸ | ۳-۵. الگوگیری و بیداری ملتها و گرایش آنها به معنویت |
| ۱۵۴ | فصل چهارم : وظایف ما نسبت به شهیدان |
| ۱۵۴ | اشاره |
| ۱۵۶ | ۱. تکریم شهیدان و قدردانی از خانواده های شهدا و ایثارگران |
| ۱۶۱ | ۲. به یاد داشتن دشمنی های دشمنان و فداکاری شهیدان |

۳. به یاد داشتن درس شهیدان و عمل به پیام آنها ۱۶۲
- اشاره ۱۶۲
- ۳-۱. حفظ روحیه ی عزت نفس و ایمان ۱۶۳
- ۳-۲. حفظ و گسترش روحیه ی ایثارگری، گذشت و فداکاری ۱۶۳
- ۳-۳. آمادگی همیشگی برای دفاع از ارزشها و حاکمیت اسلامی ۱۶۴
- ۳-۴. تشخیص وظیفه و پاسخگویی به نیاز لحظه ۱۶۴
- ۳-۵. هوشیاری و سر خم نکردن در برابر مستکبران ۱۶۵
۴. الگو گرفتن و الگوسازی از شهیدان برای نسل جوان ۱۶۷
۵. زنده نگه داشتن یاد شهدا در جامعه ۱۶۸
- ۵-۱. اهمیت زنده نگه داشتن یاد شهدا ۱۶۸
- ۵-۲. روشهای زنده نگه داشتن یاد شهدا ۱۷۶
- ۵-۲-۱. برگزاری مجالس بزرگداشت شهدا ۱۷۶
- ۵-۲-۲. حضور در مناطق جنگی و برگزاری اردوهای راهیان نور ۱۷۸
- ۵-۲-۳. تحقیق در مورد شهدا و عرضه ی سیره ی آنان ۱۸۰
- ۵-۲-۴. نام گذاری ایام و اماکن به نام شهدا و ترویج تصاویر و کلمات شهدا ۱۸۰
- ۵-۲-۵. حضور در تشییع پیکرهای مطهر شهدا ۱۸۲
۶. مقابله با معارضات فرهنگ ایثار و شهادت و ترویج روحیه ی شهادت طلبی ۱۸۲
۷. حفاظت از خون شهید با حفظ جهت گیری ها و اهداف شهیدان ۱۸۹
۸. جمع آوری، نشر و مطالعه ی شرح حال شهیدان ۱۹۲
- ۸-۱. آماده سازی و انتشار خاطرات شهدا با بیان و قالب هنری و ترجمه به زبانهای دیگر ۱۹۲
- ۸-۲. ترویج مطالعه ی شرح حال و وصیت نامه های شهیدان ۱۹۴
- اشاره ۱۹۴
- ۸-۲-۱. آثار مطالعه و تدبیر در وصیت نامه های شهدا ۱۹۶
- ۸-۲-۱-۱. درس گرفتن از انقلاب معنوی و روح عرفانی شهیدان ۱۹۶
- ۸-۲-۱-۲. بهره گیری از هدایت الهی و راه سعادت بیان شده در کلام شهدا ۱۹۹
- ۸-۲-۱-۳. بهره گیری از تجارب عملی شهدا در میدان جنگ ۲۰۰

- فصل پنجم : خانواده های معظم شهدا - ۲۰۲
- اشاره - ۲۰۲
۱. ویژگی های خانواده های معظم شهدا - ۲۰۴
- ۱-۱. ویژگی های عمومی ۲۰۴
- ۱-۱-۱. همدلی و هم ایمانی با شهیدان ۲۰۴
- ۱-۲. آرزومندی هم رزمی با شهیدان در میدان مبارزه - ۲۰۵
- ۱-۳. صبر و ایستادگی بی نظیر خانواده های شهدا ۲۰۵
- اشاره - ۲۰۵
- ۱-۳-۱. علت صبر خانواده های شهدا در از دست دادن شهید ۲۰۷
- ۱-۳-۱-۱. برخورداری از ایمان به خدا و اعتقاد به اسلام ۲۰۷
- ۱-۳-۱-۲. ریشه داشتن صبر خانواده ی شهدا در اخلاق اسلامی، توکل به خدا و علاقه به اسلام ۲۰۹
- ۱-۳-۱-۳. تبعیت از سیره ی تربیتی اهل بیت ۲۱۰
- ۱-۳-۲. آثار و برکات صبر خانواده های شهیدان ۲۱۲
- ۱-۳-۲-۱. تبدیل شدن به الگوی ایستادگی برای دیگران ۲۱۲
- ۱-۳-۲-۲. نازل شدن رحمت خداوند بر آنان و نزول لطف خدا بر این ملت ۲۱۵
- ۱-۳-۲-۳. عزت آفرینی و شکل دهی به هویت و روحیه ی ملت ۲۱۶
- ۱-۳-۲-۴. آسودگی از هرگونه خوف و حزن ۲۱۸
- ۱-۴. برخورداری از تربیت صحیح اسلامی و فضایل اخلاقی ۲۱۹
- ۱-۵. احساس عزت و افتخار به خاطر شهادت فرزندان خود ۲۲۱
۲. ویژگی های مادران و همسران شهدا ۲۲۲
۲. آثار شهادت برای خانواده های شهدا ۲۲۷
- ۲-۱. دستیابی به اجر برتر و رتبه ی معنوی بلافاصله بعد از شهادت ۲۲۷
- ۲-۲. عنایت و رحمت ویژه ی الهی و توجه خاص شهید به بازماندگان شهدا ۲۳۰
- ۲-۳. توفیق مجاهدتی طولانی برای دفاع از وجهه ی شهادت ۲۳۵
- ۲-۴. شریک بودن در افتخار تمام موقّعتیهای کشور تا ابد ۲۳۵
۳. توصیه هایی به خانواده های شهدا ۲۳۶

- ۳-۱. اهتمام به خودسازی هرچه بیشتر برای ادامه دادن راه شهید ۲۳۶
- ۳-۲. حفظ عزت نفس و آگاهی روزافزون نسبت به اسلام ۲۳۹
- ۳-۳. پاسداری از خون شهید و ارزشهای الهی شهیدان ۲۴۰
- ۳-۴. حراست از مرزهای فکری و روحی اعتقادی و ایمانی خود و مردم ۲۴۰
- ۳-۵. استقامت، حضور در صحنه ی دفاع از انقلاب و پشتیبانی از مسئولان نظام ۲۴۱
- ۳-۶. افتخار کردن به شهید دادن در راه خدا ۲۴۳
- ۳-۷. تحصیل علم و طی مدارج عالی علمی توسط فرزندان شهدا ۲۴۵
- ۳-۸. آمادگی برای تأمین نیازهای آینده ی کشور ۲۴۵
- فصل ششم : شهدای خاص و برجسته ۲۴۸
- اشاره ۲۴۸
۱. علمداران و پیشتازان انقلاب اسلامی ۲۵۰
- ۱-۱. شهید بهشتی ۲۵۰
- ۱-۲. شهید مطهری ۲۵۱
- ۱-۳. شهید رجایی و شهید باهنر ۲۵۲
۲. شهدای اصناف و اقشار خاص ۲۵۴
- ۲-۱. شهدای اصناف و بازار ۲۵۴
- ۲-۲. شهدای نظامی ۲۵۵
- ۲-۲-۱. شهدای ارتش جمهوری اسلامی ایران ۲۵۵
- ۲-۳. نخبگان علمی - هنری شهید ۲۵۶
۳. شهدای برجسته از اقوام کشورمان ۲۶۰
- اشاره ۲۶۰
- ۳-۱. پیشمرگان مسلمان کُرد ۲۶۰
- ۳-۲. سلحشوران بختیاری ۲۶۱
- اشاره ۲۶۱
- ۳-۲-۱. شهید شیرعلیمردان خان بختیاری ۲۶۲
۴. شهدای مدافع حرم ۲۶۲

| | |
|-----|--|
| ۲۶۲ | اشاره |
| ۲۶۷ | ۴-۱. امتیازهای شهدای مدافع حرم |
| ۲۶۷ | اشاره |
| ۲۷۰ | اهمیت و مظلومیت شهدای مرزدار |
| ۲۷۱ | نقش شهدای امنیتی و اطلاعاتی در آرامش کشور |
| ۲۷۲ | حق بزرگ شهدای مدافع حرم و مرزداری و خانواده ی ایشان بر ایران |
| ۲۷۲ | ۵. شهدای حزب الله لبنان |
| ۲۷۲ | ۵-۱. فرماندهان شهید حزب الله |
| ۲۷۲ | ۵-۱-۱. سیدعباس موسوی |
| ۲۷۴ | ۵-۱-۲. حاج عماد مغنیه |
| ۲۷۵ | ۵-۲. دیگر شهدای شاخص حزب الله لبنان |
| ۲۷۵ | ۵-۲-۱. شهید هادی نصرالله |
| ۲۷۵ | دعای پایانی |
| ۲۷۸ | نمایه ها |
| ۲۷۸ | اشاره |
| ۲۸۰ | آیات |
| ۲۸۲ | روایات |
| ۲۸۲ | الف: عربی |
| ۲۸۲ | ب: فارسی |
| ۲۸۴ | اشعار |
| ۲۸۶ | موضوعات |
| ۳۰۹ | اشخاص، اقوام، مکانها و ... |
| ۳۲۲ | درباره مرکز |

مرگ تاجرانہ: شہید و شہادت در کلام رہبر معظم انقلاب اسلامی (مدظلہ العالی)

مشخصات کتاب

سرشناسه: خامنه ای، سیدعلی، رہبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -

Khamenei, Seyyed Ali

عنوان و نام پدیدآور: مرگ تاجرانہ: شہید و شہادت در کلام رہبر معظم انقلاب اسلامی (مدظلہ العالی) / گردآورنده محمدرضا طاہری.

مشخصات نشر: تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت اللہ العظمی خامنہ ای "مدظلہ العالی" انتشارات انقلاب اسلامی، 1398.

مشخصات ظاہری: ع، 269ص، 5/14×5/21س م.

شابک: 190000 ریال 978-600-8218-37-1:

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: چاپ سوم: 1399.

یادداشت: چاپ پنجم: 1401.

یادداشت: بالای عنوان: حیات طیبه.

یادداشت: کتابنامہ بہ صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایہ.

عنوان دیگر: حیات طیبه.

موضوع: خامنہ ای، سید علی، رہبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - -- دیدگاه درباره شہادت

موضوع: Khamene'i, Seyyed Ali -- Views on martyrdom

موضوع: خامنہ ای، سید علی، رہبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - -- دیدگاه درباره شہیدان

موضوع: Khamene'i, Ali, Leader of IRI, 1939 - -- Views on martyrs

موضوع: خامنہ ای، سید علی، رہبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها

موضوع: Khamenei, Sayyed Ali -- Messages and speech

موضوع: شهادت

Martyrdom -- Islam

شهیدان

Martyrs

شناسه افزوده: طاهری، محمدرضا، 1354 آبان-، گردآورنده

شناسه افزوده: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مد ظله العالی".
انتشارات انقلاب اسلامی

شناسه افزوده: Islamic Revolution Publication

رده بندی کنگره: DSR1692

رده بندی دیویی: 955/0844

شماره کتابشناسی ملی: 6135683

اطلاعات رکورد کتابشناسی: رکورد کامل

ص: 1

اشاره

شهید و شهادت

در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)

گردآورنده: محمدرضا طاهری

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

شابک: 978-600-8218-37-1

شمارگان: 3000

چاپ اول: بهار 1397

190000 ریال

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، خیابان هلالی، شماره ی 26

تلفن: 66410649، 66977268 - تلفن مرکز پخش: 66483695-09195593732

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir - سامانه پیامکی: [hp://Book-Khamenei.ir](http://Book-Khamenei.ir) - 120 20 1000

سرشناسه: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -.

عنوان و نام پدیدآور: شهید و شهادت: شهید و شهادت در کلام حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی). طاهری، محمدرضا، گردآورنده.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)، 1396

قیمت: 190000 ریال - شابک: 978-600-8218-37-1

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: بالای عنوان: حیات طیبه.

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -- نظریه درباره شهادت

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -- پیامها و سخنرانیها

موضوع: شهادت

شناسه افزوده: طاهری، محمدرضا

شناسه افزوده: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی).
انتشارات انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: 9 1396 ش 85 / ش 1692 DSR

رده بندی دیویی: 955/0844

شماره کتابشناسی ملی: 5100921

ص: 3

همان طور که رسیدن به قلّه های سربه فلک کشیده بدون تحمّل سختی های راه، میسر نیست، آرمانهای والا نیز به راحتی و بدون پشت سر گذاشتن دشواری ها و سختی ها امکان ندارد. آرمان بلند اسلام و نظام اسلامی رسیدن به حیات طیّبه است و دست یابی به این هدف نیز از این قاعده مستثنی نیست. حیات طیّبه با تربیت درونی تک تک افراد جامعه حاصل میگردد و این خود سختی و تلاش خاصی را میطلبد. از سوی دیگر دسترسی به این آرمان زمانی حاصل میشود که حیات معنوی در کنار رفاه و پیشرفت مادی باشد و روشن است که رساندن جامعه به پیشرفت مادی در عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز بر سختی های این مسیر می افزاید.

انسان مؤمن انقلابی که پیشران جامعه در رسیدن به این اهداف است، خود را برای همه ی سختی ها و مشقّت های راه آماده کرده است و با کسب و تقویت روحیّه ی جهادی، موانع را یکی پس از دیگری پشت سر قرار میدهد.

علاوه بر صعوبت های طبیعی رسیدن به آرمان حیات طیّبه، برخی موانع دیگر نیز در مسیر دستیابی به این آرمان رخ مینماید. دشمنان اسلام

و انقلاب اسلامی که پیشرفت جامعه‌ی اسلامی را خطری در برابر اهداف شیطانی خود میدانند از هر طریق ممکن، برای به شکست کشاندن برنامه‌ها و طرح‌های نیروهای مؤمن و انقلابی، دست به توطئه میزنند.

دشمن گاهی با تحریمهای اقتصادی، زمانی با تحریمهای سیاسی و گاهی با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی به تقابل با انقلاب اسلامی میپردازد و غالباً تا این روشها جواب دهد دست به ماجراجویی و اقدام به جنگ سخت و نظامی نمیزند. در جنگ نظامی هم تا میتواند تلاش میکند که ابتدا با استفاده از مزدوران خود، جنگ نیابتی برپا کند و در نهایت گزینه‌ی جنگ مستقیم را اجرایی میکند.

البته هیچ يك از این روشها جدید نبوده و از گذشته‌ی تاریخ همیشه حزب «شیطان» در برابر حزب «الله» از این راهکارها استفاده کرده است. قرآن کریم میفرماید: «وَ كَايُنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَاثُوا» (1).

اما در برابر دشمن جز استقامت هیچ راه دیگری وجود ندارد و تجربه‌ی تاریخی نشان داده که نرمی و نشان دادن ضعف، جز بر روحیه‌ی زیاده خواهی او نیفزوده است. اینجا است که نقش روحیه‌ی شهادت طلبی در پیشرفت جامعه‌ی ایمانی معلوم میگردد. نیروهای مؤمن انقلابی در همه‌ی شرایط باید آماده‌ی مبارزه و جانفشانی در برابر دشمن باشند و اصل وجود این روحیه، از عوامل بازدارنده‌ی دشمن در همه‌ی جبهه‌های نبرد است.

نیروی ایثارگر انقلابی در کارزار حق و باطل بر اساس نصّ قرآن کریم میدانند که یکی از دو عاقبت نیک در برابر او است: یا دشمن را از سر راه پیشرفت جامعه بر میدارد، یا خود شربت شهادت مینوشد و به مقام «عِنْدَ

ص: 5

1- . سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی 146؛ «و چه بسیار پیامبرانی که مجاهدان خداپرست فراوانی در کنار آنها جنگیدند و به خاطر آنچه که در راه خدا بر آنها وارد شد، سست و ضعیف نشدند.»

شهید در فرهنگ اسلامی از ارج و جایگاه ویژه ای برخوردار است و ثوابها و درجات عظیمی برای او ذکر شده است. حضرت امام خمینی (قدس سرّه) که قافله سالار کاروان شهدای انقلاب اسلامی است در این زمینه میفرماید: «درباره ی شهید آنقدر از اسلام و اولیاء اسلام روایات وارد شده است بر فضل شهید که انسان متحیر میشود. در روایتی از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که... شهید نظر میکند به وجه الله و این نظر به وجه الله راحت است برای هر نبی و هر شهید. این آخر چیزی است برای انسان، آخرین کمالی است که برای انسان است.»⁽¹⁾

رهبر معظم انقلاب اسلامی که از سال 42 در مسیر جهاد و مبارزه برای تحقق حاکمیت اسلام گام نهاده و خود نیز تا مرز شهادت پیش رفته است، در بیانات متعددی به موضوع شهید و شهادت پرداخته اند. ایشان بارها در تشییع پیکر مطهر شهدا شرکت کرده و به زیارت قبور مقدّس شهدا رفته و برپاکنندگان یادواره های شهدا را تکریم کرده اند. همچنین ایشان با اهمّیت ویژه ای که برای خانواده ی معظم شهدا قائل هستند از ابتدای انقلاب تا کنون دیدارهای متعددی را با این اسوه های صبر و استقامت داشته اند. گاهی میزبان این عزیزان بوده اند و در بسیاری از موارد خود به منازل ایشان رفته اند. یکی از دیدارهای همیشگی ایشان در سفرهای استانی، دیدار با جمع زیادی از خانواده های محترم شهدا و حضور در منزل چند شهید از شهدای آن دیار است.

باب شهادت با وجود جهاد در دفاع از حرم اهل بیت (علیهم السّلام) هنوز مفتوح است و معظم له با توجّه به اهمّیت دفاع از حرم و انقلاب اسلامی در بیرون از مرزها، دیدارهای متعددی را نیز با خانواده های معظم شهدای

مدافع حرم داشته اند.

تکریم شهدا و خانواده های مکرم ایشان به شهدای ایرانی محدود نمی شود و ایشان مجاهدان لبنانی، افغانستانی، پاکستانی، عراقی و یمنی را نیز مورد تقدیر و توجه قرار داده اند.

کتاب حاضر مشتمل بر بیانات ایشان در موضوع شهید و شهادت و همچنین رهنمودهای ایشان به مسئولان، خانواده های معظم شهدا و اقشار مختلف در این زمینه است.

امید است با حفظ و رشد روحیه ی شهادت طلبی، هیچ دشمنی حتی فکر هیچ ماجراجویی را نسبت به کیان اسلامی به ذهن خود راه ندهد. سخن آخر دعایی است از لسان رهبر معظم انقلاب اسلامی در در حرم مطهر رضوی:

«پروردگارا! همه ی ما را، زندگی ما و عمر ما را، ختم به خیر بفرما؛ برای این حقیر و هرکسی که علاقه مند است، شهادت را به عنوان آخرین پله ی زندگی ما قرار بده.» آمین

ومن الله التوفیق

ص: 7

فصل اول: چیستی شهادت 1

1. تعریف شهادت 3

2. ارزش و جایگاه شهادت 4

1-2. زیباترین و باارزش ترین مرگها 5

2-2. هدیه ی الهی در قبال «قیام لله» و «مجاهدت» شهید 7

3-2. شهادت؛ مفهوم اختصاصی ادیان 9

4-2. مرگ زیرك ترین انسانها 10

5-2. کهنه نشدن شهادت با گذشت زمان 14

6-2. همراه بودن با تسلا و آرامش برای بازماندگان 15

3. تفاوت درجات شهادتها 16

1-3. عناصر مؤثر در اختلاف درجات شهادتها 16

2-3. مراتب و مقامات شهیدان 21

4. علمداران کاروان شهادت 22

1-4. پیامبران الهی 22

2-4. امام حسین (علیه السلام) 25

3-4. امام خمینی (قدس سرّه) 28

5. ملحقان به شهدا 28

1-5. جانبازان؛ شهدای زنده 28

فصل دوم: ویژگی های شهیدان 31

1. ویژگی های فردی 33

1-1. ایثار و دل بردن از عواطف و خواسته های شخصی 33

1-2. اخلاص و حرکت فی سبیل الله 39

1-3. برخورداری از ایمان، تقوا و قدرت معنوی 42

1-4. آرمان گرایی و جهان بینی الهی 45

1-5. پیشتازی در دین فهمی و دین داری 47

1-6. الگوگیری از معصومین (علیهم السّلام) 48

1-7. عقلانیت و منطق گرایی 49

1-8. تکلیف گرایی در کنار برنامه ریزی برای رسیدن به نتیجه 49

1-9. خودآگاهی و روشن بینی 50

2. ویژگی های شهیدان در تعامل با جامعه 52

2-1. ترجیح دادن مصالح امت اسلامی بر خواست خود 52

2-2. بصیرت، شناخت نیاز لحظه و شجاعت اقدام در فرصتها 53

2-3. نترسیدن از غربت و استقبال از مرگ 56

2-4. گمنامی و بی ادعایی 57

3. ویژگی های شهیدان در برخورد با دشمنان 57

3-1. ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان و به عجز در آوردن آنان 57

3-2. نترسیدن از تجهیزات مرگبار دشمن 58

فصل سوّم: آثار شهادت 61

1. آثار فردی شهادت 63

1-1. نزول ملائکه ی الهی و بهره مندی از عطر فرشتگان 63

1-2. رسیدن به برترین دستاورد بشری و اوج قلّه ی کمال و افتخار 63

3-1. برخورداری از نور قیامتی و دیدن چهره ی محبوب 64

4-1. کسب رضوان الهی و رسیدن به قرب الهی 66

5-1. مشاهده ی وعده ی الهی و جدا شدن از خوف و حزن 67

6-1. اشراف بر عالم دنیا و اعمال انسانها 68

2. آثار اجتماعی شهادت 69

1-2. الگوسازی برای جوانان و حق طلبان 70

2-2. نشان دادن راه و هدف به همگان 73

ص: 10

- 3-2. آزادی، خودباوری و استقلال از وابستگی 75
- 4-2. شکست ناپذیر کردن انقلاب و میهن و دور کردن خطر دشمن 79
- 5-2. گسترش صفا، معنویت و نشاط انقلابی در جامعه 82
- 6-2. حرکت آفرینی و استحکام بخشی به بازماندگان 83
- 7-2. کنار رفتن فتنه، نفاق، کفر و فساد در جامعه 87
- 8-2. ماندگار شدن اهداف الهی و مستحکم شدن ارزشها در جامعه 89
- 9-2. حفظ عزت و شرافت ملت در برابر حاکمان ظالم و متجاوزان 92
3. آثار جهانی و تاریخی شهادت 99
- 1-3. حفظ اسلام و سربلند شدن آن در عالم 99
- 2-3. ایجاد اقتدار برای کشور و نظام در میان ملتها 105
- 3-3. سرفراز شدن نظام و اثبات حقیقت آن برای جهانیان 110
- 4-3. محکومیت جنایتکاران در چشم منصفان عالم 111
- 5-3. الگوگیری و بیداری ملتها و گرایش آنها به معنویت 115
- فصل چهارم: وظایف ما نسبت به شهیدان 121
1. تکریم شهیدان و قدردانی از خانواده های شهدا و ایثارگران 123
2. به یاد داشتن دشمنی های دشمنان و فداکاری شهیدان 128
3. به یاد داشتن درس شهیدان و عمل به پیام آنها 129
- 1-3. حفظ روحیه ی عزت نفس و ایمان 130
- 2-3. حفظ و گسترش روحیه ی ایثارگری، گذشت و فداکاری 130
- 3-3. آمادگی همیشگی برای دفاع از ارزشها و حاکمیت اسلامی 131
- 4-3. تشخیص وظیفه و پاسخگویی به نیاز لحظه 131

3-5. هوشیاری و سر خم نکردن در برابر مستکبران 132

4. الگو گرفتن و الگوسازی از شهیدان برای نسل جوان 134

5. زنده نگه داشتن یاد شهدا در جامعه 135

5-1. اهمیت زنده نگه داشتن یاد شهدا 135

5-2. روشهای زنده نگه داشتن یاد شهدا 143

5-2-1. برگزاری مجالس بزرگداشت شهدا 143

5-2-2. حضور در مناطق جنگی و برگزاری اردوهای راهیان نور 145

ص: 11

- 3-2-5. تحقیق در مورد شهدا و عرضه ی سیره ی آنان 147
- 4-2-5. نام گذاری ایام و اماکن به نام شهدا 147
- 5-2-5. حضور در تشییع پیکرهای مطهر شهدا 149
6. مقابله با معارضان فرهنگ ایثار و شهادت 149
7. حفاظت از خون شهید با حفظ جهت گیری ها و اهداف شهیدان 156
8. جمع آوری، نشر و مطالعه ی شرح حال شهیدان 159
- 1-8. آماده سازی و انتشار خاطرات شهدا با بیان و قالب هنری 159
- 2-8. ترویج مطالعه ی شرح حال و وصیت نامه های شهیدان 161
- 1-2-8. آثار مطالعه و تدبیر در وصیت نامه های شهدا 163
- 1-1-2-8. درس گرفتن از انقلاب معنوی و روح عرفانی 163
- 2-1-2-8. بهره گیری از هدایت الهی 166
- 3-1-2-8. بهره گیری از تجارب عملی شهدا در میدان جنگ 167
- فصل پنجم: خانواده های معظم شهدا 169
1. ویژگی های خانواده های معظم شهدا 171
- 1-1. ویژگی های عمومی 171
- 1-1-1. همدلی و هم ایمانی با شهیدان 171
- 2-1-1. آرزومندی هم رزمی با شهیدان در میدان مبارزه 172
- 3-1-1. صبر و ایستادگی بی نظیر خانواده های شهدا 172
- 1-1-3-1. علت صبر خانواده های شهدا در از دست دادن شهید 174
- 1-1-3-1-1. برخورداری از ایمان به خدا و اعتقاد به اسلام 174
- 2-1-3-1-1. ریشه داشتن صبر خانواده ی شهدا 176

1-1-3-1-3. تبعیت از سیره ی تربیتی اهل بیت 177

1-1-3-2. آثار و برکات صبر خانواده های شهیدان 179

1-1-3-2-1. تبدیل شدن به الگوی ایستادگی برای دیگران 179

1-1-3-2-2. نازل شدن رحمت خداوند بر آنان 182

1-1-3-2-3. عزت آفرینی و شکل دهی به هویت 183

1-1-3-2-4. آسودگی از هرگونه خوف و حزن 185

1-1-4. برخورداری از تربیت صحیح اسلامی و فضایل اخلاقی 186

ص: 12

5-1-1. احساس عزّت و افتخار به خاطر شهادت فرزندان خود 188

2-1. ویژگی های مادران و همسران شهدا 189

2. آثار شهادت برای خانواده های شهدا 194

1-2. دستیابی به اجر برتر و رتبه ی معنوی بلافاصله بعد از شهدا 194

2-2. عنایت و رحمت ویژه ی الهی و توجّه خاصّ شهید 197

3-2. توفیق مجاهدتی طولانی برای دفاع از وجهه ی شهادت 202

4-2. شریک بودن در افتخار تمام موفقیتهای کشور تا ابد 202

3. توصیه هایی به خانواده های شهدا 203

1-3. اهتمام به خودسازی هرچه بیشتر برای ادامه دادن راه شهید 203

2-3. حفظ عزّت نفس و آگاهی روزافزون نسبت به اسلام 206

3-3. پاسداری از خون شهید و ارزشهای الهی شهیدان 207

4-3. حراست از مرزهای فکری و روحی اعتقادی و ایمانی خود و مردم 207

5-3. استقامت، حضور در صحنه ی دفاع از انقلاب 208

6-3. افتخار کردن به شهید دادن در راه خدا 210

7-3. تحصیل علم و طی مدارج عالی علمی توسط فرزندان شهدا 212

8-3. آمادگی برای تأمین نیازهای آینده ی کشور 212

فصل ششم: شهدای خاص و برجسته 215

1. علمداران و پیشتازان انقلاب اسلامی 217

1-1. شهید بهشتی 217

2-1. شهید مطهری 218

3-1. شهید رجایی و شهید باهنر 220

2. شهدای اصناف و اقشار خاص 221

2-1. شهدای اصناف و بازار 221

2-2. شهدای نظامی 222

2-2-1. شهدای ارتش جمهوری اسلامی ایران 222

2-3. نخبگان علمی - هنری شهید 223

3. شهدای برجسته از اقوام کشورمان 227

3-1. پیشمرگان مسلمان کُرد 227

ص: 13

2-3. سلحشوران بختیاری 228

1-2-3. شهید شیرعلیمردان خان بختیاری 229

4. شهدای مدافع حرم 229

1-4. امتیازهای شهدای مدافع حرم 234

اهمیت و مظلومیت شهدای مرزدار 237

نقش شهدای امنیتی و اطلاعاتی در آرامش کشور 238

حق بزرگ شهدای مدافع حرم و مرزداری و خانواده‌ی ایشان 239

5. شهدای حزب الله لبنان 239

1-5. فرماندهان شهید حزب الله 239

1-1-5. سیدعباس موسوی 239

2-1-5. حاج عماد مغنیه 241

2-5. دیگر شهدای شاخص حزب الله لبنان 242

1-2-5. شهید هادی نصرالله 242

دعای پایانی 242

نمایه‌ها 245

آیات 247

روایات 249

اشعار 251

موضوعات 253

اشخاص، اقوام، مکانها و... 265

اشاره

ص: 1

1. تعریف شهادت

شهید، یعنی انسانی که در راه آرمانهای معنوی کشته میشود و جان خود را - که سرمایه اصلی هر انسانی است - برای هدف و مقصدی الهی صرف میکند و خدای متعال هم در پاسخ به این ایثار و گذشت بزرگ، حضور و یاد و فکر او را در ملتش تداوم میبخشد و آرمان او زنده میماند. این، خاصیت کشته شدن در راه خدا است. کسانی که در راه خدا کشته میشوند، زنده اند؛ جسم آنها زنده نیست، اما وجود حقیقی آنها زنده است. (1)

شهادت بدین معنا است که يك انسان، برترین و محبوب ترین سرمایه ی دنیوی خویش را نثار آرمانی سازد که معتقد است زنده ماندن و بارور شدن آن، به سود بشریت است و این یکی از زیباترین ارزشهای انسانی است. (2)

شهادتی را که ما در شرع مقدس میشناسیم و در روایات و آیات قرآن از آن نشان می بینیم، معنایش این است که انسان به دنبال هدف مقدسی

ص: 3

1- . در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه ی پاکستان 1368/5/25

2- . پیام به مناسبت کنگره ی شهدای دانشجو 1381/10/15

که واجب یا راجح است، برود و در آن راه، تن به کشتن هم بدهد. این، آن شهادت صحیح اسلامی است. (1)

شهادت در پیشگاه پروردگار، تعبیر ویژه ای دارد. در قرآن، کشته شدن در راه خدا يك مرگ نیست؛ «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ» (2)؛ کشته شدن در راه خدا را با مرگهای معمولی، یکسان به حساب نمی آورد. در معیار الهی و با دیدگاه دینی و قرآنی، يك مفهوم دیگر و يك معنای فاخری است. از این رو کسی که این عطیه ی الهی شامل حال او میگردد و در راه خدا شهید میشود، این خود سپاسگزاری خدا است. (3)

عزیزان! هر کشته شدنی شهادت نیست. آن کشته شدنی که در راه خدا با اخلاص و رشادت و تلاش همراه باشد، اسمش شهادت در راه خدا است. شهید آن کسی است که مجاهدت یعنی تلاش میکند و رشادت به خرج میدهد و برای خدا حرکت میکند؛ چون اگر رشادت به خرج ندهد، اصلاً در معرض شهادت قرار نمیگیرد. (4)

2. ارزش و جایگاه شهادت

اشاره

وقتی مرد مؤمن و شجاع، با هدف جهاد فی سبیل الله وارد میدان شد، جان دادن در این میدان را افتخار میداند. ارزش والای شهادت در اسلام بر این پایه است. آن وقت است که شهید، ستاره ای همیشه درخشان در آسمان زندگی و تاریخ آن ملت میشود. آن کسی که در خدمت زورمندان و زرمندان میجنگد، مرگ برایش گودال وحشت انگیز و تاریکی است که از آن باید بگریزد؛ برای او مردن و افتادن در آن حفره ی هولناک نه شوقی دارد و نه افتخاری. به همین دلیل است که اگر در هر نقطه ای از دنیا میان نیروهای

ص: 4

1- . خطبه های نماز جمعه (عاشورای 1416) 1374/3/19

2- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 144، ترجمه: «آیا اگر او بمیرد یا کشته شود...»

3- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1377/7/5

4- . در دیدار رئیس جمهور و هیئت وزیران به مناسبت آغاز هفته ی دولت 1378/6/2

رزمندگی هدف دار و آرمان‌گرا با نیروهایی که برای کمپانی‌ها و زرمندان و زورمندان و برای پول می‌جنگند، مبارزه‌ای رخ دهد، پیروزی با مجاهدانی است که شهادت و جان دادن در راه خدا را برای خود افتخار میدانند. (1)

1-2. زیباترین و باارزش‌ترین مرگها

شهادت، گل خوشبو و معطری است که جز دست‌برگزیدگان خداوند در میان انسانها، به آن نمیرسد و جز مشام آنها آن را بو نمی‌کند. (2)

شهادت... یکی از زیباترین ارزشهای انسانی است. و آنگاه که آرمان مطلوب او، الهی و آرزوی همه‌ی پیامبران خدا است، این ارزش، در صدر همه‌ی نیکی‌های بشری قرار می‌گیرد و در هیچ ترازوی مادی نمی‌گنجد. پذیرش این تفکر همان عامل خیره‌کننده‌ای است که به مجاهدان راه حقیقت، نیرویی برای باطل ساختن همه‌ی محاسبات جبهه‌ی خصم می‌بخشد و چنان که به تجربه دانسته شده است، دشمن حقیقت را دچار بن‌بست و عجز و حیرت می‌سازد. (3)

بهترین مردنها، شهادت است. بالاترین اجراها برای انسانی که در راه خدا مبارزه می‌کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است. خوشا به حال آن عزیزان، و گوارا باد بر آنها این نعمت بزرگ الهی! آنها با شهادت، اجرشان را گرفتند. (4)

آن حالتی را که عرفای ما پنجاه سال، شصت سال، هفتاد سال ریاضت میکشیدند، عبادت می‌کردند، به تشنه‌ی سختی میدادند، از شهوات و اهوائشان صرف‌نظر می‌کردند، برای اینکه به آن حالت برسند،

ص: 5

1- . در مراسم مشترك تحلیف دانشجویان دانشگاه های افسری ارتش جمهوری اسلامی در دانشگاه امام علی (ع) 1382/10/4

2- . در دیدار خانواده های شهدای نیروهای مسلح 1380/7/4

3- . پیام به مناسبت کنگره ی شهدای دانشجو 1381/10/15

4- . در دیدار خانواده های شهدای استان بوشهر 1370/10/11

این جوان يك شبه ی ما، این ره پنجاه ساله و صدساله را در طول مدّت چند صباحِ جبهه و قبل از جبهه میپیمود و به آن حالت میرسید! این يك نعمت معنوی است؛ این شوخی نیست؛ این را به هرکسی نمیدهند. شما خیال نکنید که آن گریه ها و آن توستلها و آن حالها آسان به کسی داده میشود؛ نخیر، کسانی زحمتها میکشند، شاید به آن حالها برسند! (1)

این پدیده [شهادت] چقدر عظیم است! هرچه انسان نزدیک تر میشود، عظمت آن بیشتر میگردد. مثل کوه های بلند؛ انسان از دور هم میبیند کوه است، اما وقتی نزدیک میشود، میبیند عظمت این پدیده، قابل احاطه ی فکری نیست. (2)

شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی، و میهمان شدن بر سر سفره ی ضیافت الهی؛ این کم چیزی نیست؛ این خیلی باعظمت است. (3)

شهادت در راه خدا و جان برکف گذاشتن و تقدیم راه خدا کردن، قلّه ی شرافتهای انسانی است. (4)

خدای متعال، بزرگ ترین لطف را در حقّ شهید کرده است. ملاحظه کنید! هیچ کس در دنیا باقی ماندنی نیست؛ همه رفتنی اند. انسانها به انواع و اقسام مرگها میمیرند؛ جوان و پیر هم ندارد - انسانها در جوانی هم میمیرند، در پیری هم میمیرند، در کودکی هم میمیرند؛ مردن برای همه است - خدای متعال، این مرگی را که سرنوشت حتمی همه است و انسان، ناچار باید از این دروازه عبور کند، در مورد شهید به گونه ای قرار داده که این قدر ارزش پیدا کرده است! درحالی که مرگهای معمولی، این ارزش را ندارد. لطفی از این بالاتر؟! فضلی بر شهید از این بیشتر؟! همه ی ما

ص: 6

1- . در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه 1370/11/18

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1377/7/5

3- . در دیدار خانواده های شهدای استان بوشهر 1370/10/11

4- . در دیدار جمعی از شعرا 1390/5/24

میمیریم؛ چقدر ارزش دارد که خدای متعال این مرگ را، این رفتن را، این سرنوشت حتمی را در مسیری قرار دهد که این قدر دارای فضیلت باشد! لذا شهید در عالم ملکوت و برزخ، شکرگزار پروردگار است؛ متشکر است از اینکه چنین لطفی به او شده است. لحظه‌ی شهادت، جزو شیرین‌ترین لحظات هر شهیدی است. ببینید چقدر با ارزش و والا است! (1)

به پدیده‌ی شهادت، از چند طرف میتوان نگاه کرد. از هر طرف هم که نگاه کنیم، این پدیده، بسیار باشکوه و پر از تالو است. یک بار از طرف ارزش شهادت در پیشگاه پروردگار، به این پدیده مینگریم؛ زبان ما قاصر است که بتوانیم در این باب، ارزش والای شهادت را بیان کنیم. در روایتی است (2) که وقتی هر خیر و هر ارزشی ملاحظه میشود، ارزش والاتری از آن هست، تا به ارزش شهادت میرسد؛ بالاتر از ارزش شهادت چیزی نیست. اگر قرار باشد با مبانی دینی و فلسفه‌ی دین، راجع به این قضیه صحبت کنیم، خواهیم دید دقیقاً همین طور است؛ هیچ چیزی بالاتر از این نیست که انسانی به دست خود، با اراده و اختیار خود، جان و هستی خود را فدای یک آرمان بزرگ و والای الهی کند. معنای شهادت، این است. (3)

2-2. هدیه‌ی الهی در قبال «قیام‌الله» و «مجاهدت» شهید

بنده قبل از انقلاب در مسجدی در مشهد نماز میخواندم و برای مردم صحبت میکردم؛ جوانها هم جمع میشدند. آن وقت شهادت مثل دوران بعد از انقلاب، این طور ارزان نبود؛ اما شهدایی داشتیم. به آنها میگفتم: جوانها! برادرها! شهادت، مرگ تاجرانه و مرگ آدمهای زرنگ است. این

ص: 7

1- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا 1377/7/5

2- . قال رسول الله (ص): «فوق كلِّ برٍّ حتَّى یقتل الرَّجل فی سبیل اللّٰه عزّوجلّ فلیس فوقه برّ.»، بحار الانوار، ج 100، ص 10

3- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا 1377/7/5

هدیه را خدا به چه کسی می‌دهد؟ خدا این هدیه را ارزان نمی‌دهد؛ به کسانی می‌دهد که در راه او مجاهدت کنند. جوانهای شما، شهیدان شما، همسران شهدا! همسران شما، پدر و مادرها! فرزندان شماها، بچه‌های شهدا! پدران عزیز شما، این هدیه‌ی الهی را آسان و رایگان به دست نیاوردند؛ به قیمت مجاهدت به دست آوردند؛ در راه خدا جهاد کردند، از خودشان گذشتند و خدا این هدیه را به آنها داد. (1)

این شهادتها آسان به دست نیامد. شهادت، نعمت و هدیه‌ی خدا است؛ این هدیه را آسان به کسی نمی‌دهند. چرا هدیه‌ی خدا است؟ چون مرگ ناگزیر همگانی همه‌ی انسانها را به یک پدیده‌ی افتخارآمیز در دنیا و آخرت تبدیل می‌کند؛ این هدیه نیست؟ آیا ممکن است کسی از مرگ بگریزد؟ وقتی انسان به لحظه‌ی مرگ رسید، آیا فرق می‌کند که پشت سر خودش نود سال را گذرانده باشد یا بیست سال؟ آیا بزرگ‌ترین دغدغه‌ی هر انسانی از مرگ به خاطر این نیست که از بعد از آغاز سفر مرگ بی‌خبر است و نمی‌داند چه بر سر او خواهد آمد؟ اینها را در کنار هم بگذارید و ببینید انسانی همین مرگ و همین حادثه‌ی قطعی و ناگزیر و همین آینده‌ی مبهم و نگرانی‌آور را تبدیل کند به یک حادثه‌ی پرافتخار، به یک واقعه‌ی نامدار در دنیا و آخرت، به یک وسیله‌ی عزت‌پیش خدا و پیش کرویبان ملاً اعلی، به یک اطمینان و یک سکینه‌ی قلبی و یک آرامش؛ «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (2)؛ هیچ خوف و اندوهی برای آنها نیست. آیا این هدیه‌ی الهی نیست؟ اینکه آدم روغن ریخته‌ی جان خودش را نذر امامزاده کند و قبول شود، نعمت خدا نیست؟ این روغن که ریخته شده است، این عمر که از دست رفته است، این مرگ

ص: 8

1- . در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان کرمان 1384/2/12

2- . سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی 170، ترجمه: «... و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی میکنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین میشوند.»

که ناگزیر است؛ آنگاه انسان باید همین مرگ ناگزیر را به خدا بفروشد، به قیمت بهشت و سعادت ابدی؛ «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ» (1)؛ این، وعده‌ی الهی است. این جان‌رفتنی را - که انسان به ناچار باید از دست بدهد - خدا از شما می‌خرد و در مقابلش به شما بهشت می‌دهد. این فقط مخصوص ما مسلمانها نیست؛ در ادیان قبل از اسلام هم بوده؛ «وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ» (2)؛ این وعده را خدا در تورات و انجیل و قرآن هم داده است. پس شهادت يك هديه‌ی الهی است. (3)

عزیزان من؛ امیدوار به تقصّل بی انقطاع حضرت حق، و با استمداد از ارواح شهیدانتان، تلاش و همت را دوچندان کنید تا همه بیش از پیش بدانند که شهادت برای ما توفیق الهی و مایه‌ی برکت و عروج برتر است. (4)

3-2. شهادت؛ مفهوم اختصاصی ادیان

شهادت، یکی از مفاهیمی است که فقط در ادیان معنا می‌دهد. هرچند در همه‌ی ملت‌ها و کشورها، اگر کسی در راه هدف‌های ملی کشته شود، به او شهید می‌گویند و همه‌ی کشورهایی که امروز نام و آوازه‌ای دارند و تاریخی پشت سر آنها است، کسانی را به عنوان شهید در میان خودشان می‌شناسند و به آنها افتخار می‌کنند و یاد آنها را گرامی میدارند و اینها کسانی هستند که در برهه‌ای از تاریخ آن کشور و ملت، در راه هدف‌های ملی یا حفظ استقلال

ص: 9

-
- 1- . سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی 111، ترجمه: «در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و میکشند و کشته میشوند...»
 - 2- . همان، ترجمه: «... [این] به عنوان وعده‌ی حقی در تورات و انجیل و قرآن برعهده‌ی او است.»
 - 3- . در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان کرمان 1384/2/12
 - 4- . پیام تسلیت در پی عروج ملکوتی شهدای جهاد خودکفایی سپاه پاسداران 1390/8/25

ملی، جنگ کردند و کشته شدند؛ اما در حقیقت نام و معنای شهید، در جایی صادق میباید که دین موجود است. (1)

4-2. مرگ زیرک ترین انسانها

شهید، جانش را فروخته و در مقابل آن، بهشت و رضای الهی را گرفته است که بالاترین دستاوردها است. به شهادت در راه خدا، از این منظر نگاه کنیم. شهادت، مرگ انسانهای زیرک و هوشیار است که نمیگذارند این جان، مفت از دستشان برود و در مقابل، چیزی عایدشان نشود. این جان، سرمایه اصلی ما است. مردن و شهادت، پیری و جوانی نمیفهمد. بسیاری هستند که در راه خدا هم کشته نمیشوند، اما در جوانی میمیرند. چقدر جوانان هستند که میمیرند و در حقیقت جانشان از دست رفته است. اگر در راه خدا حرکت نکنند، اگر مسیر آنها الهی نباشد و مرگشان در راه خدا و هجرت و جهاد فی سبیل الله نباشد، متاع عمر - که بسیار عزیز است - از دستشان خواهد رفت و در مقابلش، چیزی عایدشان نمیشود. البته، اگر بازماندگان آنها صبر کنند، خدای متعال به آنها اجر خواهد داد؛ اما خود آن مرده، در مقابل جانش که از او گرفته شده است، چیزی به دست نخواهد آورد. (2)

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (3)؛ این جان را خدای متعال با بهشت معامله میکند. «فلا تبيعوها بغيرها» (4)، مبادا این جان با ارزش

ص: 10

1- . در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه ی پاکستان 1368/5/25

2- . در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه ی پاکستان 1368/5/25

3- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 111

4- . «إِنَّ أَبْدَانَكُمْ لَيْسَ لَهَا ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا بغيرها؛ ترجمه: «برای شما قیمتی جز بهشت نیست؛ پس خود را به غیر آن نفروشید.»،

اصول کافی، ج 1، ص 19

انسانی را به غیر بهشت بفروشید. ارزش جان شما بهشت است. جان شما ارزشی به قدر بهشت دارد. آنچه که برای يك انسان اهميت دارد، این است؛ موقّیت در این دنیا، چشم انداز خوب و در نهایت چشم انداز رضوان الهی و بهشت الهی است. این با مجاهدت به دست می آید، با صبر به دست می آید، با پرهیزکاری و پاك دامنی به دست می آید و با تلاش خستگی ناپذیر به دست می آید. در مقابل چالشهایی که دشمن آفریده، انسان سختی هایی را تحمل میکند؛ اما قرآن به ما میگوید از این سختی ها نترسید: «إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ»؛ اگر شما از ناحیه ی آسیب دشمن رنجی را تحمل میکنید، دشمن هم از ناحیه ی مقاومت، صبر و رشادت شما رنجهایی را تحمل میکند؛ اما با این فرق: «وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ»⁽¹⁾؛ چشم انداز برای شما چشم انداز روشن است، اما برای دشمن نه. مسئله ی شهادت و مسئله ی جهاد در اسلام این است: تلاش از همه سو سود، بدون زیان؛ تلاش صادقانه ای که به زندگی انسان معنا میدهد؛ جهت حرکت انسان را معین میکند؛ چشم انداز آینده ی زندگی را به عنوان يك ملت، چشم انداز روشن و تابناکی میکند و چشم انداز سرنوشت نهایی انسان را به عنوان يك فرد، رضوان الهی قرار میدهد؛ این جهاد و شهادت اسلام است؛ هیچ چیز جای این را نمیکرد.⁽²⁾

مرگ برای همه هست. ما اگر در راه خدا بمیریم، به حسب موازین مادی و ظاهری هم، چیزی از دست نداده ایم. مردن، سرنوشت اجتناب ناپذیر هر يك از ما است. این متاعی است که بالاخره از دست ما خواهد رفت؛ ولی این متاع جان به دوگونه از دست میرود: یکی اینکه آن را گم کنیم

ص: 11

1- . سوره ی نساء، بخشی از آیه ی 104، ترجمه: «.. اگر شما درد میکشید آنان [نیز] همان گونه که شما درد میکشید درد میکشند و حال آنکه شما چیزهایی از خدا امید دارید که آنها امید ندارند.»

2- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران استان سمنان 1385/8/18

و دیگر اینکه آن را بفروشیم. کدام بهتر است؟ آنها که در راه خدا کشته نمیشوند، جانشان را گم کرده اند و در مقابل، چیزی در دست ندارند و آنها که این متاع را در راه خدا میدهند و جانشان را در راه او مصرف میکنند، کسانی هستند که آن را فروخته اند و در عوض چیزی گرفته اند: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (1). (2)

شهادت يك مفهوم عجیبی است، يك مقوله ی عجیبی است، يك مقوله ی عمیقی است. شهادت یعنی معامله ی با خدا، يك معامله ی دوجانبه ی بی دغدغه ی با خدای متعال؛ جنس هم معلوم، بهای جنس هم معلوم. جنس عبارت است از جان. جان یعنی سرمایه ی اصلی هر انسانی در این دنیای مادی؛ این جنس است؛ این را شما تقدیم میکنید؛ در مقابل، چه میگیرید؟ در مقابل، سعادت ابدی و حیات جاودان در برترین نعمتهای الهی را میگیرید. خب، این جنسی که شما در شهادت میدهید، يك جنس ماندگار نیست. این جنس مثل همان یخی است که فروشنده ی یخ، روز تابستان آمده بود یخ را عرضه میکرد، میگفت مردم! این جنس را از من بخرید که اگر نخرید، اصل مایه از دست خواهد رفت؛ این جوری است دیگر. حالاها که داخل خانه ها یخ هست، قدیمها که یخ را از بازار میخریدیم، فروشنده ی یخ این یخ را لای کیسه گونی و مانند اینها نگه میداشت که بماند تا بیایند بخرند. اگر نمیخریدند چه میشد؟ اگر مشتری پیدا نمیشد و یخ را نمیخرید چه میشد؟ یخ آب میشد، از بین میرفت. این مشتری ای که می آید این جنس نابودشدنی را از شما میخرد، خیلی مشتری باارزشی است. این جانی که من و شما داریم، همان یخ است، این دارد ذره ذره [از بین] میرود دیگر؛ مگر این جور نیست؟ ذره ذره دارد تمام

ص: 12

1- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 111

2- . در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه ی پاکستان 1368/5/25

میشود. هر يك روزی که میگذرد، ما به آن سرآمد داریم نزدیک تر میشویم؛ یعنی به قبر داریم نزدیک تر میشویم؛ این دارد روزه روز [از بین] می‌رود. حالا چقدر طول بکشد؟ بعضی‌ها این سرآمدشان چهل سالگی است، بعضی پنجاه سالگی است، بعضی هشتادسالگی است؛ بالا-خره تمام میشود؛ دیر و زود دارد، سوخت و سوز ندارد؛ دارد تمام میشود. حالا [برای] این جنسی که چه شما بفروشی و چه نفروشی بالا-خره تمام خواهد شد، يك مشتری پیدا شده و میگوید من این را از تو میخرم، آن هم به بالاترین قیمت میخرم. آن بالاترین قیمت چیست؟ بهشت... «إِنَّ اللَّهَ إِشَّةٌ تَرَى مِنْ آلَمِ مَنْ يُؤْمِنُ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (1)؛ این جنس را از شما میخرند که به شما بهشت بدهند. «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ» (2)؛ یعنی وقتی شما در راه خدا مجاهدت میکنید، چنین نیست که بروی جانت را دودستی بدهی دست دشمن و بگویی بکش؛ نه آقا! شما هم ضربه میزنی به او. این مرزبان ما که در مرزها به شهادت میرسد، قبلش مبالغ زیادی ضربه به دشمن زده، مانع نفوذ دشمن شده، جلوی توطئه‌ی دشمن را گرفته، جلوی فساد دشمن را گرفته؛ این جوان ما که در دفاع از حرم، در فلان کشور خارجی در مقابل داعش ایستاده و شهید شده، قبل از اینکه شهید بشود، صد ضربه به او زده، جلوی او را گرفته، اهداف او را ناکام کرده، پدر او را درآورده، حالا هم شهید میشود. «فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»؛ هم میکشند، بعد هم خودشان کشته میشوند. «وَعَدَا عَلَيْهِ»؛ این يك وعده‌ی الهی است؛ خدا دارد به شما وعده میدهد. اینکه میگوید از تو میخریم این جنس را به قیمت بهشت؛ بهشت یعنی سعادت ابدی، سعادت که در آنجا دیگر مثل این یخ نیست که لحظه به لحظه آب برود؛ نه، بقای دائمی است، همیشگی است، لذت همیشگی است،

ص: 13

-
- 1- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 111، ترجمه: «در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛...»
- 2- . همان، ترجمه: «... همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و میکشند و کشته میشوند...»

نعمت همیشگی است؛ در مقابل این دارند این جان از بین رفتنی را از شما میخرند و میگیرند؛ این وعده، وعده ی خدا است. این وعده ی حقی است که خدای متعال به شما داده است، مخصوص دین شما هم نیست؛ این وعده را خدا در کتابهای آسمانی قبلی هم داده است: «وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ» (1)؛ شهادت این است. بعد هم میفرماید: «وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ» (2)؛ چه کسی به عهد خود وفاکننده تر است از خدا؟ این وعده وفا میشود. بنابراین شهادت يك مفهوم این جوری است. ظاهرش را که نگاه میکنید، ظاهر دردناکی دارد، تلخی دارد؛ پدر انسان، مادر انسان، همسر انسان، بچه ی انسان، برادر و خواهر انسان، داغدار میشوند، غصه میخورند؛ ظاهرش این است؛ اما باطنش چه؟ باطنش فروش يك جنس ضایع شدنی و خراب شدنی و غیرقابل ماندن به يك قیمت فوق العاده بالا است. بنده از قدیم با دوستان در صحبت و سخنرانی و مانند اینها که صحبت میکردیم میگفتم شهادت، مرگ تاجرانه است؛ یعنی در آن زرنگی هست؛ آنهایی که شهید میشوند، خدای متعال بیشترین لطف را به آنها میکند، بالاترین لطف را به آنها میکند؛ این شهادت است. (3)

2-5. کهنه نشدن شهادت با گذشت زمان

هر چیزی با گذشت زمان کم رنگ و بی اثر میشود و اینان، همچون همه ی شهیدان راه خدا، روزه روز در چشم اهل دل و در متن تاریخ ما، برجسته تر و درخشان تر میگردند. (4)

سنت لایتغیر الهی نگذاشت، که زهرای مرضیه، در پشت حجاب

ص: 14

1- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 111، ترجمه: «... وعده ی حقی در تورات و انجیل و قرآن برعهده ی اوست...»

2- . همان، ترجمه: «... و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟...»

3- . در دیدار خانواده های شهدای مرزبان و مدافع حرم 1396/3/28

4- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا در هفته ی دفاع مقدس 1370/7/4

غلیظ اوهام پنهان بماند؛ و آن ستاره ی درخشان خونین، در گذشت زمان به خورشیدی تابان بدل شد؛ و امروز نام او و یاد مظلومیت او، از همه ی حصارهای کتمان، عبور کرده است و به اعتماد دلها و جانها رسیده است. و این درخشندگی و فزاینده‌گی، ادامه خواهد داشت: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ...» (1) نام و یاد شهیدان عزیز ما نیز، همانند سیّده ی عالمیان، با گذشت زمان نورانی تر و نافذتر خواهد شد. (2)

اگر ده ها سال دیگر هم بگذرد، آنچه باید به عنوان بالاترین ارزشها محسوب بشود، همین ارزش شهادت و فداکاری شهیدان عزیز ما است. زمان، همه چیز را کهنه میکند، مگر خون شهید را. ببینید از زمان شهادت سیّدالشّهداء (علیه الصّلاة و السّلام) قرن‌ها گذشته است؛ اما یاد شهیدان و خون شهیدان، روزبه روز اثرش برجسته تر شده است. (3)

6-2. همراه بودن با تسلاً و آرامش برای بازماندگان

من با خانواده های شهدا زیاد نشست و برخاست کرده ام و میکنم و از شرایط روحی آنان آگاهم. گاهی فقدان يك عزیز مصیبتی است که اگر مرگ او شهادت نبود، تا ابد قابل تسلاً نبود؛ اما خدای متعال در شهادت سرّی قرار داده که هم زخم است و هم مرهم و يك حالت تسلاً و روشنایی به بازماندگان میدهد. من خانواده ی شهیدی را دیدم که فقط همان يك پسر را داشتند و خدای متعال آن پسر را از آنان گرفته بود. البتّه از این قبیل زیاد دیده ام؛ این يك نمونه اش. وقتی انسان عکس آن جوان را هنگامی که با پدرش خداحافظی میکرد که به جبهه برود میدید، با خودش فکر میکرد که «اگر این جوان کشته شود، پدر و مادرش تا ابد خون خواهند گریست.»

ص: 15

1- .سوره ی کوثر، آیه ی 1

2- . پیام به مناسبت بزرگداشت روز شهیدان هفته ی دفاع مقدّس 1377/7/2

3- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای استان لرستان 1370/5/30

یعنی منظره این را نشان میداد. بستگی آن پدر و مادر به آن جوان از این منظره کاملاً مشخص بود. من آن عکس را دارم. آن را بعداً برای من آوردند. من هم آن عکس را قاب شده نگه داشته‌ام. این عکس حال مخصوصی دارد. اما خدای متعال به آن پدر و مادر آرامش و تسلیی بخشیده بود که خود پدرش به من گفت: «من فکر میکردم اگر این بچه کشته شود، من خواهم مرد!» یعنی همان احساسی را که من از مشاهده‌ی آن عکس داشتم ایشان با اظهاراتش تأیید میکرد، میگفت: «ولی خدای متعال دل ما را آرام کرد!» (1)

3. تفاوت درجات شهادتها

3-1. عناصر مؤثر در اختلاف درجات شهادتها

در زمان ما، ارزش شهادت و فداکاری در راه خدا، از بسیاری زمانهای تاریخ اسلام بیشتر است. شهادت، همیشه با ارزش است و فداکاری در راه خدا، همیشه کاری عظیم و ارجمند است، اما همین کار خوب و بزرگ، در برخی از شرایط و در بعضی از زمانها، بزرگ تر و مهم تر و با ارزش تر است. مثلاً در صدر اسلام، فداکاری واقعاً ارزش مضاعف داشت؛ علت هم این بود که در آن دوران، اسلام مثل نهالی بود و اگر فداکاری‌ها نمیبود، شاید دشمنان اسلام این نهال را میکندند. در زمان سیدالشهداء (علیه الصلوة والسلام) آن فداکاری و شهادت بزرگ، ارزش مضاعف داشت؛ چون حقیقتاً در آن روزها محصول زحمات پیامبر (صلی الله علیه وآله) در حال از بین رفتن بود و فداکاری حسین بن علی (علیه السلام) و یاران آن بزرگوار، مانع از چنین کاری شد.

بعضی از زمانها این گونه است که مجاهدت در راه خدا و شهادت در راه او، ارزش مضاعف دارد و دو برابر و چند برابر است. مثلاً يك ظرف آب گوارا که در حالت طبیعی هم با ارزش است، اما در يك تابستان گرم، آن هم برای

ص: 16

انسانی که مدّتی تشنگی کشیده، بخصوص اگر آن انسان بیمار هم بوده و در جایی باشد که آب در آنجا کم است، این يك ظرف آب گوارا چند برابر ارزش پیدا میکند. بنابراین، همه جا قیمت‌ها یکسان نیست، بلکه شرایط متفاوت است. به دلیلی، در زمان ما مجاهدت و فداکاری ارزش مضاعف دارد. این زمان از همان زمانهایی است که اگر کسی در راه خدا جهاد کند و شهید بدهد، با بسیاری از زمانهای دیگر تفاوت دارد. اگر بخواهیم آن علّت و دلیل را به طور خلاصه مطرح کنیم، باید بگوییم علّت این است که امروز دشمنان اسلام، از همیشه ی تاریخ مجهّزترند.

تجهیزاتی که امروز در اختیار دشمنان اسلام است، هیچ وقت در طول تاریخ در اختیار دشمنان اسلام قرار نداشته است. مثلاً در دوره ای از صدر اسلام، خلفای ظالم و غاصب میخواستند نسبت به امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة والسّلام) سم پاشی کرده و در متن جامعه ی اسلامی، علیه امیرالمؤمنین و علیه اسلام ناب و علیه تفسیر صحیح قرآن تبلیغات کنند تا مردم را به راهی که خودشان مایلند، بکشاند. این کار را چگونه انجام میدادند؟ در چه مدّتی و با چه وسایلی باید کسانی را به سرتاسر عالم میفرستادند؟ اینکه در عالم اسلام هرکسی برود جمعیتی را پیدا کند، خطبه ای بخواند، حرفی بزند و مطلبی را که حکام جور میخواهند، در اختیار مردم و اذهان آنان قرار بدهد، کاری مشکل بود. البته، کار مشکل را میکردند؛ اما طبیعتاً توفیقات آنها زیاد نبود. (1)

همه ی شهیدان عزیزند. در همه ی زمانها، شهید ذی قیمت است؛ اما بعضی از شهیدان عزیزترند. شهیدان عزیزتر چه کسانی هستند؟ آن کسانی که در مقاطع حسّاس به داد اسلام رسیدند و خودشان را فدا کردند. اگر این حساب درست باشد، به نظر من شهیدان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، از جمله ی عزیزترین شهدای طول تاریخند. چرا؟ چون

ص: 17

در این زمان، اسلام از همیشه غریب تر شد. دشمنان اسلام، ابرقدرت ها و مستکبران، دنیاطلبان و وحشی صفتان، در طول سالهای متمادی به جان اسلام و مسلمین افتادند؛ همه ی ابزارها را برای کوبیدن اسلام به کار بردند؛ چه پولها خرج کردند، چه نقشه ها کشیدند، و در طول سالهای استعمار، چه لطماتی بر ملت‌های مسلمان وارد کردند. در چنین روزگار غربتی بود که انقلاب بزرگ ما و رهبر عظیم الشان و ملت بزرگوارمان به پاخواستند. این جوانان و فرزندان و عزیزان شما که در جبهه ها و پشت جبهه ها به شهادت رسیدند، در مقابل همه ی قدرتهای ظالم عالم قد علم کرده بودند؛ این شوخی نیست. (1)

امروز تجهیزات و قدرت و امکانات دشمنان اسلام برای فشار آوردن روی مسلمانها و طرف داران اسلام، با گذشته خیلی تفاوت کرده است. حالا در این شرایط، اگر ملتی برای دفاع از اسلام و برای عظمت دادن به آن قیام کند و در راه اعتلای اسلام مجاهدت نماید و از کسی و چیزی نترسد و در راه این مجاهدت به شهادت برسد، این قیام و مجاهدت و شهادت، از همیشه ی تاریخ باارزش تر است و ملت ایران، بخصوص خانواده های شهدا و عناصر شهید ما، امروز این امتیاز را داشته و دارند که برای اسلامی قیام کردند و خون و شهید دادند که دشمنان این اسلام در سطح عالم، به انواع سلاحها مجهزند. ایستادگی در مقابل دشمنان مقتدر مسلط زورگوی ظالم پرروی گستاخ، کار بسیار بزرگ و باعظمتی است. این، همان کاری است که مردم ما کردند و عظمت ملت ما به خاطر همین شهادت جوانان شما و شجاعت فرزندانتان بود. (2)

در حادثه ی کربلا، اصل قضایا و لیباب اسلام که همه آن را قبول داشتند، یعنی خود حسین بن علی، درون حادثه است و بنا است شهید

ص: 18

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای استان لرستان 1370/5/30

2- . در دیدار با جمع کثیری از جانبازان، خانواده های معظّم شهدا، و... 1368/8/24

شود و این را خود او هم میدانند، اصحاب نزدیک او هم میدانند؛ هیچ امیدی به هیچ جا در سطح این دنیای بزرگ و این کشور اسلامی عریض و طویل ندارند؛ غریب محضند... هرچه بود در همین میدان کربلا بود و بس! همه ی امیدها خلاصه شده بود در همین جمع و این جمع هم دل به شهادت داده بود. بعد از کشته شدن هم بر حسب موازین ظاهری، کسی برای آنها يك فاتحه نمیگرفت. یزید بر همه جا مسلط بود. حتی زنان آنها را به اسارت میبردند و به بچه هایشان هم رحم نمیکردند. فداکاری در این میدان، بسیار سخت است. «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله» (1). اگر آن ایمان و آن اخلاص و آن نور خدایی در وجود حسین بن علی نمیدرخشید که آن عده ی معدود مؤمنین را گرم کند، اصلاً چنین حادثه ای امکان تحقق نداشت. ببینید این حادثه چقدر با عظمت است! (2)

سلام خدا بر مجاهدین فی سبیل الله؛ آنان که شرف جهاد را با فضیلت علم به هم آمیخته و مصداق عالم عامل شدند. تاریخ شکوهمند روحانیت شیعه، هرچند که در همه ی دورانهای پُرحماسه ی عُمر تشیع سرفراز، با فداکاری ها و مجاهدات خونین همراه است، اما آنان که در این عصر - که عصر پیکار سرنوشت ساز ارزشهای الهی با تهاجم شیطانهای زر و زور جهانی است - توانستند ردای سرخ جهاد و شهادت را بر قامت رسای حوزه ی روحانیت شیعی بیفکنند و اسوه ی قتال فی سبیل الله شوند، از ارزش مضاعف برخوردارند. حضور در صحنه های جهاد و شهادت، جامعه ی روحانیت را بها و رونقی الهی میبخشد و سلاح بلاغ و تعلیم آنان را بُرا میسازد. روحانیون مجاهد فی سبیل الله، حق حیات بر گردن حوزه های علمی تشیع دارند. (3)

ص: 19

-
- 1- . معالی السبطين، ج 2، ص 10
 - 2- . بیانات به مناسب روز پاسدار، در جمع هزاران تن از اعضای سپاه پاسداران و یگان ویژه ی نیروی انتظامی 1372/10/26
 - 3- . پیام به روحانیون رزمنده 1368/10/1

تصادفاً ممکن است در خیابان که راه می‌رویم، حادثه‌ای پیش بیاید، یا ماشینی به ما بزند، یا بمبی جلوی پای ما منفجر بشود؛ اسمش هم در عرف معمولی، شهید خواهد بود؛ اگر این کار، به وسیله‌ی دشمن انجام بگیرد. اما این، غیر از آن فداکاری است. این شهید، با آن شهیدی که از جوانی و لذات و زن و زندگی و فرزند و پدر و مادر و آب سرد تابستان و کرسی گرم زمستانش میگذشت و در برفها روی کوه‌های گرده‌رش، یا در گرماهای جنوب خوزستان، زمستان و تابستان را میگذرانید و به استقبال مرگ - که در هر قدمی، زیر پا و سر راه او کمین کرده بود - میرفت و بالاخره هم به شهادت میرسید، خیلی تفاوت دارد. آن فداکاری، چیزی است که به تمرین و نگه داشتن احتیاج دارد. این هم نکته‌ی دیگری است که جوانان باید بدانند. (1)

ارزش شهدای کربلا به این است که از حریم حق در سخت‌ترین شرایطی که ممکن است انسان تصورش را بکند، دفاع کردند. انسان حاضر است در یک جنگ بزرگ و مغلوبه‌برود و احیاناً در حرارت جنگ کُشته هم بشود - که البته مقام خیلی والایی است، همه هم حاضر نیستند، شهدا و مجاهدان فی سبیل الله معدودند؛ در زمان ما هم بحمدالله شهدای برجسته‌ای داشته‌ایم - اما شهید شدن این طوری در آن میدان جنگ، با شهید شدن در صحنه‌ی کربلا، با آن غربت، با آن فشار، با آن تشنگی، با آن تهدید به اذیت و آزار کسان انسان، خیلی تفاوت دارد. انسان خیلی اوقات میگوید من حاضر در این میدان جانم را بدهم، اما چه کار کنم، بچه‌ام دارد از گرسنگی یا از بی‌درویی میمیرد؛ این میشود یک بهانه برای انسان. انسان گاهی ملاحظه‌ی ناموس خودش را بیشتر از جانش میکند؛ ملاحظه‌ی بچه‌ی شیرخوارش را بیشتر از جانش میکند. انسان در این

ص: 20

میدان برود، بچه ی شیرخوارش هم باشد، زنش هم باشد، مادرش هم باشد، ناموسش هم باشد، همه ی اینها هم در معرض خطر قرار بگیرند و پایش نلرزد!⁽¹⁾

2-3. مراتب و مقامات شهیدان

ما در تاریخ، زندگی شهدای گران قدر زمان پیامبر را که مطالعه می‌کردیم - حنظله ی غسیل الملائكة را، حمزه را، آن دو برادر شجاع جنگ احد را، و دیگران و دیگران را - تعجب می‌کردیم؛ اما این جوانان ما، هزاران حمزه ی سیدالشهداء و هزاران حنظله ی غسیل الملائكة را به ما نشان دادند؛ به چشم خودمان آنها را دیدیم و عظمت آنها را درک کردیم. جانبازان و آزادگان و مفقودان غریب عزیزمان هم مثل آنها هستند.⁽²⁾

من مکرر عرض کرده ام شهدای زمان ما، با شهدای بدر، با شهدای حنین، با شهدای احد، با شهدای صفین، با شهدای جمل قابل مقایسه هستند و از بسیاری از آنها بالاترند؛ اما با شهدای کربلا، نه! هیچ کس با شهدای کربلا، قابل مقایسه نیست. نه امروز، نه دیروز، نه از اول اسلام و نه تا آن زمانی که خدای متعال بداند و بخواهد. آن شهدا ممتازند؛ و نظیری دیگر برای علی اکبر و حبيب بن مظاهر نمیشود پیدا کرد.⁽³⁾

یکی از بزرگ ترین نعمتهای الهی بر جامعه ی اسلامی ما، وجود مردان شجاع و جوانان فداکاری است که از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، در مقابل دشمنان انقلاب سینه سپر کرده اند و با جان و خون خود، اسلام و انقلاب و راه خدا را نصرت بخشیده اند. بعضی از این عزیزان، در

ص: 21

1- . در سالروز ولادت حضرت فاطمه ی زهرا (س) 5/1384/5

2- . در دیدار خانواده های شهدای استان بوشهر 1370/10/11

3- . به مناسب روز پاسدار، در جمع هزاران تن از اعضای سپاه پاسداران و یگان ویژه ی نیروی انتظامی 1372/10/26

راه خدا به شهادت رسیدند و به درجات و نعم غیرمتناهی الهی بر شهیدان فائز شدند و به عنوان سند افتخاری برای ایران و اسلام و انقلاب اسلامی و مایه ی آبرویی برای امام و رهبر راحل عظیم الشان ما، اسم آنها در تاریخ ثبت شد.

اگر ما بخواهیم شهدای جلیل القدر را در میزان ارزشهای اسلام میسنجیم، بدون شك در عداد شهدای صدر اسلام قرار دارند، و شاید در مواردی از آنها برترند؛ چون شهدای صدر اسلام، در کنار نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) حضور داشتند؛ نفس وحی را از پیامبر بزرگوار میشنیدند و لمس میکردند، اما شهدای زمان ما، بدون اینکه امام معصوم و نبی مکرم را مشاهده بکنند، با دعوت امام بزرگوار و راحل ما (رضوان الله تعالی علیه) و به اشاره ی آن نایب برحق معصومین (علیهم السلام)، در جبهه های خطر حضور پیدا کردند و نقش يك مجاهد فی سبیل الله را به بهترین وجهی ایفا نمودند. (1)

شهدای ما و ایثارگران ما در دوران دفاع مقدس و قبل از آن و بعد از آن تا امروز و همچنین خانواده هایشان، در طول تاریخ اسلام، بعد از شهدای کربلا، نظیر ندارند؛ اینها حقیقتاً برجستگی های خودشان را نشان دادند و همه ی چیزهایی را که برای ما مثل افسانه به حساب می آمد - باور میکردیم، اما شبیه افسانه بود - اینها تحقق بخشیدند و به آن واقعیت دادند. (2)

4. علمداران کاروان شهادت

4-1. پیامبران الهی

انبیا کارشان مسئله گویی فقط نبود. اگر انبیا فقط به این اکتفا میکردند که حلال و حرامی را برای مردم بیان کنند، اینکه مشکلی وجود نداشت؛

ص: 22

1- . در دیدار خانواده های شهدای استان بوشهر 1370/10/11

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای استان همدان 1383/4/16

کسی با اینها در نمی افتاد. در این آیات شریفه ای که این قاری محترم با صوت خوش و با تجوید خوب در اینجا تلاوت کردند: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (1)؛ این چه تبلیغی است که خشیت از مردم در او مندرج است که انسان باید از مردم نترسد در حال این تبلیغ. اگر فقط بیان چند حکم شرعی بود که ترس موردی نداشت که خدای متعال تمجید کند که از مردم نمیترسند؛ از غیر خدا نمیترسند. این تجربه های دشواری که انبیای الهی در طول عمر مبارک خودشان متحمل شدند، برای کی بود؟ چه کار میکردند؟ «وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَل مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا» (2)؛ چی بود این رسالتی که باید برایش جنگید؟ باید جنود الله را برای او بسیج کرد، پیش برد؛ فقط گفتن چند جمله ی حلال و حرام و گفتن چند مسئله است؟! انبیا برای اقامه ی حق، برای اقامه ی عدل، برای مبارزه ی با ظلم، برای مبارزه ی با فساد قیام کردند، برای شکستن طاغوتها قیام کردند. طاغوت آن بتی نیست که به فلاں دیوار یا در آن زمان به کعبه آویزان میکردند؛ او که چیزی نیست که طغیان بخواهد بکند. طاغوت آن انسان طغیانگری است که به پشتوانه ی آن بت، بت وجود خود را بر مردم تحمیل میکند. طاغوت، فرعون است؛ «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ» (3)؛ این، طاغوت است. با اینها جنگیدند، با اینها مبارزه کردند، جان خودشان را کف دست گذاشتند، در مقابل ظلم ساکت نشستند، در مقابل زورگویی ساکت نشستند، در

ص: 23

- 1- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 39، ترجمه: «... همان کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ میکنند و از او میترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند.»
- 2- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 146، ترجمه: «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند...»
- 3- . سوره ی قصص، بخشی از آیه ی 4، ترجمه: «فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت طبقه ای از آنان را زیون میداشت...»

وقتی که در مرحله ی اول بعثت، بعد از آنی که با گذشت سه سال یا بیشتر - که دعوت پنهانی بود، مخفی بود - پیغمبر توانسته بود سی، چهل نفر را مسلمان بکند، بعد امر الهی آمد که: «فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ. إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ» (2)؛ علنی کن، برو توی میدان، پرچم را به دست بگیر و کار را علنی کن. پیغمبر آمد وسط میدان و قضایایی که شنیده اید. بزرگان و صنایع (3) قریش و زرمندان و زورمندان آن جامعه به خود ترسیدند و لرزیدند. اولین کاری که کردند، تطمیع آن بزرگوار بود. آمدند پیش جناب ابی طالب گفتند که این برادرزاده ی تو اگر ریاست میخواهد، ما ریاست مطلق خودمان را به او میدهیم؛ اگر ثروت میخواهد، آن قدر به او ثروت میدهیم که از همه ی ما ثروتمندتر بشود؛ اگر مایل است پادشاهی کند، ما او را به عنوان پادشاه خودمان انتخاب میکنیم. بگویند از این حرفهایی که میزند، دست بردارد.

جناب ابی طالب که بر جان پیغمبر میترسید و از توطئه ی آنها بیمناک بود، پیش پیغمبر آمد و گفت بزرگان مگه این پیغام را دادند؛ شاید نصیحت کرد، توصیه کرد که حالا شما هم يك خرده ای کوتاه بیایید؛ این ایستادگی به این اندازه دیگر چرا؟ لازم نیست. پیغمبر فرمود: «یا عم! والله لو وضعوا الشمس في يميني والقمر في شمالي لأعرض عن هذا الأمر لا افعله حتي اظهره الله او يذهب بما فيه» (4)؛ عمو جان! اگر خورشید را در دست راست من بگذارند، ماه را در دست چپ من بگذارند، برای اینکه من از این هدف دست بکشم، سوگند به خدا این کار را نمیکنم؛ تا وقتی یا خدا ما را پیروز کند یا همه ی ما از بین برویم.

ص: 24

1- . در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان 1388/2/23

2- . سوره ی حجر، آیات 94 و 95، ترجمه: «پس آنچه را بدان ماموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب. که ما [شر] ریشخندگران را از تو برطرف خواهیم کرد.»

3- . صاحب منصبان

4- . شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید، ج 14، ص 54 (با اندکی تفاوت)

بعد در روایت دارد که «ثم اغرورقت عيناه من الدمع»؛ چشم مبارك پیغمبر لبریز اشک شد و از جا بلند شد. ابوطالب، این ایمان، این استقامت را وقتی که دید، منقلب شد و گفت: «یا ابن اخي اذهب و قل ما احببت»؛ برو هر کاری که می‌خواهی بکن؛ هدفت را دنبال کن. «والله لا أسلمنك بشيء»؛ سوگند به خدا من تو را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم. این ایستادگی، ایستادگی می‌آفریند. این استقامت از پیغمبر، ریشه‌ی استقامت را در ابوطالب مستحکم می‌کند. این پایبندی به هدف، نترسیدن از دشمن، طمع نورزیدن در آنچه که در دست دشمن است، دل‌نستن به امتیازی که دشمن می‌خواهد بدهد در مقابل متوقف کردن این راه، ایستادگی می‌آفریند، آرامش به وجود می‌آورد، اعتماد به راه و به هدف و به خدایی که این هدف متعلق به او است، به وجود می‌آورد.

لذا سی، چهل نفر بیشتر نبودند. همین سی، چهل نفر در مقابل آن همه مشکلات، آن همه دشواری‌ها ایستادند و روزه روز زیاد شدند. روزه روز در مکه میدیدند که با عمّار چه میکنند، با بلال چه معامله‌ای میشود، سمیه و یاسر چه جور زیر شکنجه قرار می‌گیرند و شهید میشوند؛ اینها را میدیدند، درعین حال ایمان می‌آوردند. پیشرفت حق این جوری است. صرفاً در حالت آسایش، در حالت امن و امان، پرچم حق را بلند کردن و پای آن سینه زدن، حق پیش نمی‌رود. حق آن وقتی پیش می‌رود که صاحب حق، پیرو حق، در راه پیشرفت حق از خود استقامت و استحکام نشان بدهد. (1)

2-4. امام حسین

(علیه السلام)

اساس دین با عاشورا پیوند خورده و به برکت عاشورا هم باقی مانده است. اگر فداکاری بزرگ حسین بن علی (علیه السلام) نمی‌بود که این

ص: 25

فداکاری، وجدان تاریخ را بکلی متوجّه و بیدار کرد - در همان قرن اول یا نیمه ی قرن دوّم هجری، بساط اسلام بکلی برچیده میشد. قطعاً این گونه است. اگر کسی اهلِ مراجعه به تاریخ باشد و حقایق تاریخی را ملاحظه کند، این را تصدیق خواهد کرد. چیزی که وجدان جامعه ی اسلامی را در آن زمان برآشفّت و اسوه و الگویی برای بعدی ها شد، همین حادثه ی عجیبی بود که تا آن روز در اسلام سابقه نداشت. البتّه، بعد از آن، نظایر بسیاری پیدا کرد؛ اما هیچ کدام از آن نسخه ها، مطابق اصل نبود. امت اسلام، شهیدان زیادی داد؛ شهدای دسته جمعی داد. اما هیچ کدام به پای حادثه ی عاشورا نرسید. حادثه ی عاشورا، در اوج قلّه ی فداکاری و شهادت باقی ماند و همچنان تا قیامت باقی خواهد ماند. «لا یوم کیومک یا ابا عبد الله». ما شیعیان، از این حادثه، خیلی بهره برده ایم. (1)

روز میلاد حضرت اباعبدالله الحسین (علیه الصّلاة و السّلام) روز باعظمتی است... در این روز کسی متولّد شد که سرنوشت اسلام، به او، به حرکت او، به قیام او، به فداکاری او، به اخلاص او بسته بود. این بزرگوار در تاریخ بشریت، یک حرکتی را - که نظیر و شبیهی ندارد - ارائه ی به تاریخ کرد و در مقابل چشم بشریت گذاشت که هرگز فراموش نخواهد شد؛ الگو است. فداکاری برای هدف الهی، در آن حجم، در آن مقیاس عظیم؛ فداکاری به معنای دادن جان خود، جان عزیزان، اسارت حرم اهل بیت، با آن وضع، با آن فجاعت؛ تحمّل این حادثه ی سخت، برای اینکه اسلام بماند، برای اینکه ظلم ستیزی به عنوان یک اصل در تاریخ اسلام و در تاریخ بشریت به یادگار بماند؛ این چیزی است که دیگر نظیری برای آن نمیشود پیدا کرد. خیلی ها در راه خدا شهید شدند، در رکاب پیغمبر، در رکاب امیرالمؤمنین، در رکاب انبیای الهی، هیچ کدام با حادثه ی کربلا قابل مقایسه نیست. فرق است بین آن کسی که در میان هلله و تحسین یاران و همراهان و به امید

ص: 26

فتح و پیروزی وارد میدان میشود، میجنگد و بعد شهید میشود و به خاک هلاک می افتد - که البته اجر بسیار بالایی دارد - و بین آن جماعتی که در يك دنیای تاریک و ظلمانی، در هنگامی که همه ی سرجنبانان بزرگ دنیای اسلام از همراهی با آنها سر باز میزنند، بلکه آنها را بر این اقدام ملامت هم میکنند، امید یاری از هیچ کس نیست، کسی مثل عبدالله بن عباس آنها را منع میکند، کسی مثل عبدالله بن جعفر آنها را منع میکند، یاران و مخلصان و علاقه مندان در کوفه از همراهی با او سر باز میزنند، تنهای تنها، فقط با تعداد معدودی از یاران مخلص، و با خانواده - با همسر، با خواهر، با خواهرزاده ها، با برادرزاده ها، با جوانان، با فرزند شش ماهه - وارد میدان میشود. این يك حادثه ی عجیبی است؛ يك منظره ی پرشکوهی است در تاریخ که در مقابل چشم بشریت گذاشته شده است. امام حسین (علیه السلام) خود را برای يك چنین روزی آماده میکرد. (1)

سرنوشت آن بزرگوار [امام حسین (علیه السلام)] شهادت بود؛ اما درس او فقط درس راه شهادت نیست. این حرکت، حرکت بابرکتی است، گاهی ممکن است مثل ماجرای حسین بن علی (علیه السلام) منتهی به شهادت بشود، اما این حالت، این روحیه، برای اقامه ی دین خدا و همه ی برکاتی که بر اقامه ی دین خدا مترتب است مفید است. ملت ایران با این روحیه وارد میدان شد، يك بنای ظلم ملی و بین المللی را در ایران ویران کرد، به جای آن بنای اسلامی پایه گذاری کرد. این جور نیست که حالا هرکس راه حسین بن علی را رفت، حتماً آخر کار بایستی به صورت ظاهر، به شکل دنیایی، ناکامی باشد؛ نخیر، این راه را، این درس را در مقابل چشم بشریت گذاشته اند، میگویند اگر دنیا هم میخواهی، اگر عزت هم میخواهی، در این راه است؛ باید حرکت کنی. ملت ایران این را تجربه کرده است؛ این را باید قدر دانست. ملت ایران، حسینی و عاشورایی وارد میدان شد، در

ص: 27

يك انقلاب عظيم و شايد بشود گفت بي نظير در اين سده هاي طولاني كه جلوي چشم ما است - لااقل كم نظير - پيروز شد. (1)

3-4. امام خميني (قدس سره)

... [امام خميني (ره)] سلسله جنبان كاروان شهادت و محبوب دل همه ي شهيدان بود؛ آنكه ياد او به جوانان پاك و نوراني ما نشاط مجاهدت و درس طهارت و نزاهت ميداد و فرشتگان را به مصاف اهريمن صفتان ميكشاند؛ آنكه براي خدا ميگفت و براي خدا عمل ميكرد و براي خدا ميزيست و انسانها را با گفتار و عمل، با خدا آشنا ميكرد. (2)

در گذشته، متأسفانه در کشور ما و بسياری از کشورهای اسلامی ديگر، رسم سرمايه گذاري برای دين و تحمّل مشکلات برای خدا، منسوخ و يا بسيار كم شده بود؛ چه رسد به كشته شدن در راه خدا. يكي از بزرگ ترين خدمات انقلاب و امام به ملت و اسلام، احياء انگيزه ي فداكاري در راه خدا - چه در ايران و چه در ساير کشورهای اسلامی - بود. امروز، نفوس طيبه ي بسياری، حاضر به تلاش و تحمّل زحمت و قبول دردسر و بذل جان برای خدا هستند و مظهر بزرگ آن، همين شهدای عزيز ما هستند كه شما بازماندگان و يادگارهای عزيز آنها هستيد. (3)

5. ملحقان به شهدا

1-5. جانبازان؛ شهدای زنده

شهدا کسانی هستند كه از ديگران شجاعت و دليريِ بيشتری نشان دادند؛ سينه را سپر كردند، از خطر نهراسيدند و به شهادت رسيدند؛ بعضی

ص: 28

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم 1392/3/22

2- . پیام در تجلیل از شهدا و ایثارگران در هشتمین روز از دهه ی مبارکه ی فجر 1368/11/19

3- . در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه ی پاکستان 1368/5/25

به بهشت الهی پُر کشیدند، بعضی هم جانباز شدند؛ در واقع - همان طور که گفته میشود و تعبیر درستی است - اینها شهید زنده اند. (1)

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوَارِثِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْأَنْعَامِ» (2). وعده ی الهی وعده ی درستی است. صف اول، شهیدان ما قرار دارند؛ صف اول، ایثارگران ما قرار دارند - همین جانبازها - اینها پیشوایان ما شدند؛ اینها طلایه داران این جبهه ی حق شدند؛ رفتند باور به شهادت را، باور به معامله ی با خدا را در میدان عمل نشان دادند. (3)

شماها (4) با خدا معامله کردید، و واقعاً باید خطاب به شماها گفت: «فَأَسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ» (5)؛ بشارت باد به شما، با این معامله ای که با خدا کردید... البته من اگر بخواهم قضاوت خودم را عرض بکنم، باید بگویم مسئله ی جانباز هفتاد درصد و جانباز قطع نخاعی گردنی - همین وضعی که شما دارید - مهمتر از مسئله ی شهید شدن است؛ چون شهادت يك بار است و تمام میشود، بعد هم انسان می رود عروج میکند. این وضعی که شما دارید، با قضاوتی که من امروز دارم، این جور به نظر میرسد که وزنه ی این ایثار از آن ایثاری که اسمش شهادت است، سنگین تر است. (6)

اگر ما در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، آبادی کشور، عزت ملت، هر پیشرفتی در طول این 27 سال کردیم، مرهون فداکاری آن کسانی

ص: 29

1- . در دیدار خانواده های شهدای نیروهای مسلح 1380/7/4

2- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 111، ترجمه: «در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا میجنگند و میکشند و کشته میشوند؛ [این] به عنوان وعده ی حقیقی در تورات و انجیل و قرآن برعهده ی او است...»

3- . در دیدار خانواده های شهدا و جانبازان قم 1389/7/28

4- . جانبازان قطع نخاعی

5- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 111

6- . در دیدار جمعی از جانبازان قطع نخاعی 1390/7/6

است که در بحرانی ترین روزها و سخت ترین آزمونها سینه هایشان را سپر کردند و رفتند در مقابل خطر ایستادند؛ هوشیارانه و صبورانه مقاومت کردند و جنگیدند. «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» (1). برترین هایشان آن کسانی بودند که به شهادت رسیدند. شهدای زنده ی ما، این جانبازان عزیز هم در حقیقت شهیدند، اینها برترین هایندها (2).

ص: 30

1- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 23، ترجمه: «... برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند...»

2- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران خراسان 1386/2/27

1-1. ایثار و دل بریدن از عواطف و خواسته های شخصی

شهیدان، دو موضع گیری و دو حرکت زیبا و باشکوه از خودشان نشان دادند که هرکدام پیامی دارد. این دو موضع گیری، یکی در قبال ذات مقدّس ربوبی، در قبال اراده ی الهی، در قبال دین خدا، در قبال بندگان خدا و مصالح آنها است؛ یک موضع گیری هم در مقابل دشمنان خدا است. یعنی اگر شما رفتار و روحیه و موضع شهید را تحلیل کنید، به این دو موضع گیری میرسید. موضع گیری در قبال خدا و بندگان خدا و امر خدا و آنچه که مربوط به ذات مقدّس پروردگار است، عبارت از گذشت است. شهید در قبال خدا، گذشت و ایثار کرده است. ایثار، یعنی ندیدن و به حساب نیاوردن خود. این، اولین موضع گیری شهید است. اگر او خود را به حساب می آورد و در معرض نابودی و خطر قرار نمیداد، به این مقام نمیرسید.

این جوانانی که در جبهه های جنگ، در گرمای خوزستان، در زیر آفتاب 65 درجه حرارت و یا در سرمای کردستان، بر روی کوه های پر از برف رفتند و جان را فدا کردند، همه شان خانه داشتند، زندگی داشتند، پدر و مادر مهربان داشتند، بعضی همسر عزیز و نازنین داشتند، بعضی فرزندان و جگرگوشگان داشتند، آسایش داشتند، آرزو داشتند؛ اما همه را گذاشتند

و رفتند. ما که می‌خواهیم پیام آنها را بگیریم، پیامشان چیست؟ پیام این است که اگر می‌خواهید خدا را از خودتان راضی کنید و وجودتان در راه خدا مفید واقع شود و مقاصد و اهداف عالی ربوبی و الهی درباره‌ی عالم آفرینش تحقق پیدا کند، باید خودتان را در مقابل اهداف الهی ندیده بگیرید. تکلیف مالایطاق هم نیست؛ تا آن جایی که میشود. هر جایی که گروهی از انسانهای مؤمن این کار را کردند، کلمه‌ی خدا پیروز شد. هر جایی هم که بندگان مؤمن خدا پایشان لرزید، بدون بُر و برگرد، کلمه‌ی باطل پیروز شد.

در انقلاب، بندگان مؤمن خدا که این ایثار و گذشت را کردند، انقلاب پیروز شد. کاری شد که هیچ تحلیلگری پیش بینی نمی‌کرد که بشود؛ یعنی اقامه‌ی حکومت اسلام، حکومت دین؛ آن هم در این نقطه‌ی عالم. چه کسی فکر می‌کرد؟ چه کسی باور می‌کرد؟ اما به برکت این حرکت شهیدان و مؤمنان و ایثارگران، این کار نشدنی انجام شد؛ چون جمع برگزیده و گروه قابل توجهی از مؤمنان - نمی‌گوییم همه - خود را نادیده گرفتند. همه باید سعی کنند که جزو این گروه باشند، تا این افتخار متعلق به آنها باشد. هر جایی که این گذشت نبود - مثل آن جاهایی که نیست، مثل در طول تاریخ که نیست، مثل دوران امام حسین (علیه الصّلاه و السّلام) که اکثریت قاطع زیدگان و خواص و مؤمنان شانه خالی کردند و ترسیدند و عقب رفتند - کلمه‌ی باطل پیروز شد، حکومت یزید سر کار آمد، حکومت بنی امیه نود سال سر کار آمد، حکومت بنی عباس پنج، شش قرن سر کار آمد و ماند. به خاطر آنکه این گذشت انجام نشد، مردم چه کشیدند! جوامع اسلامی چه کشیدند! مؤمنین چه کشیدند! صحنه، صحنه‌ی روشنی است. عزیزان من! همه‌ی دوران زندگی ما، جنگ احد است. اگر خوب حرکت کردیم، دشمن شکست خواهد خورد؛ ولی به مجرد اینکه چشممان به غنائم افتاد و دیدیم چهار نفر غنیمت جمع میکنند، ما هم حسودیمان شد، سنگر را رها کردیم و به سمت غنیمت رفتیم، ورق برمیگردد. دیدید که در جنگ احد

فرمانده‌ی الهی‌آشنای با صفحه‌ی حقیقت، با آن دل نورانی، این عده را اینجا گذاشته و گفته است که شما از اینجا تکان نخورید و پاسداران جبهه باشید؛ اما تا چشمشان افتاد و دیدند که چهار نفر آن پایین غنیمت جمع میکنند، پای اینها هم لرزید. البته اگر با تَك آنها صحبت میکردید، میگفتند ما هم بالاخره آدمیم، ما هم دل داریم، ما هم خانه و زندگی میخواهیم. بله؛ اما دیدید که با این تسلیم شدن در مقابل خواسته‌های حقیر بشری، چه اتفاقی افتاد! دندان پیامبر شکست؛ بدن مبارك آن حضرت مجروح شد؛ جبهه‌ی حق مغلوب شد؛ دشمن پیروز گردید و چقدر از بزرگان اسلام شهید شدند. پیام شهیدان این است که تسلیم و سوسه‌ی غنیمت نشوید. پیام آنها به من و شما و همه‌ی کسانی که به این خونهای بناحق ریخته‌ی مطهر احترام میگذارند، همین است. شما نگاه نکن که يك نفر تخلف میکند و سراغ جمع کردن غنیمت رفته است. «لَا يَصْرُفُكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» (1). شما چه کار داری که دیگری گمراه شد؟ شما خودت را نگه دار و حفظ کن. دستور اسلام و پیام خون شهید، این است. آن روزی که همین شهدای عزیز ما در جبهه به شهادت رسیدند، همه که به جبهه نرفتند؛ عده‌ای هم بودند که مشغول کاسبی شدند، عده‌ای هم مشغول پول درآوردن شدند، عده‌ای هم مشغول سوءاستفاده شدند، عده‌ای هم مشغول خیانت شدند. این شهدا، بدون آنکه به آنها اعتنا کنند، رفتند و نتیجه این شد که توانستند نظام اسلامی را حفظ کنند و امروز هرکدام يك ستاره و يك خورشیدند. بنابراین، پیام اول این است که در قبال خدای متعال، در قبال بندگان، در قبال اراده‌ی الهی، باید انسان خود را نشناسد. این پیام را باید بگیریم. عزیزان من! با این حقایق نمیشود شوخی کرد.

ص: 35

1- . سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی 105، ترجمه: «... هرگاه شما هدایت یافتید آن کس که گمراه شده است به شما زبانی نمیرساند.»

این مصیبت‌ها را شما تحمل می‌کنید به خاطر وظیفه‌ی بزرگی که اینها متحمل شدند و قبول کردند. همه حاضر نیستند فداکاری بکنند، آن کسانی که فداکاری می‌کنند برجستگان امتند. از اول هم همین جور بوده است؛ بعضی‌ها به اسلام، به خدا، به پیغمبر عقیده دارند اما حاضر نیستند در دسر قبول کنند، مشکل قبول کنند؛ اینها با کسانی که در راه خدا مجاهدتهای بزرگ و سنگین را تحمل می‌کنند يك جور و یکسان نیستند. (2)

علت اینکه شهیدان عزیز ما هرگز از یاد ملت نمیروند، این است که این سرمایه [یعنی جان خود] را فدا کردند. اهل دنیا نه فقط از جان، از خواسته‌های حقیر هم نمیگذرند. مردان حق، سلحشوران، مدافعان ارزشهای معنوی، حاضرند جان خود را کف دست بگیرند و در این میدان قدم بگذارند. (3)

آنچه را که ما در تاریخ خوانده بودیم، در زمان خود دیدیم. در جنگ، مجروح تشنه‌ای آب را از لبان خود بگیرد و به لبان تشنه‌ی مجروح دیگر برساند و او هم به سومی بدهد و هیچ کدام فرصت پیدا نکنند کام تشنه‌ی خود را در هنگامه‌ی شهادت سیراب کنند و به خاطر ایثار، [همگی] تشنه شهید شوند. هرکس اینها را میخواند، داستانهای تمام شده‌ی تاریخ به حساب می‌آید و فکر نمی‌کرد قابل تکرار باشد؛ اما صدها و هزارها بار این جلوه‌های فضیلت، به وسیله‌ی جوانان پاك و خالص بسیجی در جبهه‌های جنگ تکرار شد. (4)

ص: 36

1- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا 1376/2/17

2- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم 1395/1/8

3- . در دانشکده‌ی علوم دریایی نوشهر 1388/7/14

4- . در جمع 110 هزار نفر از نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون 1380/8/21

قیام عظیم ملت ایران که مراحل عملی آن پانزده سال طول کشید، هم ریشه هایش بیشتر از پانزده سال بود و هم فداکاری ها و شهید دادن ها و گذشتهایش. در این انقلاب، چقدر گذشت شد! مگر شوخی است؟! مگر گذشت کار آسانی است؟! شما اگر در صف اتوبوس ایستاده باشید و جایتان را به کس دیگری بدهید، میگویید: «من گذشت کردم.» هم خودتان خوشحالید و هم دیگران به خاطر این گذشت به شما «آفرین» میگویند. گذشت این قدر مهم است. حتی در حد بخشیدن جای خود در صف اتوبوس به دیگری که ظاهراً کار مهمی هم نیست. بالاخره، یک ربع بعد از آن، اتوبوس دیگری از راه میرسد و شما میروید. آن وقت ببینید گذشت از جان، گذشت از عزیزان و گذشت از همه ی زیورهای حیات مادی، چقدر اهمیت دارد! اینها مگر شوخی است؟! (1)

آن چیزی که در کشور ایران واقع شد و بلاشک در همه ی ادوار تاریخ این کشور - تا آنجا که ما خوانده ایم و دیده ایم - سابقه ای ندارد، ایستادگی و فداکاری عمومی و یکپارچه ی مردم در راه خدا بود که در مقابل تجاوز و نامردمی دشمنان صورت گرفت. نقطه ی اوج این حادثه ی استثنائی و بی نظیر، همان حرکت درخشانی بود که از ستارگان آسمان انسانیت زمان ما - یعنی همین شهیدان عزیز ما - سر زد. این جوانانی که این طور با شور و شوق، بدون اینکه به آرزوها و شهوات جوانی کمترین اعتنائی بکنند، به جبهه ها رفتند و حقیقتاً با عشق و محبت الهی جان دادند، به نظر بنده این برجستگان زمان ما، از صدر اسلام به بعد، در هیچ یک از دوره ها، از لحاظ کمیت و کیفیت نظیر ندارند. (2)

شهدای عزیز ما و ایثارگران ما کسانی هستند که از همه ی خواسته های شخصی خود دل بردند. این به زبان آسان است. فقط دل بردن از پول

ص: 37

1- . در دیدار ارتشیان، به مناسبت روز ارتش 1373/1/24

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای قم 1370/11/30

و مال و سرمایه نیست؛ دل بریدن از عواطف است. شهید از مهر مادر، از سایه ی پدر، از لبخند کودک، از عشق همسر، دل میبرد و به سوی انجام وظیفه حرکت میکند. (1)

راز بزرگ پیروزی در همه ی میدانها، از خودگذشتگی است و انسانهای از خودگذشته و فداکارند که ملتهای خود را به اوج شکوه و عظمت میرسانند. رها شدن از تعلقات حقیر مادی است که چنین انسانهایی را به آن چنان توانایی شگفت انگیز میرساند و قدرت فرامادی به آنان میبخشد. (2)

از خود گذشتن، کلمه ی سهل و ممتنعی است. بعضی میگویند: «ما که حاضریم در گرماگرم جبهه ی جنگ برویم بجنگیم و کشته بشویم.» میگویند این، از خود گذشتن است؛ لیکن این طور نیست. از خود گذشتن، اولاً - خیلی مشکل تر از این حرفها است؛ ثانیاً از همین الان و از همین لحظه شروع میشود. از خودگذشتگی، از همین احساسی که در ذهن من و شما است، شروع میشود، تا به آن جایی میرسد که انسان در میدان جنگ بتواند از جان خود هم بگذرد.

قدم اول، گذشتن از يك چیز کمتر از جان، از يك چیز كوچك، از يك نام، از يك نشان، از يك احترام، از يك ارزش مادی، از يك خانه ی خوب، از يك ماشین، از يك پول است. اگر توانستیم از اینها بگذریم، از جان هم راحت میتوانیم بگذریم. این طور نیست که کسی در بند غرایز خود - چه غریزه ی شهوانی و چه غرایز دیگر زندگی - که انسان را مثل پر کاهی به این طرف و آن طرف میکشاند، اسیر باشد، بعد با خودش فکر کند و بگوید، ما که حاضریم جانمان را در راه خدا بدهیم! این طوری نیست؛ خیال میکنیم. (3)

ص: 38

1- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی 1391/7/22

2- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران 1391/7/6

3- . در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران سپاه و کمیته ی انقلاب اسلامی، و... در سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار

1369/11/29

دفاع هشت ساله ی ملت ایران مجموعه ی درهم تنیده ای از عظمتها و جلوه های جلال و جمالی است که يك ملت میتواند در نمایشگاه زندگی تاریخی خود به نمایش بگذارد. ولی شهید و شهادت، آن نگین درخشان و خیره کننده ای است که در این مجموعه ی شگفت آور، برجسته تر و گران بهاتر از هر پدیده ی دیگر به چشم می آید. این برجستگی، محصول فداکاری مخلصانه ی انسانی است که خود و همه ی شئون حیات مادی را در برابر رضای الهی نادیده انگاشته و همه چیز را نثار این راه پرافتخار کرده است. خانواده های شهیدان، پدران، مادران، همسران، فرزندان و دیگر دل بستگان شهید نیز هر يك سهمی از این افتخار و عزت معنوی را به دست آورده اند. سلام خدا و فرشتگان و بندگان صالح بر این برجستگان جوامع بشری باد. (1)

سلامی بر آمده از اعماق جان و درودی به لطافت روح فرشتگان بر ارواح مطهر شهیدانی که رضای خدا و اجابت دعوت بنده ی برگزیده اش و دفاع از میهن اسلامی و کیان حکومت قرآنی را بر زندگی و لذت دو روزه ی دنیا ترجیح دادند و جان برکف، به میدان مجاهدت روانه شدند و سرازپانشناخته، در راه جهاد مقدس به بهشت شهادت پای نهادند و سعادت ابدی را به چنگ آوردند. امروز استقلال و عزت ایران رهین آن مجاهدتهاست. (2)

2-1. اخلاص و حرکت فی سبیل الله

اگر کسی در میدان جهاد فی سبیل الله دنبال يك خواسته ی شخصی برود، دنبال غنیمت برود و کشته شود، شهید فی سبیل الله نیست. شرط شهادت و شرط مجاهد فی سبیل الله بودن این است که حرکت او

ص: 39

1- . پیام به مناسبت هفته ی دفاع مقدس و روز تجلیل از شهیدان و ایثارگران 1393/7/3

2- . پیام به مناسبت روز ایثار و شهادت 1372/11/14

فی سبیل الله باشد، لله باشد؛ یعنی اخلاص داشته باشد. (1)

انقلاب ما که پیروز شد، به برکت صفا و خلوص و اخلاص و کار برای خدا و بلند شدن از سر منافع مادی و شخصی بود. مقاومت در جنگ تحمیلی هم همین طور بود. این شهدای عزیز ما، یا این جانبازان، در اوج صفا و اخلاص، به استقبال شهادت رفتند و شهید شدند و همین شهادت‌ها و مقاومت‌ها و به استقبال خطر رفتن‌ها بود که انقلاب را حفظ کرد، اسلام را عزیز کرد، مسلمین را قوی کرد و دشمنان اسلام و آمریکا را خوار نمود. (2)

اثر آن خون بناحق ریخته [خون حسین بن علی (علیه الصلاة والسلام)]، يك اثر ماندگار در تاریخ است؛ چون شهید - کسی که جان خود را در طبق اخلاص میگذارد و تقدیم اهداف عالی‌ی دین میکند - از صفا و صدق برخوردار است. انسان مزور و خدعه‌گر، هرچه هم که در زبان و بیان بتواند خود را طرف دار حق نشان دهد، وقتی پای منافع شخصی، بخصوص پای جان خود و عزیزانش به میان آمد، پا عقب میکشد و حاضر نیست آنها را فدا کند. آن کسی که قدم در میدان فداکاری میگذارد و خالصانه و مخلصانه هستی خود را در راه خدا میدهد: «حَقَّ عَلَيَّ اللَّهُ»؛ خودِ خدای متعال برعهده گرفته است که زنده اش نگه بدارد. «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ» (3)، «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا» (4)؛ کشته شدگان راه خدا زنده میمانند. يك بعد زنده ماندن آنها همین است که نشانه‌ی آنها، جای پای آنها و پرچم آنها هرگز نمیخوابد. ممکن است چند صباحی با زور و عنف

ص: 40

- 1- . در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم 1389/8/2
- 2- . در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها و اقشار مختلف مردم 1369/5/24
- 3- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 154، ترجمه: «و کسانی را که در راه خدا کشته میشوند مرده نخوانید...»
- 4- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 169، ترجمه: «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار...»

و با دخالت قدرتهای زورگو، نشانه های آنها کم رنگ شود، اما خدای متعال طبیعت را این طور قرار داده است، سنت الهی بر این است که راه پاکان و صالحان و مخلصان بماند. اخلاص چیز عجیبی است؛ لذاست که به برکت حسین بن علی (علیه الصّلاة والسّلام) و خون بناحق ریخته ی آن بزرگوار و اصحابش، دین در عالم باقی ماند؛ بعد از آن هم این رشته ادامه پیدا کرد. (1)

وجود مقدّس سیدالشّهداء (علیه السّلام)، اگر چه بیشتر با بُعد جهاد و شهادت معروف شده، لیکن آن بزرگوار در حقیقت مظهر انسان کامل و عبد خالص و مخلص و مخلص برای خدا است. اساساً جهاد واقعی و شهادت در راه خدا، جز با مقدمه ای از همین اخلاصها و توجّه ها و جز با حرکت به سمت «انقطاع الی الله» حاصل نمیشود. در این مناجات شعباتیّه ی عالیّه المضامین میفرماید: «الهي هب لي كمال الانقطاع اليك» (2)؛ این کمال انقطاع به سوی خدا و از همه چیز گسستن و همه ی قیود و دنباله ها را در جهت حرکت به سمت محبوب واقعی بریدن و به آن سمت پرواز کردن، چگونه برای انسان حاصل میشود؟ شهادت که قلّه ی فداکاری يك انسان است، بدون حرکت به سمت انقطاع و بدون تلاش و مجاهدت برای ایجاد «انقطاع الی الله»، برای انسان به وجود نمی آید. هرگاه انسان تلاشی انجام داد و قدم اول را با همّت و عزم و اراده برداشت، آن وقت خدای متعال راه را باز میکند و قدمها یکی پس از دیگری، به سمت نورانی شدن دل و پُر نور شدن وجود انسان برداشته میشود. (3)

يك روز پس از اعلام پذیرش قطعنامه، واقعاً يك غمی بر دل من مستولی شد؛ احساس می‌کردم يك در بزرگی به روی همه باز بود که افراد با میل خودشان میرفتند و از آن در وارد میشدند، حال این در بسته شد و بقیّه

ص: 41

-
- 1- . در دیدار علما و روحانیون و مبلغان در آستانه ی ماه محرم الحرام 1378/1/23
 - 2- . الاقبال، ج 3، ص 299
 - 3- . در دیدار با جمع کثیری از پاسداران، در سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار 1368/12/10

پشت این در ماندند. تصوّر نمیشد که باب شهادت مفتوح بماند. بندگان خالص خدا در این مدّت، عدّه ای شان به آرزویشان رسیدند و به شهادت رسیدند.⁽¹⁾

3-1. برخورداری از ایمان، تقوا و قدرت معنوی

پرورش نسلی از انسانهای صالح و پاک دامن و بلندنظر و بزرگ اندیش که نور ایمان و تقوا از ناصیه ی مطهرشان ساطع و دل صاف و ناآلوده شان به شعاع معرفت، روشن بود و جهاد آگاهانه شان در راه خدا و زمزمه ی عارفانه شان در نیمه شب ها، یاران امام حسین (علیه السلام) را به یاد می آورد، بی شک بزرگ ترین رمز انقلاب و پیشوای عظیم الشّأن حضرت امام خمینی (قدّس الله روحه) بوده است. و همینها بودند که به فرمان امام محبوبشان صفوف پولادین و استوار خود را در برابر سهمگین ترین خطراتی که انقلاب را تهدید میکرد، آراستند و انقلاب و نظام اسلامی را باذن الله حراست کردند. جمعی از آنان شربت گوارای شهادت فی سبیل الله را نوشیدند و جمعی کثیر، هستند و خواهند بود و از ودیعه ی الهی همچنان دفاع خواهند کرد.⁽²⁾

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ی نهج البلاغه میفرماید: «إنّ الجهاد باب من أبواب الجنة»⁽³⁾؛ جهاد، مجاهدت در راه خدا يك دری از درهای بهشت است. چه کسی است که دلش نخواهد برود بهشت؟ چه کسی است که آرزو نداشته باشد به رضوان الهی و نعمت الهی دست پیدا کند؟ امیرالمؤمنین میفرماید: «یکی از درهای بهشت جهاد در راه خدا است»؛ آن وقت از آن درهای معمولی هم نیست؛ «لها ثمانية أبواب»؛ بهشت هشت در دارد، خصوصیت این «در» این است که میفرماید: «فتحه الله لخاصة //

ص: 42

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1394/8/3

2- . پیام به خانواده های معظّم شهدا در هفتمین روز دهه ی فجر 1369/11/18

3- . نهج البلاغه، خطبه ی «فضل الجهاد»

// اولیائے»؛ این در جهاد در راه خدا را خدای متعال برای اولیای ویژه ی خود باز کرده. حالا فرزندان شما، همسران شما، پدران شما، که رفتند شهید شدند، اینها مشمول این عبارت امیرالمؤمنین هستند: «خاصّة اولیائے». حدس میزدید که پسر شما یا شوهر شما، یا فرزند شما، [یا] پدر شما وقتی زنده بود از اولیای خدا باشد؟ این را هیچ احتمال میدادید؟ آن هم از خواصّ اولیای خدا، «خاصّة اولیائے»؛ اما از خاصّه ی اولیای خدا بود که رفت در این راه و به شهادت رسید. (1)

نمیشود گفت معجزه ی فاو و شلمچه با نیروی آتش و ابزارهای جنگی به دست آمد؛ با شهادت طلبی، با عزم راسخ، با قدرت اراده ی انسانی، با اتکاء به خدا، با ایمان و تلفیق اینها با امکاناتی که رزمندگان در اختیار داشتند، به وجود آمد. امروز ملت ایران و نیروهای مسلّح - ارتش و سپاه پاسداران و بسیج - آماده اند نیروها و امکانات مادّی خود را با پشتوانه ی این نیروی معنوی، این ایمان و این اراده، در هر جایی که لازم باشد و در مقابل هر دشمنی که در مقابل نظام جمهوری اسلامی قصد تعرّض و تجاوز داشته باشد، به کار گیرند. پیروزی، متعلّق به چنین قدرت معنوی و اقتدار معنوی است. (2)

اگر شما به جبهه های نبرد خودمان رفته باشید، در شبهای نزدیک به عملیات يك منظره ی عجیبی است. در آنجا - حالا يك مقدار شنیدیم، مقداری هم دیدیم - بسیار بسیار منظره ی شوق انگیزی است. این جوانهای ما، این برادران مخلص، مؤمن، دلهای پاك، صاف و نورانی، وقتی احساس میکنند که به میعاد خودشان با خدا نزدیک شده اند و امکان شهادت و رفتن به جوار الهی برایشان هست، حال عجیبی از دعا، نماز، نماز شب، ذکر، توجّه و حال بسیار گران بها و فاخری دارند؛ بعضی از وصیّت نامه ها

ص: 43

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1393/11/28

2- . در بازدید از دستاوردهای نظامی نیروی هوایی سپاه 1382/4/29

را هم که انسان میخواند، همین موضوع را مشاهده میکند. من چند روز قبل یکی از این وصیت نامه ها را میخواندم، دیدم از نماز شب برادران و دوستانش نقل کرده که این شبها چه حالی است، چه زمزمه و چه ولوله ای در این سنگرها و پشت خاکریزها است! این برای خاطر این است که توجه به خدا در آن حالات که ساعات و روزهای آخر است و انسان احساس میکند که فرصت رو به اتمام است، حالت اقبال دارد؛ به علاوه که شوق لقاء پروردگار برای کسانی که به سوی او حرکت میکنند، وجود دارد و همین حالت، شاید با ابعاد خیلی بالاتر و به شکل مضاعفی، در شب عاشورا در خیام اصحاب اباعبدالله (علیه السلام) وجود داشت. (1)

عزیزان من! لحظه ی جان دادن، ما وارد عالم دیگری میشویم. برای آن روز، خودمان را باید آماده کنیم. همه ی این دنیا، همه ی این ثروتها، همه ی این انرژی هایی که خدای متعال در وجود شما در این عالم به ودیعه گذاشته است، همه ی آنچه که خدا برای بشر خواسته است - حکومت عادلانه، زندگی مرفّه، چه و چه و چه - برای این است که انسان فرصت پیدا کند تا خود را برای نشئه ی آن عالم آماده نماید. خود را آماده کنید، با خدا انس بگیرید، با خداوند مناجات کنید، ذکر بگویید و استغفار کنید. آن وقت انسانهایی که این طور رو به خدا می آورند و دل خود را تطهیر میکنند و از گناه رو برمیگردانند و تصمیم بر عمل خیر میگیرند، موجودات عظیمی هستند که در رویارویی با مشکلات این عالم، میتوانند مقابله کنند. يك نمونه اش، امام بزرگوار ما است؛ نمونه های دیگرش، مؤمنین جامعه ی خود ما هستند؛ این جوانان مؤمن و نستوه، این زنان و مردان، آنهایی که شهید شدند، آنهایی که جانباز شدند، آنهایی که زندانهای سخت دوران اسارت را تحمل کردند، آنهایی که فراق عزیزان را تحمل کردند، آنهایی که سختی های میدان جنگ را تحمل کردند و امروز شما هزار نفر از اینها را

ص: 44

تشییع میکنید. هر يك از اینها، يك نمونه ی ممتاز و عالی هستند که جا دارد هر ملّتی يك نفر از این شهدا را داشته باشد، او را تجلیل کند، او را بزرگ بدارد و الگو قرار دهد. (1)

عزیزان من! در وجود شما، زر ارزشمندی نهفته است که متأسفانه، در موارد بسیاری، این زر، با خاک، با مس و با اشیاء کم قیمت، در هم آمیخته و مخلوط شده است. گنجی است در درون شما که در هم آمیخته با خار و خاشاک است. همه ی زحمت انبیای الهی برای این بود که من و شما بتوانیم آن زر، آن عنصر قیمتی را در وجود خودمان ناب و خالص کنیم و از بوته درآوریم. امتحانها و شدتها در دنیا برای این است. تکلیفهای سخت که خدای متعال به اشخاصی متوجّه میکند، برای این است. مجاهدت در راه خدا، برای این است. شهید، که این قدر در راه خدا ارزش دارد، همه ی ارزشش برای این است که با آن مجاهدت بزرگ و نهادن جان در معرض فدا کردن، توانسته است خود را ناب و خالص کند؛ مثل خالص شدن طلا و بیرون آمدن از بوته. (2)

4-1. آرمان گرایی و جهان بینی الهی

عشق به آرمانهای الهی و اسلامی، همان چیزی [است] که کشته شدن در راه خدا را برای کسی که چنین عشقی را دارد، شیرین میکند؛ نه اینکه آسان میکند، شیرین میکند. پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمود: «یا علی! آن روزی که به تو ضربتی میزنند و این ضربت، به شهادت منتهی خواهد شد، صبر تو چگونه خواهد بود؟» امیرالمؤمنین عرض کرد: «یا رسول الله! این موضع صبر نیست؛ این موضع شکر است.» کسی که در راه خدا به شهادت میرسد، بزرگ ترین شاکر خدا برای این حادثه، خود او است؛

ص: 45

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1375/11/12

2- . خطبه های نماز جمعه 1373/11/14

زیرا که چنین نعمت بزرگی را خدای متعال به او داده است. چه چیزی يك رزمنده، يك جوان و يك انسان را در میدانهای گوناگون، این گونه به روشن بینی میرساند؟ ایمان آگاهانه. (1)

آن افسر جوانی که صاحب زن و دو بچه است و پدر و مادر آرزومندی دارد که دوست میداشتند بچه ی آنها لباس افسری بپوشد و به او نگاه کنند و لذت ببرند، همچنین وسیله ی آسایش و رفاه او در حدّ معقولی فراهم بوده است، به جبهه ی جنگ می رود و فرمانده ی گردان میشود؛ گذشت شب و روز و هفته و ماه را نمیشناسد و به گردوغبار و گرسنگی و تشنگی و جیره ی جنگی فکر نمیکند و همه ی اینها را با آغوش باز میپذیرد. صد بار گلوله ی توپ جلوی پایش، پشت سرش، پشت چادرش و پشت سنگرش منفجر میشود، ولی از حضور در جبهه پشیمان نمیشود و حتی به زندگی راحت در تهران یا شهرستان هم متمایل نمیگردد. بعد هم در يك عملیات که احساس میکند نیروهای او احتیاج به تقویت روحی دارند، بلند میشود و تفنگش را برمیدارد و راه می افتد و در کنار نیروهایش، علیه دشمن میجنگد و همان جا هم به شهادت میرسد. اگر این شخص، آن جهان بینی و آرمان را نداشته باشد، این کار را نمیکند. پدر و مادر او، به جای اینکه گریه کنند و اشک بریزند و پیش من و یا دیگران بروند و گله و شکوه کنند و نوازش بطلبند، مقاوم می ایستند و سینه ی خود را سپر میکنند و در شهادت پسر رشید و جوان و امید زندگی شان، شیرینی پخش میکنند؛ بعد هم میگویند اگر پسرهای دیگری هم داشته باشند، به جبهه میفرستند!

فقط با آرمانهای امام (رضوان الله تعالی علیه) است که چنین افرادی با این گونه جهان بینی و عمل پیدا میشوند و بدون آن اصلاً امکان ندارد. امروز آرمانها و آرزوهای امام، از هر چیز دیگر زنده تر است... ما همان راهی را که آن بزرگوار

ص: 46

رفت، ادامه خواهیم داد؛ زیرا برتر و والاتر و شیرین تر و مقدّس تر و شایسته تر از آرمانهای او سراغ نداریم. (1)

وقتی انسان میدانند که مرگ عبارت از عروج به ملکوت الهی و پیوستن به ارواح اولیا است، چه اهمّیت میدهد که کی این مرگ فرا برسد؟ مرگ برای او، عبور از یک مرحله است؛ «وقت مردن آمد و جستن ز جو» (2)؛ انسان حرکتی از جوی میکند؛ هرچه هست، در یک لحظه است؛ بعد نعیم بی بدیل و بی مثال الهی است؛... اگر کسی این طور فکر نکند، آن گونه خود را عاشقانه در معرض کشته شدن قرار نمیدهد. (3)

5-1. پیشتازی در دین فهمی و دین داری

آن وقتی که خیل بسیجیان، با ایمان و شور و شوق خود، به سمت هدفی در میدان جنگ سرازیر میشدند، هیچ نیرویی نمیتوانست جلوی آنها را بگیرد... در داخل شهرها هم از روز اول انقلاب، این پایگاه های مقاومت، سنگر دفاع از انقلاب و اسلام شد و تا امروز هم همین طور است... همین نیروهای جوان و پُرشور؛ همین جوانانی که در طول تاریخ ما از اول اسلام تا امروز، نظیرشان را به این زیادی در هیچ دوره ای نداشته ایم؛ همین جوانانی که در عین جوانی و شور جوانی، به جای اینکه مثل جوانان بی درد و جوانان معمول همه ی مناطق عالم، دنبال عیش و عشرت و عیّاشی باشند، دنبال احساس تکلیف و خدمت به خلق و تلاش و کار برای آرمانها و هدفها و دفاع از اسلامند؛ همین جوانانی که با قرآن مأنوسند؛ همین جوانانی که نماز و عبادتشان، پدران و مادران پیر را به شگفتی و تعجّب وادار میکند.

ص: 47

1- . در مراسم بیعت نماینده ی امام در ارتش، وزیر دفاع، فرماندهان و پرسنل منتخب نیروهای سه گانه و وزارت دفاع 1368/3/18

2- . مولانا

3- . در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه 1370/11/18

خانه ی هر شهید که پا گذاشتیم، اغلب پدران و مادران آنها گفتند که ما دین را از این جوانمان یاد می‌گرفتیم!

بله، هنر انقلاب این است، و هنر امام این بود. آن بزرگوار، در جامعه ای که دشمن، پنجاه، شصت سال به طور مستقیم و غیر مستقیم روی آن کار کرده بود، تا آن را به لجنزار فساد بکشاند، کار کرد و جوانانش را مثل گل، پاک و پاکیزه تربیت کرد. خود آن بزرگوار فرمود: «این، فتح الفتوح است.» بله، فتح الفتوح امام، ساختن جوانان مؤمن، مخلص، سالم، صادق، بی اعتنای به شهوات و دل‌هایشان متوجه به سمت خدا بود. در طول تاریخ، در این مملکت و یا در سایر ممالک اسلامی، ما چه موقع این قدر جوان خوب و صالح، مثل دوران انقلاب داشتیم؟ (1)

6-1. الگوگیری از معصومین (علیهم السلام)

امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام)، از اول زندگی تا آخر عمر، به خدای متعال فکر کرد و راه خدا را ولو مورد مخالفت همه ی انسانها هم بود بر راه غیر خدا و ضدّ خدا انتخاب کرد. امیرالمؤمنین از قبیل این صفت، ده ها خصلت برجسته دارد؛ این یکی از آنها است....

ما انسانهای چسبیده ی به غذا و خوراک و راحتی و عشرت و زندگی و خانه و جاه و جلال و مقام و قدرت و سایر دل بستگی ها و سرگرمی های بشر در دنیا، نمیتوانیم از میان این حصارها خودمان را خارج کنیم و آن گونه در آن راه حرکت کنیم؛ و نتیجه در دنیا این میشود که مشاهده میکنید. اگر از این روحیه، درخششی در يك انسان به وجود بیاید، همان خواهد شد که شما در جبهه های جنگ دیدید؛ در شهدا دیدید؛... در خانواده ها و پدران و مادران دیدید؛ در طول انقلاب و دوران جنگ تا امروز، در این ملت دیدید و مشاهده کردید که چه هنگامه ای در دنیا به وجود آورد. این، يك

ص: 48

چیز ناقص و کوچک بود؛ قطره ای بود از آنچه که دریای آن در روح بزرگ امیرالمؤمنین وجود داشت. (1)

7-1. عقلانیت و منطق گرایی

نکته ی مهمی که در باب شهیدان ما وجود دارد، این است که شهدای ما اگرچه با بال و پر احساسات پرواز کردند، اما راهنمای آنها عقل و منطق و استدلال بود. برای همین است که حرکت عظیم ایثار، شهادت، جهاد و فداکاری در کشور ما توانست در همه ی اقشار جامعه، در میان برترین فکرها و ذهنها و استعدادها، جای خود را باز کند. اعتقاد من این است که فرزندان شهدا باید به پدران خود افتخار کنند؛ هم از این جهت که اینها نشانه های ایثار و فداکاری و سربلندی و افتخار یک ملتند، هم از این جهت که چشمه های گشوده و جاری شده ی معرفت و شناخت حقیقتند. نباید خیال کرد که جوان و دلاور میدان نبرد و رزم ما از شهر و روستا خود را به میدان جنگ میرسانید و زحمات را تحمل میکرد، فقط به خاطر غلبه ی احساسات. این طور نیست. البته احساسات الهی و اسلامی و انقلابی و معنوی، بسیار مبارک و مغتنم است؛ اما فقط احساسات نبود؛ هدایت عقلانی بود؛ میفهمیدند چه کار میکنند. (2)

8-1. تکلیف گرایی در کنار برنامه ریزی برای رسیدن به نتیجه

این شهدای بزرگ ما، همین شهدای عزیز، همین شهدای نام آور، برادران زین الدین که مادر گرامی شان صحبت کردند و بقیه ی سرداران شهید، روزی که قدم در این میدان گذاشتند، به این تبت نبودند که یک روز نامشان پشت بلندگوهای عظیم این کشور و این دنیا برده شود؛ نه. مثل

ص: 49

1- . در دیدار با اقشار مختلف مردم، در سالروز میلاد باسعادت حضرت علی (ع) 1370/10/29

2- . در دیدار خانواده های شهدای کاشان و آران و بیدگل 1380/8/20

يك انسان معمولی به جبهه رفتند، برای اینکه وظیفه ی خودشان را انجام دهند. هر جا هم احساس کردند که آنجا وظیفه است، به آنجا رفتند. (1)

در دفاع مقدّس و در همه ی جنگهایی که در صدر اسلام، زمان پیغمبر یا بعضی از ائمه (علیهم السّلام) بوده است، کسانی که وارد میدان جهاد میشدند، برای تکلیف هم حرکت میکردند. جهاد فی سبیل الله يك تکلیف بود. در دفاع مقدّس هم همین جور بود؛ ورود در این میدان، با احساس تکلیف بود؛ آن کسانی که وارد میشدند، اغلب احساس تکلیف میکردند. اما آیا این احساس تکلیف، معنایش این بود که به نتیجه نیندیشند؟ راه رسیدن به نتیجه را محاسبه نکنند؟ اتّاق جنگ نداشته باشند؟ برنامه ریزی و تاکتیک و اتّاق فرمان و لشکر و تشکیلات نظامی نداشته باشند؟ این جور نیست. بنابراین تکلیف گرایی هیچ منافاتی ندارد با دنبال نتیجه بودن، و انسان نگاه کند ببیند این نتیجه چگونه به دست می آید، چگونه قابل تحقّق است؛ برای رسیدن به آن نتیجه، بر طبق راه های مشروع و میسر، برنامه ریزی کند. (2)

9-1. خودآگاهی و روشن بینی

در بوستان پُر بار و برکت ایثار و شهادت که فضای ایران اسلامی را آکنده از عطر صفا و معنویّت کرد، لاله زار شهدای دانش آموز دارای جلوه ای ویژه و حال و هوایی بشدّت تأثیرگذار است. نوجوانان و جوانانی که در سپیده دم عمر کوتاه خویش ندای «إِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» (3) را به گوش دل نورانی خویش شنیدند و همچون کبوترانی سبک بال به بهشت رضوان

ص: 50

1- . در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار 1377/9/2

2- . در دیدار دانشجویان 1392/5/6

3- . سوره ی فجر، آیه ی 28، ترجمه: «خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد.»

الهی پرواز کردند. هرگاه در میان ملّتی تفکّر سالم و نجات بخش در سطح وسیع جوانان نورسته گسترش و عمق یابد، فلاح و رستگاری آن جامعه و آن ملّت، محتوم و تخلّف ناپذیر میگردد. (1)

در سال 57 جوانهای ما، نوجوانهای ما، دانش آموزان دبیرستانی ما به عنوان پاك ترین و بی آرایش ترین قشرها توی میدان آمدند و کشته شدند. سیزده آبان روز کشتار دانش آموزان است توی همین خیابانهای تهران. وقتی این نوجوانها و جوانها توی میدان آمدند و فریاد چهارده سال قبل امام را در فضا انعکاس دادند، جلّادان مزدور آمریکا از اینها انتقام گرفتند؛ روی اینها آتش گشودند، خون اینها روی آسفالت خیابانهای تهران ریخت و آن را رنگین کرد. این هم مطلب مهمی است؛ نه فقط به خاطر اینکه تعدادی جوان و نوجوان به شهادت رسیدند - البته این مهم است - بلکه به خاطر این نکته ی مهم تر که حرکت عظیمی که امام در سال 42 و 43 آغاز کرد، آن قدر زنده و باطراوت و بانشاط است که يك عدّه جوان پاکیزه ی دانش آموز را توی میدان می آورد، احساس مسئولیت میکنند، احساس تعهد میکنند و در مقابل سرنیزه ی دستگاه جبار و طاغوت می ایستند. در دنیا این جور چیزی کم نظیر است.

... در دوران دفاع مقدّس هم باز دانش آموزان جزو پیشروان و خطّمقدّم ها محسوب میشدند. شما اگر با خانواده های شهدا تماس بگیرید - من با خیلی از اینها تماس دارم و میبینم - و از آنها پرسید جوازتان چندساله بود، میگویند شانزده ساله، هفده ساله، چهارده ساله. این یعنی چه؟ یعنی احساس تعهد، روحیه ی انقلابی، احساس مسئولیت ناشی از روشن بینی و بصیرت به اینجا رسیده که جوان دانش آموز این ملّت وسط میدان می آید، سینه ی خودش را سپر میکند، از همه ی آرزوهای جوانی اش میگذرد،

ص: 51

1- . پیام به نخستین کنگره ی «راه کربلا» ویژه ی بزرگداشت شهدای انجمنهای اسلامی دانش آموزان 1377/1/24

برای اینکه آرمانهای بزرگ و هدفهای الهی و اسلامی را در جامعه تحقق ببخشد. (1)

هنگامی که به نام دانشجوی شهید میرسیم، این یقین در ما پدید می آید که پذیرش شهادت و اقدام به جهادی که بدان منتهی شده، از سر خود آگاهی و با اراده ی روشن بینانه بوده است، و این ارزش عمل را مضاعف میکند و بدین دلیل است که دانشجویان شهید که در شمار سرآمدان ایمان و ایثار آگاهانه بوده اند ستارگان همیشه درخشانی هستند که هر جویای حقیقت میتواند راه خویش را با آنان بیابد. (2)

2. ویژگی های شهیدان در تعامل با جامعه

2-1. ترجیح دادن مصالح امت اسلامی بر خواست خود

صلوات و سلام حضرت حق متعال و برترین درود فرشتگان و بندگان صالحش نثار روح مطهر شهیدان باد، که جان خود را نثار راه خدا کردند و از تعلقات زندگی به خاطر رضای دوست گذشتند و مصالح امت اسلامی را بر مشتتهیات نفسانی ترجیح دادند. امروز پرچم اسلام در جهان به برکت فداکاری شهیدان عزیز است که به اهتزاز درآمده، و نام مبارك خداوند و عظمت اسلام به خاطر ایثار و تلاش آنان و دیگر مجاهدان راه حق است که فضای جهان را پُر کرده است. (3)

سلام خداوند و بندگان شایسته اش به آنان که جان خود را مشتاقانه به میدان دفاع از دین خدا و عزت و استقلال میهن اسلامی بردند. عاشقانه هستی خود را نثار کردند تا هستی امت اسلامی، استقرار و قوام بگیرد، و از لذتها و هوسهای زندگی چشم پوشیدند تا چشمشان به جمال محبوب ازلی روشن شود، و در راه شهادت گام نهادند تا راه خدا و راه سعادت خلق،

ص: 52

1- . در دیدار دانش آموزان در آستانه ی 13 آبان 1389/8/12

2- . پیام به مناسبت کنگره ی شهدای دانشجو 1381/10/15

3- . پیام به مناسبت روز ایمان، ایثار و شهادت 1374/11/19

همواره باز و به روی مردم گشوده بماند. حق شهیدان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی نه فقط بر مردم کشور ما، بلکه بر همه ی دوستداران اسلام و بر همه ی طرف داران از آزادی و ارزشهای الهی، بسی عظیم است. (1)

2-2. بصیرت، شناخت نیاز لحظه و شجاعت اقدام در فرصتها

ما در قضیه ی شهادت شهیدان و مجاهدت ایثارگران و جانبازان معمولاً جوانب محدودی را می بینیم و مشاهده میکنیم؛ در حالی که خود عمل و حرکت ایثار در جامعه که منجر به شهادت یا جانبازی میشود، معانی متعددی دارد؛ جهات مختلفی دارد که هر کدام از اینها در خور بررسی است. یکی از این جهات، فرصت شناسی و پاسخگویی به نیاز لحظه ها است. ممکن است احساس مسئولیت در کسانی باشد، اما در لحظه ی نیاز، این مسئولیت را نه تشخیص بدهند و نه عمل کنند؛ این خیلی تفاوت دارد با آن حرکت و اقدامی که درست در لحظه ی نیاز اتفاق می افتد و انجام میگیرد. جوانان شجاع و باغیرت و مؤمن و فداکاری که نیاز کشور را احساس کردند و به سراغ خطر رفتند و به استقبال خطر شتافتند، اینها این امتیاز برجسته را دارند که نیاز را در زمان خود فهمیدند و به آن پاسخ گفتند. این يك بعد بسیار مهمی است، این برای ما درس است. زود فهمیدن، به وقت فهمیدن، بهنگام عمل کردن و پاسخ به نیاز دادن، آن نقطه ی برجسته ای است که نباید مغفول بماند... غالباً کشورها و جوامع از ندانستن موقعیت و نشناختن فرصت، ضربه میخورند. وقتی دشمنی کمین میگیرد و ما نمیدانیم که او کمین گرفته است، نمیشناسیم؛ یا اگر چنانچه اطلاع پیدا کردیم، علاج را زود و بهنگام ارائه نمیدهیم؛ آن وقت ضربه میخوریم... خانواده ها(2) میگفتند اگر این رزمنده را ما از خانه بیرون

ص: 53

1- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران در هفته ی دفاع مقدس 1373/6/31

2- . خانواده های شهدا

نفرستیم، فردا دشمن دم در خانه می آید، باید بجنگیم. این خیلی نکته ی مهمی است؛ این همان نکته ای است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «هر جماعتی که در داخل خانه ی خودشان مورد تهاجم دشمن قرار بگیرند، غفلت کنند از اینکه دشمن دارد می آید، اینها شکست خواهند خورد، مغلوب خواهند شد.» دشمن را از دور باید دید، از دور باید شناخت. (1)

شهیدان عزیز جزو کسانی بودند که نور حقیقت را در لابه لای ظلمتهای متراکم زمانه دیدند و به سوی آن شتافتند. مهم این است. خیلی ها حقیقت را نمی بینند و نمیفهمند؛ خیلی ها حقیقت را می بینند، ولی شهادت و جرئت اقدام برای حقیقت را ندارند؛ اما کسی که هم توانایی آن را دارد که حقیقت را بیابد و ببیند و هم جرئت و دلیری این را دارد که به سوی حقیقت بشتابد و وظیفه ی خود را در این راه انجام دهد، او در هر برهه ای از زمان که باشد، یک انسان برجسته است؛ پیر باشد، جوان باشد، نوجوان باشد، زن باشد، مرد باشد؛ در هر قشری از قشرهای اجتماعی باشد. (2)

چرا شهادت این قدر با عظمت و اهمّیت است؟ علّت این است که انسانی که جان خود را در راه خدا میدهد، در حقیقت در یک لحظه ی نیاز و در آن وقتی که دین و راه خدا به کسانی که آن را رونق دهند، احتیاج دارد، آن تلاش لازم را انجام داده است. کسی که در راه خدا تلاش میکند و از راحتی و زن و بچه و آسایش معمولی و امتیازات مادی صرف نظر میکند، پاداش الهی را - که همان شهادت است - به دنبال دارد. این نشان دهنده ی عظمت مجاهدت او است. لذا مکرّر گفته ام که شهادت بالاترین پاداش و مزد جهاد فی سبیل الله است. (3)

ص: 54

-
- 1- . در جمع خانواده های شهدا و ایثارگران کرمانشاه 1390/7/21
 - 2- . در دیدار خانواده های شهدای کاشان و آران و بیدگل 1380/8/20
 - 3- . در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه ی پاکستان 1368/5/25

مهم ترین نقطه ی قوت ما در قیام جمهوری اسلامی، نقطه ی قوت انسانی بود. ما که نه سلاح داشتیم، نه پول داشتیم، نه سازماندهی داشتیم، نه حزب داشتیم و نه پشتیبانی جهانی؛ ما ملت ایران در همه ی کشورهای دنیا يك نقطه را نداشتیم که از قیام، انقلاب و حرکت ما حمایت و دفاع کنند. آنچه این ملت را پیروز کرد، قدرت نیروی انسانی بود؛ یعنی آگاهی و ایستادگی؛ همان که امیرالمؤمنین در جنگ صفین فرمود: «الا لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبر» (1)؛ بصر یعنی بصیرت و آگاهی؛ صبر یعنی پایداری؛ فقط اینها هستند که میتوانند این علم را در دست بگیرند و پیش بروند. قلّه ی این صبر و بصر شهدای مایند. (2)

هفته ی دفاع مقدّس نمودار مجموعه ای از برجسته ترین افتخارات ملت ایران در دفاع از مرزهای میهن اسلامی و جان فشانی دلاورانه در پای پرچم برافراشته ی اسلام و قرآن است؛ و در این مجموعه ی تابناک، درخشنده ترین و نفیس ترین نگین گران بها یاد و خاطره ی شهیدان است. آنان جوانان و جوانمردان رشید و پاک سرشتی بودند که با آگاهی و درک والای خود موقعیت حسّاس کشور را تشخیص دادند و وظیفه ی بزرگ جهاد در راه خدا را مشتاقانه پذیرا شدند، هیچ ملّتی و کشوری بدون چنین مجاهدتها به عزّت و تعالی دست نخواهد یافت. کشور ما مدیون فداکاری این جانهای عزیز و خانواده های صبور آنها است. (3)

نظام اسلامی ما در دنیایی، در محیطی، در برهه ای از زمان، خود را مطرح و در میان بشریت حضور پیدا کرد که سلطه گری ظالمانه، تمام ابعاد وجود بشر را فراگرفته بود. مسئله این نبود که حکومت ظالمی در اینجا وجود داشت و فقط میخواستند آن را برکنار کنند. حکومت ظالمی

ص: 55

1- . نهج البلاغه، خطبه ی 173

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای استان همدان 1383/4/16

3- . پیام به مناسبت هفته ی دفاع مقدّس 1379/6/31

که در کشور ما با سلطه و زور و خشونت و جهالت خود بر مردم حکومت میکرد، از سوی نظام بین المللی و سردمداران قدرت جهانی مورد تأیید و حمایت بود و مبارزه با او، مبارزه با تمام مراکز قدرت بین المللی در آن زمان بود. هنگامی که انقلاب پیروز شد و این مانع از سر راه ملت ایران برداشته شد، همان مراکز قدرت جهانی، کارشکنی علیه ملت ایران را آغاز کردند. نشان دادند که این شبکه ی اختاپوسی قدرتِ ظالمانه که از رژیم خون خوار پهلوی حمایت میکرد، همچنان مدّعی حقیقت است؛ مدّعی ملت ایران است؛ مدّعی و منخاصم هر حرف حقی است که از دهان و حنجره ی کسی خارج شود. لذا در جنگ تحمیلی هشت ساله، همان مراکز قدرت علیه ملت ایران همدست شدند. چه کسی میتواند این حقایق را که در زمان خود او اتفاق می افتد، علی رغم تبلیغات وسیع جهانی، از بن دندان بفهمد، به طور عمیق درك کند، در او ایمان به وجود بیاید و این ایمان او را به حرکت وادار کند؟ آن انسانی که دل او منور به نور معرفت و فکر او روشن و زنده است. جوانان شما - عزیزانی که به جبهه رفتند و شهید شدند - از این قبیل بودند. (1)

3-2. نترسیدن از غربت و استقبال از مرگ

سلام خدا بر این عزیزان و بر همه ی شهیدان این مرزوبوم، که حصار تحمیلی مادّه پرستی و خودخواهی را شکافتند و راهی به ملکوت انسانیت والا به روی بشریت گشودند. سلام خدا بر این فداکاران که در روز غربت فضیلتها و ارزشهای اسلامی، به یاری دین خدا و دفاع از انقلاب اسلامی قد علم کردند و غریبانه جان دادند. سلام خدا و فرشتگان و بندگان صالحش بر این اجساد پاک و نورانی که از خود گذشتند تا کشور و ملت خود را از آسیب متجاوزان محفوظ دارند. سلام ما بر این پاره های دل ملت

ص: 56

که دل از زندگی و راحت کنند تا آرامش دل امت و امام تضمین شود. مرگ را استقبال کردند تا اسلام زنده بماند. داوطلبانه به خاک افتادند تا ایران سربلند گردد. درود خدا و اولیانش و درود همه ی ملت ایران بر آنان باد. (1)

4-2. گمنامی و بی ادعایی

کسانی [بودند] که شهید شدند یا شهید دادند، ادعایی هم نداشتند و ندارند، اسمشان هم جایی نیست؛ اما در آسمانها مشهورند، در ملاء اعلی شناخته شده اند. در محاسبه ی الهی، کوچک ترین کارها گم نمیشود. (2)

3. ویژگی های شهیدان در برخورد با دشمنان

3-1. ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان و به عجز درآوردن آنان

شهیدان، دو موضع گیری و دو حرکت زیبا و باشکوه از خودشان نشان دادند که هرکدام پیامی دارد. این دو موضع گیری، یکی در قبال ذات مقدّس ربوبی، در قبال اراده ی الهی، در قبال دین خدا، در قبال بندگان خدا و مصالح آنها است؛ یک موضع گیری هم در مقابل دشمنان خدا است... پیام دوّم، در مقابل دشمنان خدا است؛ یعنی استقامت، ایستادگی مطلق، از دشمن نترسیدن، از دشمن حساب نبردن، در مقابل دشمن به انفعال دچار نشدن. این خیلی مهم است که انسان در مقابل دشمن، دچار انفعال نشود. تمام سعی امروز دنیای مادّی مستکبر - یعنی همین دولتهای استکباری که زمام مسائل اقتصاد و تسلیحات عالم و حتّی در موارد بسیاری، فرهنگ خیلی از کشورها را هم در دست دارند - این است که هر جا مقاومتی هست، آن را از طریق منفعل کردن خرد کنند.

ص: 57

1- . پیام به مناسبت تشییع پیکر پاک يك هزار تن از شهدای جنگ تحمیلی 1371/12/21

2- . در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان و در سالروز 25 آبان 1361؛ تشییع پیکرهای مطهر 370 شهید استان اصفهان

1389/8/26

انفعال در مقابل دشمن، غلطترین کار و بزرگ‌ترین اشتباه است. دشمن را از لحاظ دشمنی، باید به حساب آورد؛ یعنی در مقابل او، او را حقیر نشمرد و در برابرش آماده بود و دفاع کرد؛ اما از دشمن نباید حساب برد، نباید تحت تأثیر قرار گرفت و نباید در مقابلش منفعل شد. دشمن می‌خواهد جوامع را منفعل کند. (1)

در هفته‌ی دفاع مقدّس و در میان خاطره‌های عزیز و باشکوه ملت ایران از دوران هشت ساله‌ی دفاع، از همه درخشان‌تر، یاد و خاطره‌ی شهیدان گران‌مایه و عالی‌قدر است؛ ستارگان فروزانی که این قطعه‌ی از تاریخ را نورباران کردند؛ مردان بزرگی که در کسوت شریف گمنامی، گران‌بهارترین هدیه‌ها را نثار اسلام و قرآن نمودند؛ دلاورانی که حصار جهالت و گمراهی را دریدند و شعاع خورشید هدایت را به دورترین نقاط عالم رساندند؛ مظلومانی که شجاعانه از حق دفاع کردند و ستمگران زمان را به عجز آوردند. ایران اسلامی و ملت بزرگ و شرافتمند این کشور یاد این عزیزان را همواره گرامی خواهد داشت و سنت لایتغیر الهی، ذکر آنان را جاودانه خواهد ساخت. این جانب سلام و درود خالصانه‌ی خود را از اعماق جان بر تربت مطهر این عزیزان نثار میکنم و سرنوشت سعادت بار آنان را، همچون آرزوی شیرینی برای خود و همه‌ی مشتاقان، از خداوند متعال مسئلت مینمایم. (2)

2-3. نرسیدن از تجهیزات مرگبار دشمن

ابزار دشمن، عبارت از تجهیزات است. تجهیزات، در مقابل نیروی ایمان و شور و عشق و اراده‌ی مردم، کارایی ندارد. تجهیزات، کسانی را می‌ترساند که بخواهند فقط با اتکاء به تجهیزات خودشان بجنگند و

ص: 58

1- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا 1376/2/17

2- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران در هفته‌ی دفاع مقدّس 1376/7/3

مبارزه کنند. این گونه آدمها، اگر در مقابل خودشان تجهیزاتی را ببینند که از تجهیزات خودشان مدرن تر و بالاتر است، ممکن است احساس رعب کنند؛ اما در مقابل مردم باایمان و بااخلاص، از تجهیزات مدرن دشمن کاری ساخته نیست. مدرن ترین تجهیزات، در مقابل يك نیروی مقاوم ایستاده ی شهادت طلب، از کار باز میماند. مگر هیچ دشمنی میتواند میلیون ها انسان از آحاد يك ملت را عقب بنشانند؟ همین توده ی مردم حزب الله بودند که در خیابانهای سرتاسر این کشور، در مقابل تجهیزات مدرن از دشمن گرفته ی رژیم پادشاهی ایستادند. چرا آن تجهیزات نتوانست بر آنان فائق بیاید؟ درحالی که آن تجهیزات میتواندست طرف خودش را بکشد. اگر کسی از مرگ ترسید، از آن تجهیزات میترسد؛ اما اگر کسی مرگ را شهادت دانست، از تجهیزاتی که مرگ بار باشد، نخواهد ترسید. (1)

ص: 59

1- . در مراسم ویژه ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) 1369/9/5

1. آثار فردی شهادت

1-1. نزول ملائکه ی الهی و بهره مندی از عطر فرشتگان

شما شب حمله می بینید که بچه ها حالشان بهتر از شب قبل است! من بعضی از این خاطرات یا وصیت نامه ها را که میخواندم، میدیدم واقعاً منظر عظیم و عجیبی است. هرچه دورتر میشویم، کأنه جلوه ی این حوادث و حقایق بیشتر میشود. چه حالی! چه معنویتی! این نیست، مگر آن عطری که ملائک و روح الامین الهی بر سر بندگان خالص میپاشند و آنها را از خود بی خود میکنند؛ والا مگر میشود انسان مادی و بشر معمولی این گونه مجذوب بشود؟(1)

1-2. رسیدن به برترین دستاورد بشری و اوج قلّه ی کمال و افتخار

من بارها با همه ی وجود و از ته دل به بازماندگان شهدا عرض کرده ام، دعا کنیم خدا ما را با عزیزان و شهدای شما محشور کند؛ اینها هستند که پیش خدا مقام دارند. عزیزان شما به بهترین دستاوردی که يك انسان ممکن است دست پیدا کند، دست پیدا کردند.(2)

ص: 63

1- . در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه 1370/11/18

2- . در دیدار خانواده های شهدای کاشان و آران و بیدگل 1380/8/20

سلامی از اعماق جان، بر ارواح نورانی و یاد مبارک شهیدان، به خون خفتگانی که در راه خدا به جهادی بزرگ توفیق یافتند، و خداوند کریم و رحیم، شهادت را که بالاترین دستاورد این نشئه است، پاداش آنان ساخت و این ستاره ی گران بها را بر ناصیه ی آنان به درخشش آورد. (1)

سپاس خداوندی را که باب جهاد و شهادت را که برترین سگوی پرش انسان به سمت اوج قلّه ی کمال او است، به روی این ملت با اخلاص و فداکار گشود و از جوانان و نوجوانان و مردان و زنان ما ستارگان درخشانی در فضای غبار آلود زندگی بشر امروز پدید آورد و جهاد مخلصانه را سیره، و شهادت مظلومانه را گوهر تابناکی بر تارک آنان ساخت. (2)

اگر این پایان ناگزیر زندگی به شهادت در راه خدا باشد، اوج قلّه ی افتخار است... سعادت‌ها و شرف‌ها و افتخارهای بزرگ، نه فقط در دوران کوتاه زندگی، بلکه در همه ی تاریخ بشر و فراتر از آن، در ظرف علم الهی که بی نهایت است با هیچ چیز دیگر قابل مقایسه نیست. (3)

سلام خدا بر شهیدان، بر انسانهای آزاده و بزرگی که جان بر سر پیمان نهادند و در راه خدا از خود گذشتند و با این فداکاری، به برترین قلّه های انسانیت رسیدند و شیرین ترین پاداش الهی را چشیدند: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ» (4). (5)

3-1. برخورداری از نور قیامتی و دیدن چهره ی محبوب

مسئله ی شهید يك و ویژگی استثنائی دارد. هر آنچه که مربوط به وجود

ص: 64

1- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران 1375/7/5

2- . پیام به مناسبت روز شهیدان در دهه ی فجر 1371/11/14

3- . در مراسم اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی (ع) 1378/8/9

4- . سوره ی سجده، بخشی از آیه ی 17، ترجمه: «هیچ کس نمیداند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است برای آنان پنهان کرده ام...»

5- . پیام به خانواده های معظّم شهدا در هفتمین روز دهه ی فجر 1369/11/18

نورانی شهید است، شگفتی است. انگیزه‌ی او برای حرکت به سمت جهاد - که در دنیای مادی و در میان این همه انگیزه‌ی رنگارنگ جذّاب، یک جوانی برخیزد، قیام‌لله کند و به سمت میدان مجاهدت حرکت بکند - این خود یک شگفتی است؛ پس از آن، تلاش او، در معرض خطر قرار دادن خود در میدانهای نبرد، کارهای برجسته‌ی او در میدانها، شجاعتها و شهامت‌هایی که هر سطری از آن میتواند یک سرمشق ماندگار و نورانی باشد هم یک شگفتی است؛ و پس از آن رسیدن به شوق وافر و کنار رفتن پرده‌ها و حجابهای مادی و دیدن چهره‌ی معشوق و محبوب - که در حرکات شهدا، در حرفهای شهدا و در روزهای نزدیک به شهادت، همیشه جلوه‌گر بود و نقلهای فراوانی در این زمینه هست - این هم یکی از شگفتی‌ها است. (1)

شهید شدن، از نظر ما که اهل دنیا هستیم و داریم زندگی میکنیم و بخصوص شما که پدرید، مادرید، همسرید و خب، محبتتان نسبت به او یک محبت فوق‌العاده است، تلخ است؛ چون از دست دادن است، فقدان است. در عرصه‌ی ظاهر زندگی، این فقدان است؛ لذا تلخ است. پوسته‌ی شهادت این است؛ فقدان و از دست دادن و ندیدن او و دیدن جای خالی او. لیکن لبّ شهادت، خیلی برتر از اینها است. لبّ شهادت این است که یک انسانی، یک بشری، ناگهان از درجات عالی‌ی الهی سر درآورد؛ مقامش از فرشتگان بالاتر برود؛ در آن زندگی اصلی که همه‌ی ما بعد از چهل سال، پنجاه سال، شصت سال، هفتاد سال، خواه ناخواه وارد آن میشویم و زندگی ابدی است، جایگاهش عالی شود، رتبه‌ی عالی داشته باشد، مورد توجه باشد، فیض او در روز قیامت به دیگران برسد؛ «يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ» (2). از جمله‌ی خصوصیات روز قیامت، ظلمانی

ص: 65

1- . در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان فارس 1387/2/13

2- . سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی 12، ترجمه: «نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است...»

بودن فضا است؛ چون خورشیدی وجود ندارد، وسیله ی نوری وجود ندارد؛ همه ی آحاد بشر در يك حالت ظلماتند. وقتی که این بندگان خوب - که از جمله ی بهترین هایشان، همین جوان شما است - حرکت میکنند، نور اینها در جلوییشان و در کنارشان تالو پیدا میکند. دیگرانی هستند که در روز قیامت با حسرت به اینها نگاه میکنند و میگویند که از نورتان به ما بدهید - کسانی که شایسته ی آن نور نیستند - اینها در جواب میگویند: «إِزْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا» (1)؛ بروید پشت سرتان را نگاه کنید - یعنی آن زندگی دنیایی تان را - اگر بنا است نوری داشته باشید، از آنجا آن نور را کسب کنید؛ اینجا به کسی نور نمیدهند. این نوری است که آنجا دادند، اینجا بروز و ظهور پیدا کرده. (2)

معیار اسلامی، شهید را از زمره ی مردم معمولی بیرون میبرد و در کنار اولیا و صدیقین قرار میدهد؛ آن يك نگاه والایی است که به عقل ما هم درست نمیگنجد. (3)

4-1. کسب رضوان الهی و رسیدن به قرب الهی

... [شهید] در پیشگاه خدای متعال در درجات عالی دارد پرواز میکند، یعنی آن چیزی که همه ی عرفا و اهل سلوک و آن سرگشته های وادی های عشق و شور معنوی و عرفانی يك عمر به دنبالش گشته اند و دویده اند، او با این فداکاری و این شهادت به دست آورده و رضوان و قرب الهی را درك کرده است. (4)

ص: 66

1- . سوره ی حدید، بخشی از آیه ی 13

2- . در دیدار خانواده ی شهید مصطفی احمدی روشن 1390/10/29

3- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران خراسان 1386/2/27

4- . در دیدار با خانواده ی شهید آوینی 1372/2/2

يك خَطِّ فاصِلي است بين اين نشئه و آن نشئه؛ بعضی ها را با زنجیر از این خَطِّ فاصل عبور می‌دهند - آنهایی که چسبیده اند به زندگی دنیا - بعضی ها جست میزنند، خودشان را پرتاب میکنند؛ چرا؟ چون می بینند آنجا چه خبر است. وعده ی الهی را مشاهده میکنند. لذا شهدای عزیزی که نام اینها را شنیده اید، بسیاری از اینها را میشناسید، بعضی از شماها با آنها همراه بوده اند، زندگی کرده اید، این شهدا از مرگ نمیترسیدند، اینها عاشق زندگی بوده اند. وصیت نامه ها را که انسان نگاه میکند، این را میفهمد. راه يك ملت این است. ملت ما این راه را شروع کرد. (1)

در مورد شهید خدای متعال میفرماید که اینها زنده اند: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ» (2)؛ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (3). اینها آیات قرآن است؛ اینها صریح در يك معارفی است که از این معارف هیچ مسلمانی نمیتواند چشم بپوشد. هرکسی به اسلام و به قرآن اعتقاد دارد، این معارف بایستی جلوی چشمش باشد. این آیه ی شریفه ی قرآن میگوید اینها زنده اند؛ حیات اینها يك حیات واقعی است، يك حیات معنوی است و نزد خدای متعال مرزوقند؛ یعنی دائم تقصّلات الهی دارد به اینها میرسد؛ «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». آن طرف مرز زندگی و مرگ چه خبر است؟ انسانها از آن عالم و نشئه ی مجهول چه میدانند؟ در مورد شهدا میدانیم که اینها خرسندند، خوشحالند، مسرورند؛ «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». بعد از

ص: 67

- 1- . در دیدار اقشار مختلف مردم آذربایجان به مناسبت روز 29 بهمن 1386/11/28
- 2- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 154، ترجمه: «و کسانی را که در راه خدا کشته میشوند مرده نخوانید...»
- 3- . سوره ی آل عمران، آیه ی 169 و بخشی از آیه ی 170، ترجمه: «هرگز کسانی که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده میشوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند...»

این بالاتر: «وَيَسْتَبِشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ» (1)؛ یعنی با ما دارند حرف میزنند، خطاب میکنند به ما: «أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (2). خیلی مهم است؛ این گواهی که بتواند ندای ملکوتی شهدا را بشنود، این گوش را باید در خودمان به وجود بیاوریم. آنها دارند به ما بشارت میدهند، مژده میدهند، خوف و حزن را نفی میکنند: «أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». ما بر اثر ضعفهای خودمان دچار خوف میشویم، دچار حزن میشویم؛ اینها به ما میگویند که شما خوف ندارید، حزن ندارید یا در مورد خودشان میگویند یا در مورد ما - بنابر اختلافی که حالا در تفسیر این آیه ی شریفه ممکن است مطرح بشود - خوف و حزن را بر میدارند؛ چه در این نشئه، چه در آن نشئه. برای يك ملت چقدر مهم است که در حرکت خود، در پیشرفت خود حقیقتاً دارای خوف نباشد، دارای حزن نباشد، با امید حرکت کند؛ این پیام شهدا است به ما؛ که باید این پیام را شنید. شماها با این جلسات، با این اجتماعاتی که تشکیل میدهید، موظفید این پیام را به گوشها برسانید. (3)

6-1. اشراف بر عالم دنیا و اعمال انسانها

خدای متعال خبر داده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (4)؛ پیش خدای متعالند، زنده هستند، مشرف بر این عالَمند، حوادث را می بینند، سرنوشتها را می بینند، اعمال من و شما را می بینند. آن وقتی که پای ما به سنگی بخورد، آن وقتی که نتوانیم خودمان

ص: 68

- 1- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 154، ترجمه: «... و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند شادی میکنند.»
- 2- . همان، ترجمه: «... نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین میشوند.»
- 3- . در دیدار اعضای ستادهای کنگره ی شهدای امور تربیتی، کنگره ی شهدای دانشجو، و کنگره ی شهدای هنرمند 1393/11/27
- 4- . سوره ی آل عمران، آیه ی 169، «هرگز کسانی که در راه خدا کشته شده اند، مرده پندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده میشوند.»

را درست هدایت کنیم، اداره کنیم، زمین بخوریم، آنها نگران میشوند. آن وقتی که میفهمیم، می بینیم، محکم قدم برمیداریم، راه را مستقیم حرکت میکنیم، به هدف نزدیک میشویم، آنها خوشحال میشوند. آن وقتی که ملت ایران در يك عرصه ای پیروز میشود، آن ارواح طیبه به احتیاط درمی آیند. آن وقتی که خدای نکرده بر اثر غفلت ما، کوتاهی ما، ملت عقب بماند، مشکل اساسی و عمومی پیدا کند، آنها نگران میشوند. (1)

2. آثار اجتماعی شهادت

اشاره

ویژگی عجیبی که در معارف اسلامی وجود دارد - و شاید همه ی ادیان همین طورند - تلفیق بین سعادت فردی و سعادت جمعی است... یعنی اگر انسانها حتی سعادت فردی خود را طلب کنند و برای خدا کار کنند تا به بهشت بروند و رضای خدا را طلب نمایند، ولو قصدشان هم هیچ چیز غیر از این نباشد و فرضاً بگویند ما کاری به کشور نداریم و میخواهیم ببینیم که چه چیزی ما را پیش خدا روسفید میکند و آن وقت با چشم باز و معلومات کافی بنشینند ببینند که چه چیزی آنها را پیش خدا روسفید میکند و آن را انجام دهند، اگر این هم بشود، کشور - مثل افراد - به روسفیدی خواهد رسید. (2)

این عزتی که امروز شما می بینید نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، به برکت همین خونها است. اینکه در همه ی کشورهای اسلامی، قشر عمومی مردم، ملت ایران را تحسین میکنند، نظام جمهوری اسلامی را به چشم عظمت نگاه میکنند، به برکت این خونها است. این امنیتی که امروز در کشور ما هست، این حرکت عظیمی که امروز به سمت سازندگی این کشور هست، این کارهای بزرگی که انجام گرفته است، این پیشرفت

ص: 69

1- . در دیدار جمعی از مردم و خانواده ی شهدا و ایثارگران 1390/12/10

2- . در دیدار با نمایندگان پنجمین دوره ی مجلس شورای اسلامی 1375/3/29

علمی و فناوری، این افزایش تعداد عالم و دانشمند و دانشجو و محقق و پژوهشگر، اینها همه به برکت خون شهدا است. این بیداری عمومی که امروز کشور و ملت ما دارد، به برکت خون شهدا است. خون شهدای شما مثل کیمیا، مثل اکسیر توانست این ملت را، این کشور را متحول کند، رشد بدهد و افتخارش مال شهدای شما و مال خود شما است.

ملت ایران تا ابد مدیون شهدا و خانواده های شهدا است. این را همه ی ملت ما باید بدانند. هرچه ما عزت به دست بیاوریم، هرچه پیشرفت به دست بیاوریم، مرهون خون شهدای عزیز شما، این جگرگوشه های شما است. اینها بودند که به ما، به کشورشان، به ملتشان، به اسلام عزت دادند. این را همه باید قدر بدانند؛ مسئولین هم باید قدر بدانند، خود شما خانواده ها هم باید قدر بدانید؛ و میدانید. (1)

1-2. الگوسازی برای جوانان و حق طلبان

الگوسازی، یکی از اساسی ترین کارها است. ما الگوهای خوب خیلی داریم. این قدر جوانهای خوب، این قدر چهره های نورانی - در تاریخ که بماند - در زمان خودمان داریم که همین قدر کافی است با تعریف هرکدام از اینها - تعریف به معنای معرفی کردن - یک چهره ی برجسته و یک الگو جلوی جوانانمان بگذاریم. اینها جوانهایی بودند که از پیشروان خودشان جلو افتادند؛ جوانهایی که پای درس بنده و امثال بنده نشستند، اما صد پله از ما جلورفتند؛ ما وعده کردیم، آنها عمل کردند؛ ما یاد دادیم، آنها عمل کردند؛ ولی خودمان عمل نکردیم. چقدر از این جوانها، چقدر از این شهدا کسانی بودند که از امثال ماها چیزی یاد گرفتند، اما آنها بهتر از ما شدند، جلوتر از ما شدند، بیشتر به کشور آبرو بخشیدند، پیش خدا بیشتر آبرو پیدا کردند؛ «چرا که وعده تو کردی و او بجا آورد» (2)؛ وعده را ما کردیم،

ص: 70

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1388/3/3

2- . حافظ

او عمل کرد. ما این همه جوان خوب داریم؛ اینها را یکی یکی دریاورند، بگذارند جلوی جوان نسل حاضر؛ غیرت او را، همت او را، صداقت او را، سلامت او را، فداکاری های او را، بینش والای او را، رفتار نیک او را با مردم، با همنوعان، با پدر و مادر، با خانواده، با دوستان، بگذارند جلوی چشم جوان نسل امروز؛ خود این آموزنده است. (1)

الگو را نباید برای ما معرفی کنند و بگویند که این الگوی شما است. این الگوی قراردادی و تحمیلی، الگوی جالبی نمیشود. الگو را باید خودمان پیدا کنیم؛ یعنی در افق دیدمان نگاه کنیم و ببینیم از این همه چهره ای که در جلوی چشممان می آید، کدام را بیشتر می پسندیم؛ طبعاً این الگوی ما میشود... در زمان خودمان هم الگو داریم. امام الگو است. این جوانان بسیجی ما الگو هستند؛ هم کسانی که شهید شدند، و هم کسانی که امروز زنده اند. البته طبیعت انسان این گونه است که درباره ی کسانی که رفته اند و شهید شده اند، راحت تر میشود حرف زد. ببینید چه الگوهایی میشود پیدا کرد! ما در جنگ کسانی را دیدیم که از شهر یا از روستای خودشان بیرون آمده بودند؛ درحالی که يك آدم کاملاً معمولی به نظر میرسیدند. اشاره کردم که آن رژیم نمیتوانست استعدادها را رشد دهد، یا به بروز بیاورد. اینها در آن رژیم يك آدم معمولی بودند؛ اما در این نظام، به میدان جنگ که میدان کار بود آمدند؛ ناگهان استعدادشان بروز کرد و يك سردار بزرگ شدند، بعد هم به شهادت رسیدند. از این قبیل زیاد داریم.

چند سال پیش، شرح حال اینها را در جزوه هایی به نام «فرمانده ی من» مینوشتند؛ خاطرات جوانان از فرماندهانشان در جبهه بود. نمیدانم اینها ادامه پیدا کرد یا نه؟ يك داستان کوتاه، یا يك خاطره ی کوچک را نقل کرده اند، آن خاطره عظمت این شخصیت را به انسان نشان میدهد.

ص: 71

اینها میتوانند الگو باشند. البته در شخصیت‌های علمی خودمان، در شخصیت‌های ورزشی خودمان، در شخصیت‌های ادبی خودمان، در شخصیت‌های هنری خودمان، میشود الگوهایی پیدا کرد؛ شخصیت‌هایی که انصافاً برجستگی‌هایی دارند. (1)

مجاهدت این ملت بزرگ که دفاعی غیورانه از اسلام و جمهوری اسلامی بود و اسلام و امت اسلامی را سرفراز کرد، از ایمان به ارزش شهادت و منزلت شهید، مایه گرفت و شوق فداکاری با این معرفت روشن، در دل‌های رزمندگان و خانواده‌هایشان، پدید آمد. برخی به این مقام والا رسیدند، و برخی در انتظار آنان، جسم و جان خود را به میدان آوردند، «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ...» (2)؛ و چنین شد که مجاهدت بی نظیر ملت ایران الگویی شد برای همه ی امت اسلامی که رمز عزت و استقلال و سعادت را که همان جهاد فداکارانه است، در عمل به همه نشان داد.

شهیدان نقاط مشعشع در این صفحه ی درخشانند که مانند ستاره ی راهنما، راه را به همه نشان میدهند. رحمت و صلوات خدا بر آنان باد. (3)

ای بسا حوادثی که امروز وقتی گفته شود، از بس عجیب است همه تصور کنند که اسطوره و افسانه است؛ اما حقیقت است. نمونه های آن را ما در زمان خودمان بارها و بارها دیده ایم و شنیده ایم و از جمله ی زیباترین آنها، شهادت این نوجوان بسیجی (4) است. او سیزده ساله بود؛ اما بارش، باشعور، بااراده و مصمم، که کشور خود را میشناخت، امام خود را میشناخت، دشمن خود را میشناخت، اهمیت وجود و فعالیت خود را هم میشناخت و رفت این سرمایه را تقدیم عزت کشور و آینده ی انقلاب و

ص: 72

1- . گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته ی جوان 1377/2/7

2- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 23، ترجمه: «... برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند...»

3- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران دوران دفاع مقدس 1385/7/6

4- . حسین فهمیده

منافع و مصالح مردم کرد. جسم او رفت، اما روحش زنده ماند، یادش ابدی شد و خاطره اش به صورت اسطوره درآمد. این الگو است. (1)

2-2. نشان دادن راه و هدف به همگان

خطا است اگر کسی خیال کند که امام حسین (علیه السلام)، شکست خورد. کشته شدن، شکست خوردن نیست. در جبهه ی جنگ آن کس که کشته میشود شکست نخورده است. آن کس که به هدف خود نمیرسد، شکست خورده است. هدف دشمنان امام حسین (علیه السلام)، این بود که اسلام و یادگارهای نبوت را از زمین براندازند. اینها شکست خوردند. چون این طور نشد. هدف امام حسین (علیه السلام) این بود که در برنامه ی یکپارچه ی دشمنان اسلام، که همه جا را به رنگ دلخواه خودشان درآورده بودند یا قصد داشتند درآورند، رخنه ایجاد شود؛ اسلام و ندای مظلومیت و حقانیت آن در همه جا سر داده شود و بالاخره دشمن اسلام، مغلوب شود. و این، شد. هم در کوتاه مدت امام حسین (علیه السلام) پیروز شد و هم در بلندمدت. در کوتاه مدت به این ترتیب که خود این قیام و شهادت مظلومانه و اسارت خاندان آن بزرگوار، نظام حکومت بنی امیه را متزلزل کرد. بعد از همین حادثه بود که در دنیای اسلام در مدینه و در مکه پی در پی حوادثی پیش آمد و بالاخره منجر به نابودی سلسله ی آل ابی سفیان شد. به فاصله ی سه، چهار سال، سلسله ی آل ابی سفیان بکلی برافتاد و از بین رفت. چه کسی خیال میکرد این دشمنی که امام حسین (علیه السلام) را مظلومانه در کربلا به شهادت رسانده بود، آن طور مغلوب انعکاس فریاد آن امام شود؛ آن هم در سه یا چهار سال؟! در درازمدت هم امام حسین (علیه السلام) پیروز شد. شما به تاریخ اسلام نگاه کنید و ببینید چقدر دین در دنیا رشد کرد! چقدر اسلام ریشه دار شد! چگونه ملت‌های اسلامی پدیدار شدند و رشد کردند! علوم اسلامی

ص: 73

پیشرفت کرد، فقه اسلامی پیشرفت کرد و بالاخره بعد از گذشت قرن‌ها، امروز، پرچم اسلام بر فراز بلندترین بام‌های دنیا، در اهتزاز است.

... لذاست که از رهبران بزرگ دنیای معاصر حتی آنهایی که مسلمان هم نیستند نقل میکنند که گفته اند: «ما راه مبارزه را، از حسین بن علی (علیه السلام) یاد گرفتیم.» انقلاب خود ما هم یکی از همین مثالها است. مردم ما هم از حسین بن علی (علیه السلام) یاد گرفتند. فهمیدند که کشته شدن، دلیل مغلوب شدن نیست. فهمیدند که در مقابل دشمن علی الظاهر مسلط، عقب نشینی کردن، موجب بدبختی و روسیاهی است. دشمن هر چه باعظمت باشد، اگر جناح مؤمن و فئه ی مؤمنه، با توکل به خدا در مقابل او مجاهدت کند، بالاخره شکست با دشمن و پیروزی با فئه ی مؤمنه است. این را ملت ما هم فهمیدند. (1)

روز شهیدان فرصت مغتنمی است برای ابراز شکرگزاری از جانهای پاک که بدن و همه ی تعلقات جسمانی را رها کردند تا برای انسانها آزادی و رستگاری فراهم آید و انسانهای والایی که غرقه در خون بر خاک افتادند تا روی زمین از ظلم و تجاوز و قساوت پاک شود. سلام ما بر آنان، بر همه ی شهیدان راه خدا که روشنگر راه زندگی بشرند و مشعل هدایت الهی که هدیه ی پیامبران خدا برای ساکنان زمین است، فروغ و شعاع خود را از آنان گرفته است. (2)

... آن جریان اول - که جریان انقلاب و جریان دین و جریان اسلام بود - صاحب منطق و صاحب حرف بود و در مقابل غوغاگری جریان مقابل محکم ایستاد. هرکس که در این صف آرایی توان ایستادگی اش بیشتر بود، بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت. شما نگاه کنید ببینید در طول آن دو سال و

ص: 74

1- . در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت فرارسیدن ماه محرم 1371/4/10

2- . پیام به مناسبت هفتمین روز از دهه ی مبارک فجر انقلاب اسلامی و روز ایمان، ایثار و شهادت 1375/11/18

اندی که آن جریانهای مخالف در این کشور خیلی فعال بودند، علیه چه کسانی توطئه کردند؛ علیه چه کسانی بدگویی کردند؛ با چه کسانی در عالم ذهنیت و مباحثات و مجادلات بیشتر درافتادند؟ با کسانی بیشتر دشمنی میکردند که میدیدند در عالم روشنگری افکار مردم، اینها توان بیشتری دارند. بعضی ها را با تهمت از میدان خارج میکردند؛ بعضی ها را با تضعیف و اهانت از رو میبردند؛ لیکن بعضی مثل شهید بهشتی را نمیشد با این چیزها از میدان خارج کرد؛ آن وقت به این شیوه ی ترور متوسل شدند و شهید بهشتی و دیگران را در آن حادثه به شهادت رساندند. بعد هم مرحوم شهید باهنر و شهید رجایی و امثال اینها را شهید کردند. اینها شهدای هویت اصلی اسلامی نظامند؛ چون در مقابل دشمنان ایستادند. خون مطهر آنها خیلی هم اثر کرد؛ انصافاً سالهای متمادی مردم را بیدار و آگاه کرد؛ امروز هم الهام خودش را دارد. (1)

من لازم میدانم احترام کنم و سلام عرض کنم به خانواده های معزز شهیدان و صلوات بفرستم بر روح مطهر آنها؛ شهیدی که همه ی هستی خود را، وجود خود را، یعنی سرمایه ی اصلی اش را آورده در راه خدا، در معرض هزینه شدن در راه خدا قرار داده، خدای متعال هم از او قبول کرده. خیلی ها البته رفتند که هزینه بشوند، قبول نشد، دیگر حالا به دلایل مختلف؛ بعضی را خدای متعال لایق ندانست، بعضی را هم خدای متعال نگه داشت برای مسئولیتها و کارهای لازم دیگر. حالا آنهایی که لایق بودند و رفتند، اینها خیلی ارزششان بالا است، خیلی. شهدا حقیقتاً انوار تابناکی هستند که جامعه را، آینده را، تاریخ را روشن میکنند. (2)

3-2. آزادی، خودباوری و استقلال از وابستگی

فهم معنا و مفهوم شهادت، هم به زندگی مادی و هم به زندگی معنوی

ص: 75

1- . در دیدار مسئولان دستگاه قضایی 1378/4/7

2- . در دیدار نیروهای مسلح منطقه ی شمال کشور و خانواده های آنان 1391/6/28

انسان کمک میکند. يك ملت، اگر معنای شهادت را فهمید و دانست که برای آرمانها چگونه میشود رفت و جان فدا کرد، آن وقت میتواند بی دغدغه و با استقلال زندگی کند؛ زیرا مرگ دیگر مانعی برایش نیست. اگر جز این باشد، دشمن او را از مرگ خواهد ترساند و مثل بعضی از کشورها، بعضی از دولتها و بعضی از ملتهایی خواهد شد که در مقابل دشمنان، ضعف نفس نشان میدهند. (1)

ما به آزادی بیان و آزادی فعالیتهای اجتماعی معتقدیم. اصلاً این مفاهیم و این حقایق را انقلاب و پیشروان انقلاب به این کشور آوردند. قبلاً این چیزها در این کشور نبود. از آزادی بیان و آزادی فعالیتهای اجتماعی، نه خبری بود و نه حتی اسمی بود. اینها را انقلاب برای این کشور آورد. امام اینها را به این کشور هدیه کرد و خون شهدا این ارزشها را به این کشور بخشید. کسانی که پاسدار خون شهدا هستند و کسانی که پیرو امامند، علم داران این مفاهیمند. در اینکه شکّی نیست! اما این آزادی، محدود است و آزادی مطلق نیست. حدّش کجا است؟ حدّش عبارت است از حدودی که اسلام تعیین کرده است. (2)

عزیزان من! يك نکته ی اساسی وجود دارد که همه باید آن را به خاطر داشته باشند. يك کشور اگر بخواهد آزاد و مستقل و بدون وابستگی و تبعیت از قدرتهای ظالم عالم زندگی کند، به ایستادگی احتیاج دارد. در مواقع حسّاس برای يك ملت، ایستادگی را چه کسانی انجام میدهند؟ بهترین و فداکارترین و پاک ترین و بااخلاص ترین فرزندان يك ملت. اینها کسانی هستند که در مواقع سختی، فداکاری میکنند و ایستادگی نشان میدهند و از آبروی کشور و از استقلال و هویت ملی خودشان دفاع میکنند. اینها در کشور و در نظام جمهوری اسلامی چه کسانی هستند؟ همان

ص: 76

1- . در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه ی ماه محرم 1375/2/26

2- . در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی 1377/6/24

جوانان فداکاری هستند که در دوران جنگ تحمیلی و قبل از آن، توانستند در میدانهای جنگ در مقابل دشمن بایستند؛ یعنی شهدای گران قدر ما. (1)

شهدا علاوه بر مقامات رفیع معنوی که زبانها و قلمها از توصیف آن، و چشم و دلها از مشاهده ی آن ناتوانند، مشعل دار پیروزی و آزادی و استقلال ملتند و حقّ بزرگ آنان بر گردن ملت بسی عظیم است. (2)

ملت ما استقلال و عزّت خود را مرهون خون پاک رادمردانی است که سرمایه ی حیات و نشاط خود را به آرمانهای والا و ارزشهای متعالی نظام اسلامی تقدیم کردند و پرچم اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) را که به دست امام و امت به اهتزاز درآمد، برافراشته نگاه داشتند. (3)

استکبار، جنگ هشت ساله را بر ملت ما تحمیل کرد برای اینکه بتواند اسارت را به ایران اسلامی تحمیل کند، و شهیدان عزیز و دیگر فداکاران جبهه های نبرد، ترفند دشمن را باطل ساختند. (4)

شهیدان، جوانان مؤمن و فداکاری بودند که برای دفاع از کشور و ملت، در برابر متجاوزان به این آب و خاک جان خود را در کف دست گرفته و با نام و یاد خدا به میدان نبرد قدم نهادند. ملت ما و به ویژه جوانان امروز مدیون شهیدانند. از خودگذشتگی آن پاک بازان بود که اسلام و استقلال و آزادی را به ملت ایران هدیه کرد و ادای حقّ بزرگ آنان و تکریم یاد و نام آنان نشانه ی وفاداری به ارزشهای والا است. (5)

بدانید که امروز دستاوردهای ما بر اثر جهادها، شهادتها، ایمانها و

ص: 77

-
- 1- . در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از آزادگان، جانبازان و خانواده های معظم شهدا 1377/5/27
 - 2- . پیام در تجلیل از شهدا و ایثارگران در هشتمین روز از دهه ی مبارکه ی فجر 1368/11/19
 - 3- . پیام به مناسبت روز شهیدان در هفته ی دفاع مقدّس 1381/7/4
 - 4- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران در هفته ی دفاع مقدّس 1373/6/31
 - 5- . پیام درباره ی تشییع و خاک سپاری پیکر مطهر 5 شهید گمنام در دانشگاه امیرکبیر 1387/12/4

از خودگذشتگی های جوانهایی مثل شما و در سنین شما بوده است. خیلی از شهدای ما جزو بچه های دانشگاهی و دبیرستانی برجسته بودند، اما رفتند جان خودشان را فدا کردند. امروز ملت از دانش و استعداد علمی آنها محروم است، اما دستاوردی که آنها به این ملت دادند، صد برابر آن استعداد علمی ای است که اگر زنده میماندند و به کار میگرفتند، برای این کشور ارزش داشت. آنها این فضا و این امید و این توانایی ها را ایجاد کردند. (1)

دروود بر روان بنیان گذار جمهوری اسلامی و شهیدان راه آزادی و سرافرازی ایران که اسلام را معنا کردند و بندهای اسارت را گسستند و راه استقلال و سربلندی ملت را گشودند، دژ کهن استبداد را ویران ساختند و بنای مردم سالاری دینی را با همت والای ملت عظیم الشان استوار کردند. (2)

انسانهای والا و سعادت مندی که توفیق مجاهدت یافتند و پاداش شهادت گرفتند. فرشته سیرتانی که متاع دنیای گذران را، در بازار سودای معنوی و الهی نثار کردند و رضوان خدا را، که برترین سود هر سودای معنوی است، به دست آوردند. فرزانه گانی که توانستند، عمر فانی را در خدمت سعادت ابدی و عمر جاودان بگذرانند. امروز کشور و ملت و انقلاب به این عزیزان و بازماندگان آنان، دینی بزرگ دارد. عزت امروز ایران و همه ی پیشرفتهای کشور، و امنیت و استقلال، و هر دستاورد بزرگ دیگر هدیه ی گران بهایی است که شهیدان و پدران و مادران و همسران صبور آنان، به ملت ایران ارزانی داشتند. (3)

همه ی این دستاوردها متعلق به خون این عزیزان شماها است: این عزت ملی، این پیشرفت علمی، این استقلال سیاسی، این زنده ماندن

ص: 78

-
- 1- . در دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور 1384/1/30
 - 2- . پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی 1383/3/6
 - 3- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران 1376/11/15

آرمانهای انقلابی و سخنان امام، که همه ی اینها چیزهایی است که برای يك ملت آسان به دست نمی آید، این ایستادگی در این راه، این روزه روز مدارج ترقی را در بخشهای گوناگون طی کردن و پیش رفتن، از يك ملت ضعیف و عقب مانده و فراموش شده به يك ملت مطرح در سطح بین المللی تبدیل شدن. (1)

عزت و استقلال امروز کشور و حرکت آن به سوی شکوفایی و کمال، یکسره باید مرهون خون شهیدان شمرده شود. فداکاری این جوانمردان نامدار زمانه، گوهر فروزانی بود که توانست قدر شخصیت امام و عظمت امت را بر جهانیان آشکار کند و به مجاهدت ملت ایران معنا بخشید. این ملت بزرگ همه ی قلّه هایی را که تا امروز فتح کرده و از این پس فتح خواهد کرد مرهون عزم راسخ و همت بلند شهیدان است که به قیمت جان خود صخره هایی عظیم را از سر راه وی برداشتند و معجزه ی ایمان و فداکاری را به همه نشان دادند. خفاشان تیره دل بدانند که شهیدان ما همچنان در دل و اندیشه ی ما زنده اند و غبار نفاق و ناسپاسی آنان نخواهد توانست این ستارگان فروزان را از چشم و دل ما پوشیده بدارد. (2)

4-2. شکست ناپذیر کردن انقلاب و میهن و دور کردن خطر دشمن از آن

در سالگرد هفته ی دفاع مقدّس، هیچ چیز شایسته تر از آن نیست که یاد و نام گرامی شهیدان و فداکاران راه خدا را بزرگ بداریم، آنان که به عهد و پیمان خود با خدا و با امام عزیز وفا کردند و هستی خود را به میدان آورده، صادقانه از حریم اسلام و نظام اسلامی دفاع نمودند و به بهای نثار جان خود خطر دشمن را از انقلاب و میهن عزیز، دور ساختند. اینها جاودانگان تاریخ ما و ستارگان اسلامند. (3)

ص: 79

1- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران استان سمنان 1385/8/18

2- . پیام تجلیل از شهیدان و ایثارگران انقلاب اسلامی 1379/11/12

3- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا در هفته ی دفاع مقدّس 1370/7/4

روزی در ماه رمضان، همین تهران، موشك باران میشد. روز و شب در خانه ی خودتان، از دست دشمن متجاوز امنیت نداشتید. امروز آن دشمن، به برکت فداکاری جوانان این ملت، رزمندگان، شهیدان، جانبازان و آزادگان به کوتاه دستی محکوم شده و سر جای خود نشسته است. امنیت به شما رسید. (1)

فداکاری آنان [شهیدان] در عرصه ی انقلاب و دفاع نظامی بود که استقلال ملی و حریم مرزهای جغرافیایی را صیانت کرد و امنیت را به کشور ارزانی داشت. (2)

عزیزان من! تا وقتی در قاموس ما، در فرهنگ ما، در منطق ما، شهادت بر همین سطح از اعتبار وجود داشته باشد، بدانید هیچ قدرتی - چه قدرتهای مستکبر کنونی، و چه به مراتب قوی تر از اینها - نخواهد توانست بر جمهوری اسلامی و ملت ایران فائق بیاید. (3)

ما باید روحیه ی ایمان و عنصر ایثار و فداکاری را در درجه ی اول در خودمان و سپس در مردم تقویت کنیم. این هم باید در برنامه ها گنجانده و دیده شود. بخش مهمی که قدرت ملی ما را تشکیل داد، همین روحیه ی ایثار بود که در جنگ به صورت شهادت طلبی ظاهر شد. در میدانی هم که امروز در مقابل خود داریم - که یقیناً از میدان جنگ پیچیده تر و دشوارتر است - نیروی ایثار و فداکاری که همه ی معادلات را به هم میریزد، باید مطرح شود. اگر ما بتوانیم این را در خودمان تقویت کنیم، همه ی معادلات قدرت در دنیا به سود ما به هم خواهد ریخت. (4)

جنگ نظامی با چنین ملتی برای آمریکا و غیر آمریکا صرفه ای ندارد. ما

ص: 80

1- . خطبه های نماز جمعه در دانشگاه تهران 1372/11/29

2- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران دوران دفاع مقدس 1385/7/6

3- . در دیدار رئیس و مسئولان قوه ی قضائیه، با حضور خانواده های شهدای هفتم تیر 1389/4/7

4- . در دیدار کارگزاران نظام 1382/5/15

را در میدان جنگ آزمایش کرده اند و میدانند که چطور مبارزه میکنیم. روح فداکاری، شهادت طلبی و نترسیدن از مرگ را در ما شاهد بوده اند... ویژگی نترسیدن از مرگ، در محاسبات آمریکایی مثل انداختن يك قلوه سنگ در يك دستگاه است؛ يك قلوه سنگ بزرگ را در ماشینی بیندازید و ببینید چطور از کار می افتد! صخره ای در مقابل يك مشت است. با ملتی که مردم آن از مرگ نمیترسند و در مقابل آن شجاعت دارند، نمیتوان درافتاد. (1)

دشمنها میخواهند این مفاهیم را از ما بگیرند. بعضی از همین قلم به دست های مزدور - که دلشان میخواهد دل بیگانه ها را به دست بیاورند به جای اینکه دل اولیای خدا را به دست بیاورند - يك چیزهایی مینویسند، يك حرفهایی مینویسند در بعضی از این مطبوعات، روزنامه ها یا فضای مجازی؛ اینها نمیفهمند چه کار میکنند. مفهوم شهادت، مفهوم مجاهدت فی سبیل الله، مفهوم صبر بر اینها، مفاهیم عظیمی است؛ اینها در زندگی روزمره ی جامعه ی اسلامی اثر دارد. برادر، خواهر! همینها انقلاب را حفظ کرده.

جمهوری اسلامی با اقتدار کامل [ایستاده]؛ بعد از این هم همین جور خواهد بود. این را همه بدانند - هم دشمن بدانند، هم دوستان بااخلاص بدانند، هم آن دوستانی که گاهی دلشان میلرزد بدانند - که جمهوری اسلامی مستحکم ایستاده است و بدانید آنها نمیتوانند به ما سیلی بزنند، ما به آنها سیلی خواهیم زد.

و این به خاطر تجهیزات مادی نیست. تجهیزات مادی نقش اساسی و تعیین کننده ندارند، چیزهای دیگری وجود دارد؛ آن، تجهیزات معنوی است؛ آن عزم و اراده ی ثابت است، آن راه های استحکام درونی دلهای یکایک آحاد مردم است، آن قدرت تربیت جوانهایی است که در این طوفان عجیب فساد - که در دنیا به وسیله ی صهیونیست ها و امثال

ص: 81

آنها دارد ترویج پیدا میکند - قرص و محکم در صراط مستقیم در ایران ایستاده اند. جمهوری اسلامی، قدرت اسلامی، نظام اسلامی، میتواند این جور جوانهایی را تربیت کند و امروز تربیت کرده و هستند. این، قدرت جمهوری اسلامی است؛ با این قدرت، هیچ قدرت مادی ای توانایی مقابله ندارد. و روح [این قدرت] هم، روح همین شهادت است. (1)

قدر شهدا را باید بدانیم، قدر خانواده های شهدا را باید بدانیم. برادران عزیز، خواهران عزیز! هرکسی که سعی کند که یاد شهدا به فراموشی سپرده بشود، به این کشور خیانت کرده؛ هرکسی که سعی کند که به خانواده های شهدا اهانت بشود یا بی اعتنائی بشود یا مورد تعرض زبانی قرار بگیرند، به این کشور خیانت کرده؛ [چون] اینجا بحث نظام نیست، بحث کشور است؛ به کشور خیانت کرده. به شهدا باید احترام بگذارند و قدر آنها را بدانند؛ به خانواده ی شهدا باید احترام بگذارند و قدر آنها را بدانند؛ خود را زیر بار منت شهیدان بدانند. خب «زیر بار منت شهیدان» یعنی چه؟ یعنی زیر بار آن همسری که راضی میشود شوهرش برود در میدان جنگ به شهادت برسد؛ پس زیر بار [منت] آن خانم هم هستند؛ زیر بار منت آن پدر یا آن مادری که رضایت میدهد فرزندش برود [هم هستند]؛ زیر بار منت اینها قرار بگیرند و همه بدانند، اینها است که ارزشها را در کشورمان زنده میدارد. (2)

5-2. گسترش صفا، معنویت و نشاط انقلابی در جامعه

پیکر مطهر و معطر شهیدان هر جا آرام گیرد، یاد مبارك و آرام بخش و بهجت انگیز خود را در فضا میپراکند و صفا و معنویت می آفریند. (3)

ص: 82

1- . در دیدار خانواده های شهدای مرزبان و مدافع حرم 1396/3/28

2- . همان

3- . پیام به مراسم تشییع و تدفین شهدا در دانشگاه شاهد 1389/7/12

ما به شما عزیزانی که اینجا تشریف دارید تسلیت میگوییم؛ تسلّا به خاطر اینکه بالاخره شما داغدارید، این جوان عزیز را از دست داده اید، اگرچه اینها نمیروند، اینها هستند، با شما هستند، با جامعه هستند، در واقع حیات و نشاط انقلابی جامعه ی ما به برکت اینها است، به برکت همین جوانهای شما است. اگر یاد شهدا را ما فراموش کرده بودیم، امروز این نشاط انقلابی و دینی را نداشتیم. بعضی ها هم خیلی تلاش کردند که یاد شهدا را از ذهن این ملت و خاطره ی تاریخی این ملت خارج کنند، الحمدلله نتوانستند؛ هم شهدای دوره ی جنگ تحمیلی، هم شهدای قبل از آن، هم شهدای بعد از آن، و همین شهدای اخیر، زنده اند؛ در مقابل چشم جامعه اند؛ همه ی ما از اینها درس میگیریم، از اینها روحیه میگیریم، از اینها انگیزه میگیریم.

به هر حال امیدواریم خداوند درجات این شهدا را عالی کند و آنها را با اولیائشان محشور کند، با پیغمبر محشور کند، با شهدای صدر اسلام محشور کند، و ان شاءالله همین جور هم خواهد کرد. (1)

6-2. حرکت آفرینی و استحکام بخشی به بازماندگان

مسئله ی شهید و ایثارگری، کهنه شدنی نیست؛ این، موتور حرکت جامعه است. (2)

خاصیت طبیعی شهادت، ایجاد برکت و تداوم و گشایش در حرکت به سمت تعالی و کمال است. اینکه خداوند متعال در قرآن، شهید را زنده معرفی میکند و در عرف اسلامی و اصطلاح متشرّعه به کشته ی راه خدا، شهید - یعنی شاهد، ناظر و حاضر - اطلاق شده است، این به این معنا است که خون شهید ضایع نخواهد شد؛ شخصیت شهید که تبلور همان

ص: 83

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1394/11/26

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای استان همدان 1383/4/16

آرمانهای او و آرزوهای او است، از میان مردم رخت برنخواهد بست؛ این خاصیت شهادت است. آن کسانی که این حقیقت را از بن دندان درک کرده اند و تصدیق کرده اند، برای آنها کشته شدن در راه خدا به هیچ وجه ضایعه به حساب نمی آید؛ بلکه يك افتخار است، يك اقبال بزرگ است؛ آن را میخواهند، آن را از خدا میطلبند؛ آن را مثل يك حاجت بزرگ، در ذکر و مناجات خودشان با خدا مطرح میکنند. (1)

حادثه ی هفتم تیر همچنین نشانه ی اقتدار و استحکام هم است؛ چون اگر کسی شهید بهشتی را میشناخت و قوت فکر و اراده و ابتکار در تصمیم و اقدام را در این شخصیت ممتاز میدانست، خوب میفهمید که حذف يك چنین شخصیتی از مجموعه ی مدیریتی کشور چه معنایی میدهد. شهید بهشتی حقیقتاً مثل سنگ آسیای گرانی بود که با گردش خود، ده ها کار انجام میداد؛ تولید انرژی میکرد، کار راه می انداخت، پیش میرفت و فکر تولید میکرد. وقتی کسی مثل این شخصیت را که در مدیریت، در اجرا، در اقدام، در فکر، در مبانی فقهی و فلسفی، در تجربه و جهان دیدگی و روشن فکری و وسعت نظر در آن پایه و رتبه بود، از دل مدیریت نظامی نوپا بیرون بکشند و آن را از بین ببرند، باید نظام فلج میشد؛ اما نظام نه تنها با رفتن بهشتی و با رفتن شخصیت های برجسته ی دیگری که چه با او، چه قبل از او و چه بعد از او به شهادت رسیدند، فلج و زمین گیر نشد، بلکه هرکدام از این شهادتها مثل خون تازه ای در رگ کالبد زنده و پُرطراوت این نظام جوان دوانده شد و او را سرحال تر، بانشاطتر و پُرانگیزه تر کرد؛ این، همان استحکام نظام است، که تا الان هم همین طور است. مردم ما برای شهادت شهدا مثل بقیه ی متوفی ها، به همدیگر تسلیت نمیگویند؛ تبریک میگویند. وقتی بهشتی شهید شد، مردم میگفتند: «تبریک و تسلیت»؛ غم

ص: 84

در کنار فتح؛ این، هویت این نظام و انقلاب را روشن میکند. (1)

يك روزی بعضی ها فكر ميکردند و بعضی ها هم به زبان می آوردند که آقا شما این بچه های دانشجو را دارید میبرید جبهه - در حالی که ما نمیبریم، خودشان داشتند با شوق میرفتند؛ آنهایی هم که جلویشان گرفته میشد، با انواع تلاشها و ترفندها افراد پیرامون خود را وادار میکردند که اجازه بدهند بروند - دانشگاه ها خالی میشود، علم متوقف میشود؛ حرکت آنها و تلاش آنها و مجاهدت آنها موجب شد که ما در حرکت علمی خودمان، از سایر حرکاتی که در جامعه به وجود می آید، بیشتر و بیشتر جلو برویم. بحمدالله امروز ما در حرکت علمی مان در سطح کشور، يك وضعيت قابل قبولی داریم؛ يك وضعيت افتخارآمیزی داریم؛ آن روز تصور نمیشد؛ آن روز شاید گفته میشد که اگرچنانچه این نخبه، این هنرمند، این دانشجو، این استاد، این معلّم برود به جبهه و کشته بشود، خلأ به وجود می آید. معلوم شد که برکات شهادت و جهاد در راه خدا خیلی بیش از این حرفها است. آنها رفتند، [اما] امروز بحمدالله برجستگانی به وجود آمدند که در عالم علم، در زمینه های هنر، در بخشهای گوناگون، برجسته اند؛ یعنی قابل نشان دادن در سطح بین المللی و جهانی هستند. اینها برکات حرکت و مجاهدت يك ملت است و این ادامه خواهد داشت؛ پیش خواهد رفت و ادامه خواهد داشت. (2)

شهدای ما، هر قطره ی خونشان توانست اکسیری بشود برای تبدیل عنصرهای پست و نخاله ی وجود ما به عنصرهای والا و باشرف. شهدا خودشان متحوّل شدند و در ارواح جوانان ما و مردم ما تحوّل آفریدند. جوانهای امروز نه امام را که مظهر قداست و شرف و نمونه ی برترین اولیا

ص: 85

1- . در دیدار مسئولان دستگاه قضایی 1383/4/7

2- . در دیدار اعضای ستادهای کنگره ی شهدای امور تربیتی، کنگره ی شهدای دانشجو، و کنگره ی شهدای هنرمند 1393/11/27

بعد از معصومین بود، دیده اند، نه دوران جنگ را تجربه کرده اند، نه سختی های دورانی قبل از انقلاب را دیده اند؛ اما همین جوانهای امروز با روحیه ی آماده و قوی، با ذهن روشن و عزم راسخ ایستاده اند. این بر اثر چیست؟ این همان تزریق خون است که شهیدان ما به این انقلاب انجام دادند؛ شهیدان، ما را زنده کردند. این، يك ذخیره است. این ذخیره را ملت ایران باید حفظ کند. (1)

حوادثی از این دست [ترور عناصر برجسته ی نظام] که به بروز مقاومت و ایمان عمیق و کم نظیر ملت مسلمان و بااخلاص ما انجامید، دل مردم را نلرزانید بلکه به عکس آنها را نسبت به صحت اهدافشان و راهی که دنبال میکنند مطمئن تر کرد و این خود یکی از نشانه های مؤمنین واقعی است. (2)

امروز با هشت سال و ده سال و دوازده سال پیش يك فرق عمده دارد و آن، این است که در آن روزها دشمنان اسلام و مسلمین امیدوار و عازم بودند که بتوانند این نهال را از بیخ و بن قلع و قمع کنند. امروز این نهال ریشه دوانده، درخت تناوری شده، خون شهدا آن را آبیاری کرده و مراقبت مادران و پدران و زجر دیدگان و مجاهدان فی سبیل الله و نیز صبر و استقامت فرزندان اسلام و دلاوران راه اسلام، آن را مستحکم کرده است. امروز دشمنان باز هم دشمنند؛ اما دیگر امید ندارند که بتوانند این درخت تناور و تنومند را قلع و قمع کنند. (3)

فداکاری شایستگان و جهاد مجاهدان توانست این نهال برومند (4) را در میهن گرامی ما بنشانند و آن را از گزند طوفانهای حوادث محافظت کند، و به ثبات و استواری و برگ و بار برسانند. امروز انقلاب کبیر اسلامی

ص: 86

1- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران خراسان 1386/2/27

2- . در دیدار و بیعت مسئولان و جمعی از مردم استانهای یزد و کهگیلویه و بویراحمد 1368/4/11

3- . در دیدار با گروه کثیری از آزادگان 1369/6/1

4- . انقلاب اسلامی

و نظام والایی که بر بنیانهای مستحکم آن بنا شد، بیست ساله، یعنی در عنفوان جوانی و بالندگی است. دشمنان اسلام و ایران با همه ی توطئه ها و یورشهای نظامی و اقتصادی و فرهنگی نتوانستند این کلمه ی طیّبه را از رشد و تکامل بازدارند، و ملت ایران با پیشتازی شهیدان و ایثارگران و رزمندگان خود با تمسک به اسلام و ایمان صادقانه و هوشمندانه توانست دستاورد گران بهای خود را پاسداری کند و به نقطه ی ثبات و استحکام برساند. (1)

7-2. کنار رفتن فتنه، نفاق، کفر و فساد در جامعه

یک دوره، دوره ی جنگ و دوره ی دفاع مقدّس بود و انگیزه ها برای حضور جوانان در میدان قدس و تقوا و فداکاری و ایثار، به طور واضح و بارز در اختیار همه قرار داشت. به قدری شعله ی مقدّس شهادت و ایثار و جهاد، این فضا را روشن و منور کرد که همه ی ابرهای تیره ی فتنه، نفاقها، کفرها و فسادها تحت الشعاع قرار گرفتند. نه اینکه این زایده های وجود شریف انسانی، در دوران دفاع مقدّس در کشور ما وجود نداشت؛ وجود داشت ولی تحت الشعاع بود؛ تحت الشعاع آن نور درخشانی که از جانهای پاک انسانهای مؤمن، در میدانهای ایثار و شهادت برمیخاست، میتابید، شما را نورانی میکرد و همه از آن بهره میبردند. (2)

حادثه ی هفتم تیر حادثه ای است که به سرنوشت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ارتباط دارد، و این حادثه برای جمهوری اسلامی سرنوشت ساز بود. اگرچه شهدای این حادثه جزو بهترین و برجسته ترین عناصر نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی بودند و یاد آنها هرگز فراموش نخواهد شد بخصوص شخصیت برجسته و نورانی مرحوم

ص: 87

1- . پیام به مناسبت بزرگداشت روز شهیدان در دهه ی فجر انقلاب اسلامی 1377/11/15

2- . در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهداء (ع) 1377/7/26

آیت الله بهشتی (رضوان الله تعالی علیه) و دیگر شهدا - لیکن با این همه، در این حادثه، چهره ی نفاق در کشور آشکار شد؛ پشت سر عناصر نفاق هم عناصر استکبار خودشان را نشان دادند. برای يك نظام نوپا، روشن شدن چهره ی دشمنان، چیز کوچکی نیست. منافقینی که خودشان را پیرو خدا و پیغمبر و اسلام و نهج البلاغه معرفی میکردند، با این حادثه، خود را مفتضح کردند؛ نشان دادند که چقدر با ارکان نظام اسلامی، با چهره های موجّه، شخصیت‌های برجسته، علمای بزرگ، خدمتگزاران صادق و کارآمد، اینها دشمنند، مخالفند؛ چهره ی اینها روشن شد. اگر حوادث معدودی از قبیل هفتم تیر اتفاق نمی افتاد و این سرمایه ها از دست ملت ایران نمیرفت، یقیناً ملت عزیز ایران نمیتوانست چهره ی منافقین را این جور آشکار تشخیص دهد؛ باز آنها نمیتوانستند نفوذ کنند - «وَلَا وَضَّعُوا خِلَالَكُمْ» (1) - نمیتوانستند خودشان را موجّه جلوه دهند. این حادثه، افشاگر واقعیت پلید منافقین شد. دشمنان اساسی و اصلی اسلام، یعنی استکبار و صهیونیست ها از اینها حمایت کردند؛ پس چهره ی آنها هم آشکار شد. درست است که این حادثه سرمایه هایی را از ما گرفت، اما این شهادتها، این خونهای بناحق ریخته، برای ملت ایران دستاوردهای بزرگی هم با خود آورد، مثل همه ی شهادتها؛ شهادت این جور است. کشته شدن در راه خدا، ریختن خون مظلومان در راه خدا، این اثر قهری و طبیعی را دارد که با خود دستاوردهایی را به امت اسلامی، به ملت‌های مسلمان، به تاریخ اسلام تقدیم میکند. ما یاد این شهیدان را هرگز فراموش نخواهیم کرد، یاد این حادثه را فراموش نخواهیم کرد. ارزش فداکارانی که در آن مجمع برای خدا اجتماع کرده بودند و مورد این تهاجم ظالمانه و وحشیانه قرار گرفتند، پیش خدای متعال و پیش ملت ایران محفوظ است. (2)

ص: 88

1- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 47، ترجمه: «... و به سرعت خود را میان شما می انداختند...»

2- . در دیدار مسئولان و کارکنان قوه ی قضائیه 1392/4/5

حقیقت هر انسانی، خواسته و فکر و هدف و راه او است. کسی که برای هدفهای شخصی و دنیایی کشته میشود، آن هدف هم با او دفن میشود و از بین میرود. هر هدفی که قائم به نفس و شخص انسان است، متعلق به او است و با رفتن و مردن انسان، آن هدف هم میمیرد و از بین میرود؛ اما هدفی که الهی و قائم به غیب و خواست خدا است و انسان در راه آن فداکاری میکند، با مردن انسان، آن هدف نمی‌میرد. البته، همین هدفهای خدایی هم ممکن است از بین بروند؛ اما از بین رفتن آن هدفها و پایمال شدنشان در صورتی است که در راه آنها مجاهدتی صورت نگیرد.

اگر کسی در راه هدفهای والا و الهی، مجاهدت کرد و زحمت کشید و بعد کشته شد، آن هدف زنده میشود و وجود این شخص هم همان هدف است و شخصیت و هویت واقعی او قائم به آن هدف میباشد. عکس قضیه این است که هدف، قائم به او نیست، بلکه او قائم به هدف است؛ لذا زنده میماند و از بین نمیرود. به همین جهت، انبیا و منادیان حق امروز زنده اند؛ زیرا فضایل و تکامل و هدفهایی که در بشر دنبال میکردند، با رفتن آنها نمرود و بتدریج هدفهایشان در واقعیت عالم و جریان تاریخ تحقق یافت. اگرچه همه ی آن اهداف هنوز برآورده نشده است، اما امروز می بینید که در دنیا، ندای عدالت و آزادی هست و روشن فکران عالم هدفهایی را به عنوان هدفهای عالی اسم می آورند که این همان هدفهای انبیا است؛ گرچه خود ندانند که از کیست. (1)

در روز عاشورا کسی نفهمید چه اتفاق افتاد. عظمت آن حادثه، عظمت جهاد جگرگوشه ی پیغمبر و یاران و نزدیکانش و همچنین عظمت فاجعه ی کشته شدن فرزندان و نوردیدگان پیغمبر بر کسی روشن نبود. اکثر

ص: 89

کسانی که آنجا بودند هم نفهمیدند. آنهایی که در جبهه ی دشمن بودند، آن قدر مست و آن قدر غافل و آن قدر از خودبیگانه بودند که نفهمیدند چه اتفاقی افتاد! مستان عالم، مستان غرور و شهوت و غضب و مستان حیوانیت، نمیفهمند در عالم انسانیت چه دارد اتفاق می افتد؛ بله، زینب (سلام الله علیها) خوب فهمید، سکینه خوب فهمید، آن زنها و دخترهای مظلوم خوب فهمیدند چه اتفاقی افتاد؛ این مال روز عاشورا است. اما هر روزی که از روز عاشورا جلوتر رفتیم - روز دوازدهم در کوفه، چند هفته بعد در شام، چند هفته بعد در مدینه و اندکی بعد در همه ی دنیای اسلام - این حادثه به سرعت برق، عظمت و اهمّیت خودش را نشان داد. هنوز دو سال از این حادثه نگذشته بود که آن طغیانگرِ فرعونی که عامل این حادثه بود، از روی زمین برافتاد و نابود شد و چند سالی بیش نگذشته بود که آن خانواده نابود شدند. خانواده ی دیگری از بنی امیه سر کار آمدند؛ چند ده سالی نگذشت که آن خانواده هم مضمحل و نابود شدند. دنیای اسلام روزبه روز به مکتب اهل بیت نزدیک تر، دل بسته تر و مشتاق تر شد و این حادثه توانست پایه های عقیده ی اسلامی و مکتب اسلام را در طول تاریخ استوار کند. اگر حادثه ی کربلا نبود، ما امروز از مبانی و اصول اسلام هم چندان خبری نمیداشتیم و شاید فقط نامی از اسلام به گوش ما میخورد. این خون مقدّس و این حادثه ی بزرگ، نه فقط کوچک نشد، کم رنگ نشد، ضعیف نشد، بلکه روزبه روز قوی تر و برجسته تر و اثرگذارتر شد؛ این يك نمونه ی برجسته است. انقلاب شما و شهادت شهیدان شما هم از همین قبیل است. در اول، حادثه ای زلزله گون بود؛ خیلی ها تحلیل کردند: «يك زلزله است، میگذرد و فراموش میشود!» اما این جور نشد؛ عکس شد. امروز در اعماق دل ملتّهای مسلمان، مفاهیم انقلاب اسلامی روزبه روز رسوخ بیشتری پیدا میکند؛ این نه حرف من، بلکه محصول تحلیلهای کسانی است که دشمن ترین دشمنانشان، ملت ایران و انقلاب اسلامی است!

آنها میگویند؛ آنها شهادت میدهند. اینی که می بینید تهدید میکنند و علیه ملت ایران عربده میکشند، به خاطر همین تحلیل است؛ میترسند! می بینند این حادثه خاموش نشد؛ می بینند این موج کم رنگ نشد و مرتب برجسته تر و گسترده تر و عمق آن بیشتر میشود؛ لذا میترسند. (1)

برادران! عزیزان! باور عمیق قلبی این بنده ی حقیر این است که ما امروز همه مان بر سر سفره ی شهدا نشستیم. بقای این انقلاب به خاطر خون شهیدان است... شهادت است که پای ماندگاری و پایداری و بقای ارزشها را امضا میکند. بزرگ ترین اجری که در این دنیا به شهید داده میشود، بقا و استحکام آن حقیقتی است که شهید جان خود را برای آن حقیقت فدا کرده است. خدای متعال آن حقیقت را به برکت خون شهید حفظ میکند. (2)

همیشه چنین است: نیکی ها براهر فداکاری نیکان، گسترش می یابد و جاودانه میشود و خونهای مقدّس فداکاران است که نهال فضیلتها را در جهان، ریشه دار و آسیب ناپذیر میسازد. امروز در نظام مقدّس جمهوری اسلامی که پایگاه اسلام و سرچشمه ی عظمت و بالندگی نوین آن است، همه چیز مدیون خون شهیدان عزیز است و همه روز، روز شهدا و ایثارگران است. (3)

من به عنوان رئیس جمهور و خدمتگزار کشورم و به نام کسی که خود نیز هدف یکی از این جنایتهای خشن قرار گرفته و خدا آن را ناکام گذارده، افتخار میکنم که ملّتم در برابر این قساوتهای نلرزید؛ و حوادث بی نظیری که فقط در یکی از آنها 72 نفر از رهبران و کارگزاران بلندپایه ی انقلاب - شامل چند وزیر، چندین نماینده ی مجلس، تعدادی مسئولان بزرگ و شخصیت

ص: 91

1- . در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده های شهدای استان فارس 1387/2/13

2- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی 1391/7/22

3- . پیام به مناسبت روز ایمان، ایثار و شهادت 1374/11/19

کم نظیر انقلاب، شهید بهشتی و در یکی دیگر رئیس جمهور و نخست وزیر - باهم به شهادت رسیدند، تنها ایمان و توکل او به خدا و خشم انقلابی اش را افزایش داده است. (1)

معلم، دانش می آموزد، تفکر می آموزد، اخلاق و رفتار هم می آموزد؛ آموختن رفتار و اخلاق از قبیل آموختن دانش نیست که فقط انسان از روی کتاب بخواند؛ درس اخلاق را با کتاب نمیشود منتقل کرد، بیش از کتاب و بیش از زبان، رفتار مؤثر است؛ یعنی شما در داخل اتاق درس و میان دانش آموزان، با رفتار خودتان به آنها درس میدهید. البته با زبان هم باید گفت، باید نصیحت کرد، اما رفتار تأثیر عمیق تری دارد، تأثیر همه گیرتری دارد. صادقانه بودن سخن را رفتار انسان روشن میکند... گاهی من بعضی از این کتابهایی که درباره ی معلمین است میخوانم؛ تأثیر معلمی که در جبهه های دفاع مقدس حضور پیدا کرده است و شهید شده است بر روی فکر دانش آموزانش، تأثیر شگرفی است که انسان این را مشاهده میکند. (2)

9-2. حفظ عزت و شرافت ملت در برابر حاکمان ظالم و متجاوزان

خوب است همه به یاد داشته باشیم که این کشور، این انقلاب و این تاریخ، نجات یافته ی این مجاهدتها و این خونها است. (3)

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (4). انتخاب با خود ملت است. اگر در میان يك ملتی که این جور زیر ستم است، انسانهای بزرگی پیدا شدند، آزادگانی پیدا شدند، علمای برجسته ی با شجاعت وارد میدان شدند، آحاد مردم حاضر شدند از لذتهای زودگذر و راحتهای حقیر روزمره ی

ص: 92

1- . بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل 1366/6/31

2- . در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور 1393/2/17

3- . در دیدار مسئولان دستگاه قضایی 1377/4/7

4- . سوره ی رعد، بخشی از آیه ی 11، ترجمه: «... در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمیدهد تا آنان حال خود را تغییر دهند...»

زندگی صرف نظر کنند و مجاهدت کنند و دل به شهادت بدهند، میتوانند خودشان را از این ذلتِ زیر سلطه بودن خارج کنند. این انتخابی بود که ملت ایران با انقلاب اسلامی کرد. (1)

ملت ایران به کمک خداوند متعال و عنایات حضرت بقیة الله (ارواحنا فدا) و با سلاح ایمان و جهاد و عشق به شهادت، بر رژیم تادندان مسلح پهلوی پیروز شد، و نظام پوسیده ی سلطنت را پس از قرن‌ها سلطه ی ظالمانه و تحقیر آمیز، به دور افکند و بنیان شامخ نظام اسلامی را که بر ایمان و معرفت و منطق و اراده ی مردم استوار است بنا کرد. (2)

اگر از عوامل معنوی و آنچه خدای متعال وعده ی آن را به مؤمنان و مجاهدان راه حق داده است هم صرف نظر کنیم، برحسب قوانین عادی زندگی جوامع بشری، هر جامعه ای عزتت، قدرتش، آبرو و حیثیتش، هویتش بستگی دارد به مجاهدت و به تلاش. با تنبلی و تن آسایی، هیچ ملتی نمیتواند مقام شایسته ای را در میان ملتهای عالم یا در تاریخ پیدا کند. آنچه که ملتها را، هم در تاریخ و هم در دوران خودشان، در میان ملتهای عالم سربلند میکند، مجاهدت است، تلاش است. این تلاش، البته شکل‌های گوناگونی دارد؛ هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم تلاش به معنای تعاون اجتماعی میان افراد، همه لازم است؛ اما در رأس همه ی این تلاشها، آمادگی برای جان فشانی است که يك ملت را در میان ملتها سرفراز میکند. اگر در میان هر ملتی کسانی وجود نداشته باشند که آماده باشند از جان خود، از راحت خود، در راه رسیدن به آرمانها صرف نظر کنند، آن ملت به جایی نخواهد رسید. کاری که انقلاب برای ما مردم ایران انجام داد، این بود که این راه را در مقابل ما روشن کرد؛ آحاد ملت ما فهمیدند و احساس کردند که باید در راه آرمانهای بلند، مجاهدت کنند و

ص: 93

1- . در دیدار دانش آموزان و دانشجویان بسیجی 1386/8/9

2- . پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی 1377/11/21

هر ملّتی که متکی به شهادت شد - یعنی شهادت را بلد بود و هنر شهادت را یاد گرفت - برای همیشه سربلند است و هیچ قدرتی بر این ملّت پیروز نخواهد شد... ملّتی که اهل شهادت است، مسئله ی شهادت در راه خدا برایش حل شده است. نه اینکه همه اش بخواهند مردم بروند و کشته شوند؛ نه، بلکه به این معنا که اگر يك وقت لازم شد و کشور و تاریخ آن کشور و عزّت و منافع آن ملّت، احتیاج داشت که عدّه ای بروند و جان فشانی کنند، عدّه ای در این ملّت حاضر باشند جان فشانی کنند. این معنای حل شدن معنای شهادت است؛ شهادت برایشان حل شده است. ملّتی که این گونه باشد، ملّتی که شهیدپرور باشد، ملّتی که توانسته باشد برای جوانان خود، برای مردان و زنان خود، قضیه ی کشته شدن در راه خدا را حل کند، آیا تحت تأثیر تهدید قرار میگیرد؟! آیا رشوه میگیرد؟! آیا تسلیم قدرتمندان میشود؟! آیا به استکبار بار میدهد؟! ابدأً. لذا امروز نگاه کنید؛ عزّت و عظمت کشور شما به برکت خون همین عزیزان شما است. دولتش، ملّتش، مسئولینش و آحاد طبقات مختلفش، هیچ کدام حاضر نیستند خدشه ای به عزّت اسلامی این ملّت وارد شود و مثل کوه ایستاده اند. حالا استکبار جهانی فشار می آورد، بیاورد. او خسته خواهد شد؛ کما اینکه بیست سال است - از اوّل انقلاب تا به حال - فشارهای استکبار ادامه دارد: همسایه ای را تحریک کنند، جنگی را راه بیندازند، محاصره ی اقتصادی کنند، تبلیغات مخرب کنند و تهمت بزنند، حرفهای گوناگون بگویند و سعی کنند بین ملّت اختلاف ایجاد نمایند و باورهای ملّت را بگیرند! استکبار در همه ی این حمله ها و یورشهای وحشیانه، شکست خورده است و باز هم شکست خواهد خورد. به خاطر اینکه این ملّت به برکت خون همین شهدای شما، ملّتی است دارای شهامت؛ ملّتی است شهیدپرور.

ببینید تأثیر شهادت برای سیادت و سعادت يك ملت، چقدر والا است؟! اینها است که ارزش دارد. وجود چنین مردان و زنان و چنین جوانانی است که دنیا و آخرت يك ملت را تأمین میکند؛ هم دنیایشان را آباد میکند، هم آخرتشان را. (1)

آنها کسانی بودند که نه در راه تهاجم به يك کشور بیگانه و به يك همسایه، [بلکه] در راه مقابله ی با تهاجم يك دشمن، در راه حفظ میهن، حفظ استقلال، حفظ شرف ملی ایستادگی کردند. آن کسانی که در زمان حکومت شریر بعضی، به ایران حمله کردند و میخواستند ایران یا لاقلاً قسمتی از ایران را مثل وضع فعلی عراق بکنند - که اشغالگر بیاید داخل خانه و محله ی زندگی مردم و امکان تنفس را از پیر و جوان و مرد و زن بگیرد، به آنها اهانت کند، آنها را تحقیر کند، پا روی گردن آنها بگذارد - این کار را میخواستند با ملت ما بکنند. ببینید امروز اشغالگران در عراق چه کار میکنند! جلوی جوان غیور عرب، مرد بیگانه، همسر و خواهر او را بازرسی بدنی میکند! به يك مرد غیور از دیدن چنین منظره ای چه میگردد؟ يك جوان غیرتمند عرب را در مقابل همسرش، در مقابل فرزندانش روی زمین میخوابانند، لگد روی پشت و روی سرش میگذارند. به يك خانواده ی عزتمند و باشرف چه میگردد در يك چنین وضعی؟ اینها میخواستند این کار را با ملت ایران بکنند. صدام و حزب بعث و پشتیبانان آمریکایی و شوروی و اروپایی او قصد داشتند با ملت ایران چنین معامله ای بکنند. و این جوان رزمنده ی ما نگذاشت. کدام افتخار از این بالاتر؟ (2)

فرزندان شهدا! به پدران خود افتخار کنید. اینها کسانی بودند که مسیر تاریخ را عوض کردند؛ اینها کسانی بودند که قوی پنجه ترین و وحشی ترین مستکبران دنیا را به زانو درآوردند؛ ملت خود را سرفراز کردند و دین خدا را

ص: 95

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1377/7/5

2- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران خراسان 1386/2/27

شهدای ما کسانی نیستند که در يك جنگِ توسعه طلبانه کشته شده باشند. آنها با کسانی که کشته شدگانِ جنگهای معمولی در بسیاری از مناطق دنیا هستند و برای تعرض به خاك و حریم دیگران جنگیده اند، فرق میکنند. این کجا، شهدای ما کجا؟! به کشور و استقلال و آبروی این ملت حمله ور شدند؛ علیه ما عربده کشی کردند؛ همه ی قدرتهای بزرگ علیه ما دست به دست هم دادند؛ همین کسانی که همیشه دم از صلح میزنند و امروز بیش از همیشه حرف صلح و امنیت را بر زبان جاری میکنند، یکی از جبارترین حکومتها را علیه ما تجهیز کردند؛ به خانه و شهر و روستا و جاده ها و تأسیسات ما حمله کردند و مرز ما را شکستند. اگر نیروهای مسلح، خودشان را در مقابل دشمن، تجهیز و سینه سپر نمیکردند، اگر آحاد ملت ایران در کنار نیروهای مسلح و در قالب بسیج به میدان نمیرفتند و خودشان را آماده ی فداکاری نمیکردند، میدانید بر سر کشور چه می آمد؟ میدانید آبرو و ناموس و شخصیت و غرور این ملت بزرگ چگونه لگدمال دشمنان میشد؟ رزمندگان و بخصوص شهدای عزیز ما به گردن این ملت و به گردن همه ی ما حق حیات دارند. (2)

در میان روزهای این دهه ی نور و فجر، امروز به شهیدان اختصاص یافته است. در حقیقت همه ی روزهای این دهه و همه ی روزهای سال را باید متعلق به شهیدان دانست؛ زیرا اگر مجاهدت فداکارانه ی جوانان این مرزوبوم که به این شهادتها منتهی شده است، نمیبود، همه ی روزهای این ملت در زیر چتر سیاه ظلم و تجاوز و دخالت دشمنان اسلام و ایران، به شبهای تاریک بدل میگشت. (3)

ص: 96

1- . در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده های شهدای استان کرمان 1384/2/12

2- . در دیدار خانواده های شهدای نیروهای مسلح 1380/7/4

3- . پیام به مناسبت روز شهیدان در دهه ی فجر 1371/11/14

همه ی دستاوردهای انقلاب اسلامی مرهون مجاهدت و صبر شهیدان و خانواده های مکرم آنها است. امروز عزّت و استقلال ملت ایران و پیشرفتهای مادی و معنوی کشور که مردم و مسئولان ما آنها را بحق، مایه ی افتخار خود میدانند و بدان میبالند، به برکت جان فشانی های بهترین فرزندان این مرزوبوم در راه استقرار نظام اسلامی و دفاع از ارزشهای آن به دست آمده است. مسئولان کشور باید خود را امانت دار این ودیعه ی الهی بدانند و با همه ی توان خود در پاسداری از آن بکوشند. (1)

امروز، به فضل همین شهادتها و به برکت خون شهدا، ملت ما، ملت سربلند و آبرومندی است و ملتها آبرو و عزّت را این گونه باید پیدا کنند. قدرتهای استکباری، برای ملتهای کشورهای امثال ماکشورهای اسلامی و دیگر کشورهای مستضعف - حقّ حیات و حقّ رأی و نظر قائل نیستند؛ حتی حقّ استفاده از منابع ثروت خودشان را هم قائل نیستند. با قدرتهای شیطانی، از سر ضعف و ذلّت نمیشود وارد شد؛ چون به ضعیف رحم نمیکنند. باید هر ملّتی خود را قوی کند و قدرت حقیقی خودش را پیدا نماید و این، جز به برکت اعتقاد و عمل در راه آن اعتقاد تا سرحدّ مجاهدت و شهادت، امکان پذیر نیست. این، کاری است که ملّت و شهدای ما انجام دادند و دنیای استکبار و دولتهای متکبر را - نه انسانها و ملتها، چون آنها با ما همراهند - وادار به پذیرش و تحمّل اسلام و جمهوری اسلامی کردند. البتّه، از توطئه و اعمال دشمنی و مکر غافل نیستند. شما هم غافل نباشید. (2)

اگر امروز این ملّت، عزّت و اقتدار و امنیتی دارد و اگر دانشگاه و کارخانه و دولت و دستگاه های گوناگون کشور این فرصت را دارند که به کارهای

ص: 97

1- . پیام به مناسبت مراسم عطفافشانی و غبارروبی مزار شهدا 1382/11/16

2- . در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه ی پاکستان 1368/5/25

روزمره‌ی معمولی خودشان برسند، این به برکت همین جنازه‌های از راه رسیده‌ای است که در تفحصها پیدا شده‌اند. اینها رفتند دشمن را بیرون کردند؛ اینها رفتند عزت ملی را تأمین کردند؛ اینها رفتند ننگ تسلط چکمه پوشان دشمن بر مرزها را از چهره‌ی این ملت عزیز سترند و پاک کردند. بنابراین قدرشناسی از اینها لازم است. هرکس که در این کشور زندگی میکند، باید خودش را مدیون شهدای عزیز بداند. (1)

در مسئله‌ی ایثار، عظمتی نهفته است که هیچ جامعه‌ای بدون دارا بودن یک چنین نقطه‌ی مهم و تعیین کننده‌ای نخواهد توانست به عزت و عظمت دست پیدا کند. (2)

ملت ایران با فداکاری شهیدانش و با صبر و پایداری آزادگان و جانبازانش، و با گذشت و بزرگواری خاندانهای آنان، توانست خود را به قلّه‌های عزت برساند و راه روشن خود به سوی آینده را بگشاید. (3)

روزی که آن جنگ خونین، در حول و حوش جزیره‌ی آبادان واقع شد و جوانان رزمنده‌ی ما، از ارتشی و سپاهی و بسیجی، همین طور مثل ستاره‌های فروزانی که ساقط بشوند، در بهمنشیر می افتادند و شهید میشدند، اما برنمیگشتند و میرفتند، تا دشمن را نابود کردند و سرش را به سنگ کوبیدند و جزیره‌ی آبادان را فتح کردند و محاصره را شکستند و دشمن را عقب راندند، چیزی که برای این جوانان و این رزمندگان و این بسیجی‌ها و این افسران و درجه داران و سپاهی‌ها مطرح نبود، جانشان بود. این طوری میشود به هدفهای بزرگ رسید. این طوری میشود شرّ استکبار را کم کرد. این طوری یک ملت، زندگی راحت و شرافتمندانه را برای خود فراهم میکند. ممکن است زندگی راحت و خوبی باشد، اما با زندگی راحت ملت‌های اسیر، قابل مقایسه نیست. آیا راحتی در زندان و سلول و

ص: 98

1- . خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 1380/2/28

2- . در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران کرمانشاه 1390/7/21

3- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهیدان و ایثارگران 1392/7/4

يك فضا، که در ر روی شما ببندند، ظهر هم غذايتان را بياورند، شب هم شامتان را تهيه کنند و مثل خيلى از زندانها بيگارى بدهند، با آن راحتى اى که شما در خانه ي خودتان، يك مقدار زحمت بيشتر هم داشته باشيد، يکى است؟(1)

اين مردان خدا(2) با دلهايى که به ايمان و اخلاص و شجاعت، مزين بود، کشور و ملت خود را در يکى از بزرگ ترين حوادث تاريخى، از مهلکه نجات دادند و تهديدى را که ميتوانست به ذلت و اسارت ايران و شکست اسلام بينجامد، دفع کردند. آنان با فداكارى دلاورانه ي خود بيدارى اسلامى را در جهان تداوم بخشيدند و پرچم پيروزى اسلامى را که با انقلاب بزرگ ملت ايران به اهتزاز درآمده بود برافراشته نگاه داشتند. دشمن بعثى که به سود هدفهاى استعمارى غرب، به کشور ما هجوم آورده بود، از دليران مؤمن و غيور ما شکست خورد و پس از هشت سال، سرافکنده در پشت مرزهاى خود متوقف گشت. ملت ايران در اين آزمون مرگ و زندگى، بهاى سنگينى پرداخت ولى استقلال و عزت ملى و هويت اسلامى خود را که براى ملتها از همه چيز گران بهاتر است حفظ کرد و پرچم بيدارى اسلامى را که دنياى اسلام به آن چشم دوخته است، سربلند نگاه داشت.(3)

3. آثار جهانى و تاريخى شهادت

3-1. حفظ اسلام و سربلند شدن آن در عالم

اين پايه ي استوار و محکم(4) است که هزار و سيصد و اندى است اسلام را، با آن همه دشمنى، در دنيا نگه داشته است. خيال ميکنيد اگر آن شهادت، آن خون پاك و آن حادثه ي به آن بزرگى نبود، اسلام باقى

ص: 99

1- . در دیدار با مسئولان دفاتر نهضت سوادآموزى، و... 1369/7/4

2- . شهيدان

3- . پيام به مناسبت روز شهيدان در هفته ي دفاع مقدّس 1382/7/3

4- . واقعه ي عاشورا

میماند؟! قطعاً بدانید اسلام باقی نمیماند. قطعاً بدانید در توفان حوادث، نابود میشد. ممکن بود به عنوان یک دین تاریخی، با یک عده طرف داران کم مایه، در گوشه ای یا گوشه هایی از دنیا میماند، اما اسلام زنده نمیماند. فقط نام و یاد اسلام ممکن بود بماند. اما امروز شما می بینید که اسلام، بعد از 1400 سال، در دنیا، زنده است. اسلام، سازنده است. امروز، اسلام در دنیا، زاینده است. امروز اسلام در دنیا، ملت‌ها را به عنوان روشن ترین و پرفروغ ترین امید، به سمت خود متوجه کرده است. اینها همه از برکت همان حادثه ی کربلا و جان فشانی حسین بن علی (علیه السلام) است. (1)

من به شما خانواده های عزیز شهدا عرض میکنم، خدا را شکر که خون شهدای شما هدر نرفت. خدا را شکر که اگر شهدای عزیز شما، جسمشان به خاک و خون غلتید، اما روحشان شاد است. آنها برای این جنگیدند و کشته شدند که اسلام عزیز بشود و اسلام عزیز شد؛ همچنان که خون حسین بن علی (علیه السلام) به هدر نرفت. آن بزرگوار را با آن وضع فجیع به شهادت رساندند و علی الظاهر دشمن توانست آن عزیزان را به شهادت برساند - ظاهر مطلب این بود که یزید پیروز شد - اما در باطن، حسین بن علی پیروز شد. حسین بن علی (علیه السلام) برای باقی ماندن اسلام، خون خود را نثار کرد و در این راه توفیق پیدا نمود و توانست اسلام را بیمه کند. عزیزان شما هم، اسلام و جمهوری اسلامی را بیمه کردند. (2)

در زمان ما، مسئله، مسئله ی صد نفر و هزار نفر و یک میلیون نفر مسلمان نبود؛ مسئله ی همه ی دنیای اسلام بود. آنها میخواستند اسلام را محو کنند و نام اسلام را از بین ببرند و اثری از آثار اسلام در عالم باقی نماند؛ چون اسلام با قلدری های آنها روبرو بود. آمریکا از اسلام میترسید و میترسد. قلدرها و سرگردنه بگیرهای معتبر عالم - یعنی همین قدرتهای

ص: 100

1- . در جمع هزاران تن از اعضای سپاه پاسداران و یگان ویژه ی نیروی انتظامی به مناسب روز پاسدار 1372/10/26

2- . در جمع خانواده های شهدای ایلام 1369/10/13

جهانی - از اسلام میترسیدند و میترسند؛ لذا کمر به نابودی اسلام بسته بودند. جوانان شما قیام کردند، به ابرقدرت‌ها سیلی زدند و نقشه‌های آنها را نقش بر آب کردند. همین جوانان شما، همین جوانان 18 ساله و 20 ساله و 25 ساله، همین جوانان بسیجی و ارتشی و سپاهی و رزمنده‌ی میدان جنگ یا پشت جبهه، توانستند همه‌ی قدرتهای مسلط جهانی را در روزگار ما شکست بدهند؛ کاری کردند که پرچم اسلام در دنیا سرفراز شد. (1)

آیا میدانید که این شهدای بزرگوار ما همین جوانان فداکار ما، همین بسیجی مؤمن پُرشور عاشق و شوما، یا ارتشی و سپاهی ما، چه عظمتی در دنیا و در تاریخ آفریده‌اند؟ اسلام را در کنج انزوا قرار داده بودند؛ جهان خواران و غارتگران عالم، داشتند کاری میکردند که از اسلام نامی بر صفحه‌ی روزگار و در دل‌های مردم باقی نماند؛ قصد داشتند اسلام را بکلی از بیخ و بن برگند. این کار را آسان هم نکرده بودند؛ میلیاردها خرج کردند. نقشه کش‌ها و متفکران مزدورشان، شبها و روزها و سالهای متمادی فکر کردند، آدمها کشتند، شهرها ویران کردند، حکومتها بردند و حکومتها به جای آنها آوردند، در همه جای کشورهای اسلامی علما را کشتند، مدارس را ویران کردند، نام دین را از صفحه‌ی در و دیوار شهرها شستند، تا شاید بتوانند اسلام را از بین ببرند. این کارها کی انجام گرفت؟ این کارها مربوط به هزار سال و پانصد سال و دوست سال قبل نیست؛ مربوط به همین عمر من و شما است. در دوران رژیم منحوس پهلوی، در همین کشور این کارها انجام شد. در همین شهرها، حتی در همین روستاها، و در همه جای دنیای اسلام، خصمانه و با دل پُر از کین، داشتند با اسلام می‌جنگیدند، تا اسلام را بکلی از صفحه‌ی روزگار زایل کنند و از بین ببرند. چرا؟ چون اسلام با قدرت طلبی‌هایشان، با سلطه‌گری‌هایشان، با غارتگری‌هایشان، با آدم‌خواری‌هایشان، با فسادهایشان، با فحش‌هایشان،

ص: 101

با آدم کشی هایشان، با توطئه هایشان بر ضدّ انسانیت مخالف بود. میخواستند آزاد و بی مهار باشند و هر کاری که میخواهند، بکنند؛ اما اسلام مانع بود. لازم میدانستند که اسلام را از بین ببرند، و داشتند میبردند، که این انقلاب الهی مثل فجر نوری درخشید. قبل از این انقلاب، آنجاهایی که در دنیا مسلمانان زندگی میکردند، از مسلمانی خودشان احساس افتخار نمیکردند. خیلی از مسلمانان به خاطر احساس حقارتی که در مقابل غیر مسلمین داشتند، دم از مسلمانی نمیزدند. ملت‌های مسلمان هر جا بودند، خود را کوچک، زبردست و حقیر احساس میکردند. انقلاب مانند کوره‌ی آتشفشانی دنیا را تکان داد و همه چیز را دگرگون کرد؛ باورها را عوض کرد، احساسها را عوض کرد، مسلمانان را عوض کرد؛ نه فقط در ایران، بلکه در همه‌ی دنیای اسلام. امروز سران کشورهای مسلمان، حتی آنهایی که از اسلام بهره‌ی چندانی هم ندارند، خود را مجبور می‌بینند که به اسلام تظاهر کنند! چرا؟ چون ملت‌ها اسلام را میخواهند. امروز دستگاه‌های کفر و استکبار جهانی، در مقابل مسلمین احساس رعب میکنند. چرا؟ چون مسلمانان دیگر احساس حقارت ندارند. مسلمانان، امروز در هیچ نقطه‌ی دنیا از مسلمانی خودشان خجالت نمیکشند؛ بلکه به آن افتخار میکنند؛ اینها را انقلاب کرد.

در این حرکت عظیم، نقش همین بچه‌های شما، همین شهیدان شما، همین به خون غلتیدگان جبهه‌های نبرد و سایر جبهه‌ها، نقش اول است. ما امروز هنوز قادر نیستیم عظمت این کار را درک بکنیم؛ تاریخ درباره‌ی اینها قضاوت خواهد کرد. (1)

ما همان ملت شهرریور بیستیم. باد جنگ به این کشور خورد و همه چیز را از ما گرفت. دو ساعت نتوانستیم مقاومت کنیم! شمال و شرق و جنوب

ص: 102

کشور، به وسیله ی دشمن تصرّف شد. ما کدام شهید را از آن روز به یادگار داریم؟ آن روز، کدام مجموعه ای از ملت میتواند بگویند ما بودیم که دفاع کردیم؟ امروز یعنی در دوران اسلام چگونه است؟ در این کشور، چه جایی است که افتخار دفاع جانانه و ستایش برانگیز را نداشته باشد؟ در هریک از دهات همین مازندران شما که آدم وارد بشود، عکس چند شهید در آنجا است. همه جای کشور، این طور است. پس، با این حرکت ما اسلام عزیز شد. (1)

این شهیدان با ایشار خود پرچم اسلام را که دست توانای رهبر عظیم الشان ما حضرت امام خمینی (اعلی الله مقامه) در این سرزمین برافراشته بود، سربلند نگه داشتند و اسلام و معنویت را در همه ی اقطار عالم عزیز کردند. (2)

عزیزان من، پدران شهدا، مادران شهدا، که دسته های گل پروریده ی در دامان خودتان را در راه خدا دادید و پرپر شدن آنها را تحمل کردید! جوانان عزیز جانباز، که در اول جوانی، سلامت خودتان را برای خدا و در راه خدا تقدیم کردید! همسران شهدا، فرزندان شهدا، که مصائب مشکل را تحمل کردید! من این حقیقت را به شما عرض کنم که اگر این معجزه اتفاق نیفتاده بود، اگر جوانان و نورچشمان شما این طور مجذوب حق به سمت مقتل خودشان نمیرفتند و فداکاری نمیکردند، امروز از اسلام در دنیا خبری نبود؛ که هدف استکبار هم این بود. (3)

اگر نبود خونهای مطهر و معطری که در راه خدا بر زمین ریخته شد، یقیناً امروز از نظام اسلامی اثری نبود و پرچم قرآن چنین سربلند نمیشد. (4)

ص: 103

-
- 1- . در دیدار با روحانیون و ائمه ی جمعه و جماعات استان مازندران 1369/2/22
 - 2- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا در هفته ی دفاع مقدّس 1369/7/5
 - 3- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای قم 1370/11/30
 - 4- . پیام به خانواده های شهدا و ایثارگران در آستانه ی هفته ی دفاع مقدّس 1368/6/23

اگر امروز اسلام در جهان دارای عزّت است، به برکت شهدا است. اگر امروز جمهوری اسلامی، به صورت يك قدرت مردمی در دنیا مطرح است، به برکت خون شهدا است. اگر ملت‌های مسلمان دیگر در نقاط مختلف عالم، ملت ایران را الگوی مقاومت و مبارزه‌ی خودشان قرار داده اند، به برکت فداکاری شهدا است. (1)

اگر می بینید که امروز در دنیا پرچم اسلام بلند است، اگر می بینید که ملت‌های مسلمان احساس شخصیت و هویت میکنند، اگر می بینید که نعره‌ی الله اکبر بچه مسلمان‌ها در سرتاسر کشورهای اسلامی، تخت‌های قدرت استکباری را به لرزه درآورده و اسلام عزیز است و در دنیا مطرح است، بدانید که این افتخار به وسیله‌ی فرزندان شما، به وسیله‌ی همین خونهای پاک، به وسیله‌ی همین گذشتها و اثارها به دست آمد؛ بدون اینها نمیشد. (2)

اگر شهدای عزیز ما نمیبودند و فداکاری آنها نمیبود، امروز این عزّت و این عظمت برای اسلام نمیبود. امروز شما وقتی به صحنه‌ی عالم نگاه میکنید، می بینید که پرچم اسلام در اهتزاز است؛ اسلام عزیز است؛ ملت‌های مسلمان برای حکومت اسلامی مجاهدت و تلاش میکنند؛ دل‌های مسلمین پر از امید است؛ آینده برای مسلمانان روشن است و ملت‌ها در مقابل قدرتهای جهنمی عالم، دچار ترس و رعب نمیشوند. آن احساس ذلّت و زبونی‌ای که ملت‌های ضعیف در طول ده‌ها سال گذشته، بلکه قرن‌های گذشته دچار آن بودند، امروز از آن احساس ضعف و ذلّت خبری نیست؛ ملت‌ها شجاع و قوی و اهل اقدام و عمل شده اند.

اگر کسی بانصاف باشد و بخواهد این پدیده‌ی عظیم عالم را تحلیل بکند، به این نتیجه میرسد که همه‌ی این برکات، از برکت خون همین جوانان و

ص: 104

1- . در جمع خانواده‌های شهدای ایلام 1369/10/13

2- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای قم 1370/11/30

فرزندان شما است؛ از برکت همین رزمندگانی است که در مدّت سالهای بعد از پیروزی انقلاب، در جبهه های مختلف حضور پیدا کردند؛ جان خود را مورد توجّه قرار ندادند؛ هدفهای الهی را مورد توجّه قرار دادند؛ بعضی به شهادت رسیدند، بعضی مجروح و جانباز شدند و در عین جوانی، از عافیت جسمانی محروم شدند؛ بعضی هم به اسارت دشمن درآمدند و سالها سختی های زندان و شکنجه ی تسلّط دشمن عنود را تحمّل کردند؛ اینها بودند که آن عزّت و آن عظمت را برای اسلام به ارمغان آوردند. (1)

من میخواهم به شما جوانان عزیز و مردم این روستا و خانواده ی محترم شهدا عرض کنم که این مجاهدتهای شماها موجب شد که اسلام و قرآن و نام خدا در دنیا سر بلند شود. (2)

2-3. ایجاد اقتدار برای کشور و نظام در میان ملتها

عزیزان من! مسئله ی شهادت بسیار مسئله ی عمیقی است؛ مسئله ی مهمّی است. مردم ما با ایمانشان، با احساسات دینی شان، با شجاعتشان، این مسئله را در عمل بین خودشان حل کردند؛ شهید دادند؛ و پدر و مادرهایی بودند که بر شهیدانشان حتّی گریه هم نکردند؛ خانواده هایی بودند که در مراسم ختم شهیدانشان لباس شادی پوشیدند؛ بنابراین از لحاظ عملی در ذهن مردم حل شد؛ لیکن ما خیلی میدان داریم برای اینکه درباره ی شهادت فکر کنیم.

اگر در يك جمله بخواهیم مسئله ی شهادت و اهمّیت آن را بیان کنیم، باید بگوییم اعتقاد به شهادت، باور به عظمت شهیدان برای يك ملت، عمق معنوی شخصیت و هویت آن ملت است. چطور میشود که

ص: 105

1- . در جمع گروهی از خانواده های شهدا، مفقودان، آزادگان و جانبازان استان بوشهر 1370/10/11

2- . در جمع مردم روستای لیلک، از توابع بخش دلوار بوشهر 1370/10/13

يك ملت در چشم مردم دنیا با عظمت شناخته شود؟ چطور میشود که يك ملت به جای اینکه از عوامل گوناگون سیاسی دنیا تأثیر بپذیرد، بر روی همه ی حوادث دنیا اثر میگذارد؟ چطور يك ملتی به چنین مقامی دست پیدا میکند؟ چطور میشود که يك ملت بدون اینکه ابزارهای پیچیده ی نظامی داشته باشد و بدون اینکه امکانات تبلیغاتی وسیعی داشته باشد، آن چنان در دنیا و در میان ملتها اثر میگذارد که ملتها مجذوب او میشوند؟ شما نگاه کنید به همین استقبالی که مردم لبنان از رئیس جمهور ملت ایران انجام دادند. اینها چیز کوچکی نیست؛ اینها درخور مطالعه است، درخور تحلیل است. چطور میشود که رئیس جمهور يك ملتی در يك کشور دیگر، در میان يك ملت دیگر که با او هیچ نسبت خویشاوندی ندارند، این جور مورد توجه قرار میگیرد؟ عظمت این ملت از کجا به دست آمد؟ پاسخ به همه ی این سؤالات، توجه به اهمیّت مسئله ی شهادت است.

وقتی يك ملتی آحادش، جوانهایش، پدر و مادرهایش، ایثار در راه خدا، فدا کردن خود در راه هدف الهی را به عنوان يك ایمان پذیرفتند، این ملت يك عمق عظیم قدرت پیدا میکند؛ به طور طبیعی این ملت میشود مقتدر، میشود قوی، میشود يك ملت سرآمد؛ بدون اینکه سلاح داشته باشد، بدون اینکه ثروت فوق العاده ی نقدی در اختیارش باشد.

ببینید، صد نفر انسان در مقابل صد نفر انسان دیگر از لحاظ عدد یکسانند. صد نفر در مقابل صد نفر، هزار نفر در مقابل هزار نفر، ده میلیون در مقابل ده میلیون؛ خوب، اینها برابرند. ممکن است یکی از اینها از لحاظ قوت بدنی و توانایی های جسمی و مادی قوی تر هم باشد، اما وقتی آن گروه دیگر که حتی از لحاظ جسمانی و مادی آن چنان قوتی هم ندارد، به ایمان به خدا مجهز شد، باور کرد که اگر در راه خدا فداکاری کند، چیزی از دست نمیدهد، بلکه چیزی به دست می آورد، این صد نفر آن چنان قوتی پیدا میکنند که صد نفر نقطه ی مقابل آنها با هیچ امکان مادی نمیتوانند

این قدرت را پیدا کنند. در جنگ بدر، دشمنان پیغمبر عده‌شان چند برابر مسلمانها، سلاح و تجهیزاتشان چندین برابر مسلمانها، پول و امکاناتشان چندین برابر مسلمانها بود، اما مسلمانها پیروز شدند؛ چرا؟ مگر پیروزی به زور بازو نیست؟ به شمشیر نیست؟ به پول نیست؟ به اقتدار ظاهری نیست؟ نه، پیروزی به اینها نیست. پیروزی وابسته‌ی به يك اقتداری است که آن اقتدار از پول و از امکان مادی و از سلاح اتمی حاصل نمیشود؛ از اعتقاد به شهادت، ایمان به ایثار، باور به اینکه انسان وقتی ایثار میکند، دارد با خدا معامله میکند، ناشی میشود... امروز ملت ایران از تهدیدها، از عربده‌های رؤسای جمهور مادی و غرق در شهواتی که بر دنیا حاکمند، نمیترسد؛ بر سر آرمانهای خود محکم ایستاده است؛ همان طور که پدران و مادران محترم و عزیزی که آمدند اینجا صحبت کردند، بیان کردند؛ این حرفها راست است. خانواده‌های شهدا ایستاده اند، ملت ایران ایستاده اند، به خاطر این اقتدار معنوی و این قوتی که از ناحیه‌ی ایمان به خدا در آنها وجود دارد. این ایمان را باید تقویت کرد. (1)

دیدید نوجوانی را که در آغوش پدرش به قتل رسید؟! (2) این تنها مورد نبود؛ موارد دیگری هم وجود داشته است. عظمت این حرکت آن قدر زیاد است که این گونه فداکاری‌ها به چشم خود آنها بزرگ نمی‌آید؛ همچنان که در دوران جنگ تحمیلی، شما آن قدر فداکاری کردید که به چشم خودتان

ص: 107

1- . در دیدار خانواده‌های شهدا و جانبازان قم 1389/7/28

2- . اشاره به شهادت نوجوان فلسطینی «محمد الدوره». در اول اکتبر سال 2000 در روزهای ابتدایی انتفاضه‌ی دوم موسوم به انتفاضه‌ی الاقصی؛ محمد الدوره به همراه پدرش قصد رفتن به منزل را داشت که در منطقه‌ی «نتساریم» در نوار غزه به ضرب گلوله‌ی نظامیان صهیونیست به شهادت رسید. نظامیان صهیونیست به مدت 45 دقیقه در حال تیراندازی به سوی فلسطینی‌ها بودند و پدر محمد الدوره برای حفاظت از فرزندش وی را در پشت خود پناه داده بود، اما در نهایت توسط دژخیمان رژیم اسرائیل به شهادت رسید. تصویر کشته شدن محمد هنگامی که در پشت پدر خود مخفی شده بود، توسط تصویربردار عرب شبکه‌ی 2 فرانسه ضبط و از این شبکه پخش شد.

نمی آمد؛ اما فداکاری های شما دنیا را خیره کرد. امروز هم ملت فلسطین همین طورند؛ به چشم خودشان نمی آید، اما دنیا را خیره میکند. يك شهادت مثل شهادت آن نوجوان در آغوش پدرش توفانی در دل های ملت های دنیا برمی انگیزد. اینها بسیار ارزشمند است. (1)

مبارزه ای که امروز ملت فلسطین شروع کرده است، مبارزه ی يك ارتش با يك ارتش دیگر نیست تا ما بگوییم او چند دستگاه تانک دارد، این چند دستگاه تانک دارد؛ او بیشتر دارد یا این بیشتر دارد. مبارزه ی تن ها و جسمها و جانهای افرادی است که از مرگ نمیترسند. هر جوان فداکاری که در مقابل رژیم اشغالگر قرار میگیرد، به قدر يك لشکر، آنها را تهدید میکند. جواب این انسان را دیگر تانک و موشک و هواپیما و هلیکوپتر آپاچی نمیدهد. وقتی يك انسان - ولو يك نفر - از مرگ نترسید و خود را برای فداکاری در راه خدا و در راه وظیفه آماده کرد، برای دنیاداران بی انصاف بزرگ ترین خطر میشود. لذا شما دیدید در مقابل این جوانان شهادت طلب، آمریکایی ها در بالاترین سطح، صریحاً موضع گیری کردند. (2)

ملت فلسطین تصمیم گرفته است؛ سازمانهای مبارز فلسطینی اعم از سازمان فتح، سازمان حماس، جبهه ی خلق، جهاد، حزب الله و دیگران، دستشان را روی هم گذاشته و تصمیم گرفته اند. همه به يك نتیجه رسیده و راه فداکاری را پیدا کرده اند؛ فهمیده اند که راه نجات فلسطین آماده شدن برای فداکاری است. شهادت را تجربه کرده و فهمیده اند که دشمن در مقابل شهادت و شهادت طلبی و نترسیدن از مرگ ناتوان است... آن کسی که در راه خدا شهید میشود میماند؛ فکر او و شخصیت او میماند؛ اما آن کسی که با اختیار خود به سمت فداکاری برای آرمانش نمیرود، ممکن

ص: 108

1- . در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت کننده در اردوی فرهنگی - رزمی یاران امام علی (ع) 1379/7/29

2- . در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (ره) 1381/3/14

است که جسمش چند صباحی زنده بماند اما شخصیت و هویت او از بین می‌رود. شهادت؛ این را مردم فلسطین پیدا کرده اند، امیدواریم که مسئولان حکومت خودگردان هم همان طور که گفتند پای این حرف بایستند و با مردم خودشان در این راه همراهی کنند و تسلیم نشوند؛ دشمن روزبه روز رو به ضعیف تر شدن است. (1)

اگر ملّتی مثل ملّت مبارز و رشید ایران باشد و میدانهای مبارزه را تجربه کرده و این همه شهید داده باشد و از دریاهاى خون عبور کرده باشد و زن و مردش در میدانهای خطر، مثل شیر غرّیده باشند، آمریکا اگر پا جلو بگذارد، این ملّت آن چنان با مشت به دهانش خواهد کوبید که از او چیزی باقی نماند. (2)

شما برادران و خواهران میدانید که ابّهت و اقتدار معنوی امروز نظام اسلامی و ملّت مسلمان در دنیا و در چشم قدرتهای شیطانی، ناشی از همین شهادتها و کاری است که عزیزان شما کردند. فرزندان شهدا بدانند که پدران آنها موجب شدند که اسلام، در چشم شیطانها و طاغوتهای عالم، ابّهت پیدا کند. روزی بود که به اسلام و جامعه ی مسلمین، اصلاً اعتنائی نمی‌کردند و کمترین محلّی نمی‌گذاشتند و آنان را صاحب فکر نمیدانستند؛ اما امروز دریافته اند که اسلام، کاخهای اقتدار شیطانی آنان را در سراسر دنیا لرزانده است. امام بزرگوارى که نام و یاد او، دل قدرتهای طاغوتی را آب میکرد و کاخهای آنان را تکان میداد، عظمت خود را از اسلام گرفت. عظمت او، به خاطر این بود که خود را خادم اسلام و مسلمین میدانست و مجاهدت او و ملّتش، به اسلام عظمت بخشید. (3)

ص: 109

-
- 1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1381/1/16
 - 2- . در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولیّ عصر (عج) 1374/10/17
 - 3- . در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه ی پاکستان 1368/5/25

3-3. سرفراز شدن نظام و اثبات حقانیت آن برای جهانیان

وقتی يك جامعه ای از جان خود، از هستی خود، از راحتی خود، برای يك ارزشی، يك حقیقتی میگذرد، حقانیت خود را در دنیا به اثبات میرساند؛ و حقانیت است که میماند، حق است که باقی میماند؛ این سنت الهی است... شهدای عزیز ما و ایثارگران ما کسانی هستند که از همه ی خواسته های شخصی خود دل بردند. (1)

شما برادران و خواهران عزیز و همه ی ملت بزرگ ایران باید بدانید که کربلا الگوی همیشگی ما است. کربلا مثالی است برای اینکه در مقابل عظمت دشمن، انسان نباید دچار تردید شود. این، يك الگوی امتحان شده است. درست است که در روزگار صدر اسلام، حسین بن علی (علیه السلام)، با 72 نفر به شهادت رسید، اما معنایش این نیست که هرکس راه حسین (علیه السلام) را میروود و همه ی کسانی که در راه مبارزه اند، باید به شهادت برسند؛ نه. ملت ایران، بحمدالله امروز راه حسین (علیه السلام) را آزمایش کرده است و با سربلندی و عظمت، در میان ملتهای اسلام و ملتهای جهان، حضور دارد. آنچه که شما پیش از پیروزی انقلاب انجام دادید و رفتید، راه حسین (علیه السلام)، یعنی ترسیدن از خصم و تن دادن به مبارزه با دشمن مسلط بود. در دوران جنگ نیز همین طور بود. ملت ما میفهمید که در مقابل او، دنیای شرق و غرب و همه ی استکبار ایستاده است؛ اما نترسید. البته ما شهدای گران قدری داریم. عزیزانی را از دست دادیم. عزیزانی از ما، سلامتی شان را از دست دادند و جانباز شدند. عزیزانی، چند سال را در زندانها گذراندند... اما ملت با این فداکاری ها به اوج عزت و عظمت رسیده است؛ اسلام عزیز شده است؛ پرچم اسلام برافراشته شده است. این، به برکت آن ایستادگی است. (2)

ص: 110

1- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی 1391/7/22

2- . در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت فرارسیدن ماه محرم 1371/4/10

امروز سران استکبار جهانی اعتراف میکنند که در دوران دفاع مقدّس، قشون مهاجم را با همه ی توان تجهیز میکرده و کینه ی خود با نظام اسلامی و ملت مؤمن و شجاع انقلابی ایران را با کمک همه جانبه به مهاجمان بعضی بُروز میداده اند. بازوی توانای ملت ایران یعنی جوانان و مردان فداکار و مؤمن و پشت سر آنان، خانواده ها و کسانشان، دشمن را ناکام ساخت و سازوبرگ امپراتوری های استکبار را به سُخره گرفت و نظام اسلامی و این ملت مقاوم، در جهان و تاریخ، سرفراز شدند. خون شهیدان عزیز ما بهای بزرگی است که ملت ایران برای حفظ شرف و استقلال و دین و عزّت خود پرداخته است. امروز تعظیم در برابر این مجاهدان راه خدا وظیفه ی وجدانی و اخلاقی هر مسلمان و هر ایرانی است. (1)

4-3. محکومیت جنایتکاران در چشم منصفان عالم و آشکار شدن قدرت اسلام ناب

کسانی که در حادثه ی هفتم تیر و دیگر حوادث انقلاب به شهادت رسیدند و خونشان ریخته شد، نفوس زکّیه ای از افراد بشر و انسانهای ممتاز جامعه بودند. در بین اینها، علما و دانشمندان و مبارزان قدیمی و توده های مردم و انسانهای فداکار و کسانی که برای ملت و کشور و آرمان و انقلابشان فداکاری میکردند، وجود داشتند. کشتن آنها طبق کدام میزان از موازین مجاز است، و چه کسی میتواند کُشندگان آنها را ترورست نداند و جنایتکار نخواند و محکوم نکند؟ این، يك حقیقت روشن است... اجتماعاتی مثل پارلمان اروپا و دیگر جاها که تغذیه ی پولی و سیاسی اینها را در سطح جهان برعهده دارند، خود را در تاریخ و در چشم انسانهای منصف و آگاه این روزگار محکوم کردند و لگّه ی ننگی برای خویش باقی گذاشتند. این از برکات خون پاک شهدای عزیزی است که در فاجعه ی هفتم تیر به شهادت رسیدند. حقیقتاً شهادت آنها مظلومانه بود و خون

ص: 111

قدرتمندان دنیا و امپراتورهای زر و زور خیال نکنند که خواهند توانست با سخت گیری هایی از قبیل آنچه که در اروپا و کشورهای اسلامی و جاهای دیگر علیه مسلمانها انجام میگیرد، اسلام را از صحنه خارج کنند. روز طلوع اسلام فرارسیده و اسلام در صحنه ماندنی است. آن وقتی که میتوانستند اسلام را منزوی کنند، گذشت. سالهای متمادی اسلام را منزوی کردند و این انزوا به قدری بود که دیگر از آن نمیترسیدند؛ چون خطری برایشان نداشت. اسلام فراری، اسلام مخفی شده، اسلامی که مسلمانهایش ننگشان می آید بگویند ما مسلمانیم و ننگشان می آمد در اول سخنرانی هایشان «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگویند، هیچ خطری برای استکبار ندارد... اسلام این گونه در غربت بود! بنابراین، از چنین اسلامی نمیترسیدند؛ همچنان که از اسلام زراندوزانی مثل سعودی و امثال او نمیترسند. آمریکا، از اسلام نوکرمآب هایی مثل بعضی از دولتهای دیگر نمیترسد - آن اسلام ترس ندارد - از آن اسلامی میترسد که اسلام ناب است، اسلام قرآنی است، اسلام جهاد و مبارزه و اسلام توکل به خدا است؛ یعنی همان اسلامی که در دست مردم انقلابی ما و در دست شما است و دست جوانهایتان بود که رفتند و جنگیدند و شهید شدند. از این اسلام میترسند. (2)

آری، استکبار و دارودسته ی خبری و تبلیغاتی و قلمها و بوقهای مزدورش، از اینکه کشوری در اعماق کهنه پرستی، و ملتی در حال و هوای سنتهای جاهلی خود سرکند، ولی درهای خزائن مادّی خود را به روی آنان بگشاید و تسلیم فزون خواهی و سلطه طلبی آنان شود و فرهنگ فساد و فحشا و مصرف زدگی و می خواری و شهوترانی را از آنان بپذیرد، نه تنها

ص: 112

1- . در مراسم بیعت مسئولان دستگاه قضایی 1368/4/7

2- . در دیدار با جمع کثیری از جانبازان، خانواده های معظّم شهدا و... 1368/8/24

نگران نیستند، بلکه بسی خوشنودند! آنان از بازگشت ملت‌ها به گذشته ای که به آنان عزّت و عظمت را یادآوری کند، راه جهاد و شهادت را به روی آنان باز کند، کرامت انسانی را به آنان برگرداند، دست سلطه گران را از غارت و چپاول به مال و ناموس آنان قطع کند، آیه ی «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (1) را به آنان بیاموزد، کریمه ی «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (2) را بر آنان فروخواند، خطاب «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ» (3) را به گوش و دل آنان برساند، فرمان «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (4) را در زندگی آنان اجرا کند و خلاصه، خدا و دین و قرآن را محور زندگی آنان سازد و دست طواغیت مستکبر و مستبد و سلطه طلب را از زندگی آنان قطع کند، از بازگشت به چنین گذشته ای و پیوند با چنین تاریخی، ناخشنود و سراسیمه و بیمناکند و لذا با هر بهایی میخوانند از آن مانع شوند. (5)

از این مقطع (6) مسیر حوادث دگرگون میشود و روند زوال دولت غاصب و زوال سیطره ی مطلق آمریکا در منطقه - که در طول سالهای دراز، شریک جرم دولت غاصب بوده - آغاز میگردد؛ گروه های جهادی مؤمن به اسلام در فلسطین و لبنان سر برمی آورند و نسل مبارزان صادق و سرسخت را متشکل میکنند؛ جهاد و شهادت زنده میشود و قدرت حقیقی - یعنی قدرت ملّتی که عزم ایستادگی و فداکاری در او راسخ است - جایگاه خود را در معادلات فلسطین و منطقه بازمی یابد. خون مطهر جوانان شهادت طلب و حضور

ص: 113

- 1- . سوره ی نساء، بخشی از آیه ی 141، ترجمه: «... و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلّطی] قرار نداده است...»
- 2- . سوره ی منافقون، بخشی از آیه ی 8، ترجمه: «... و [لی] عزّت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.»
- 3- . سوره ی نساء، بخشی از آیه ی 75، ترجمه: «و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمیجنگید...»
- 4- . سوره ی یوسف، بخشی از آیه ی 40، ترجمه: «فرمان جز برای خدا نیست...»
- 5- . پیام به حجّاج بیت الله الحرام 1370/3/26
- 6- . پیروزی انقلاب اسلامی ایران

میدانی مبارزان از جان گذشته، همه ی محاسبات دنیاداران ماده پرست و لذت جو را در هم میریزد و میدان تازه ای را می‌گشاید که در آن خون بر شمشیر پیروز است. (1)

صبر بیست روزه ی شما (2) و مجاهدان دلیر و از جان گذشته و آحاد مردم غزه در برابر یکی از فجیع ترین جنایات جنگی جهان و تاریخ، پرچم عزت را بر سر امت اسلام به اهتزاز درآورده است. شما ثابت کردید که دل سرشار از ایمان به خدا و قیامت و روح منیع و عزیز مسلمانی که ذلت و تسلیم درباره ی ظلم و زور را برنمی‌تابد، آن چنان قدرتی می آفریند که حکومت‌های جبار و مستکبر و ارتش‌های مجهز در برابر آن ناتوان و ذلیلند.

ارتشی که قدرت فداکاری و شهادت طلبی شما، آن را بیست روز است پای درگل در پشت دروازه های غزه به خفت افکنده، همان است که ظرف شش روز بخش‌های عظیمی از سه کشور عربی را زیر سیطره ی خود درآورد. به ایمان و توکل خود، به حسن ظن خود به وعده ی الهی، به صبر و شجاعت و فداکاری خود، ببالید که امروز همه ی مسلمانان به آن می‌بالند. جهاد شما تا امروز آمریکا و رژیم صهیونیست و حامیان آنان و سازمان ملل و منافقان امت اسلامی را رسوا کرده است.

امروز نه فقط ملت‌های مسلمان، که بسیاری از ملت‌های اروپا و آمریکا حقایق شما را از بن دندان پذیرفته اند. شما همین امروز هم پیروزید و با ادامه ی این ایستادگی شرافتمندانه، دشمن زبون و ضد بشر را باز هم بیشتر به ذلت و شکست خواهید کشاند. ان شاء الله. (3)

سلام و رحمت خدا بر ارواح طیبه ی شهدا، از صدر تاریخ تا امروز، خصوصاً شهیدان جنگ تحمیلی که با نثار خون خود، شجره ی مبارکه ی

ص: 114

1- . در سوّمین کنفرانس بین المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین 1385/1/25

2- . دولت حماس

3- . پیام به اسماعیل هنیّه نخست وزیر دولت قانونی حماس 1387/10/26

اسلام را آبیاری کرده و به برگ و بار نشانند. عزّت را برای مؤمنان به ارمغان آورده و خذلان و ذلّت را نصیب معاندان کردند. (1)

5-3. الگوگیری و بیداری ملت‌ها و گرایش آنها به معنویت

حقیقتی که ما باید بدان افتخار کنیم، این است که رسم شهادت و سنّت الهی قتل فی سبیل الله، با نظام اسلامی زنده شد. در گذشته، سیلی خوران در راه خدا کم بودند و برخی در طی عمر هفتادساله ی خود، تحمّل کمترین سختی در راه خدا را هم نداشتند و حاضر نبودند در راه خدا يك اخم را تحمّل کنند؛ چه برسد به اینکه جان و سرمایه ی وجود خود را در راه خدا بدهند. برای ملتّی که به نام اسلام زندگی میکند، خیلی بد است که در راه تحقّق این هدف عظیم، هیچ مشکلی را بر خود هموار نکند. پیدا است که در این جامعه، اسلام روزبه روز ذوب و کم رنگ و بی اثر خواهد شد. (2)

آری امام عزیز و بزرگ ما اکنون در میان ما نیست، همان طور که شهدا در میان ما نیستند، اما هم او و هم آنان در ذهن و دل ما، در راه زندگی ما و در صراط مستقیم انقلاب ما حاضر و زنده و فعّالند. اثر وجود آن بزرگ مرد و یاران شهیدش، تنها به دوران زندگی شان متعلّق نبود، همچنان که فقط به ایران اختصاص نداشت. امروز به برکت وجود و عمر مبارك او و آنان، اسلام روزبه روز درخشان تر میشود و ابر غلیظ تحریفها و جهالتها و فتنه ها، ناپیدارتر و ضعیف تر میگردد. انقلابی که امام پدید آورد و شهیدان با خون خود، آن را رنگ و بوی گل سرخ بخشیدند، اکنون در سراسر جهان، در بیداری ملتّهای مظلوم و در تجدید حیات جوامع مسلمان و در استحکام

ص: 115

1- . پیام به مناسبت نهمین سالگرد جنگ تحمیلی 1368/6/30

2- . در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسؤلان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیّه ی پاکستان 1368/5/25

روزافزون مبانی معنویت و در فروپاشی مادی‌گری صریح و نفاق آلود و خلاصه در سرافرازی حق و سرافکنندگی باطل خود را مینمایاند. پرچم عروج انسان به بام معنویت که امروز در گوشه و کنار دنیا برافراشته میشود در حقیقت پرچم امام ما و شهیدان او است. آنها زنده اند و روزه روز زنده تر خواهند شد. (1)

هرگاه و هرجا که از پیروزی 22 بهمن یادی و نامی آورده میشود، چهره‌ی شهید و نقش خونین شهادت، در برابر چشمها پدیدار میگردد؛ زیرا آن پیروزی بزرگ که مسیر تاریخ را نه تنها در میهن ما، بلکه در همه‌ی جهان عوض کرد، جز با زنده شدن روح جهاد و شهادت در ملت قهرمان ما به دست نمی‌آمد. (2)

هیچ ملتی بدون فداکاری قادر نخواهد بود از هویت و عزت و ناموس ملی خود و از ارزشها و باورها و حقوق خود دفاع کند. گریز از عرصه‌هایی که زورگویان و مستکبران جهان بر ملتهای آزاده تحمیل میکنند، سرانجامی جز تحقیر شدن و آنگاه گرفتار شدن در چنبره‌ی ستم و تجاوز انسان نخواهد داشت. این درس را ملت رشید و بیدار ما به همه‌ی آموخت و در تاریخ ماندگار ساخت. امروز جهاد پرشکوه فلسطینیان مظلوم که با دست خالی، صهیونیست‌های خشن و سنگ دل و تا دندان مسلح را عاجز و بیمناک کرده‌اند، ادامه‌ی همان درس جاودانه است و پادرگل ماندن نیروهای اشغالگر در عراق، حاصل این سرمشق کارآموز است در آن مرزوبوم. (3)

قدر شهدای جبهه تان را بدانید، قدر آن مقاومت‌های مظلومانه را بدانید، قدر آن ایستادگی و صلابت از پولاد محکم‌تر امام راحل را بدانید؛ اینها است

ص: 116

1- . پیام در تجلیل از شهدا و ایثارگران در هشتمین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر 1368/11/19

2- . همان

3- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران در هفته‌ی دفاع مقدس 1383/7/2

که ملت فلسطین را يك طور، ملت لبنان را يك طور، ملت‌های آمریکای لاتین را يك طور، ملت آفریقای جنوبی را يك طور، ملت‌های خاورمیانه را يك طور، ملت‌های بسیاری از کشورهای عرب را - که دولتهایشان وابسته ی به آمریکا هستند - يك طور، تحت تأثیر قرار داده. (1)

دشمنان اسلام برای اینکه پرچم برافراشته ی حکومت اسلامی را در هم بیچند و این نشانه ی امیدآفرین را از برابر چشم ملت‌های مسلمان دور کنند، به تهاجم نظامی متوسل شدند و رژیم بعثی فاسد و گمراه را با تجهیزی همه جانبه به جنگ ملت مؤمن و شجاع ایران فرستادند. مجاهدت این ملت بزرگ که دفاعی غیورانه از اسلام و جمهوری اسلامی بود و اسلام و امت اسلامی را سرفراز کرد، از ایمان به ارزش شهادت و منزلت شهید، مایه گرفت و شوق فداکاری با این معرفت روشن، در دل‌های رزمندگان و خانواده هایشان، پدید آمد. برخی به این مقام والا رسیدند، و برخی در انتظار آنان، جسم و جان خود را به میدان آوردند، «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ...» (2) و چنین شد که مجاهدت بی نظیر ملت ایران الگویی شد برای همه ی امت اسلامی که رمز عزت و استقلال و سعادت را که همان جهاد فداکارانه است، در عمل به همه نشان داد. (3)

شهید، برای ملت، کشور، خانواده و برای فرزندان و همسر و پدر و مادر خود، يك نوع یادگار و نشانه ی عظمت و افتخار است. همه ی این شهدا، شهدای ملت ایران اند و بلکه اگر درست دقت کنید، شهدای امت اسلامی هستند. کسانی که یا در جبهه ی جنگ تحمیلی علیه ما، به شهادت رسیدند - مثل پدران شما - یا منافقین آنان را در کوچه و خیابان به شهادت رساندند، در آزادی دنیا از دست کمونیست ها تأثیر داشتند. در حقیقت،

ص: 117

- 1- . در دیدار با هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه های سراسر کشور 1386/2/31
- 2- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 23، ترجمه: «... برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند...»
- 3- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران دوران دفاع مقدس 1385/7/6

همه ی این کشورهایی که از زیر بار سلطه ی تحمیلی کمونیست ها و نظام الحادی آنها خارج شدند، مرهون منت شهدای ما هستند. این، چیزی است که با استدلال - استدلال تاریخی و علمی - میتوان آن را ثابت کرد. فقط شعار نیست.

امروز که شما می بینید در شمال آفریقا نسیم بیداری اسلامی وزیده و پایه های حکومتهای وابسته در آن منطقه، در حال لرزیدن است، این متأثر از خون پاك همین شهدای ما است. پس، اینها شهدای امت اسلامی اند. یا فرض بفرمایید همین مسئله ی فلسطین که به غربت افتاده بود.... همه فکر کردند که قضیه ی فلسطین تمام شده و دیگر کسی از حق آن مردم دفاع نخواهد کرد. اما ناگهان جوانانی مؤمن و مسلمان و فداکار و انقلابی، در قلب فلسطین اشغالی و بیت المقدس اشغالی - نه بیرون و در کشورهای اروپایی و آسیایی و در کنفرانس ها - پیدا شدند؛ شعار دادند و با دست خالی، مبارزه ی سختی را شروع کردند که هنوز هم ادامه دارد و ان شاءالله تا پیروزی ادامه خواهد داشت. این مبارزه ی زنده ی ایمانی، از کجا پیدا شد؟ از خون شهدای ما. پس شهدای عزیز ما، نه تنها شهدای ملت ایران، بلکه شهدای همه ی امت اسلامی هستند. فقط مربوط به خانواده های خود نیستند. (1)

امروز با پیشرفت و درخشش کشور و تأثیر عمیق آن در بیداری عالم اسلام، بار دیگر ارزش مجاهدت فداکارانه ی شهیدان عزیز ما آشکار گشت. خدای حکیم و قدیر را سپاسگزاریم که خون شهیدان ما ضایع نگشت و این فداکاری ها جان تازه ای به امت اسلام بخشید. همه باید خداوند متعال را بر الطاف آشکار و پنهانش شکر گوئیم و دوام و افزایش آن را از درگاهش مسئلت کنیم و توفیق انجام وظیفه را از او بخواهیم. (2)

ص: 118

1- . در دیدار دانش آموزان و دانشجویان نمونه ی شاهد با رهبر انقلاب 1371/6/11

2- . تجلیل رهبر انقلاب از مقام شهدا و صبر و پایداری خانواده ی ایثارگران 1390/6/31

شهیدان با ایثار خود، پرچم اسلام را که دست توانای رهبر عظیم الشان ما، حضرت امام خمینی (اعلی الله مقامه) در این سرزمین برافراشته بود، سربلند نگه داشتند و اسلام و معنویت را در همه ی اقطار عالم عزیز کردند. اگر امروز بانگ مسلمانی از چهارگوشه ی عالم به گوش میرسد، و اگر ملت‌های مسلمان به هویت اسلامی خود بازگشته و سنگینی بار سلطه ی مستکبران را احساس میکنند، و اگر جهاد اسلامی پس از سالها فراموشی، دوباره به جایگاه ارزشی رفیع خود بازگشته، همه و همه به برکت استقرار جمهوری اسلامی و استمرار انقلاب اسلامی است که خود، مرهون شهادت و گذشت این عزیزان و خانواده هایشان و نیز جانبازان عزیز و ارجمند است. ملت ما باید قدر این عزیزان را بدانند و نتایج مجاهدات آنان را پاسداری کند و همه ی موفقیتها و پیروزی ها را با ارزش جان گران بها و صبر بزرگ آنان محاسبه کند و قدر آن را بشناسد. (1)

ص: 119

1- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا در هفته ی دفاع مقدس 1369/7/5

فصل چهارم : وظایف ما نسبت به شهیدان

اشاره

ص: 121

1. تکریم شهیدان و قدردانی از خانواده های شهدا و ایثارگران

بزرگداشت شهیدان و تکریم نام آن بزرگ مردان، بیش از خود آنان، ملّتی را که این گوهرهای ناب را در درون خود پرورانده است، سرافراز میسازد. ما با این تکریم، ملّتی بر آنان نداریم؛ آنانند که با درخشش خود، ما را سرافراز و درخشان کردند و بر ما ملّت نهادند. (1)

تکریم شهیدان، تکریم ایثار و اخلاص است؛ تکریم دل‌های نورانی و جانهای لبریز از صفا و نوراتیت است. (2)

شهیدان، گوهر تابناک بر پیشانی دفاع مقدّسند و از این رو است که هر دل آگاه و وجدان پاکی، تکریم و سپاس آنان را بر خود فرض می‌شمرد و هر آرزومند سربلندی پرچم اسلام و هر مؤمن به بشارتهای قرآن، بر آنان درود می‌فرستد. (3)

کار تشییع جنازه ی شهدا - که در آغاز این اجلاس انجام گرفت - کار بسیار مفید و سازنده ای بود. (4) اینکه مردم بینند شخصیت‌های محترم

ص: 123

1- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهیدان و ایثارگران 1392/7/4

2- . پیام به مراسم تشییع و تدفین شهدا در دانشگاه تربیت مدرس 1387/8/4

3- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران در هفته ی دفاع مقدّس 7/2/1383

4- . در تفحص برون مرزی کمیته ی جستجوی مفقودین ستاد کلّ نیروهای مسلّح، پیکر مطهر 92 شهید در مناطقی از کشور عراق - از جمله مناطق عملیاتی فاو و جزیره ی مجنون -

و بزرگ، ریاست محترم مجلس و دیگران، به پیکر شهدا و تابوت شهدا احترام میگذارند - شهدایی که آنها را نمیشناسند؛ به صرف اینکه اینها شهیدان راه انقلاب و راه حق هستند - زیر تابوت آنها میروند و تشییع میکنند، این درسی است برای جامعه ی ما؛ و من عرض بکنم کشور ما و جامعه ی ما تا مدتهای مدید نیاز به این دارد که یاد شهیدان زنده بماند و راه شهیدان نمایان بماند. (1)

امروز فرصتی است که همه، با شهیدان تجدید خاطره کنند؛ از آنان از صمیم جان قدردانی کنند؛ در برابر صبر و گذشت خانواده هایشان سر تکریم فرود آورند و فضا را از احترام به شهادت و شهید و خانواده های شاهد، آکنده سازند. تا ملت ما از چنین روحیه ی تکریم و احترامی نسبت به فداکاران صفوف مقدّم برخوردار است، علم سرفرازی این ملت در اهتزاز خواهد بود. (2)

اینکه می بینید بعضی با سخن، قلم و حرکات خود، نگاهی به ایثار و شهادت می اندازند که آن نگاه منفی و ناسپاسانه است، بر اثر غفلت آنها است؛ نمی فهمند پاسداری از حرمت شهیدان و ایثارگران چقدر برای يك جامعه و ملت و کشور دارای اهمّیت است. شما ببینید خون مطهر حسین بن علی (علیه السلام) در کربلا در غربت بر زمین ریخته شد، اما بزرگ ترین مسئولیتی که بر عهده ی امام سجّاد (علیه الصّلاة و السّلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) قرار گرفت، از همان لحظه ی اوّل این بود که این پیام را روی دست بگیرند و به سرتاسر دنیای اسلام آن را، به شکلهای گوناگون،

ص: 124

1- . در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری 1392/6/14

2- . پیام به مناسبت روز شهیدان در دهه ی فجر 1371/11/14

منتقل کنند. این حرکت برای احیاء دین حقیقی و دین حسین بن علی و آن هدفی که امام حسین برای آن شهید شد، يك امر ضروری و لازم بود. البتّه اجر الهی برای امام حسین محفوظ بود؛ میتوانستند او را در بوته ی سکوت بگذارند؛ اما چرا امام سجّاد (علیه السّلام) تا آخر عمر - سی سال بعد از او، امام سجّاد زندگی کردند - در هر مناسبتی نام حسین، خون حسین و شهادت اباعبدالله را مطرح کردند؛ آن را به یاد مردم آوردند؟ این تلاش برای چه بود؟ بعضی خیال میکنند این کار برای انتقام گرفتن از بنی امیّه بود؛ در حالی که بنی امیّه بعدها از بین رفتند. امام رضا (علیه السّلام) که بعد از آمدن بنی عبّاس است، چرا به ریّان بن شیب دستور میدهد مصیبت نامه ی اباعبدالله را در میان خودتان بخوانید؟ آن وقت که بنی امیّه نبودند؛ تارومار شده بودند. این کار برای این است که راه حسین بن علی و خون او علم و پرچم حرکت عظیم امت اسلام به سوی هدفهای اسلامی است؛ این پرچم باید سر پا بماند؛ تا امروز هم بر سر پا مانده و تا امروز هم هدایت کرده است.

مهم ترین نقطه ی قوّت ما در قیام جمهوری اسلامی، نقطه ی قوّت انسانی بود. ما که نه سلاح داشتیم، نه پول داشتیم، نه سازماندهی داشتیم، نه حزب داشتیم و نه پشتیبانی جهانی؛ ما ملت ایران در همه ی کشورهای دنیا يك نقطه را نداشتیم که از قیام، انقلاب و حرکت ما حمایت و دفاع کنند. آنچه این ملت را پیروز کرد، قدرت نیروی انسانی بود؛ یعنی آگاهی و ایستادگی؛ همان که امیرالمؤمنین در جنگ صفّین فرمود: «الا لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبر»⁽¹⁾؛ بصر یعنی بصیرت و آگاهی؛ صبر یعنی پایداری؛ فقط اینها هستند که میتوانند این علم را در دست بگیرند و پیش بروند. قلّه ی این صبر و بصر شهدای مايند؛ همین آزادگانی هستند که اینجا حضور دارند و همین جانبازان عزیزی هستند که اینجا نشسته اند. اینها بودند که جان خودشان را در معرض نابودی گذاشتند؛ از حیات خودشان

ص: 125

برای دوام این حرکت و این قیام بزرگ و انسانی مایه گذاشتند؛ اینها اوج ایثار و مظهر بصر و صبرند؛ مظهر آگاهی و ایستادگی و پایداری. آیا کشور ما به آگاهی احتیاج ندارد؟ آیا رسیدن به آرمانهای این ملت و این انقلاب احتیاج به پایداری ندارد؟ آیا در مقابل شیطنتها و دشمنی‌ها و بغضهای غارتگران جهانی این ملت احتیاج ندارد که آن سلاح کارآمد خود را همواره در دست داشته باشد؛ یعنی سلاح اراده، پایداری، ایمان و آگاهی؟ اگر احتیاج دارد - که دارد - پس بایستی این روحیه‌ی ایمان و آگاهی و پایداری در قالب احترام به نمادهای آن در مردم حفظ شود و نمادها، همین شهیدان؛ همین جانبازانند؛ همین آزادگانند.

اگر من از شهدا احترام میکنم، اگر اظهار اخلاص به خانواده‌های شهدا میکنم، این صرف يك احساسات خشك و خالی نیست؛ به معنای این است که این يك راهبرد حقیقی برای ملت ما است؛ یاد شهدا باید گرامی داشته شود. این جوانان عزیز، این خانواده‌های پُرطَاق، این پدران و مادران، این همسران و فرزندان، اینهایی که با صبر و پایداری خودشان توانستند این راه طولانی را از این گردنه‌های دشوار عبور بدهند، بایستی مورد تجلیل قرار بگیرند، تا برای نسل جوان ما و برای آینده‌ی کشور ما این پرچم بر سر پا بماند. دشمن میفهمد چه کار میکند؛ آن کسانی که سعی میکنند نام ایثارگری، نام جهاد، نام شهادت، نام صبر و پایداری را در کشور ما از ذهنها ببرند، اینها به دشمن ملت ایران خدمت میکنند. آن کسانی که یاد شهیدان را گرامی میدارند، اینها هستند که به ملت ایران خدمت میکنند. همین روحیه‌ی صبر شهیدان عزیز شما است که توانسته است این ملت را پیش ببرد... من به همه‌ی گویندگان، نویسندگان و کسانی که تریبونی در اختیار دارند، توصیه میکنم: اگر صلاح این کشور و این ملت را میخواهند، یاد شهیدان، نام شهیدان، خاطره‌ی شهیدان و بازماندگان آنها

شهدای گران قدر ما، جانبازان عزیز ما، آزادگان سرافراز ما، خانواده های اینها... قدرت حقیقی کشور مربوط به اینها است. توانایی کشور ناشی از اینها است. هر کشور و ملتی که چنین جوانانی داشته باشد، هیچ قدرت جهانی نمیتواند به او زور بگوید، او را تحت سیطره درآورد؛ اوضاع او را به دست گیرد. در واقع چنین کشور و ملتی سرافراز خواهد بود. همه ی ملت ایران وظیفه دارند که از عناصر فداکار و ایثارگر، قلباً و لساناً متشکر باشند. ما همه زیر بار منت این ایثارگران هستیم. (2)

اگر ما به حوزه ی آن شهادت و شهید و خانواده ی شهید نزدیک میشویم برای خاطر خودمان است. بنده خودم احساس احتیاج میکنم. برای ما افتخار است که هرچه میتوانیم به این حوزه ی شهادت و این شهید، خودمان را نزدیک بکنیم. (3)

هیچ چیز شایسته تر و لازم تر از این نیست که ما از فداکاران دوران جنگ و سربازان جان برکف اسلام، و کسانی که جان خود را در وسط معرکه ی حق و باطل به گروگان گذاشتند، تا آبروی اسلام و آبروی این ملت و حیثیت جهاد در راه خدا را حفظ کنند، تجلیل کنیم و آنها را بزرگ بداریم؛ مخصوصاً پاک بازانی که هرچه داشتند، در این میدان نثار کردند؛ یعنی شهدای عزیز ما و خانواده های صبور پُرگذشت آنان. (4)

خانواده های شهدای عزیزمان... قدر خودشان را بدانند و مطمئن باشند که عمل آنها امروز خیلی ارزش داشته و دارد و تأثیر زیادی برای عظمت اسلام داشته و خواهد داشت. البته، همه ی مردم باید قدر این

ص: 127

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای استان همدان 1383/4/16

2- . در دیدار جمعی از آزادگان 1377/5/27

3- . در دیدار با خانواده ی شهید آوینی 1372/2/2

4- . در دیدار با جمعی از رزمندگان، پرسنل و مسئولان ستاد فرماندهی کلّ قوا، ستاد مشترک و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

ایران 1370/7/3

عزیزان را بدانند و دستگاه های دولتی و مردم معمولی باید آگاه باشند که شهید و خانواده اش و جانباز و خانواده اش و اسیر و خانواده اش، جزو برجسته ترین انسانها و شریف ترین و عزیزترین آنها هستند و باید همان گونه هم با آنها معامله شود. البته، معامله ی خدا و آنچه خدا با شما خواهد کرد، از همه بالاتر و باارزش تر و ماندگارتر است. (1)

وظیفه ی قدردانی از ایثارگران به ویژه شهیدان، فریضه ای عینی و تعیینی و همیشگی است. (2)

2. به یاد داشتن دشمنی های دشمنان و فداکاری شهیدان

حق آن است که [این] ملت بزرگ همه ی روزها و سراسر تاریخ خود را مدیون و مرهون جوانمردانی است که با حضور فداکارانه ی خود در صف دفاع از میهن عزیز، انقلاب بزرگ خود را پیروز و ملت کهن خود را سربلند و روسفید کردند. مردم ما باید آن روزهای پرمحنتی را که کشور اسلامی مورد تهاجم دشمنان قرار داشت و در بیرون و درون مرزها، در لباسها و زیر نامهای گوناگون، به ملت و کشور ما جفا و دشمنی و خیانت میشد، هرگز از یاد نبرند، فداکاری شهیدان و گذشت خانواده ها و حضور رزمندگان ما بود که ابرهای تیره ی آن روزگار دشوار را از افق زندگی این ملت زدود و به نام خدای بزرگ و یاری ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه) و با رهبری امام راحل بزرگوار، کشور را نجات داد. (3)

خوب است همه به یاد داشته باشیم که این کشور، این انقلاب و این تاریخ، نجات یافته ی این مجاهدتها و این خونها است. بدانیم که این انقلاب و این ملت و این کشور، بخصوص فعّالان این نهضت بزرگ،

ص: 128

1- . در دیدار با جمع کثیری از جانبازان، خانواده های معظّم شهدا، و... 1368/8/24

2- . پیام به مناسبت دوّمین روز از هفته ی دفاع مقدّس، روز ایثار و شهادت 1372/7/1

3- . همان

چه دشمنان خون خوار و بی رحمی در کمین داشتند و هنوز هم دارند. همانهایی که شهید بهشتی را از دست این ملت گرفتند، هنوز در دنیا هستند. همانهایی که آنها را کمک میکردند، هنوز هم میکنند. مبدا بعضی ساده دلی ها یا احیاناً کج فکری ها موجب شود که ما تصور کنیم دشمنی ها و دشمنها تمام شدند؛ که این خطر بزرگی را تولید خواهد کرد. برای کسی که در مواجهه با دشمن است، هیچ خطری بالاتر از فراموش کردن دشمن نیست. (1)

همان دشمنانی که رزمندگان و مردان و زنان رشید و فداکار ما، جان عزیز و گرامی ترین عزیزان خود را در مقابله با آنان به میدان آوردند، امروز هم در کمین نشسته اند. اندکی غفلت ما به تسلط دشمن خواهد انجامید و سرمایه ی بزرگ ملت ایران را به هدر خواهد داد. همه باید در راه آبادی و سربلندی ایران و حاکمیت اسلام، تلاش کنیم و روح شهیدان و قلب مبارك حضرت ولی الله الاعظم (ارواحنا فدا) را خشنود سازیم؛ ان شاء الله. (2)

خانواده های شهدا یادآور و مظهر افتخار ملتند؛ اما يك چیز دیگر هم در کنار این وجود دارد: خانواده های شهدا، ما را همیشه به یاد دشمنی هایی که با این ملت شده، نگه میدارند. دشمن را نباید فراموش کرد. (3)

3. به یاد داشتن درس شهیدان و عمل به پیام آنها

اشاره

عزیزان من! زنان و مردان مسلمان و فداکار این خطه ی شهیدپرور! بدانید که خون جوانان شما بحمدالله هدر نرفت. جوانان شما مثل مولا و آقایان حسین بن علی (علیه السلام) توانستند با جان خودشان اسلام را روسفید و مسلمین را سربلند کنند. امروز مسلمانان در دنیا قوی شده اند و

ص: 129

1- . در دیدار مسئولان دستگاه قضایی 1377/4/7

2- . پیام به مناسبت مراسم عطفافشانی و غبارروبی مزار شهدا 1382/11/16

3- . در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده های شهدای استان کرمان 1384/2/12

جوانان در نقاط مختلف دنیای اسلام، به شوق اسلام به پاخاسته اند. چه کسی این کار را کرد؟ این عزّت و شکوه و عظمت را چه کسی به اسلام داد؟ امروز چه کسی این حیثیت را برای امت عظیم اسلامی به وجود آورده است؟ همین جوان شما، همین عزیز شما، با جان و با خون خود. این درسی است که شهدا به ما دادند. ما نباید این درس را هرگز فراموش کنیم، و نمیکنیم. (1)

1-3. حفظ روحیه ی عزّت نفس و ایمان

امروز نه فقط کشور ایران و نظام جمهوری اسلامی و عفت و شرف و ناموس ملت ایران مرهون فداکاری آن عزیزان است، بلکه امروز دنیای اسلام مرهون این فداکاری ها است. اگر امروز اسلام در دنیا آن حیثیتی را دارد که میتواند توده های مردم و جوانان روشن فکر را در کشورهای اسلامی به خود جذب کند، به برکت همین فداکاری ها است. اگر امروز مشاهده میشود که بحمدالله ایران و جمهوری اسلامی در دنیا سرفراز و محترم است، و کارهای سازندگی کشور بر روال است، و ملت ایران به سمت عزّت و سعادت روزافزون حرکت میکند، این هم به برکت همین فداکاری ها است. پس، ملت ایران نباید هرگز این خاطره ی بزرگ را فراموش کند؛ و خانواده های شهدا هم که صاحبان انقلابند، باید خون شهدای عزیز را پاس بدارند و همان عزّت نفس، همان فداکاری و همان ایمان در آنها تجلّی پیدا کند. (2)

2-3. حفظ و گسترش روحیه ی ایثارگری، گذشت و فداکاری

آن چیزی که در درجه ی اول مورد اهتمام این حقیر است بعد از تجلیل و احترام و تقدیم مراتب تشکر و قدردانی به خانواده های عزیز، این است که

ص: 130

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای استان لرستان 1370/5/30

2- . در دیدار با جمعی از خانواده های شهدا و اقشار مختلف مردم 1370/9/13

مجموعه ی ملت عزیز ما توجه کنند که روحیه ی ایثارگری نجات بخش يك کشور است، نجات بخش يك ملت است. روحیه ی گذشت، روحیه ی فداکاری، وقت انجام وظیفه را شناختن، کار را بوقت و بموقع انجام دادن، نجات بخش است. (1)

دفاع از اسلام، امروز نیز مانند صدر اسلام، جز با گذشت و فداکاری ممکن نیست؛ و جان و مال و تلاش و دانش و آبرو و همه ی داشته و اندوخته ی مسلمانان صادق باید هرگاه لازم شود، در راه دفاع از آن حقیقت روشن و مقدس صرف شود. همه ی آحاد ملت، بخصوص کارگزاران حکومت اسلامی، باید این درس را از شهیدان همواره به یاد داشته باشند و از خدای متعال توفیق در این راه را بخواهند. (2)

3-3. آمادگی همیشگی برای دفاع از ارزشها و حاکمیت اسلامی

درس بزرگ شهیدان عزیز که لحظه ای نباید از آن غفلت شود آن است که جان را و همه ی آنچه را که برای ما عزیز است، باید هرگاه که لازم شود، سپر بلا ی ارزشهای اسلامی کنیم و با همه ی وجود از حاکمیت اسلام که مایه ی عزت و شرف و آزادگی است دفاع نماییم. (3)

3-4. تشخیص وظیفه و پاسخگویی به نیاز لحظه

گذشتگانی که با ایمان، آگاهی و شجاعت و فداکاری خود، ما را در پیمودن این راه بسیار پُرافتخار، راه عظمت اسلام و ایران، یاری کردند، برای ما درسهای فراموش نشدنی از خود به یادگار گذاشته اند. وظیفه ی ما این است که از این درسها بهره بگیریم. ما باید با توجه به موقعیت خودمان،

ص: 131

1- . در جمع خانواده های شهدا و ایثارگران کرمانشاه 1390/7/21

2- . پیام تجلیل از شهیدان و ایثارگران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و خانواده های معظم آنها در ششمین روز از دهه ی فجر
1370/11/17

3- . همان

با توجه به نیازهای کشور، با توجه به تهدیدهایی که علیه ما و منافع کشور در هر دوره ای وجود دارد، وظیفه ی خودمان را تشخیص بدهیم و با تقویت روحی و جسمی، خودمان را آماده ی ادامه ی آن راه پرافتخاری بکنیم که شهیدان عزیز ما به قیمت جان خودشان به روی ما گشودند. (1)

یاد شهیدان، یادبود ارزشهای انسانی است و گرامیداشت آنان، تجلیل از برترین خصال بشری است. یاد شهیدان باید با تدبّر و عبرت گیری همراه باشد. آنان همان فرزاندگانی هستند که جان عاریت را که کالایی تمام شدنی و رو به زوال است، با نعیم پایدار الهی سودا کردند و خود را از خسروانی که هر انسانی خواه ناخواه دچار آن است - یعنی اضمحلال تدریجی سرمایه ی زندگی - به نیکوترین وجه رها ساختند. عمل صالح آنان که از ایمانی پایدار ریشه میگرفته است، برترین عملهای صالح است. این درس بزرگ را شهید، با حضور خود، با کرامت خود، با اجر عظیمی که بدو وعده داده شده است، به طور پیوسته به ما که هنوز در پشت حصارهای مادّیت و خودپرستی زندانی میباشیم، میدهد و ما را به جهاد، به هجرت الی الله، به تلاش مخلصانه در راه خدا که همان انجام تکلیف هر زمان و پاسخ به نیاز هر لحظه است، فرامیخواند. (2)

3-5. هوشیاری و سر خم نکردن در برابر مستکبران

کسی خیال نکند که ابرقدرت ها با اسلام آشتی کرده اند. کسی گمان نبرد که امروز امت اسلامی محتاج ایستادگی و مقاومت در مقابل قلدرهای جهانی نیست. هر کاری که آنها با ما نکرده اند، نمیتوانسته اند بکنند. هر کاری از آنها علیه امت اسلامی بریاید، دریغ نمیکند. ما باید بیدار باشیم. ما باید سر پا باشیم. ما باید فراموش نکنیم که قرآن از ما چه میخواهد. ما

ص: 132

1- . در مراسم مشترک نیروهای مسلح در پایگاه هوایی شهید نوژه ی همدان 1383/4/18

2- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران 1375/7/5

باید پیام این خونهای پاک را از یاد نبریم. ما باید وصیت امام بزرگوارمان را همواره آویزه ی گوش داشته باشیم. او دشمنان اسلام را خوب شناخته بود. دشمنان، همانها هستند که امام ما گفت. دشمن در مقابل ملت به پاخاسته ای مثل ملت ما، ضعیف است. دشمن در مقیاس مادی قوی است، ولی در مقیاس معنوی دچار ضعف شدید است. ملت ما باید با همین معنویت، با همین ایمان، با همین وحدت و با همین هوشیاری و زیرکی ای که از اول انقلاب نشان داده است، در صحنه بماند. (1)

تکریم شهیدان به آن است که این ملت هرگز در برابر سلطه گران مستکبر سر خم نکند و به وسوسه ی دشمنان عظمت اسلام، تسلیم نگردد. پیمودن این راه است که عزت و کامیابی دنیا و فلاح و سربلندی آخرت را نصیب ملت ما و همه ی مسلمین خواهد ساخت و دست شیطانهای گوناگون [را] خواهد برید. (2)

راه عزت، راه کرامت، راه سربلندی در دنیا و کسب رضای الهی در آخرت، راه انقلاب و راه ایستادگی در مقابل دشمنان خدا است. دشمن میخواهد ملت ایران را خسته کند؛ غافل از اینکه این ملت با این عظمت و با این همه خون ریخته شده در راه خدا، هرگز از ادامه ی راه خدا خسته نخواهد شد. دشمن میخواهد این سرمشق را از ملتهای مسلمان بگیرد؛ میخواهد وانمود کند که این ملت خسته شده و در راه خود متزلزل گردیده است. شما همیشه نشان داده اید که دشمن دروغ گفته است؛ باز هم باید نشان بدهید؛ باز هم باید ادعای دروغ دشمن را تخطئه کنید؛ و این با حضور در صحنه های انقلاب است. (3)

ص: 133

-
- 1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای استان لرستان 1370/5/30
 - 2- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا در هفته ی دفاع مقدس 1370/7/4
 - 3- . در جمع گروهی از خانواده های شهدا، مفقودان، آزادگان و جانبازان استان بوشهر 1370/10/11

4. الگو گرفتن و الگوسازی از شهیدان برای نسل جوان

آنان جوانان و جوانمردان رشید و پاک سرشستی بودند که با آگاهی و درك والای خود موقعیت حساس کشور را تشخیص دادند و وظیفه ی بزرگ جهاد در راه خدا را مشتاقانه پذیرا شدند، هیچ ملّتی و کشوری بدون چنین مجاهدتها به عزّت و تعالی دست نخواهد یافت. کشور ما مدیون فداکاری این جانهای عزیز و خانواده های صبور آنها است. هر ملّتی که چنین دلاوران آگاه و شجاعی را در دامان خود پرورده باشد حق دارد به آنان بیالد و آنان را الگوی تربیت جوانان خود در همه ی دورانها بداند. (1)

جانشین فرمانده ی لشکر گیلان وقتی در میدان جنگ در معرض بمباران شیمیایی بود و بسیجی بغل دستش ماسک نداشت، او ماسک خودش را برداشت و به صورت بسیجی همراهش بست! قهرمان یعنی این. البتّه هر دو شهید شدند؛ اما این قهرمانی ماند؛ اینها که از بین نمیرود؛ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ» (2)؛ اینها زنده اند؛ هم پیش خدا زنده اند، هم در دل ما و در فضای زندگی و ذهنیت ما زنده اند. پدر شهیدی از همین شهرهای گیلان شما، وقتی جوانش را با گلوی بریده از جبهه برگرداندند، گلوی بریده ی بچه اش را بوسید؛ اما آه نکشید! اینها الگو است. (3)

آنجایی که یاد شهادت، یاد شهیدان، ذکر شهیدان، تمجید از عظمت شهیدان وجود دارد، هر انسانی، هر دلی، احساس عظمت میکند؛ احساس استغنائی از غیر خدا میکند... همین شهادتی که شما میشناسید، همین عزیزان خود شما، جوانان خود شما، همه الگو هستند. هر جوانی که با انگیزه ای، با يك ایمان مقدّس و پاکی حرکت کرد، از خانه ی خود، از

ص: 134

1- . پیام به مناسبت هفته ی دفاع مقدّس 1379/6/31

2- . سوره ی آل عمران، آیه ی 169، «هرگز کسانی که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه زنده اند...»

3- . در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلاّی رشت 1380/2/12

راحتی خود، از آغوش پدر و مادر خود، از هوای خنک در گرمای تابستان، از محیط گرم و نرم در سرمای زمستان دل کند و رفت در دل آن حوادث خونین، پراضطراب و پروحشت، تن خود و جان خود را کف دست گرفت تا در برابر تکلیف و وظیفه فدا کند، او يك الگو است. این يك عظمتِ مجسم است در مقابل چشم ما. (1)

چهره ی نورانی و جذّاب شهیدان والامقام، الگوی همه ی جوانانی است که هویت اسلامی و ایرانی خود را ارج مینهند و سلطه ی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بیگانگان را ذلتی بزرگ و تحمل ناپذیر برای خود میدانند. (2)

شهید، چیز عظیم و حقیقت شگفت آوری است. ما چون به مشاهده ی شهدا عادت کرده ایم و گذشته ها و ایثارها و عظمتها و وصایا و راهی که آنها را به شهادت رساند، زیاد دیده ایم، عظمت این حقیقت نورانی و بهشتی برایمان مخفی میماند؛ مثل عظمت خورشید و آفتاب که از شدت ظهور، برای کسانی که دائم در آفتاب اند، مخفی میماند. در دوران گذشته، وقتی که يك نمونه از این نمونه های شهدای امروز ما، از تاریخ صدر اسلام انتخاب و معرفی میشد و شرح حال او بیان میگردد، تغییر واضح و شگفت آوری در دلها و جانها و حتی در عملها و نیتها به وجود می آورد. هر يك از این ستارگان درخشان، میتواند عالمی را روشن کند. بنابراین، حقیقت شهادت حقیقت عظیمی است. (3)

5. زنده نگه داشتن یاد شهدا در جامعه

5-1. اهمیت زنده نگه داشتن یاد شهدا

من عقیده ی راسخ دارم بر اینکه یکی از نیازهای اساسی کشور، زنده نگه

ص: 135

1- . در دیدار جمعی از مردم و خانواده ی شهدا و ایثارگران 1390/12/10

2- . پیام به مناسبت روز شهیدان در هفته ی دفاع مقدّس 1381/7/4

3- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1376/2/17

داشتن نام شهدا است؛ این يك نیازی است که ما چه آدمهای مقدّس مآب و متدیّنی باشیم، چه آدمهایی باشیم که خیلی هم مقدّس مآب نیستیم، اما به سرنوشت این کشور و به سرنوشت این مردم علاقه مندیم، هر جور که فکر بکنید، بزرگداشت شهدا برای آینده ی این کشور، حیاتی و ضروری است. فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ تلاش کردن با سرمایه گذاری از خود برای اهداف بلندمدت مشترک بین همه ی مردم؛ که البتّه در مورد ما آن اهداف، مخصوص ملّت ایران هم نیست، برای دنیای اسلام بلکه برای جهان بشریت است. این فرهنگ در جامعه ای اگر جا افتاد، درست نقطه ی مقابل فرهنگ فردگرایی غربی امروز [است] که همه چیز را برای خود و با محاسبه ی شخصی میسنجند؛ برای همه چیز يك قیمت اسکناسی و پولی قائلند و آن، به دست آوردن آن پول است؛ این درست نقطه ی مقابل آن فرهنگ است؛ یعنی «(وَيُؤْتُونَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ)»⁽¹⁾؛ اینها کسانی هستند که ایثار میکنند؛ فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم. این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد؛ به عقب برنخواهد گشت و پیش خواهد رفت. این کار شما این فرهنگ را زنده میکند. بنابراین من از همه ی برادران و خواهرانی که در این کار نيك مشغول همکاری و شرکت در این کار هستند تشکر میکنم و امیدوارم که همه موفق باشید.⁽²⁾

گاهی رنج و زحمت زنده نگه داشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست. رنج سی ساله ی امام سجّاد (علیه الصّلاة و السّلام) و رنج چندین ساله ی زینب کبری (علیها السّلام) از این قبیل است. رنج بردند تا توانستند این خون را

ص: 136

1- . سوره ی حشر، بخشی از آیه ی 9، ترجمه: «... آنها را بر خودشان مقدّم میدارند...»

2- . در دیدار اعضای ستادهای کنگره ی شهدای امور تربیتی، کنگره ی شهدای دانشجو و کنگره ی شهدای هنرمند 1393/11/27

نگه بدارند. بعد از آن هم همه ی ائمه (علیهم السّلام) تا دوران غیبت، این رنج را متحمّل شدند. امروز، ما چنین وظیفه ای داریم. (1)

امروز، به مناسبت نزدیک شدن به شب اربعین حضرت سیدالشّهداء (علیه الصّلاة والسّلام) که ارتباط تام و تمامی با همین تلاش باارزشی که در روزگار ما برای احیاء یاد و نام شهیدان انجام میگیرد، دارد، مطالبی را مطرح میکنم. اساساً اهمّیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی (علیه السّلام) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسلهای بعد، از دستاورد شهادت استفاده ی زیادی نخواهند برد. درست است که خدای متعال، شهدا را در همین دنیا هم زنده نگه میدارد و شهید به طور قهری در تاریخ و یاد مردم ماندگار است، اما ابزار طبیعی ای که خدای متعال برای این کار - مثل همه ی کارها - قرار داده است، همین چیزی است که در اختیار و اراده ی ما است. ما هستیم که با تصمیم درست و بجا، میتوانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه ی شهادت را احیاء کنیم و زنده نگه داریم.

اگر زینب کبری (سلام الله علیها) و امام سجّاد (صلوات الله علیه) در طول آن روزهای اسارت چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت به مدینه و سپس در طول سالهای متمادی که این بزرگواران زنده ماندند - مجاهدات و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه ی عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمیکردند، واقعه ی عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمیماند.

چرا امام صادق (علیه الصّلاة والسّلام) - طبق روایت - فرمودند که هرکس يك بيت

ص: 137

شعر درباره‌ی حادثه‌ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟⁽¹⁾ چون تمام دستگاه‌های تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگه داشتن مسئله‌ی عاشورا و کلاً مسئله‌ی اهل بیت، تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه‌ی چه بود. تبلیغ، این گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرتهای ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت‌آمیز میکردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه‌ی عاشورا، که با این عظمت در بیابانی در گوشه‌ای از دنیای اسلام اتفاق افتاده، با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاشها، از بین میرفت.

آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین بن علی (علیه السلام) بود. به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی (علیه السلام) و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب (علیها السلام) و مجاهدت امام سجاد (علیه السلام) و بقیه‌ی بزرگواران، دشوار بود. البته صحنه‌ی آنها، صحنه‌ی نظامی نبود، بلکه تبلیغی و فرهنگی بود. ما به این نکته‌ها باید توجه کنیم.

درسی که اربعین به ما میدهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره‌ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت. شما ببینید از اول انقلاب تا امروز، تبلیغات علیه انقلاب و امام و اسلام و این ملت، چه قدر پر حجم بوده است. چه تبلیغات و طوفانی که علیه جنگ به راه نیفتاد؛ جنگی که دفاع و حراست از اسلام و میهن و حیثیت و شرف مردم بود. ببینید دشمنان علیه شهدای عزیزی که جانشان - یعنی بزرگ‌ترین سرمایه‌شان - را برداشتند و رفتند در راه خدا نثار نمودند، چه کردند و مستقیم و غیر مستقیم، با رادیوها و روزنامه‌ها و مجله‌ها و کتابهایی که منتشر میکردند، در ذهن آدمهای ساده لوح در همه جای دنیا، چه تلقینی

ص: 138

حتی افراد معدودی از آدمهای ساده دل و جاهل و نیز انسانهای موجه و غیر موجهی در کشور خودمان هم، در آن فضای ملتهب جنگ، گاهی حرفهایی میزدند که ناشی از ندانستن و عدم احاطه به حقایق بود. همین چیزها بود که امام عزیز را برمی آشفست و وادار میکرد که با آن فریاد ملکوتی، حقایق را با صراحت بیان کند. اگر در مقابل این تبلیغات، تبلیغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد.

میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است. البته، اکثریت قاطع ملت و آحاد مردم ما، به برکت آگاهی ناشی از انقلاب، در مقابل تبلیغات دشمن بیمه هستند و مصونیت پیدا کرده اند. از بس دشمن دروغ گفت و چیزهایی را که در مقابل چشم مردم بود، بعکس و واژگون نشان داد و منعکس کرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته ها و بافته ها و یاوه گویی های تبلیغات جهانی، بکلی سلب شده است. دستگاه ظالم جبار یزیدی با تبلیغات خود، حسین بن علی (علیه السلام) را محکوم میساخت و وانمود میکرد که حسین بن علی کسی بود که بر ضد دستگاه عدل و حکومت اسلامی و برای دنیا قیام کرده است! بعضی هم، این تبلیغات دروغ را باور میکردند. بعد هم که حسین بن علی (علیه السلام)، با آن وضع عجیب و با آن شکل فجیع، به وسیله ی دژخیمان در صحرای کربلا به شهادت رسید، آن را يك غلبه و فتح وانمود میکردند! اما تبلیغات صحیح دستگاه امامت، تمام این بافته ها را عوض کرد. حق، این گونه است. (1)

راه این عزیزان را نه فقط خانواده های شهدا بلکه همه ی ملت ایران باید ادامه دهند و به رغم عنف دشمن، این راه ادامه پیدا خواهد کرد. این راه،

راه ارزشها است؛ راه تعالی ملت و کشور ایران است؛ راه برافراشتگی پرچم اسلام است. (1)

حقیقت شهادت حقیقت عظیمی است. اگر این حقیقت، به وسیله ی کسانی که امروز در قبال شهیدان مسئولیت دارند، زنده بماند، حفظ و تقدیس گردد و بزرگ نگاه داشته شود، همیشه تاریخ آینده ی ما، از این ایثار بزرگی که آنان کردند، بهره خواهد برد. همچنان که تاریخ بشریت، هنوز از خون بناحق ریخته ی سرور شهیدان تاریخ، حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه الصلوة و السلام) بهره میبرد؛ چون کسانی که وارث آن خون بودند، مدبرانه ترین و شیواترین روشها را برای زنده نگه داشتن این خون به کار بردند. (2)

آن کسانی را که رفته اند و جان باخته اند و در واقع در این معامله ی عظیم، بُرد بزرگ را کرده اند، زنده بدارید. (3)

یاد شهیدان نباید در جامعه ی ما از ذهنیتها خارج شود. شهیدان را باید زنده نگه داشت. یاد شهیدان را باید گرامی بدارید و زنده نگه دارید؛ در همه ی استانهای کشور این معنا وجود دارد. 23 هزار شهید استان خراسان بزرگ - شامل سه استان کنونی - یکی از برجسته ترین و بزرگ ترین رقمهای افتخار آفرین است. نگذارید غبارهای فراموشی - که عمداً گاهی این غبارها را میخوانند بر روی این خاطره های گرامی بپاشند و قرار بدهند - روی این خاطره های گرامی را بگیرد؛ زنده نگه دارید. مسئولان هم بایستی این کار را بکنند؛ مسئولان بنیاد شهید هم موظفند؛ مسئولان دستگاه های دیگر دولتی و عمومی هم وظیفه دارند. خود خانواده ها هم در محیطهایی

ص: 140

1- . در دیدار خانواده ی معظّم شهدا، جانبازان و آزادگان استان همدان 16/1383/4

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1376/2/17

3- . در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش، در آستانه ی روز ارتش جمهوری اسلامی ایران 1376/1/27

که شعاع نفوذ و سلطه ی آنها است، این کار را انجام بدهند. (1)

شهیدان عزیز و والامقامند که با نثار جان و هستی خود، این بنای رفیع را استحکام بخشیدند و گوهر درخشان ملت مؤمن را آشکار ساختند. یاد آنان همچون خونی که به پیکر شخصیت ایرانی تزریق شود، زندگی بخش است. این یاد را همواره باید زنده و جاری نگه داشت. (2)

این وظیفه ی ما و شما است. نام شهیدان سرفراز را زنده کنید؛ آن کسانی که عزیزترین و گران قیمت ترین سرمایه ی خود را ایثار کردند. همه ی موجودات جاندار، چه انسان و چه غیر انسان، عزیزترین سرمایه شان، جانشان است. در مورد انسان، مطلب اوضح از این است که احتیاج به بیان داشته باشد. با این همه، انسان این سرمایه ی عزیز را بردارد ببرد و در مرکزی قرار گیرد که این سرمایه به مخاطره بیفتد. اگر شما يك نگین قیمتی داشته باشید، در يك مسافرت دشوار آن را همراه نمیرید. انسانها برای دفاع از حق، از حقیقت، از استقلال، برای دفاع از حیثیت کشور، برای دفاع از ناموس ملت، برای جلوگیری از پیشرفت خواسته های دشمنی که علیه این ملت، يك لحظه از کمین خارج نشده است، عزیزترین سرمایه ها را که جان اَمّت است، بر میدارند به میدان جنگ میبرند. البتّه، «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» (3)؛ همه این سرمایه را از دست نمیدهند؛ اما همه این سرمایه را در مخاطره میگذارند؛ بعضی میروند و بعضی میمانند. خیلی عزیز و خیلی مهم است. (4)

انقلاب اسلامی و نظام مقدّس جمهوری اسلامی، حیات و شکوه

ص: 141

1- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران خراسان 1386/2/27

2- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران 1388/7/2

3- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 23، ترجمه: «... برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند...»

4- . در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش، در آستانه ی روز ارتش جمهوری اسلامی ایران 1376/1/27

و پایداری و بالندگی خود را از این فداکاری‌ها و گذشتها دارد و این در میزان عدل الهی، چیزی عظیم و حقیقتی نمایان است و ثواب الهی که از همه ی دنیا و مافیها برتر است، بر آن مترتب است. البته افراد جامعه و به ویژه مدیران و مسئولان آن نیز وظایفی در قبال این عناصر گرامی دارند که اهم آن زنده نگاه داشتن نام و یاد و راه آنها است، و راه خدا هیچ گاه از فداکاری‌های بزرگ که از انسانهای ارزشمند سر میزند، بی نیاز نیست. خداوند همه ی ما را در زمره ی این انسانها قرار دهد. (1)

مسئله ی جنگ تحمیلی و عوارض آن - که از جمله، همین فداکاری‌ها و ایثارها و شهادتها است - يك مسئله ی عادی نیست؛ يك مسئله ی متعارف و معمولی نیست؛ يك مسئله ی فوق العاده است. اگر درست نگاه کنیم، مجموعه ی حوادثی که در این سالها اتفاق افتاد و این فداکاری‌هایی که جوانهای ما کردند، میتواند يك ذخیره ی ماندگاری باشد برای همیشه ی انقلاب. نباید بگذاریم که این ذخیره بلااستفاده بماند؛ راهش هم همین است که یاد شهیدان زنده باقی بماند.

... امروز کار تجلیل از شهدا و حفظ یاد گرامی این عزیزان يك فریضه است. بعضی‌ها میخواهند این را به فراموشی بسپارند؛ همان کسانی که بامعارف انقلاب و آرزوهای انقلاب و اهداف انقلاب میانه ی خوبی ندارند، با حفظ یاد شهیدان هم سر سازگاری ندارند و دوست نمیدارند. لکن مردم ما، شهدا را دوست میدارند؛ به خاطر اینکه شهدای ما ایثار کردند؛ از حیات خودشان، از آسایش خودشان گذشتند؛ رفتند در میدانهای نبرد و جان خودشان را تقدیم کردند. این چیز کوچکی نیست؛ این خیلی بزرگ است. در مقام توصیف، انسان میتواند حرفهای زیادی بزند اما در مقام عمل، عمل کار همه نیست؛ ایمانهای بالا، عزمهای استوار و پولادین لازم است

ص: 142

که انسان بتواند در این میدان وارد بشود و شهدا این کار را کردند. (1)

مبادا کسانی تصوّر کنند که دوره ی سخن گفتن از شهدا و سربازان فداکار و زحمت کشان میدان نبرد، سپری شده است! این دوره، هیچ وقت سپری نمیشود. (2)

سپاه، ارتش، بسیج، جهاد و دستگاه های دولتی، باید یاد شهیدان را زنده بدارند و مفهوم شهادت، این مفهوم باعظمت و پرارزش و بسیار مؤثر را در کشور ایران اسلامی و در میان ملت مبارز ایران احیاء و حفظ کنند؛ اگرچه خون مطهر شهدای ما در سطح جهان، بار دیگر این مفهوم [شهادت] را احیاء کرد. (3)

2-5. روشهای زنده نگه داشتن یاد شهدا

1-2-5. برگزاری مجالس بزرگداشت شهدا

جلسات بزرگداشت، ادامه ی حرکت جهادی و ادامه ی شهادت است. اگر نام شهیدان ما تکرار نمیشد، تجلیل نمیشدند و احترام به آنها و خانواده های آنها در جامعه ی ما به صورت یک فرهنگ در نمی آمد - که خوشبختانه به صورت فرهنگ در آمده - امروز بسیاری از این یادهای ارزشمند و گران بها فراموش شده بود؛ این ارزش گذاری عظیمی که با حرکت شهادت در یک جامعه به وجود می آید، به فراموشی سپرده شده بود. نباید بگذارید این اتفاق بعد از این هم بیفتد؛ روزه روز باید یاد شهدا و تکرار نام شهدا و نکته یابی و نکته سنجی زندگی شهدا در جامعه ی ما رواج پیدا کند. و اگر این شد، آن وقت مسئله ی شهادت که به معنای مجاهدت تمام عیار در راه خدا است، در جامعه ماندگار خواهد شد. و اگر این شد، برای این جامعه دیگر شکست وجود نخواهد داشت و شکست معنا نخواهد

ص: 143

1- . در دیدار اعضای ستاد کنگره ی بزرگداشت سه هزار شهید استان سمنان 1394/2/14

2- . در دیدار فرماندهان و دانشجویان نیروی زمینی ارتش 1372/7/28

3- . در دیدار با خانواده های سرداران شهید استان تهران 1376/2/17

داشت؛ پیش خواهد رفت. عیناً مثل ماجرای حسین بن علی (علیه السلام)؛ امروز 1300 سال یا بیشتر از شهادت حضرت اباعبدالله (علیه السلام) میگذرد و روزه روز این داستان برجسته تر و زنده تر شده. این داستان در بطن خود دارای يك مضامینی است که این مضامین برای حیات اسلامی جامعه ضروری است. اگر این مضامین گسترش پیدا نمیکرد، از اسلام و از قرآن و از حقایق معارف اسلامی هم امروز خبری نبود. اینجا هم همین جور است؛ نگذارید نام شهدا و یاد شهدا فراموش بشود یا در جامعه ی ما کهنه بشود؛ و البته با ابتکارات؛ این جلسات بزرگداشتی که آقایان به وجود می آورید - که خیلی باارزش است - صرفاً يك جلسه ی ترحیم باشکوه نیست؛ این جلسات، دارای مضامین ویژه ی خودش است؛ بایستی شهادت را معنا کند، شهید را معرفی کند، فرهنگ شهادت را در جامعه ماندگار کند. (1)

از برادران عزیز صمیمانه و از ته دل متشکرم به خاطر اینکه همّت گماشتید برای بزرگداشت کسانی که حقاً و انصافاً سرآمدان مردم روزگار ما به حساب می آیند؛ یعنی شهدا و مجاهدان. خود این کار بسیار باارزش است؛ بزرگداشت شهیدان، احیاء نام آنان، تحقیق در مورد کارهای آنها، تولید آثار مکتوب و تصویری و صوتی و امثال اینها از زندگی آنها و از اقدامات و جهاد آنها، کارهای بسیار باارزشی است. این فهرستی هم که سردار محترم بیان کردند (2) در مورد کارهایی که در این گردهمایی بنا است

ص: 144

- 1- . در دیدار اعضای ستادهای کنگره ی شهدای امور تربیتی، کنگره ی شهدای دانشجو، و کنگره ی شهدای هنرمند 1393/11/27
- 2- . اشاره ی سرتیپ پاسدار سیّد محمدتقی شاهچراغی (دبیر کلّ کنگره) به برنامه های زیر: پژوهش و جمع آوری آثار شهدا و ایثارگران در چهار حوزه ی عملیات پژوهی، شهیدپژوهی، تاریخ شفاهی، خاطرات شفاهی؛ انتشار نشریه ی کنگره ی شهدا با عنوان «سبز سرخ»؛ راه اندازی پایگاه اطلاع رسانی «جنگ و گنج» و حمایت از سایتهای همسو؛ آموزش روایت گران؛ برگزاری یادواره ها؛ دیدار با خانواده ی شهدا؛ تولید برنامه های رادیو تلویزیونی؛ ساخت و احیاء بناها و یادمان های دفاع مقدّس و پارک موزه ی دفاع مقدّس مازندران.

انجام بگیرد، فهرست خوبی است؛ همین کارها بسیار خوب است؛ منتها توجّه کنید که عمیق انجام بگیرد این کارها؛ یعنی صرف تأمین يك عنوان نباشد، یعنی کاملاً با عمق، با فرصت، با دقت، با وقت گذاری، با بهره گیری از هنر از يك سو، و روح تحقیق از سوی دیگر، انجام بگیرد تا ماندگار و اثرگذار باشد. بنابراین کار، کار بسیار خوبی است؛ کار باارزشی است. البته من اطلاع دارم که مازندرانی ها تا حالا هم گردهمایی های بسیار زیاد و متعدّدی در مورد شهدا در بخشهای مختلف استان به صورت خودجوش و مردمی انجام داده اند، که خیلی باارزش است؛ این کار شما هم يك کار جمعی و بزرگ و با اهمّیت است. ان شاءالله که موفق باشید. (1)

2-2-5. حضور در مناطق جنگی و برگزاری اردوهای راهیان نور

من به شما عرض میکنم، نگذارید یاد دوران دفاع مقدّس از یادها برود. آمدن به این مناطق جنگی - چه در تعطیلات نوروزی و چه در دوره ی سال، که بحمدالله حالا- در دوره ی سال هم کسانی از سرتاسر کشور به این مناطق مسافرت میکنند و این سرزمینها را زیارت میکنند - بسیار کار پسندیده ای است، کار درستی است، کار عاقلانه ای است که ملت ایران میکند؛ خاطره ی این سرزمینها را زنده نگه دارید. این سرزمینها، این بیابانها، این رود کارون، این جاده ی اهواز - آبادان یا اهواز - خرّمشهر، این مناطق گوناگون که با اسمهای مختلفی امروز خودشان را به شما معرفی میکنند، اینها شاهد برترین فداکاری ها و مجاهدتها و از خودگذشتگی ها بوده اند. بنده فراموش نمیکنم در آن ماه های اوّل جنگ، در آن ماه های محنت، نبودن نیرو، نبودن امکانات، نبودن آموزش، نبودن انسجام و سازماندهی، در آن سختی همه جانبه ی مادی، جوانهای ما با روحیه های خوب، از

ص: 145

همین اهواز می آمدند به مناطق مختلف؛ از جمله همین جا، منطقه ی دارخوین. يك مشت از جوانهای مؤمن و حزب اللّهی که من اشخاصشان را هم بعضاً میشناسم، آمدند در همین روستای محمّديه که نزديك است، سنگرهای انفرادی میکنند؛ در تاریکی شب از این سنگرهای انفرادی می آمدند بیرون و صد متر، دوست متر جلوتر میرفتند، باز آنجا سنگر میکنند؛ تمام روز را زیر این آفتاب داغ خوزستان در سنگرها میماندند، سختی ها را تحمّل میکردند، خود را به دشمن نزديك میکردند؛ تا وقتی که نوبت عملیات رسید که در مهر ماه سال بعد از حمله - در آخر شهریور 59 حمله ی دشمن شروع شد، در مهر 60 - در این منطقه ی دارخوین و همه ی این مناطق اطراف، با نیروهای رزمنده ی ارتش و سپاه و بسیج و غیره، توانستند پاداش آن مجاهدتها را بگیرند و به ملت ایران هدیه کنند؛ اینها یادهای ارزشمندی است، نباید بگذارید این یادها فراموش بشود. در هر کدام از این مناطق، قضایایی اتفاق افتاده است که یکی از این قضایا در میان هر کشوری و هر ملّتی اتفاق بیفتد، کافی است برای اینکه در تاریخ، آن ملّت را سربلند کند. همین مسائلی که در عملیات بیت المقدّس اتفاق افتاد، یا آنچه در عملیات فتح المبین اتفاق افتاد، یا آنچه بعد از اینها در عملیات خیبر اتفاق افتاد، ذرّه ذرّه ی این عملیات و شخصیتهایی که این فداکاری ها از آنها سر زد و حوادث را ساختند، میتواند مجموعه ای از افتخارات بزرگ و ماندگار و فراموش نشدنی را برای ملّت ایران رقم بزند. (1)

بنده باز هم به ملت ایران عرض میکنم این حرکت راهیان نور را مغتنم بشمرید؛ از شما برادران و خواهران عزیزی که از راه های دور به این نقطه آمدید و بخشی از مجموعه ی عظیم حرکت راهیان نور را تشکیل دادید هم تقدیر و تشکر میکنم و امیدوارم ان شاءالله همه ی شما مأجور باشید و

ص: 146

همه ی شما ان شاءالله با دست پُر و همراه با تجربه آموزی و بصیرت و همراه با انوار معنوی الهی ان شاءالله از این منطقه جدا بشوید. (1)

3-2-5. تحقیق در مورد شهدا و عرضه ی سیره ی آنان

نباید پنداشت که با گذشت دوازده سال از پیروزی و دو سال از پایان جنگ تحمیلی، خاطره ی شهدای عزیز انقلاب و جنگ، کم رنگ شده، از یادها زدوده خواهد شد. به عکس، تصویر آن چهره های مقدّس، در هاله ای از نور و طهارت، روزبه روز باید در ذهن ملت ما با عظمت تر و چون چهره های اسطوره ای قهرمانان بزرگ، محبوب تر و رفیع تر گردد و نام آنها و یاد آنها به همه، مخصوصاً جوانان و نوجوانان، درس عظمت و شجاعت و تقوا و صفا و طهارت بدهد و خواهد داد. بخش مهمی از این کار، وظیفه ی نویسندگان و هنرمندان است. (2)

بزرگداشت شهیدان، احیاء نام آنان، تحقیق در مورد کارهای آنها، تولید آثار مکتوب و تصویری و صوتی و امثال اینها از زندگی آنها و از اقدامات و جهاد آنها، کارهای بسیار باارزشی است. (3)

کاری که تا حالا کردید و گزارشش را دادید، خیلی خوب است؛ همین کارها کارهای خوبی است؛ یعنی هم ضبط خاطرات اینها و تجلیل از یاد اینها و نام اینها. (4)

4-2-5. نام گذاری ایام و اماکن به نام شهدا و ترویج تصاویر و کلمات شهدا

شهید و شهادت در فرهنگ اسلامی، مظهر حیات و بقا و حضور و درخشندگی است؛ و این ماییم که باید با ارتباط و اتّصال به این مفهوم بلند

ص: 147

1- . در یادمان شهدای شرق کارون 1393/1/6

2- . پیام به خانواده های معظم شهدا در هفتمین روز دهه ی فجر 1369/11/18

3- . در دیدار اعضای ستاد برگزاری بزرگداشت سرداران و ده هزار شهید 1392/9/25

4- . در دیدار اعضای ستاد کنگره ی بزرگداشت سه هزار شهید استان سمنان 1394/2/14

و ماندگار، برای خود و جامعه و کشور خود، بلندی و ماندگاری به دست آوریم. نام گذاری يك روز از هفته ی دفاع مقدّس به این نام مبارك، ادای وظیفه ای در این راه است. (1)

روز شهیدان در هفته ی دفاع مقدّس روزی است که شهیدان والا مقام ما با چهره ی قدسی خود در همه جای ایران اسلامی بار دیگر در برابر چشم ما دور ماندگان و خاکیان ظهور میکنند؛ گویی همه ی ملت ما يك بار دیگر هزاران انسان دلاور و باگذشت و جوانمرد را در کسوت نورانی فرشتگان به صورت دسته جمعی در برابر خود می بینند و سر تعظیم و تکریم در مقابل آنان فرود می آورند. (2)

بسیاری از این نام آوران عرصه ی دفاع مقدّس ما - که نامهایشان زینت بخش خیابانهای ما و مراکز ما و عکسهایشان زینت بخش محیطهای زندگی ما است - یا اغلبشان، دانشجویانی بودند؛ بعضی از اینها حقیقتاً نوابغ بودند؛ هنرمندانی بودند، معلّمانی بودند، اساتیدی بودند؛ رفتند و جان خودشان و عمر خودشان را - ارزشمندترین چیزی که انسان از امور مادّی در اختیار دارد یعنی زندگی خودشان را - در راه خدا، در راه اهداف، هدیه کردند، تقدیم کردند؛ این بسیار مهم است. (3)

همین کارها کارهای خوبی است؛ یعنی هم ضبط خاطرات اینها و تجلیل از یاد اینها و نام اینها، ترویج تصاویر اینها یا کلماتی که از اینها نقل میشود، کارهای بسیار خوبی است. این فهرستی که شمردید در مورد اقداماتی که انجام گرفته، خیلی خوب است منتها هدفتان این باشد که معارف مربوط به شهادت و همان معنای ایثار و ایمان در مخاطبین امروز شما به معنای عمیق کلمه نافذ باشد. (4)

ص: 148

1- . پیام به مناسبت هفته ی دفاع مقدّس و روز تجلیل از شهیدان و ایثارگران 1394/7/2

2- . پیام به مناسبت روز شهیدان در هفته ی دفاع مقدّس 1380/7/5

3- . در دیدار اعضای ستادهای کنگره ی شهدای امور تربیتی، کنگره ی شهدای دانشجو و کنگره ی شهدای هنرمند 1393/11/27

4- . در دیدار اعضای ستاد کنگره ی بزرگداشت سه هزار شهید استان سمنان 1394/2/14

صلوات و سلام خدا بر شهیدان عزیز که مشعل توحید را با ایثار خود بر فراز میهن اسلامی برافروختند، و صلوات و تحیات خدا بر شهیدان مظلوم غوّاص که با ظهور و حضور خود، این فروغ خاموش نشدنی را مدد رساندند و پرچم یادهای عزیز و گران بها و ذخیره های معنوی ملت را با شکوهی هرچه تمام تر در کشور برافراشتند. سلام بر دستهای بسته و پیکرهای ستم دیده ی شما. و سلام بر ارواح طیّبه و به رضوان الهی، بال گشوده ی شما. سلام بر شما(1) که بار دیگر فضای زندگی را معطر و جان زندگان را سیراب کردید. و سپاس بی پایان پروردگار حکیم و مهربان را که در لحظه های نیاز این ملت خداجوی و خداباور، بشارتهای تردیدناپذیر را بر دلهای بیدار نازل میفرماید و غبارها را میزداید. و سلام بر شما ملت بزرگ، وفادار، آگاه، مسئولیت پذیر که خطاب لطیف الهی را بدرستی میشناسید و مینبوشید و پاسخ میگویید. حضور پرمضمون امروز شما در تشییع این دُرْدانه های به میهن بازگشته، یکی از به یادماندنی ترین حوادث انقلاب است؛ رحمت خدا بر شما، و سپاس بی حد از خدای مالک دلها، و سلام بی پایان بر حضرت بقیّة الله (روحی فداه) که صاحب این ثروت عظیم است.(2)

6. مقابله با معارضان فرهنگ ایثار و شهادت و ترویج روحیه ی شهادت طلبی

شهیدان ما این حق بزرگ را بر فرهنگ اسلامی و همه ی وابستگان و دل بستگان به آن در سراسر جهان دارا میباشند که یکی از سرفصل های مهم ولی فراموش شده ی این فرهنگ را در دنیای مادّی امروز زنده کرده اند و آن فداکاری و از خودگذشتگی برای آرمانهای بلند اسلامی و انسانی است. سرگرمی های مادّی و خودخواهی و سودطلبی افراد انسان در همه ی

ص: 149

1- . خطاب به شهدای غوّاص تفحص شده است.

2- . پیام در پی تشییع پیکر مطهر شهدا با حضور حماسی مردم تهران 1394/3/26

دورانهای تاریخ به کج روی ها و بدرفتاری های بزرگ جوامع بشری انجامیده است و دنیای مادی امروز بیش از همیشه قربانی این سودطلبی ها و خودخواهی ها است. شهیدان ما در ظلمات مادی گری این دوران بار دیگر فرهنگ شهادت را که بالاترین سطح فداکاری برای آرمانهای بشری است، زنده کردند و نور رستگاری را به انسانهای پاك طینت و حق طلب نشان دادند. اگر این درس بزرگ، بدرستی فراگرفته شود، همه ی سلاحهای زر و زور از کار خواهد افتاد و ابزار سلطه گر جهانی برای سیطره بر اجتماعات بشری ناکارآمد خواهد گشت. (1)

دشمن در تهاجم فرهنگی خود سعی میکند مقاومت را در میان مردم ما از حیثیت و اعتبار بیندازد؛ در واقع مقاومت شکنی کند و سنگرها را از بین ببرد. مهم ترین سنگر يك انسان، ایمان و انگیزه و عشق او است. نباید اجازه دهید این سنگر را در دلها فرو بریزند و از بین ببرند. (2)

الان میدانید در کشورهایی از منطقه ی ما، سعی آمریکایی ها بر این است که آیات جهاد را از کتابهای درسی بیرون بیاورند؛ اصرار کردند که باید این کار را بکنید؛ بعضی از دولتهای ضعیف و زبون هم این را قبول کردند. میخواهند جهاد را از آیات قرآن و تعالیم دینی خارج کنند؛ چون ضامن عزت ملت های اسلامی و امت اسلامی و بزرگ ترین سنگر و حصن حصین مقاومت، جهاد فی سبیل الله است. شهادت را به عنوان يك عمل ساده لوحانه معرفی کردند، که خود برترین ارزشهایی است که جهاد به دنبال دارد. جهاد وقتی میتواند اثر خودش را به طور کامل نشان دهد که با دل نهادن به شهادت همراه باشد. (3)

عزیزان من! فضای انقلابی در کشور، دشمنان عنودی دارد، دشمنان

ص: 150

1- . پیام به مناسبت روز شهیدان در هفته ی دفاع مقدّس 1380/7/5

2- . در دیدار خانواده های شهدای نیروهای مسلّح 1380/7/4

3- . در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج 1384/6/2

کینه ورزی دارد. با حاکمیت فضای انقلابی در کشور مخالفند؛ میخواهند این فضا را بشکنند. شما دیدید در يك دوره ای شهادت را زیر سؤال بردند، جهاد را زیر سؤال بردند، شهید را زیر سؤال بردند، نظرات امام را زیر سؤال بردند، پیغمبران را زیر سؤال بردند! مسئله این نیست که فلان زیدی با این مفاهیم مخالف است؛ مسئله این است که این مخالفت از نظر دشمن باید در جامعه مطرح شود؛ فضا سازی شود و فضای انقلابی بشکند. در حوزه ی علمیّه همه باید به این مسئله توجه کنند. در متن جامعه این جور است، طبعاً در حوزه های علمیّه هم این جور است. میدانند که شمای روحانی فقط يك فرد نیستید؛ مستمع دارید، علاقه مند دارید، بنابراین در محیط پیرامون خودتان اثر میگذارید. میخواهند فضای انقلابی را بشکنند، روحانی انقلابی را منزوی کنند. تحقیر بسیج، تحقیر شهید، تحقیر شهادت، زیر سؤال بردن جهاد طولانی این مردم اگر خدای نکرده در گوشه و کنار حوزه به وجود بیاید، فاجعه است. بزرگان حوزه بایستی مواظب و مراقب باشند و مانع بشوند. (1)

یاد حماسه ی دفاع مقدّس باید همیشه در کشور ما باقی بماند و جاودانه باشد. بعضی ها خواستند، سعی هم کردند که یاد دوران دفاع مقدّس و آن شجاعت های بزرگ و آن عظمتها را بتدریج کم رنگ کنند و از یادها ببرند. اینها اگر نادانسته این کار را میکنند، غفلت بزرگی دارند؛ اگر هم خدای نکرده دانسته است، که خیانت است. (2)

اگر ما در روزنامه ها و در اظهارات و تربیونهای خود این گونه با مردم حرف بزنیم که «یعنی چه فداکاری! من بمیرم برای اینکه دیگران زنده بمانند!؟» شهادت طلبی و شهید را مسخره و روحیه ی فداکاری را تحقیر کنیم و خانواده ی شهید را مورد اهانت قرار دهیم، همان کاری است که آمریکا

ص: 151

1- . در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه ی علمیّه ی قم 1389/7/29

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1388/3/3

میخواهد؛ یعنی نیروی پایداری و اقتداری را که میتواند جلوی حمله ی آمریکا را بگیرد، در داخل تضعیف کردن.(1)

بعضی ها نادانسته - که مایلیم امیدوار باشیم نادانسته است - ریشه ی اصل مجاهدت و شهادت فی سبیل الله را میزنند. اینها نمیفهمند چه میکنند؛ کارشان مثل همان نشستن بر سر شاخ و بُن بریدن است. اینها نمیفهمند که يك ملت وقتی به جهاز عظیم جهاد و شهادت فی سبیل الله مجهز باشد، چه معجزاتی میکند و چه موقیتهای بزرگی را به دست می آورد. این را میخواهند از این ملت بگیرند. اینها میخواهند انقلاب و نظام اسلامی را مثل يك موجود بی دفاع، در دسترس قدرتها بگذارند تا آنها با همه ی امکانات سیاسی و نظامی و اقتصادی خود آن را بدرند و تگه پاره کنند. البته وقتی دشمنان این حرفها را میزنند، کاملاً جهت دار، فهمیده و دانسته میزنند؛ اما بعضی هم علی الظاهر بدون اینکه بدانند چه میکنند، حرفهای دشمنان را تکرار میکنند.(2)

بزرگ ترین خیانت به يك ملت این است که کسانی بخواهند با ابرهای تبلیغات، جلوی خورشیدهای فروزانی که زندگی و تاریخ ملت را روشن میکنند، بگیرند. امروز هرکس که نام شهدا را کوچک بدارد و حرکت عظیم شهادت در کشور ما را - که به وسیله ی جوانان عزیز ما در آن دوران اتفاق افتاد - نادیده بگیرد و تحقیر کند، به تاریخ این ملت خیانت کرده است.(3)

ارزش مجاهدت، مقام والای شهادت، از جمله ی چیزهایی بود که به وسیله ی عناصری، کسانی، دستهایی، زیر سؤال رفت. جهاد را زیر سؤال بردند، شهادت را زیر سؤال بردند. این، یکی از شاخصها است؛ باید

ص: 152

-
- 1- . در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) 1382/3/3
 - 2- . در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار 1381/7/17
 - 3- . در دیدار خانواده های شهدای کاشان و آران و بیدگل 1380/8/20

برجسته شود. احترام به شهیدان، احترام به جهاد و مجاهدان بایستی جزو بخشهای برجسته ی پرچم جمهوری اسلامی قرار بگیرد. جمهوری اسلامی به جهاد و شهادت شناخته میشود. (1)

حوزه باید حقّ عظیم انقلاب و امام و شهدا و نفوس طّیبه ی ایثارگران را همواره به یاد داشته و ارزشهای انقلاب را به مثابه ی راز تجدید حیات، در خود حفظ کند و به کسانی که جاهلانه یا مغرضانه میخواهند آن را به سمت هدفهای استکبار بکشانند، میدان ندهد. (2)

دشمنها میخواهند ما یادمان برود؛ میخواهند قضیه ی دفاع مقدّس از یادمان برود، فداکاری ها از یادمان برود، شخصیتهایی را که در این فداکاری ها نقش آفریدند یا شناسیم یا از یاد ببریم؛ این جور میخواهند. بعضی میخواهند آن دوران را تخطئه کنند، آن آدمها را تخطئه کنند، آن جهت گیری را و آن مسیر را که امام بزرگوار و حکیم و بنده ی بصیر الهی، آن مسیر را معین کرده بود، تخطئه کنند؛ برای اینکه میدانند که هر ذره ای و هر نقطه ای از این حوادث، برای ملت ایران فراموش نشدنی است و تأثیرات بزرگ سازنده ای دارد. (3)

امروز، دستهای مجرم، که از آغاز انقلاب و بخصوص در دوران دفاع مقدّس همه ی سعیشان این بود، که حقّانیت درخشان و مظلومانه ی یاوران خمینی عزیز را، کتمان کنند، در کار آیند که خاطره های دوران جنگ را، به دست تندبادهای تبلیغات مغرضانه بسپزند، و آنها را در وادی فراموشی رها کنند، ولی بی شك موفق نخواهند شد. همّت و غیرت و ایمان صادقانه ی خیل عظیم مؤمنان انقلاب و اسلام بخصوص جوانان غیور و صالح که بدنه ی عظیم ملت ایران را تشکیل میدهند، يك بار دیگر

ص: 153

1- . در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت 1387/9/24

2- . پیام به جامعه ی مدرّسین حوزه ی علمیه ی قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست گذاری حوزه 1371/8/24

3- . در یادمان شهدای شرق کارون 1393/1/6

در تاریخ، تجربه ی احیاء نام و یاد آن حقّ مظلوم را، تکرار خواهند کرد. و به توفیق الهی خورشید فروزان شهادت، همه ی حجابهای تحریف و فریب را، خواهد شکافت. (1)

ما [باید] آن احساس افتخاری را که نام شهید و یاد شهید به ما میدهد، حفظ کنیم. همچنانی که به دلاوری مردان بزرگ صدر اسلام افتخار میکنیم، به دلاوری این مردان بزرگ دوران خودمان افتخار کنیم. دشمن این را نمیخواهد. دشمن میخواهد یاد شهیدان فراموش شود. دشمن میخواهد خاطره ی این مجاهدتها و بزرگ مردی ها در حافظه ی این ملت نماند. درست نقطه ی مقابل این، همه باید حرکت کنند. یاد شهیدان را برجسته کنید، زنده کنید، خاطره ی آنها را حفظ کنید. (2)

از نام شهید و از افتخار به شهید هرگز غفلت نکنید. تبلیغات عنادآمیز دشمنان سعی کرده اند که ارزشهای شهید را بتدریج کم کنند و در مواردی به ضدّ ارزش تبدیل کنند! این در کشور ما اتفاق افتاد؛ این سعی انجام گرفت؛ البته خنثی شد. اما عده ای این قدر وقاحت ورزیدند که نام شهدا و اصل شهادت را زیر سؤال ببرند. شما ببینید توطئه های دشمن تا کجا از لحاظ فرهنگی و سیاسی نفوذ میکند و چقدر من و شما باید هشیار باشیم که جلوی این توطئه ها را بگیریم. معیار اسلامی، شهید را از زمره ی مردم معمولی بیرون میبرد و در کنار اولیا و صدیقین قرار میدهد؛ آن يك نگاه والایی است که به عقل ما هم درست نمیگنجد. حتی با نگاه های مادی معمولی، شهید آن کسی است که جان خود را برای نجات شرف و استقلال ملتش فدا کرده. هیچ وجدان و شرفی، هیچ دل بیدار و غیر بیماری میتواند این را انکار کند؟ در کشور ما، در ایران اسلامی ما، در يك برهه ای از زمان سعی کردند این را انکار کنند. فرزندان شهدا به نام پدرانشان افتخار

ص: 154

1- . پیام به مناسبت بزرگداشت روز شهیدان هفته ی دفاع مقدّس 1377/7/2

2- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران کردستان 1388/2/22

کنند... جوان رزمنده‌ی ما رفت مثل کوه در مقابل تجاوز دشمن ایستاد. چه افتخاری با این افتخار برابری میکند؟ شما دختر همین جوانی، پسر همین جوانی، همسر همین جوان بودی، پدر و مادر همین جوان هستی؛ افتخار کن. این يك مطلب، که یاد شهدا، افتخارات شهدا، عزت شهدا را همه باید نصب العین خودشان قرار بدهند؛ نگذارید فراموش بشود. شما غفلت کنید، نیروهای انقلاب غفلت کنند، نیروهای مؤمن غفلت کنند، نفوذی‌های دشمن از آن طرف وارد میشوند و چیزی هم طلبکار میشوند. «فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِاللَّيْنَةِ جِدَادٍ أَشَدَّ حَةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ» (1)؛ وقتی که روز خطر است، در لانه‌ها خزیدند و نفسشان در نیامد. وقتی خطر برطرف شد، مردان خطرپذیر در مقابل خطر سینه سپر کردند و خطر را برطرف کردند، اینها از لانه‌هایشان بیرون می‌آیند؛ زبانهای دراز، زبانهای تیز، طلبکار هم میشوند! مگذارید دشمنان انقلاب، دشمنان امام، دشمنان خط جهاد، دشمنان خط ایمان بالله، طلبکار بشوند. (2)

امروز دشمنان کمین گرفته‌ی نظام اسلامی ما با شیوه‌های گوناگون برآند که رونق جهاد و شهادت را در چشم مردم ما بخصوص جوانان و به ویژه دانشجویان بشکنند، و این برای کسانی که عادت کرده‌اند با راحت طلبی و تغذیه از ذخیره‌ی شرف و شجاعت و غیرت مجاهدان سرافراز، زندگی را بگذرانند، بسی مطبوع و دلنشین است؛ پس آنان نیز دانسته یا نادانسته به این خط مشی خصمانه کمک میکنند. توصیه‌ی این جانب به شما دانشجویان عزیز و همه‌ی جوانان عزیز این کشور آن است که این عامل قدرت ملی و شاخص ایمان خالصانه را از دست ندهید و آن را بزرگ بشمارید. (3)

ص: 155

1- . سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی 19، ترجمه: «... چون ترس برطرف شود شما را با زبانهای تند نیش میزنند بر مال حریصند آنان ایمان نیاورده‌اند و خدا اعمالشان را تباه گردانیده...»

2- . در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران خراسان 1386/2/27

3- . پیام به مناسبت کنگره‌ی شهدای دانشجو 1381/10/15

7. حفاظت از خون شهید با حفظ جهت گیری ها و اهداف شهیدان

آنچه برای ما اهمیت دارد، این است که در دانشگاه و محیطهای تحصیلی و همچنین در همه ی فضای کشور، جهت گیری، همان جهت گیری ای باشد که شهدای فداکار و شجاع و ایثارگر ما در آن مسیر رفتند و با شور و شوق جان دادند. هرکس در هر قسمتی، در هر سطحی و هر جا از این کشور هست، باید بشدت پرهیز کند از اینکه کاری بشود برخلاف جهت گیری انقلابی و اسلامی ای که شهدای ما در آن جهت حرکت کردند. دانشگاه هم بایستی در این جهت باشد، مراکز اداره ی کشور در سطوح مختلف هم بایستی در این جهت باشند. (1)

همه باید پاسدار خون شهید باشند و از آن حفاظت کنند. حفاظت از خون شهید یعنی چه؟ یعنی ببیند این جوان، این خانواده، این پدر و مادر، این همتهای و روحیه های عظیم و شکست ناپذیر، دنبال چه هدفی رفتند؟ آن هدف را از جان خودتان بیشتر محافظت کنید. شهدای ما برای خدا مجاهدت کردند؛ در راه خدا به شهادت رسیدند؛ برای حاکمیت دین خدا در کشور - که مایه ی سعادت دنیا و آخرت است - سختی ها را تحمل کردند. پدران و مادران هم همین طور. اینکه خانواده ی شهدا در مقابل شهادت عزیزانشان بهترین و زیباترین صبر را نشان دادند به خاطر خدا بود. این راه شهدا است. (2)

عزیزان! اگر شهیدان عزیزند - که عزیزترینند - اگر برای ما گرامی اند - که گرامی ترینند - گرامیداشت آنها به معنای این است که ما راهشان را ادامه بدهیم و اهدافشان را دنبال کنیم. دنبال کردن راه آنها یعنی بایستی اهداف جمهوری اسلامی و ارزشهای اسلامی - این پایه های مستحکم

ص: 156

1- . در دیدار با گروهی از فرزندان شاهد، فارغ التحصیلان مقاطع مختلف دانشگاهی 1370/10/8

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1377/7/5

و این شاخصهای نمایان که میتواند این ملت را به اوج افتخار دنیوی و اخروی برساند - در نظر داشته باشیم و دنبال کنیم. زن و مرد در این جهت یکسانند؛ پسران و دختران شهید، برادران و خواهران شهید و آنهایی که نسبتی با شهید دارند، در این جهت یکسانند. هرچه به شهید نزدیک ترید، افتخارتان بیشتر و مسئولیتتان سنگین تر است. کشور مال شما است؛ کشور مال جوانها است؛ آینده مال شما است. آنهایی که رفتند، رفتند و راه ها را گشودند؛ من و شما که ماندیم باید از این راه های گشوده حرکت کنیم و پیش برویم. والا اگر آنها راه را باز کنند و ما بنشینیم و دست روی دست بگذاریم و تماشا کنیم، این قدرشناسی و نمک شناسی است. نمک شناسی در قبال شهدا این است که وقتی آنها راه را باز کردند، ما از این راه حرکت کنیم و پیش برویم. این امروز وظیفه ی ما است. (1)

برای يك ملت هوشمند و مستقل که به سوی قلّه های آرمانی خود در حرکت است، از همه چیز ارزشمندتر، حضور جوانهایی است که نیروی جوانی و نشاط خود را در خدمت عزّت و ایمان و شرف و استقلال ملّی خود به کار میگیرند... امروز نیز ملت ما و جوانان ما در همه ی میدانها آماده اند تا از افتخارات خود دفاع کنند و کشور خود را به سمت آرمانهای بلند اسلامی پیش ببرند. قدرتهای سیطره جو و متکبّر باید بدانند که این ملت و جوانانش در میدان مقابله با طمع ورزی های استکباری، همچنان مصمّم و نیرومند ایستاده است و از دستاوردهای خون شهیدان خود با همان عزم و روحیه ی استوار دفاع خواهد کرد. (2)

اگر میگوییم راه شهدا را باید ادامه بدهیم، یعنی این احساس که اسلام و انقلاب اسلامی، به تلاش و مجاهدت و صبر ما نیازمند است. این احساس، همان احساسی است که شهدای عزیز ما را از خانه و کاشانه و

ص: 157

1- . در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده های شهدای استان فارس 1387/2/13

2- . پیام به مناسبت بزرگداشت روز شهیدان در دهه ی فجر انقلاب اسلامی 1380/11/18

آسایش و درس و کار و تلاشهای روزمره‌ی زندگی جدا کرد و به جبهه‌های نبرد کشانید. (1)

پاسداری از خون شهیدان و احترام به زحمات ده ساله‌ی ملت بزرگ ما در آن است که روزبه روز حرکت ما در راه اسلام، سریع تر و صحیح تر گردد و جامعه‌ی ما و مردم ما و همه‌ی دستگاه‌های ما در اعمال و رفتار به اسلام، نزدیک تر شوند. (2)

هنگامی که ملت عزیز در مناسبت‌های گوناگون بخصوص در دهه‌ی فجر مبارک، یاد شهیدان را گرامی میدارد و به نام آنان شعار میدهد، بیش از همه باید محصول ارزشمند جهاد و شهادت آن عزیزان در مد نظرها باشد و همه خود را به پاسداری از آن موظف بدانند و یکدیگر را به آن توصیه کنند. خدا را شکر که خون شهیدان و جگرگوشگان این ملت به بار نشست و ثمرات شیرین آن در صحنه‌های گوناگون، کام ملت ما را شیرین کرد. اکنون همه باید خود را مسئول حراست از دستاوردهای انقلاب که در حقیقت دستاورد خون شهیدان ما است بدانیم و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکنیم. (3)

آنچه که مهم است، حفظ راه شهدا است؛ یعنی پاسداری از خون شهدا. این، وظیفه‌ی اول ما است. در قبال شهدا، همه هم موظفیم. نه اینکه بعضی وظیفه دارند و بعضی ندارند. البته کسانی که مسئولیتی دارند و شانه‌های آنها زیر بار مسئولیتهای بزرگ یا کوچک قرار گرفته است، وظیفه‌ی بیشتری دارند. (4)

همه بدانند که حیات جامعه و عزت و اقتدار ایران اسلامی، بلکه

ص: 158

1- . در جمع خانواده‌های شهدا، جانبازان، آزادگان وفقودان انقلاب اسلامی قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)

1370/11/30

2- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا در هفته‌ی دفاع مقدس 1370/7/4

3- . پیام به خانواده‌های معظم شهدا در هفتمین روز دهه‌ی فجر 1369/11/18

4- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا 1376/2/17

بیداری و سربلندی مسلمین در سراسر جهان مرهون فداکاری این فرزندان شایسته ی میهن و کسان و نزدیکان آنها است و همه ی آحاد جامعه [باید] خود را موظف به ادای حقّ معنوی آنان بشمارند. (1)

8. جمع آوری، نشر و مطالعه ی شرح حال شهیدان

1-8. آماده سازی و انتشار خاطرات شهدا با بیان و قالب هنری و ترجمه به زبانهای دیگر

به نظر من بنیان گذار بنای حفظ حوادث با ادبیات و هنر، زینب کبری (سلام الله علیها) است. اگر حرکت و اقدام حضرت زینب نبود و بعد از آن بزرگوار هم بقیّه ی اهل بیت (علیهم السّلام)، حضرت سجاد و دیگران، نمیبودند، حادثه ی عاشورا در تاریخ نمیماند. بله، سنت الهی این است که این گونه حوادث در تاریخ ماندگار شود؛ اما همه ی سنتهای الهی عملکردش از طریق سازوکارهای معینی است. سازوکار بقای این حقایق در تاریخ این است که اصحاب سیر، اصحاب درد، رازدانان و کسانی که از این دقایق مطلع شدند، این را در اختیار دیگران بگذارند. بنابراین خاطره گویی و تدوین و پخش خاطرات را باید در جایگاه حقیقی خودش نشانند، که جایگاه بسیار بالا و والایی است و بسیار مهم است. بیان هنری هم شرط اصلی است؛ کما اینکه خطبه ی حضرت زینب در شهر کوفه و شهر شام، از لحاظ زیبایی و جذّابیت بیان، آیت بیان هنری است؛ طوری است که اصلاً هیچ کس نمیتواند این را نادیده بگیرد. يك مخالف یا يك دشمن وقتی این بیان را میشنود، مثل تیر بُرنده و تیغ تیزی، خواهی نخواهی این بیان، کار خودش را میکند. تأثیر هنر به خواست کسی که مخاطب هنر است، وابستگی ندارد. او بخواد یا نخواهد، این اثر را خواهد گذاشت. حضرت زینب (سلام الله علیها) و امام سجاد در خطبه ی شام و در بیان رسا و

ص: 159

1- . حکم انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای محمّد حسن رحیمیان به نمایندگی ولیفقیه در بنیاد شهید 1371/8/9

به این آقایان محترم حوزه ی هنری و بقیه ی دستگاه های نشر هم توصیه میکنم: این نوشتجات را قدر بدانید. این پدیده ها و این فرآورده های تاریخ انقلاب را، تاریخ دفاع مقدس را قدر بدانید؛ اینها را باید خیلی قدر دانست. بین مردم هم منتشر بشود. این جوانهای ما، نه جنگ را دیده اند، نه روایت درست و حسابی از جنگ شنیده اند؛ روایت درست، اینها است؛ این کتابها است؛ هرچه میتوانید کاری کنید که در دسترس جوانها قرار بگیرد [تا] جنگ را بشناسند، بفهمند چه بود، چه اتفاقی افتاد، و جمهوری اسلامی چیست؛ ملت ایران چه کسانی هستند. این طاقت عظیمی که در ملت ایران وجود دارد برای مواجهه ی با این امتحانهای بزرگ را دست کم نگیرند. یکی از چیزهایی که ملتها را همیشه زبون میکند و تحت سلطه ی دیگران قرار میدهد، این است که نقاط قوت ملتها از چشم خودشان پوشیده بماند؛ نفهمند چه ارزشهایی، چه توانایی هایی، چه نقاط قوتی در آنها وجود دارد؛ این را نفهمند. باید ببینند جوانها، بفهمند حادثه ی جنگ چه بود و چگونه جوانهای ما بدون سازوبرگ حسابی، بدون توانایی ها و پیش آمادگی هایی که معمولاً برای این جور کارها لازم است، رفتند و چه کردند. ترجمه هم باید بشود. البته در ترجمه ی اینها، به گمان من باید مترجم کسی باشد که زبانی که به آن ترجمه میکند، زبان مادری اش باشد؛ بدون این نمیشود؛ هم نویسنده باشد، هم زبان مادری اش باشد. حالا [در] بعضی از زبانها، پیدا کردن این جور آدمی ممکن است آسان نباشد، اما [در] بعضی از زبانها نه، آسان است؛ میتوانید کسانی را پیدا کنید که مثلاً زبان مادری شان یا زبانی که در دوره ی کودکی با آن پرورش پیدا کردند و لو زبان مادری شان هم نیست؛ مثلاً انگلیسی، من باب مثال. اگر اهل ذوق باشند، اهل

ص: 160

نویسنده‌گی باشند، قلم به دست بگیرند، این کتاب را ترجمه کنند، هرچه صرف کنید، می‌ارزد. البته به شرطی که بتوانید منتشر کنید. دستگاه‌های استکبار، یکی از کارهایشان این است - برخلاف ماها که گاهی خیلی روشن فکر می‌شویم و می‌گوییم که همه چیز دست همه کس برسد، آنها نه، آنها بسیار متعصب و در این زمینه سخت گیرند - به آسانی هم نمی‌گذارند آن چیزی که شما ترجمه کردید، به دست مخاطبانش برسد؛ ولی خوب باید راه پیدا کنید، بتوانید بکنید. بنابراین ترجمه خیلی کار مهمی است. (1)

2-8. ترویج مطالعه‌ی شرح حال و وصیت‌نامه‌های شهیدان

اشاره

از شرح حال سرداران غفلت نکنید؛ آگاهی از شرح حال این شهدای راه حق. در درجه‌ی اول سردارانند، اما مخصوص سرداران نیست. من یک کتابی را می‌خواندم که شرح حال یک دسته، یک جزئی از یک گروهان بسیجی سپاه در یکی از حملات دفاع مقدس بود. حضور افراد یک دسته در صحنه‌ی نبرد، فعالیت‌های بسیار مؤثرشان، شوقشان، ایمانشان، ضربه‌ای که به دشمن وارد کردند و بالاخره آن نورانی‌تی که در عرصه‌های نبرد کسب کردند، در بیاناتشان، و آنهایی که شهید شدند، در وصیت‌نامه‌شان این نورانیت منعکس است. من بهره‌مند می‌شوم. من هر وقت یک چنین چیزهایی را می‌خوانم، بهره‌مند می‌شوم، استفاده می‌کنم. باب این استفاده را به روی خودتان باز کنید. (2)

یاد دفاع مقدس، یاد شهیدان، باید همیشه در بین ملت ما و جامعه‌ی ما زنده بماند. هنوز خیلی حرفها گفته نشده است. خیلی از خاطرات جوانان شما، فرزندان شما هنوز ثبت نشده. و همان مقداری که بیان شده، نشان دهنده‌ی یک عظمت غیرقابل اندازه‌گیری با اذهان معمولی انسان

ص: 161

1- . در دیدار راوی، نویسنده و برخی از دست اندرکاران کتاب لشکر خوبان 1392/7/15

2- . در دیدار بسیجیان استان فارس 1387/2/14

است؛ با فکر و مغز مادی غیرقابل اندازه گیری است. همین چیزهایی که راجع به فتح بیت المقدس، فتح فتح المبین و بقیه ی عملیاتها نوشته شده است، چقدر در آن عظمت هست. اینها را همین جوانان شما(1) انجام دادند.(2)

خوشبختانه ما به عهد شهدا نزدیکیم، وصیت نامه های اینها را داریم، پدر و مادرهای اینها خیلی شان هستند و هم رزمان اینها حضور دارند؛ آدم میبیند. کتابی از همین کتابهای شهدا را من نگاه میکردم که با هم رزم های او مصاحبه شده بود و جزئیات را ذکر میکردند؛ بعضی از آن هم رزم ها خودشان شهید شده بودند و بعضی ها زنده بودند؛ انسان در هنگام خواندن کتاب به گریه می افتاد! هیچ لازم نبود که کسی برای انسان نوحه سرایی کند. مسئله ی شهدا این جوری است. مسئله ی شهدا خیلی مسئله ی بزرگی است.(3)

این خاطراتی که از این عزیزان منتشر میشود، این حوادث بسیار پرشکوهی که امروز به قلم رزمندگان و بعضاً شهدای ما بر صفحه ی کاغذ نقش بسته و در اختیار همه است، برای ما درس است.(4)

آنچه من توصیه میکنم به همه - هم به خود شماها که این صحنه ها را با جسم و روح خودتان آزمودید و لحظه لحظه ی این ساعات دشوار را درک کردید و حس کردید، و هم به دیگران - [این است که] نگذارید [اینها] به دست فراموشی سپرده بشود. از اولی که این دفاع مقدس شروع شد و آن حماسه ی عظیم با نفس گرم امام بزرگوار خلق شد و این جوانها سرازیر پانشناخته رفتند، همه ی دستهای شیطنی در صدد بودند که نگذارند

ص: 162

1- . خانواده های شهدا

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1388/3/3

3- . در دیدار مسئولان مؤسسه ی روایت سیره ی شهدا 1389/12/15

4- . در جمع خانواده های شهدا، جانبازان، آزادگان و مفقودان انقلاب اسلامی قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)

1370/11/30

زیبایی‌ها و شکوه این حادثه منعکس بشود؛ همه؛ سعیشان این بود که نگذارند آن عظمتی که در این کار بود، منعکس بشود. به علاوه بر اینکه خیلی از عظمتها را انسانها تا نزدیک نباشند، تا لمس نکنند، یا لااقل با یک شیوه‌ی هنری از آن مطلع نشوند، نمیتوانند هم آن قضایا را بفهمند. بعدها هم همین جور؛ در طول این سالهای بعد از جنگ - این 25 سالی که از خاتمه‌ی جنگ تا امروز گذشته - خیلی‌ها تلاش کردند که نگذارند این حماسه‌ها زنده بشود. شماها عکس این عمل کنید؛ نقطه‌ی مقابل این عمل کنید. (1)

1-2-8. آثار مطالعه و تدبیر در وصیت‌نامه‌های شهدا

1-2-1-8. درس گرفتن از انقلاب معنوی و روح عرفانی شهدا

دوران جنگ و شرایط خاص آن روزها، برای عده‌ای از جوانان این مملکت، یک انقلاب معنوی و حقیقی به وجود آورد. این وصیت‌نامه‌های شهدا که امام (ره) توصیه به مطالعه‌ی آن میکردند، به خاطر این است که هرکدامش نمایشگر انقلاب یک نفر آدم است. هرکدام از این وصیت‌نامه‌ها و خاطرات این جوانان را که انسان میخواند، تصویری از انقلاب یک نفر آدم را در آن مبیند و خودش منقلب‌کننده و درس‌دهنده است. ما باید این حالت را تعمیم بدهیم و این، ممکن است. (2)

خیلی‌ها مؤمنند و میروند مجاهدت میکنند، به شهادت هم میرسند، شهادت است، هیچ چیزی کم ندارد، اما یک شهادت هم هست که بیش از روح ایمان، از یک دل سوزان، از یک روح مشتعل و بی‌تاب در راه خدا و در محبت پروردگار و غرقه‌ی در ذات و صفات الهی، سرچشمه میگیرد. این گونه مجاهدتی، طعم دیگری پیدا میکند. این، حال دیگری میبخشد. این، اثر دیگری در تکوین میگذارد.

ص: 163

1- . در دیدار راوی، نویسنده و برخی از دست اندرکاران کتاب لشکر خوبان 1392/7/15

2- . در دیدار با اعضای مجلس خبرگان 1369/12/1

رشحاتی از این را ما در جنگ مشاهده کردیم. اینکه شما دیدید امام فرمودند وصیت نامه ی این جوانان را بخوانید، من حدسم این است - البته در این مورد چیزی از امام نشنیدم - که این يك توصیه ی خشك و خالی نبود. خود امام، آن وصیت نامه ها را خوانده بودند و آن گلوله ی آتشین در قلب مبارکشان اثر گذاشته بود و میخواستند که دیگران هم از آن بی بهره نمانند. کما اینکه خود من هم در طول سالهای جنگ و بعد از آن تا امروز، بحمدالله با این وصیت نامه ها تا حدودی انس داشتم و دارم و دیده ام که بعضی از این وصیت نامه ها، چطور حاکی از همان روح عرفان است.

راهی را که يك عارف و يك سالک در طول سی سال، چهل سال طی میکند - ریاضت میکشد، عبادت میکند، حضور پیدا میکند، از اساتید فرامیگیرد، چقدر گریه ها، چقدر تضرعها، چقدر کارهای بزرگ - این راه طولانی را يك جوان در ظرف ده روز، پانزده روز، بیست روز در جبهه پیدا کرده و طی کرده است. یعنی از آن لحظه ای که این جوان با هر انگیزه ای - طبعاً با انگیزه ی دینی - همراه با آن حماسه های جوانی به جبهه رفته و این حالت بتدریج در جبهه به يك حالت عزم بر فداکاری و گذشت مطلق از همه ی هستی خود تبدیل شده و او خاطرات و یا وصیت نامه ی خود را نوشته است، تا لحظه ی شهادت، این حالت همین طور لحظه به لحظه پُرشورتر، و این قرب نزدیک تر، و این سیر سریع تر شده است؛ تا آن روزهای آخر و لحظه های آخر و ساعات آخر، اگر چیزی از او مانده است، مثل يك گلوله ی آتشین در دل انسان اثر میگذارد. این جوانانی که خاطرات نوشتند و شهید شدند، انسان در نوشته هایشان، چنین خصوصیتی را خیلی بوضوح مشاهده میکند. این، رشحه ای از همان روح حسینی است. (1)

در يك وصیت نامه ای خواندم که شهید میگوید: «من بی قرارم،

ص: 164

بی قرارم! آتشی در دل من است که مرا بی تاب کرده است؛ به هیچ چیز دیگر آرامش پیدا نمیکنم مگر به لقاء تو؛ ای خدای محبوب عزیز! این سخن يك جوان است! این همان چیزی است که يك سالک و يك عارف، بعد از سالها مجاهدت و سالها ریاضت ممکن است به آنجا برسد؛ اما يك جوان نوحاسته، در میدان نبرد و در میدان جهاد آن چنان مشمول تفضّل الهی قرار میگیرد که این ره صدساله را يك شبه میپیماید و این احساس بی قراری و شوق، از سوی پروردگار پاسخ مناسب می یابد. خود این شوق هم لطف خدا و جاذبه ی حضرت حقّ متعال است. این شگفتی بزرگی است. (1)

من در دوران جنگ گاهی وصیّت نامه های این جوانها را که عاشقانه جهاد میکردند و به شهادت میرسیدند، نگاه میکردم؛ خیلی برای من مفید بود. این وصیّت نامه ها به دلهای تاریک و سیاه ما و به داخل جان انسان نورافکن می انداخت. وقتی این وصیّت نامه ها را نگاه میکردم، میدیدم این جوان هجده ساله یا بیست ساله، در روزها یا هفته های آخر زندگی اش - که خبر هم نداشته که شهید خواهد شد - فقط چون احتمال میداده که شهید بشود، نشسته و وصیّت نامه اش را نوشته که گاهی این وصیّت نامه ها آن چنان رقیق، عرفانی، زلال و نورانی بود، که انسان میدید يك عارف کامل اینجا نشسته است.

پیرمردهای ما، اساتید سلوک و عرفان، سی، چهل یا پنجاه سال زحمت کشیدند، ریاضت کشیدند، عبادت کردند، تا در آخر عمرشان آن حالت فنا در آنها به وجود آمد و وجه الله را رؤیت کردند؛ توانستند لقاءالله را کسب کنند. یکی از عرفای معروف سالک که از علمای بزرگی بود که من زیارتش کرده بودم، در این چند سال آخر زندگی اش تنها در نجف زندگی میکرد؛ آقازاده اش که در تهران بود، به من گفت که ایشان از نجف به من نوشته که

ص: 165

آن چیزی که سالهای متمادی در انتظارش بودم، همین روزها خدا نصیبم کرد و آن را به دست آوردم. او بعد از چهل، پنجاه سال ریاضت، گناه نکردن، عبادت کردن، مستحبات را انجام دادن، روزه گرفتن، سختی ها را تحمل کردن، گرسنگی و فقر نجف را به جان خریدن، از عناوین و القاب و ریاستها کناره گرفتن و به اینها چشم ندوختن، زندگی را زاهدانه گذراندن و با توجه دائم به خدا، این حالت برایش پیدا شده؛ اما من میدیدم که يك جوان هجده، نوزده یا بیست ساله که نه ریاضت آن چنانی کشیده و نه پنجاه سال عمرش را صرف این کار کرده و نه استاد دیده، و فقط يك کار کرده، از جانش گذشته، خدای متعال این موهبت معنوی را در ظرف و در کیسه ی او گذاشته و این جوان نورانی طوری حرف میزند که آخوند مآلاً حسین قلی همدانی حرف میزده؛ مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی حرف میزده؛ مرحوم آقا میرزا جواد ملکی حرف میزده. حرف این جوان، بوی حرفهای آنها را میدهد؛ در حالی که شاید این جوان اسم آنها را هم نشنیده است. این کم فرصتی است؟(1)

وصیت نامه ی شهدا دریچه ای برای فهم حالات معنوی رزمندگانی است که قادر به انجام کارهای بزرگ و پیروزی در صحنه هایی شدند که با معادلات مادی و نظامی معمول دنیا قابل محاسبه نیست.(2)

2-1-2-8. بهره گیری از هدایت الهی و راه سعادت بیان شده در کلام شهدا

شهیدان سرافراز خود را تجلیل و تقدیس کنید؛ آخرین وصایای آنان را که غالباً رشحاتی از فیض و هدایت الهی است با چشم تدبّر بخوانید.(3)

این وصیت نامه ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر میشود از

ص: 166

1- . در دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات 1383/7/13

2- . دیدار مسئولان اردوهای راهیان نور با رهبر انقلاب 1392/12/26

3- . پیام به مناسبت کنگره ی شهدای دانشجو 1381/10/15

مجموعه ی فداکاری ها و آرمانهای يك ملت، کسی به این آسانی دست بشوید؟! اینها راه ما است؛ اینها مایه های سعادت ما است که باید دنبال کنیم. (1)

3-1-2-8. بهره گیری از تجارب عملی شهدا در میدان جنگ

من توصیه ام به جوانهای عزیز این است که شرح حال سرداران شهید را بخوانید. در لابه لای حرفهای اینها، حالا يك بخشهایی عاطفی و معنوی و اینها است - که آنها هم به نوبه ی خود منافع دارد - اما بخشهایی هم بخشهای تجربی کارهای اینها است که در میدان جنگ چگونه عمل میکردند. (2)

ص: 167

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1381/9/1

2- . در دیدار دانشجویان دانشگاه های استان یزد 1386/10/13

فصل پنجم : خانواده های معظّم شهدا

اشاره

ص: 169

1. ویژگی های خانواده های معظم شهدا

1-1. ویژگی های عمومی

1-1-1. همدلی و هم ایمانی با شهیدان

روز سوّم خرداد، همان ساعت اوّلی که رزمندگان ما خرّمشهر را گرفته بودند، مرحوم شهید صیّاد شیرازی به من تلفن کرد - بنده آن وقت رئیس جمهور بودم - و گزارش اوضاع جبهه را میداد. میگفت الان هزاران سرباز و افسر عراقی صف بسته اند، برای اینکه بیایند ما دستهایشان را ببندیم و اسیر شوند! قدرت معنوی يك ملت این است. فقط خرّمشهر نیست؛ خرّمشهر يك نماد است؛ کربلای 5 ما هم همین طور بود؛ والفجر 8 ما هم همین طور بود؛ فتوحات فراوان دیگر ما هم همین طور بود؛ عملیات خیبر و بدر و مجموعه ی هشت سال دفاع مقدّس ما هم همین طور بود. البتّه ناکامی و شکست هم داشتیم و شهید هم دادیم؛ میدان مبارزه است. به برکت ایمان شهیدان ما و ایمان شما پدران و مادران و همسران - که شماها هم پشت سر شهدا قرار دارید؛ چون اگر پدر شهید، مادر شهید و همسر شهید با او همدل و هم ایمان نباشند، او نمیتواند برود بجنگد - توانستید در این مبارزه پیروز شوید. این همان درسی است که باید همواره جلوی چشم ما باشد و به آن نگاه کنیم. (1)

ص: 171

2-1-1. آرزومندی هم رزمی با شهیدان در میدان مبارزه

در رفتن به میدان جنگ، پدران با فرزندانشان، و فرزندان با یکدیگر مسابقه گذاشتند! همسران غصه خوردند و گریه کردند که چرا آنها نمیتوانند به میدان جنگ بروند؛ و صبر کردند و در خانه ها نشستند و پشت جبهه را نگه داشتند؛ بعد هم که آن رزمنده شهید شد، پدران و مادران و همسران و فرزندان شکر کردند و به شهادت شهیدشان افتخار نمودند!⁽¹⁾

3-1-1. صبر و ایستادگی بی نظیر خانواده های شهدا

اشاره

سلام بر خانواده هایی که گاهواره ی تربیت این عزیزان⁽²⁾ بودند و مادران و پدران که در دامانهای پاک و مطهر خود چنین گوهرهای تابناکی را پرورش دادند، و سپس در هنگام جوانی و بالندگی، آنها را به خیل شهادت سپردند و بر دشواری این اهدای شگفت آور، صبر و تحمل ورزیدند.⁽³⁾

اگر تحمل خانواده های شهدا نبود، جریان شهادت با این شکفتگی و نشاط در جامعه ی ما مواجه نمیشد و تلقی نمیشد. این خانواده های شهدا هستند که این منت بزرگ را بر سر جامعه ی ما دارند که شهادت این قدر شیرین است در چشمها.⁽⁴⁾

خانواده ی شهید، مادر شهید، پدر شهید، همسر و فرزندان شهید، برادران و خواهران و نزدیکان و دوستان شهید - که اگر این جوان با مرگ معمولی از دنیا رفته بود، اینها گریبان پاره میکردند و صبر نمیکردند - در مقابل خون این شهید، آن چنان صبر و متانت و آرامش و استقامتی

ص: 172

1- . در جمع گروهی از خانواده های شهدا، مفقودان، آزادگان و جانبازان استان بوشهر 1370/10/11

2- . شهیدان

3- . پیام به مناسبت هفتمین روز از دهه ی مبارک فجر انقلاب اسلامی و روز ایمان، ایثار و شهادت 1375/11/18

4- .. در دیدار نیروهای مسلح منطقه ی شمال کشور و خانواده های آنان 1391/6/28

نشان میدادند که انسان متحیر میماند. مادر دو شهید به من گفت: «من بچه هایم را خودم دفن کردم، در خاک گذاشتم و دستم نلرزید!» پدر چند شهید گفت: «اگر چند برابر اینها من بچه داشتم، حاضر بودم آنها را در راه خدا بدهم!» این چه عنصری است؟ این چه جوهری است؟ این چه برق درخشنده ای است که خدا در دل حادثه ی شهادت قرار داده است که این جور دنیای تاریک را روشن میکند؟ (1)

ما در تاریخ، چیزهایی مربوط به صدر اسلام میخواندیم که اعماق آن را درک نمیکردیم؛ مثل داستان به نظر می آمد؛ اما امروز در ملت خود، در کنار خود، افرادی (2) را می بینیم که از لحاظ فداکاری، از آن زنان و آن مردان که یاد آنان در تاریخ اسلام 1400 سال باقی مانده، بالاترند. اینها صبرشان از آنها بیشتر است. آنها نفس گرم رسول خدا را میدیدند، پیغمبر را به چشم میدیدند، در رکاب او میجنگیدند، اینها با 1400 سال فاصله، «و آمانا به و لم نره صدقا و عدلا» - که در دعای سمات است - با این ایمان مستحکم این جور ایستادند؛ این چیز کمی است؟ ملت ایران این جور پیروز شد عزیزان من! (3)

هر مجموعه ای از انسانها که در راه يك هدف بزرگ و مقدّس و عالی - نه هدف بیهوده - مصیبتهایی را بزرگوارانه تحمل کند، بخشی از آن ارزشها را به خود اختصاص خواهد داد. برای این است که ما برای خانواده های شهدا و اسرا و مفقودان و جانبازان و خود جانبازان و خود اسرای در دست دشمن، ارزش قائلیم. بی خود نیست که يك ملت و يك تاریخ، برای يك عدّه انسان ارزش قائل میشود. اگر بی صبری بود، این ارزشها آفریده نمیشد. (4)

خانواده ی شهیدان و ایثارگران از نظر تأثیر و ارزش رفتار و حرکت، فقط

ص: 173

1- . در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده های شهدای استان فارس 1387/2/13

2- . از قبیل خانواده های شهدا

3- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1388/3/3

4- . در دیدار خانواده های معظم اسرا و مفقودان جنگ تحمیلی 1376/2/31

با خود شهدا قابل مقایسه هستند؛ با هیچ قشر دیگری در انقلاب، این مجموعه قابل مقایسه نیستند. ارزش آن مادران و پدران، آن همسران و فرزندان و بازماندگان که حرمت خون شهیدشان را حفظ کردند و خودشان با صبرشان، با گذشتشان مظهر دیگری شدند از فداکاری در پیشبرد اهداف انقلاب، این است که یکی از مؤثرترین و نقش آفرین ترین عناصر کشورند. نمیخواهیم تعارف کنیم یا خوشامد بگوییم؛ میخواهیم حقیقت مطلب آن چنان که هست، روشن شود. (1)

1-1-3-1. علت صبر خانواده های شهدا در از دست دادن شهید

1-1-3-1-1. برخورداری از ایمان به خدا و اعتقاد به اسلام

این ایمانهای محکم، این اراده های پولادین، این ایثار و فداکاری بزرگ پدرها و مادرها و خانواده ی شهدا، آن چنان پایه های این بنای مستحکم را قوی و ماندگار کرد، که هیچ طوفانی نتوانسته است و بعد از این هم به اذن الهی نخواهد توانست این بنیان رفیع را تکان بدهد، از جا بکند. پایه ی این بنای مستحکم جمهوری اسلامی، همین صبر شما، همین ایمان شما، همین استقامت شما است. (2)

حقیقتاً برای يك ملت مایه ی افتخار است که پدران و مادرانی، جگرگوشگان خودشان را با این کیفیت در راه خدا به دست خودشان بفرستند و این عزیزان به شهادت برسند و این داغ بزرگ و سنگین به خاطر رضای الهی به کام آنان شیرین بیاید؛ آن هم پدران و مادرانی که بعضاً دو فرزند پسر داشتند، هر دو شهید شدند؛ سه فرزند آنها به شهادت رسیدند؛ چهار فرزند آنها به شهادت رسیدند؛ اینها چیز کوچکی نیست، مخصوص يك بخش از کشور ما و ملت ما هم نیست. (3)

ص: 174

1- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران خراسان 1386/2/27

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1388/3/3

3- . در جمع تعدادی از خانواده های شهدا 1388/3/3

بعضی ها دو فرزند، بعضی ها سه فرزند، بعضی ها چهار فرزندشان به شهادت رسیدند. مادرانی را که عزیزانشان به شهادت رسیده بودند، ما دیدیم آن چنان از خودشان استقامت نشان میدادند که انسان را به حیرت فرو میبرد. من با خانواده های مکرم شهدا، بحمدالله دیدوبازدید و نشستهای متعددی را همیشه داشته ام و دارم. به نظرم رسیده است که مادران شهدا، از لحاظ قوت و قدرت، حقیقتاً بی نظیرند. این، چه نیرویی است که به زنی که عاطفه و احساسات در او قوی است و فرزند خودش را عاشقانه دوست میدارد، آن چنان قوتی میبخشد که در مقابل شهادت يك فرزند یا دو فرزند یا بیشتر، چنین قدرت و قوتی را از خود نشان میدهد؟ این، از ایمان است. ایمان بود که مردم ما را در انقلاب پیروز کرد. ایمان بود که ملت ما را در جنگ، به پیروزی های درخشان رساند. ایمان مردم بود که اسلام و قرآن را در دنیا سربلند کرد و جمهوری اسلامی را به این عزت و عظمت رسانید. این ایمان است که به خانواده های شهدا، صبر و قوت و استقامت میدهد. این ایمان را قدر بدانید و حفظ کنید. این، آن چیزی است که هیچ سلاحی در مقابل آن، کارگر نیست. (1)

امروز خانواده های شهدا آن چنان عزت و بزرگواری از خود نشان داده اند که چهره ی منور اسلام به وسیله ی آنان به بسیاری از مردم دنیا شناسانده شد. کشورهای دیگر هم جنگ داشته اند، آنها هم کشته داده اند، آنها هم پدران و مادران و خانواده های کشته شدگان داشته اند؛ ولی آیا آنها مثل شما صبر کرده اند؟ مثل شما پای خدا حساب کرده اند؟ مثل شما هوشیاری به خرج داده اند؟ ابداً. من تاریخچه ی ملت‌هایی را که جنگ داشتند و جوانانشان کشته شدند، خوانده ام. شاید بشود گفت که مثل خانواده های شهدای عزیز ما، در هیچ ملتی نظیر ندارد؛ این هم به برکت اسلام است. آن مادری که دو پسر، سه پسر، یا چهار پسر را در راه خدا قربانی کرده، بایستد و

ص: 175

بگویند فرزندان دیگری هم که دارم - یا اگر داشته باشم - فدای اسلام، ما این روحیه را جای دیگری سراغ نداریم؛ این مخصوص شما است. (1)

2-1-3-1-1. ریشه داشتن صبر خانواده‌ی شهدا در اخلاق اسلامی، توکل به خدا و علاقه به اسلام

وقتی يك گروه نظامی، در جلو با دشمن مشغول جنگ است، غذایش از عقب می آید، نیروی تازه نفس از عقب می آید، ملزومات از عقب می آید، نامه‌ی دوستانه از پدر و مادر و یاران از عقب می آید. عقبه تا سالم است، این نیروی در خط مقدم، میتواند بجنگد. اگر دشمن آمد عقبه‌ها را بمباران کرد، غذا از بین رفت، ملزومات از بین رفت، نیروی تازه نفس از بین رفت، نامه‌ی «دست شما درد نکند» از بین رفت، پدر و مادر «زهی» و «مرحبا» گوازی بین رفت، کسی که در جلو مبارزه میکند، چطور قدرت مبارزه خواهد داشت؟! دوروز تلاش میکند؛ ولی از بین خواهد رفت. عقبه‌ی ما، در مبارزه‌ی ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت بود از فرهنگ ما.

منطقه‌ی عقبه‌ی ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه‌ی به اسلام. یعنی علاقه‌ی آن مادری که چهار پسرش شهید شده‌اند و میگوید «من اینها را در راه اسلام دادم» و به این راضی است. بنده خانواده‌هایی را از نزدیک دیده‌ام، یعنی به خانه‌ی آنها رفته‌ام و با پدران و مادران صحبت کرده‌ام. روایت نیست؛ خودم از نزدیک دیده‌ام. خانواده‌ای که دو پسر داشتند، هر دو شهید شدند. خانواده‌ای که سه پسر داشتند و هر سه شهید شدند. این مگر شوخی است؟! این مصیبت، مگر قابل تحمل است؟! این پدر و مادر باید از غصه‌ی دیوانه شوند. آن وقت، مادر، که عواطف جوشان تری هم دارد، با کمال قدرت میگوید: «ما اینها را در راه اسلام دادیم، و حرفی نداریم» عجب! (2)

ص: 176

1- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای استان لرستان 1370/5/30

2- . در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور 1371/5/21

هرجا که مشاهده کردید فداکاران راه اسلام از شهدا و جانبازان زیادند، بدانید که دل‌های زنان و مردان و پدران و مادران، با عشق الهی و عشق اسلام و عشق امام و عشق به انقلاب آغشته است. این مادران شهدا، این پدران عزیز از دست داده، این خانواده‌های جوان پرورده و به میدان جنگ فرستاده، مجاهدت بزرگی کردند. (1)

3-1-3-1-1. تبعیت از سیره ی تربیتی اهل بیت

(علیهم السّلام)

بدانید امروز در هیچ جای دنیا زنانی که مثل این مادران شهدای ما، مادر دو شهید، مادر سه شهید، مادر چهار شهید باشند، نیستند. در جامعه ی ما، مادرانی با این خصوصیات که از پدرها بهتر و قوی تر و آگاهانه تر ایستادند، در این میدان بسیارند. این همان تربیت اسلامی است؛ این همان دامان پاک و مطهر و نورانی فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) است. شما دختران فاطمه هستید؛ فرزندان فاطمه ی زهرا هستید؛ دنباله روان فاطمه ی زهرا هستید. (2)

انقلاب ما انقلاب زینبی است. از اول انقلاب، زنان یکی از برجسته ترین نقشها را در این انقلاب ایفا کردند. هم در خود حادثه ی بزرگ انقلاب، هم در حادثه ی بسیار بزرگ هشت سال دفاع مقدّس، نقش مادران، نقش همسران، از نقش مجاهدان اگر سنگین تر و دردناک تر و تحمّل طلب تر نبود، یقیناً کمتر نبود. مادری که جوان خودش را، عزیز خودش را، دسته ی گل خودش را هجده سال، بیست سال - کمتر، بیشتر - پرورش داده، با آن محبّت مادرانه او را به ثمر رسانده، حالا او را به طرف میدان جنگ میفرستد، که معلوم نیست حتّی جسد او هم برخواهد گشت یا نه. این کجا، رفتن خود این جوان کجا؟ که خوب، این جوان، با شور و هیجان جوانی، همراه

ص: 177

1- . در اجتماع مردم نوشهر 1372/2/18

2- . در دیدار با گروه کثیری از بانوان 1379/6/30

با ایمان و روحیه‌ی انقلابی‌گری، حرکت می‌کند و می‌رود. کار این مادر، از کار آن جوان اگر بزرگ تر نباشد، کوچک تر نیست. بعد هم که جسد او را برمیگردانند، افتخار می‌کند که بچه‌ی من شهید شده. اینها چیز کمی است؟ این، حرکت زنانه، حرکت زینب گون در انقلاب ما بود.

عزیزان من، خواهران، برادران! انقلاب ما این جوری پیش رفت. قدرت و عظمت این انقلاب به این چیزها است؛ به دل دادن به معنویت، مجذوب شدن در مقابل لطف الهی. وقتی که دشمن می‌خواهد زینب کبری را به آنچه که برایش پیش آمده، شماتت کند، می‌فرماید: «ما رأیت الا جمیلاً» (1)؛ جز زیبایی، چیزی ندیدم. برادرانش، فرزندان، عزیزانش، نزدیک ترین یارانش، اینها در مقابل چشمش قطعه قطعه شدند، به خاک و خون تپیدند، خونشان ریخته است، سرهایشان بالای نیزه رفته است؛ می‌گوید جمیل، زیبا! این چه جور زیبایی ای است؟ این زیبایی را همراه کنید با آنچه که نقل شده است که زینب کبری حتی در شب یازدهم نماز شبش ترک نشد. در طول دوران اسارت، انقطاع الی الله اش، دل بستگی اش به خدای متعال، رابطه اش با خدای متعال سست نشد، کم نشد، بلکه بیشتر شد. این زن، الگو است.

همان رشحات و خرده ریزه‌هایی که از این حقیقت در جامعه‌ی ما، در انقلاب ما وجود دارد، این انقلاب را عظمت بخشیده است؛ همینها است که به کوری چشم دشمن، ملت ایران را با این همه دشمنی، امروز مثل يك چهره‌ی الهام بخش در مقابل ملتها قرار داده است. ملت ایران امروز به عنوان يك ملت الهام بخش در بین ملتهای مسلمان است. البته دشمنها این را نمی‌پسندند، سعی هم می‌کنند کتمان کنند؛ اما واقع قضیه این است. (2)

ص: 178

1- . لهوف، ص 160

2- . در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه‌ی کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری (س) 1389/2/1

این مادران شهدای زمان ما، حقیقتاً نسخه ی زینب را عمل و پیاده میکنند! بنده ندیدم، یا کمتر مادری را دیدم - مادر يك شهید، مادر دو شهید، مادر سه شهید - که وقتی انسان او را میبیند، در او ضعف و عجز احساس کند! مادران واقعاً شیرزانی هستند که انسان میبیند زینب کبری نسخه ی اصلی رفتار مادران شهدای ما است. دو پسر جانش - عون و محمد - شهید شدند، حضرت زینب (سلام الله علیها) عکس العملی نشان نداد؛ اما دو جای دیگر - غیر از مورد پسران خودش - دارد که خودش را روی جسد شهید انداخت. یکی همین جا است که بالای سر علی اکبر آمد و بی اختیار خودش را روی بدن علی اکبر انداخت، یکی هم عصر عاشورا... (1)

2-3-1-1. آثار و برکات صبر خانواده های شهیدان

1-3-2-1. تبدیل شدن به الگوی ایستادگی برای دیگران

اگر خانواده های شهدا، مقاومت و صبر نمیکردند و از خودشان استقامت و متانت نشان نمیدادند، وضع طور دیگری میشد. ما در داستانهای تاریخی خوانده ایم که شهیدداده های صدر اسلام، اگر پدرشان یا شوهرشان شهید شده بود، اگر فرزندان یا برادرانشان به شهادت رسیده بودند، صبر و مقاومت میکردند. در جنگ احد که عده ای از مسلمین به شهادت رسیدند، يك زن درحالی که جسد سه شهید را با خود حمل میکرد، وقتی به مسلمانان در نزدیکی شهر مدینه رسید، اولین سؤالی که کرد، از سلامتی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بود. یعنی سلامتی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، برای او اهمیّت بیشتری از جان عزیزانش داشت. اینها را ما در تاریخ خوانده بودیم؛ اما آنچه که در کشور ما اتفاق افتاد، اگر نگوییم اهمیّتش از صدر اسلام بیشتر است، یقیناً کمتر نیست. (2)

ص: 179

1- . خطبه های نماز جمعه (عاشورای 1416) 1374/3/19

2- . در جمع خانواده های شهدای ایلام 1369/10/13

شهادت يك پديده ی فوق العاده است؛ چون همه ی خیرات و کارهای نیکی که انسان میکند - هر انسانی - کار خود او است؛ ولی شهادت محصولی از تلاش دسته جمعی يك مجموعه انسان است که يك نفر شهید میشود. این جوانی که جبهه رفت و شهید شد، فقط خودش نبود که مجاهدت کرد؛ شما هم که پدر او هستید، مجاهدت کردید که او رفت؛ شما هم که مادر او هستید، مجاهدت کردید که او رفت. رفتن يك جوان به سمت محلّ خطر، جایی که جان او در خطر است، این فقط مجاهدت او نیست؛ پدر او هم با رفتن او مجاهدت میکند، مادر او هم با رفتن او مجاهدت میکند، همسر او هم مجاهدت میکند، فرزندان او هم مجاهدت میکنند، هرکسی هم که به او علاقه دارد، مجاهدت میکند. و شگفتا که این مجاهدتها تمام هم نمیشود! خود او به جبهه میرود، مدّتی ایستادگی میکند، صبر میکند، جهاد میکند و به شهادت میرسد. مجاهدت او تمام شد؛ امّا مجاهدت این مادر، ادامه دارد. مجاهدت این پدر، ادامه دارد. صبر اینها مجاهدت اینها است. مجاهدت این فرزندان، ادامه دارد؛ مجاهدت آن همسر جوان، ادامه دارد. اینها که صبر میکنند، اینها که شکایت نمیکند، اینها که این را پای خدا محاسبه میکنند، اینها که این خون را مایه ی افتخار خودشان میدانند، اینها که با این صبر و شکر خودشان گردونه ی مجاهدت را در بین بقیّه ی مردم ادامه میدهند، اینها که مایه ی تشویق دیگران به جهاد میشوند، اینها که با بیانات حکایت کننده از استواری آنها مایه ی آبروی يك ملّت میشوند، اینها که موجب میشوند ملّت و کشور در عرصه ی افکار عالم، به صورت يك الگو درآید - که ملّت ایران درآمده است - اینها مجاهدت میکنند. (1)

عوامل دشمنان انقلاب و دشمنان کشور در این استان (2) وضعیت و

ص: 180

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1377/7/5

2- . کردستان

فضایی را بخصوص در سالهای اول برای خانواده های شهیدان به وجود می آوردند که زندگی در آن فضا برای پدران، مادران، برادران، خواهران، گاهی از اصل شهادت مشکل تر بود. آن ضد انقلاب و آن سرانگشتان پلیدی که قصد داشتند کردستان را به مرکز جنگ داخلی و برادرکشی در کشور تبدیل کنند، به این اکتفا نکردند که بهترین جوانان این استان و این مردم را به خاک و خون بکشند، بلکه خانواده های آنها را هم در دورانی نسبتاً طولانی زیر فشار قرار میدادند. این خانواده ها در سایر استانهای کشور مصیبتشان فقط همین بود که عزیزشان از دستشان رفته بود. در يك فضای گرم و پر از شور و نشاط، مردم نام عزیزان شهید اینها را بر سر دست میگرفتند و به آنها افتخار میکردند؛ اما در کردستان موارد زیادی اتفاق افتاد، ما هم مطلع شدیم و مطلع بودیم که دشمنان این استان، دشمنان این کشور، به خانواده های شهید هم فشار وارد میکردند؛ فشار روانی، فشار جسمی و فشار امنیتی. البته این فشارها نتیجه نداشت و آنها را در چشم این مردم روسفید نکرد، روسیاه تر کرد.

... من در سفر قبلی به سنندج، پدر خانواده ای را زیارت کردم که شش فرزندش شهید شده بودند. من این را در کمتر جای کشور دیدم. شش فرزند! سه تا از این فرزندان در میدانهای نبرد و سه تا در حال راهپیمایی با بمباران دشمن بعثی. شش پاره ی تن به شهادت برسند، این پدر به قدری استوار و محکم بود که من در مقابل عظمت آن روح احساس کوچکی کردم. این را من در کردستان دیدم... خانواده های سه شهید، خانواده های دو شهید. خانمهایی که هم شوهرشان را از دست دادند، هم فرزندشان را از دست دادند و در مقابل فشار روانی و سیاسی دشمن، بعد از دست دادن جگرگوشه شان هم تسلیم نشدند، زیر فشار دشمن شانه خم نکردند. این خیلی عظمت دارد. (1)

ص: 181

این صبر عظیمی که خانواده های شهیدان نشان دادند، خیلی ارزش دارد. اگر خانواده ها بی صبری نشان میدادند، بی معرفتی نشان میدادند، بی بصیرتی نشان میدادند، فضای مجاهدت سرد میشد؛ دلها مشتاق فداکاری و ایثارگری باقی نمیماند. خانواده ها صبر نشان دادند. سالهای متمادی از آن دوران دفاع مقدس گذشته است، اما باب شهادت بسته نشده؛ باز هم مشاهده میکنیم خانواده هایی داغدار عزیزی میشوند که به مناسبتهای گوناگون وادی شهادت بر روی آنها در باز میکند، آنها پر میکشایند و میروند. اگر این بصیرت و این صبر در ملّتی باشد، بدون تردید این ملّت قلّه ها را در خواهد نوردید. (1)

2-2-3-1-1. نازل شدن رحمت خداوند بر آنان و نزول لطف خدا بر این ملّت

سلام و درود خدای توانا و مهربان بر دلهای صبور و پر ظرفیت مادرانی که پس از هجرت جگرگوشگان دلبندشان به نشانه ای از پیکر پاک آنان دل بستند و به آن نیز دست نیافتند؛ و با این همه، با شکیبایی و صبوری خود نقشی بی نظیر و استثنائی از خود بر جای نهادند. پاداش این صبر بزرگ، روشنی چشم آنان به مژده ی رحمت الهی خواهد بود ان شاء الله. (2)

امروز مستکبران عالم از اسلام میترسند؛ چون جوانانِ شما را دیده اند؛ چون جبهه های شما را دیده اند؛ چون بسیج را دیده اند؛ دیده اند که این مردم چطور مثل اقیانوسی خروشان به طوفان می آیند و از هیچ چیزی در راه خدا نمیهراسند؛ چون پدران و مادران را دیده اند؛ دیده اند که مادر با آن عاطفه ی رقیق و جوشان - که هیچ مادری نمیتواند تحمل کند که خاری به پای فرزندش برود - از جوان خودش در راه خدا آن چنان آسان میگذشت که همه را به حیرت درمی آورد. يك شهید، دو شهید، سه شهید، چهار شهید؛

ص: 182

1- . در جمع خانواده های شهدا و ایثارگران کرمانشاه 1390/7/21

2- . پیام به همایش بزرگداشت مادران شهدای گمنام 1393/3/17

این پدران و مادران و همسران و کسان این عزیزان و جوانان ما آن چنان تحمل کردند که انسان از حیرت و تعجب، هرچه نگاه میکند، نظیری برای آن پیدا نمی‌کند. این صبرها بود که لطف خدا را متوجه این ملت کرد. (1)

3-2-3-1. عزت آفرینی و شکل دهی به هویت و روحیه ی ملت

شهادت يك لحظه ی سختی را درك کردند و پرواز کردند؛ آنها که رنجی ندارند؛ «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (2)؛ مسئله، مسئله ی خانواده ها است؛ پدرها، مادرها، همسرها، فرزنداها، برادران و خواهران، داغ دیده ها، اینها صبر کردند، اینها افتخار کردند. خانواده هایی در اصفهان هستند که سه شهید دادند؛ خانواده هایی که يك پسر داشتند، همان پسر را دادند؛ ابراهیم های زمان؛ اینها است که هویت يك ملت را میسازد، اینها است که يك ملت را به عزت میرساند. (3)

یقیناً فضیلت خانواده های مکرّم شهدا از لحاظ عظمت، بلافاصله پشت سر فضیلت شهدا است. شما خانواده ها، سنگرداران شهدا و مرزداران فضیلت در طول دوران دفاع مقدّس بوده اید و روحیه ی شما و فرزندان شهدا - که همین حالا گوشه های زیبایی از آن را در سخنان مادر بزرگوار سه شهید و فرزند عزیز سردار شهید شنیدیم - توانسته است در طول دوران دفاع مقدّس و بعد از آن، عظمت نظام اسلامی و روحیه ی والای ملت بزرگ ایران را حفظ کند و روحیه ی دشمنان را تضعیف نماید. (4)

بارها من این را گفته ام؛ در زیارت خانواده های شهدا، اغلب اوقات، مادران شهید را شجاع تر و مقاوم تر از پدران شهید یافتیم. مگر محبّت مادر

ص: 183

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای قم 1370/11/30

2- . سوره ی یونس، بخشی از آیه ی 62، ترجمه: «... نه بیمی است و نه آنان اندوهگین میشوند.»

3- . در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان و در سالروز 25 آبان 1361، تشییع پیکرهای مطهر 370 شهید استان اصفهان
1389/8/26

4- . در دیدار با خانواده های سرداران شهید استان تهران 1376/2/17

را میشود با محبت پدر مقایسه کرد؟ روح لطیف زنانه، آن هم نسبت به جگرگوشه؛ این را پرورش بدهد، بزرگ کند مثل دسته ی گل، بعد راضی بشود که او برود میدان جنگ و به شهادت برسد؛ بعد برای اینکه جمهوری اسلامی دشمن شاد نشود، بر جنازه ی او گریه هم نکنند! که بنده مکرر به این خانواده های شهدا گفتم گریه کنید؛ چرا گریه نمیکنید؟ گریه ایرادی ندارد. گریه نمیکردند، میگفتند میترسیم جمهوری اسلامی دشمن شاد شود. «زن مگو، مرد آفرین روزگار» (1)؛ زنها ی ما اینها یند؛ امتحان خوبی دادند. (2)

انسان مبهوت میماند. من الان مادر شهیدان «مؤمنی» را زیارت کردم. سه جوان در راه خدا داده و یک پسر جانبا ز دارد و خودش سال خورده است؛ اما با وجود همه ی اینها از لحاظ روحی مثل کوه ایستاده است. دست اینها را باید بوسید؛ عظمت واقعی یعنی این. یک ملت وقتی یک چنین عظمتهای انسانی را در درون خود دارد، باید مطمئن باشد که به هر کار بزرگی همت بگمارد، از عهده ی آن بخواهد آمد. (3)

برادران عزیز! هیچ کار بزرگی جز با فداکاری و صبر به دست نمی آید؛ هیچ هدفی جز با تلاش و مجاهدت به دست نمی آید. آن روزی که مسلمانان نشستند تا دنیا و آخرتشان تأمین بشود، اما هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، دنیا را که در نقد از دست دادند، آخرت را هم که خدا میداند! اما مردم در انقلاب ما که مسلمانان را نیز به حرکت درآورد به فضل پروردگار، عزت و شرف و پیشرفت دنیا را به دست آوردند؛ «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (4)؛ روشنی چشم آنها، پیش خدا و در آخرت است.

من بخصوص به شما جوانان عرض میکنم که صحنه های مبارزه و انقلاب،

ص: 184

-
- 1- . عمّان سامانی، دیوان اشعار
 - 2- . در دیدار جمعی از مدّاحان سراسر کشور 1391/2/23
 - 3- . در دیدار با مردم دامغان 1385/8/19
 - 4- . سوره ی شوری، آیه ی 36، ترجمه: «... و آنچه پیش خدا است برای کسانی که گرویده اند و به پروردگارشان اعتماد دارند بهتر و پایدارتر است.»

شاید به شکل‌های دیگر همچنان ادامه دارد. استکبار جهانی، دشمنان خونی اسلام، آنهایی که از اسلام میهراسند و میدانند که اسلام مانع غارتگری آنها است، بیکار نشسته اند. دشمنان بزرگ و پُر مکر و فنّ ما، از این اسلام عزیز و ناب، از این نظام جمهوری اسلامی - که برای اولین بار بعد از صدر اسلام، در دنیا نظامی بر پایه ی مقررات اسلام تشکیل میشود - و از این حرکت عظیمی که موجب شد دست دشمن از این کشور کوتاه بشود، حاضر نیستند بگذرند. ما باید بیدار و هشیار باشیم؛ باید همواره خود را در جبهه ی کارزار حس کنیم. هرجا هستید، در مدرسه، در دانشگاه، در بازار، در حوزه ی علمیه، در مسئولیتهای دولتی، در شهر، در روستا، باید احساس يك سرباز و يك بسیجی را داشته باشید. امروز به فضل پروردگار این احساس با امید بیشتری همراه است؛ زیرا ملت ایران تجربه کرد و دید که تلاش و کید دشمن نمیتواند مؤمنان را ناکام کند و اثری بگذارد. بحمدالله امروز جمهوری اسلامی از سالهای قبل بسیار قوی تر، بسیار آبرومندتر و بسیار آماده تر برای حرکت‌های بزرگی است که خدای متعال برای او مقدر کرده است؛ و همه ی اینها علی رغم میل دشمنان است؛ همه ی اینها بر اثر صبر و تلاش دوستان مخلص و ملت مقاوم و عظیم الشان ایران و همین جوانان و همین پدران و مادران است؛ و این نیست مگر فضل الهی و تفضلات پروردگار. (1)

4-2-3-1-1. آسودگی از هرگونه خوف و حزن

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» (2)؛ کسانی که پایداری و استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنها نازل میشوند؛

ص: 185

1- . در جمع خانواده های شهدا، جانبازان، آزادگان و مفقودان انقلاب اسلامی قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)

1370/11/30

2- . سوره ی فصّلت، بخشی از آیه ی 30، ترجمه: «... در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خدا است سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنان فرود می آیند [و میگویند] هان بیم مدارید و غمین مباشید...»

یعنی در همین حال حیات دنیوی شان، با ملکوتِ اعلیٰ ارتباط پیدا میکنند؛ یعنی از لحاظ روحی و فکری و روانی، یک ذخیره ی تمام نشدنی پیدا میکنند و هیچ خوف و بیم و اندوهی بر آنها سایه نخواهد افکند. بیم در مقابل خطرهایی است که ممکن است در این راه انسان را تهدید کند. وقتی انسان ترس نداشت، جری تر و با قدرتِ بیشتر و روحیه ی بهتر در این راه پیش میرود و به هدف نزدیک تر میشود. انسان وقتی حزن و اندوه ندارد، به خاطر این است که چیزی را از دست نمیدهد. اولاً موقّعیتهای این راه زیاد است؛ ثانیاً اگر انسان چیزی را هم از دست بدهد، چون در راه وظیفه و انجام تکلیف الهی است، وجدانش آسوده است؛ مثل خانواده های شهدا که بچه های آنها شهید شده اند و داغ دیده اند، امّا درعین حال دلهایشان شاد است. اینها فرق دارند با کسانی که این حادثه برای آنها بر اثر غیر شهادت پیش آمده است. (1)

4-1-1. برخورداری از تربیت صحیح اسلامی و فضایل اخلاقی

اگر جامعه ی اسلامی بتواند زنان را با الگوی اسلامی تربیت کند - یعنی الگوی زهرایی، الگوی زینبی، زنان بزرگ، زنان با عظمت، زنانی که میتوانند دنیا و تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهند - آن وقت زن به مقام شامخ حقیقی خود نائل آمده است. اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی ای که خدای متعال و آیین الهی برای همه ی انسانها - چه مرد و چه زن - به طور یکسان در نظر گرفته است، برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد، محیط خانواده گرم تر و باصفا تر خواهد شد، جامعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد و گره های زندگی آسان تر باز خواهد شد؛ یعنی زن و مرد، خوشبخت خواهند شد. برای این باید تلاش کرد؛ هدف این است. هدف، صف آراییی زن در مقابل مرد نیست. هدف،

ص: 186

رقابت خصمانه ی زن و مرد نیست. هدف این است که زنان و دختران بتوانند همان سیر و همان حرکتی را انجام دهند که وقتی مردان آن حرکت را انجام دهند، به صورت يك انسان بزرگ در خواهند آمد؛ زنان انسان بزرگ شوند. این ممکن است و در اسلام تجربه شده است.

خواهران من! دختران من! بانوان کشور اسلامی! بدانید، در هر زمانی، در هر محیط کوچکی و در هر خانواده ای که زنی با این تربیت توانست رشد کند، همان عظمت را پیدا کرد. مخصوصاً صدر اسلام نبود؛ حتی در دوران اختناق، حتی در دوران حاکمیت کفر هم این ممکن است. اگر خانواده ای توانستند دختر خودشان را درست تربیت کنند، این دختر يك انسان بزرگ شد.... این زنانی که توانستند شهیدانی را پرورش دهند، این زنانی که توانستند شوهران یا فرزندان خود را به صورت انسانهای فداکاری در آورند که بروند و از کشور و انقلاب دفاع کنند، از هستی ملت و از آبروی ملت دفاع کنند، اینها زنان بزرگی هستند. این زنان بودند که توانستند این کار بزرگ را بکنند، و من موارد متعددی را شاهد بوده ام. (1)

امروز تا ظهر چند هزار نفر آدم روبروی من آمدند و با من سلام و علیک و مصافحه کردند و رفتند. در میان این چند هزار نفر که یقیناً صدها خانواده ی شهید و آزاده و جانباز هم بودند کسانی که به بنده گفتند ما پدر شهیدیم، یا پسر شهیدیم، یا جانبازیم، یا آزاده ایم، یا پسرمان آزاده است، یا شوهرمان آزاده است، ده نفر نشدند! این، همان مناعت و حجب است. برای گروه های مردمی، اینها صفات خیلی عجیب و باارزشی است. انسان دلش میخواهد که اصلاً برای این مردم کار کند؛ از بس اینها خوب و شایسته اند. (2)

این همه همسران شهدا، همسران جانبازان، مادران شهیدان، بازماندگان

ص: 187

1- . در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر 1376/7/30

2- . در جمع اعضای شورای اداری استان بوشهر 1370/10/12

برجسته‌ی کسانی که رفتند جانشان را در راه خدا دادند و اینها با اراده‌ی محکم، عزم راسخ و با صبر، هر انسانی را در مقابل خودشان خاشع و خاضع می‌کنند. بنده که حقیقتاً هر وقت با این زنان برجسته مواجه می‌شوم، در مقابل آنها احساس خضوع می‌کنم. بنده زیاد برخورد می‌کنم با مادران شهیدان، با همسران شهیدان، با همسران جانبازان؛ این بانوی فداکاری که يك عمر زندگی خودش را می‌گذارد برای مدیریت کردن و بهبود بخشیدن به زندگی يك معلول و جانباز، برای خاطر خدا، این چیز کوچکی نیست، اینها به زبان آسان است. آن مادری که دو فرزند، سه فرزند، چهار فرزند را در راه خدا داده و همچنان محکم ایستاده، به ما سفارش می‌کند که بایستید، محکم باشید! انسان واقعاً در مقابل این همه عظمت احساس خشوع می‌کند. اینها واقعیتهای زنانه‌ی جامعه‌ی ما است که بسیار افتخارآمیز و مهم است. (1)

پدران و مادران و همسران و فرزندان شهدا، از لحاظ فداکاری و گذشت در راه خدا، تالی تلو خود آن شهیدانند. (2)

5-1-1. احساس عزت و افتخار به خاطر شهادت فرزندان خود

من مادران شهدایی را زیارت کردم که بجد و با صدق واقعی می‌گفتند اگر ما ده تا فرزند هم داشتیم، حاضر بودیم در راه خدا بدهیم؛ دروغ نمی‌گفتند. من مادران و پدرانی را ملاقات کردم که احساس عزت و افتخار می‌کردند، به خاطر اینکه فرزندانشان در راه خدا شهید شدند. البته حق هم با آنها است، عزت و افتخار است؛ همان طوری که عمه‌ی ما زینب کبری (سلام الله علیها) فرمود: «ما رأیت الا جمیلاً» (3)؛ جز زیبایی ندیدم. حادثه‌ی

ص: 188

1- . در دیدار جمعی از بانوان برگزیده‌ی کشور 1393/1/30

2- . در جمع خانواده‌های شهدا، جانبازان، آزادگان و مفقودان انقلاب اسلامی قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)

1370/11/30

3- . لهوف، ص 160

کربلا چیز کوچکی است؟ این چشم خدایین، از این حادثه، از این خونهای ریخته شده، از این مصیبت سنگین، یک حقیقت زیبا مشاهده میکند؛ «ما رأیت الا جمیلاً». من خانواده های بسیاری را دیدم که همین احساس زینب کبری در آنها هم بود؛ آنها هم میگفتند: «ما رأینا الا جمیلاً». اینها است که به یک ملت اقتدار میدهد؛ اینها است که اعتماد به نفس را در یک ملت به وجود می آورد؛ اینها است که تهدیدهای قدرتهای مادی دنیا، عربده های مستانه ی دولتهای متجاوز و مستکبر دنیا دل آنها را نمی لرزاند. (1)

کمتر خانواده ی شهیدی را من دیده ام که به شهادت فرزند خود افتخار نکند، احساس سربلندی نکند؛ هیچ، شاید هرگز خانواده ی شهیدی را ندیده باشیم. به شهدای خودشان افتخار میکنند؛ حق هم همین است؛ جای افتخار هم دارد. نه شما، همه ی ما، همه ی ملت ایران، همه ی مسئولین باید به این مردان دلاور، به این جوانان شجاع افتخار کنند. و یاد حماسه ی دفاع مقدس باید همیشه در کشور ما باقی بماند و جاودانه باشد. (2)

2-1. ویژگی های مادران و همسران شهدا

اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند - یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت - آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد. در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بی بدیل است و باید ادامه پیدا کند. زنان هستند که همسران خود را و فرزندان خود را برای حضور در خطرناک ترین میدانها و جبهه ها آماده میکنند و تشجیع میکنند. ما در دوران مبارزه با

ص: 189

1- . در دیدار خانواده های شهدا و جانبازان قم 1389/7/28

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1388/3/3

طاغوت در ایران و همچنین بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، برجستگی نقش زنان را به طور واضح و ملموس مشاهده کردیم و دیدیم. اگر در جنگی که هشت سال بر ما تحمیل شد، زنان ما، بانوان کشور ما در میدان جنگ، در عرصه‌ی عظیم ملی حضور نمودند، ما در این آزمایش دشوار و پرمحنت پیروز شدیم. زنها، ما را پیروز کردند، مادران شهدا، همسران شهدا، همسران جانبازان، همسران اسرا و آزادگان ما؛ مادران اینها با صبر خود یک فضایی را در یک منطقه‌ی محدودی به وجود آوردند، که آن فضا جوانها را، مردان را، به حضور مصممانه تشویق میکرد؛ و این در سراسر کشور گسترده شد و گسترده بود. نتیجه این شد که فضای کشور ما یکسره فضای مجاهدت شد، فضای فداکاری و گذشت شد؛ گذشت از جان؛ و پیروز شدیم. امروز در دنیای اسلام هم همین است؛ در تونس، در مصر، در لیبی، در بحرین، در یمن، در هر نقطه‌ی دیگر. اگر زنها در صفوف مقدم، حضور خودشان را تقویت کنند و ادامه بدهند، پیروزی‌ها یکی پس از دیگری نصیب آنها خواهد شد. در این هیچ تردیدی نیست. (1)

در جنگ تحمیلی اگر امثال همین مادر گرامی سه شهید و مادران شهیدان و همسران شهیدان - که من افتخار داشته‌ام با هزارها نفر اینها از نزدیک نشست و برخاست و گفتگو کنم و خصوصیات آنها را مشاهده کنم - ایمان خود، صبر خود، ایستادگی خود، معرفت خود و روشن بینی خود در قبال ضایعات جنگ و فداکاری‌های جوانان و مردان را نشان میدادند، جنگ پیروز نمیشد. اگر مادران و همسران شهدایی صبری نشان میدادند، شوق جهاد در راه خدا و شهادت در دل مردها میخشکید؛ این گونه نمیجوشید؛ این گونه به جامعه طراوت نمیداد. (2)

به آن مادری که جوانش را تجهیز کرد و به جبهه فرستاد، نگاه کنید! به

ص: 190

1- . در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» 1391/4/21

2- . در دیدار با گروه کثیری از بانوان 1379/6/30

آن خانواده ای که فقط دو پسر جوان داشت و آنها را تقدیم اسلام کرده بود و میگفت: «وقتی دو بچه ی ما رفتند و شهید شدند، باز ما مثل اول تنها شدیم» بنگرید! مگر این صحنه ها شوخی است؟ (1)

دوران سختی بود. در این دوران سخت، نقش زنان، يك نقش فوق العاده بود؛ نقش مادران شهید، نقش همسران شهید، نقش زنان مباشر در میدان جنگ، در کارهای پشتیبانی و بعضاً به ندرت در کارهای عملیاتی و نظامی - که من بخش کارهای پشتیبانی اش را خودم از نزدیک در اهواز دیدم - يك نقش فوق العاده بود. زنها حتی در بخشهای نظامی هم فعال بودند؛ همین نوشته ی خانم حسینی - دا - این را نشان میدهد. اینها يك مجموعه ی کاری است که واقعاً با هیچ معیاری، با هیچ ترازویی قابل اندازه گیری نیست. مادر، مادر شهید، مادر دوشهید، مادر سه شهید، مادر چهارشهید؛ شوخی نیست؛ اینها به زبان آسان می آید. بچه ی انسان سرما میخورد، دو تا سرفه میکند، چقدر نگران میشویم؟ يك بچه ی انسان برود کشته بشود، دومی برود کشته بشود، سومی برود کشته بشود؛ شوخی است؟ و این مادر با همان احساسات مادرانه ی سالم و جوشان و پرفوران، آن چنان نقشی ایفا کند که صد تا مادر دیگر تشویق بشوند بچه هایشان را بفرستند میدان جنگ. اگر این مادرها آن وقتی که جنازه ی بچه هایشان می آمد یا حتی نمی آمد، آه و ناله میکردند، گله میکردند، یقه چاک میزدند، اعتراض به امام و اعتراض به جنگ میکردند، مطمئناً جنگ در همان سالهای اول و در همان مراحل اول زمین گیر میشد. نقش مادران شهید این است. همسران صبور شهید، زنهای جوان، شوهران جوان خودشان را در آغاز زندگی شیرین خانوادگی مورد آرزو از دست بدهند. اولاً راضی بشوند این شوهر جوان بلند شود برود جایی که ممکن است برنگردد؛ بعد هم شهادت او را تحمل کنند؛ بعد هم افتخار کنند، سرشان را بالا بگیرند.

ص: 191

اینها آن نقشهای بی بدیل است. (1)

همسران شهدا، که جوانان عزیز را تربیت کردند، خیلی باارزشند. من در شرح حال شهدای شیراز، دیدم که تعدادی از فرزندان شهدای شیراز و استان فارس، رتبه های علمی بالا و رتبه های تحقیقی بالا به دست آورده اند. این چه جور به دست می آید؟! با مجاهدت آن مادر، آن همسر شهید، آن شیرزن و آن مجاهده ی فی الله؛ جهاد او این است: «حسن التَّبَعْل»؛ حسن التَّبَعْل یعنی این؛ یعنی آبروی شوهر را حفظ کردن؛ شخصیت شوهر را حفظ کردن؛ این حسن التَّبَعْل است؛ یک نمونه اش همین است که شوهر رفت در راه خدا، بچه هایش و جوجه هایش را در آغوش رعایت خودشان و با تربیت خودشان آن چنان بزرگ کنند که اینها احساس افتخار کنند و راه شهید را ادامه بدهند. (2)

من با خانواده های معظم شهدا دیدار و نشست و برخاست زیادی داشته ام. در کمتر خانواده ی شهیدی است که روحیه ی مادر از روحیه ی پدر بالاتر نباشد. در اغلب خانواده ها، روحیه ی مادر شهید از روحیه ی پدر شهید بالاتر است. این، یک چیز فوق العاده است. این، نقش زنان مؤمن را در این انقلاب نشان میدهد؛ زنانی که برای پیروزی انقلاب و برای پیشرفت مقاصد انقلاب ایستادند و همه چیز را برای اهداف و آرمانهای الهی و اسلامی خود فدا کردند. (3)

مادر (4) با این هویت، با این تشخص، با این احساس غیرقابل توصیف - که واقعاً احساس مادر نسبت به فرزند اصلاً قابل توصیف نیست و ماها که نمیتوانیم مادر باشیم، اصلاً درک نمیکنیم عظمت این احساس را - با

ص: 192

1- . در سوّمین نشست اندیشه های راهبردی 1390/10/14

2- . در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده های شهدای استان فارس 1387/2/13

3- . در دیدار با جمع کثیری از پرستاران، به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری (س) و روز پرستار 1370/8/22

4- . مادر شهید

يك چنین احساسی، این مادر، هم تحمّل میکند هجرت فرزند خودش را به سوی جبهه های جنگ، هم تحمّل میکند شهادت او را، هم افتخار میکند. ما در طول این هشت سال دفاع مقدّس و بعد از آن، از مادران، گله نشنفتیم بلکه به عکس، مادرها را حماسی تر از بسیاری از پدرها یافتیم. من این توفیق را داشته ام که با بعضی از خانواده های شهدا روی فرششان، زیر سقفشان، بنشینم و صمیمانه با آنها حرف بزنم؛ تا الان ندیده ام - هیچ یادم نمی آید، حتّی يك مورد هم در بین شاید هزاران مورد - که مادری از شهادت فرزندش گله کرده باشد؛ نه، به عکس، مادرها افتخار میکنند، اظهار سربلندی میکنند، اظهار سرافرازی میکنند؛ این خیلی مهم است. این مادر با این احساسات مادرانه که برای فرزندش يك چنین فداکاری ای دارد و حاضر نمیشود که آن بچه مثلاً در محلّ کارش گرسنه بماند یا مانند اینها، در عین حال شهادت او را تحمّل میکند، هجرت او را تحمّل میکند، فراق او را تحمّل میکند و هیچ گله ای نمیکند، هیچ شکایتی نمیکند؛ اینها خیلی به نظر من نکات مهمّی است. (1)

من با خانواده ی شهدا نشست و برخاست نسبتاً زیادی دارم. مکرّر این نکته را گفته ام که در میان خانواده های شهدا، غالباً مادر شهید، برای تحمّل این حادثه ی مهم، روحیه ی بهتر و برداشت بهتر و ظرفیت بیشتری نسبت به پدر شهید دارد. البته موارد عکس هم هست؛ اما این گونه موارد تقریباً بیشتر است و من آن را بیشتر دیده ام. بر اثر این حادثه ی عظیم انقلاب، خانمها خیلی خیلی پیش آمدند و رشد کردند. نقش زنان در انقلاب، يك نقش تعیین کننده بود؛ در جنگ، يك نقش تعیین کننده بود؛ در دوران آینده هم نقششان ان شاءالله تعیین کننده خواهد بود؛ به شرطی که ما این جهات ارزشی را در زن رعایت کنیم. (2)

ص: 193

1- . در دیدار عوامل تولید فیلم سینمایی «شمار 143» 1393/3/26

2- . در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، مسئولان اولین کنگره ی حجاب اسلامی و... به مناسبت میلاد حضرت فاطمه ی زهرا (س) 1370/10/4

2. آثار شهادت برای خانواده های شهدا

2-1. دستیابی به اجر برتر و رتبه ی معنوی بلافاصله بعد از شهدا

عزیزان شما که به دست دشمنان خدا و در راه خدا شهید شده اند، به مقام و مرتبه ی والایی نزد خدا دست یافته اند که دستاورد عظیمی را برای آن شهیدان به همراه دارد و رنج و سختی فقدان عزیزان در بلاد غربت و به دست دشمنان دین، نیز برای شما آن چنان اجری نزد خدای متعال دارد که با کمتر عبادتی میتوان آن را به دست آورد. (1)

من به شهدای گرامی و به جانبازان و مفقودین و اسرا و مجروحین انقلاب و جنگ تحمیلی سلام و تحیّت مخلصانه ام را عرض میکنم و علوّ درجات و مقامات معنوی آنان را مسئلت مینمایم. من اکنون به پدران و مادران، همسران و فرزندان، خواهران و برادران و دیگر کسان شهدای عزیز و جانبازان و اسرا و مفقودین درود میفرستم و اعلام میکنم که آنان در رتبه و شأن معنوی بلافاصله پشت سر عزیزان فداکار خویشند. (2)

اجر شما هم بلافاصله پشت سر اجر شهید قرار دارد. بارها من گفته ام، خاکریز شهدا در مقابل دشمنان دین و حقیقت، خاکریز اوّل است؛ خاکریز دوّم، خانواده های شهیدانند. پشت سر آنها شما هستید. این رنجهای شما و این فراقها و غصّه ها و محرومیت از دیدن و احساس کردن حضور عزیزانتان، پیش خدای متعال اجر دارد. خدای متعال به خانواده های شهیدان اجر بسیار بزرگی میدهد؛ به خصوص که آنها ناسپاسی هم نکردند. در تمام طول جنگ، خانواده های شهدا با سرافرازی، آن چنان از شهادت عزیزشان سخن گفتند که دیگران را هم تشویق کردند تا جوانانشان را به میدان شهادت بفرستند. (3)

ص: 194

1- . در دیدار خانواده ی شهدای پرسنل نیروی هوایی سپاه، به شهادت رسیده در پاکستان 1376/7/16

2- . در تجلیل از شهدا و ایثارگران در هشتمین روز از دهه ی مبارکه ی فجر 1368/11/19

3- . در دیدار خانواده های شهدای کاشان و آران و بیدگل 1380/8/20

من همیشه به خانواده های شهدا گفته ام که شهدای ما خطّ مقدّمند؛ پشت سر شهدا، خانواده هایشان هستند؛ همین پدران و مادران و همسران که به رزمندگی جوان و مرد خانه و محبوبشان افتخار کردند؛ از کشته شدن او نترسیدند؛ او را از رفتن منع نکردند؛ حتی مادران بچه هایشان را تشویق کردند! چه میشنویم و چه می بینیم؟! این چه حوادث عظیمی است در زمان ما و در مقابل چشم ما؟! اگر این حوادث در تاریخ بود، انسان با تردید آنها را میگفت. خیلی ها هم در بیرون از این مرزها، این مسائل را با تعجب زیاد میشنوند؛ اما شما خودتان آنها را لمس کرده اید. در رفتن به میدان جنگ، پدران با فرزندان، و فرزندان با یکدیگر مسابقه گذاشتند! همسران غصّه خوردند و گریه کردند که چرا آنها نمیتوانند به میدان جنگ بروند؛ و صبر کردند و در خانه ها نشستند و پشت جبهه را نگه داشتند؛ بعد هم که آن رزمنده شهید شد، پدران و مادران و همسران و فرزندان شکر کردند و به شهادت شهیدشان افتخار نمودند! این است که شعله ی يك نهضت، همچنان زنده میماند. این است که امام بزرگوار، قلّه ی عزّت و عظمت را برای اسلام فتح میکنند. این است که ملتّها صریحاً میگویند: «ای ملت ایران! ما از شما یاد گرفتیم؛ شما معلّم ما هستید.» (1)

خانواده های این همه، که انواع رنجها را در راه خدا به جان خریده اند، همگی در صفوف مقدّم این جایگاه ارزشی، و پشت سر شهیدان والا مقام ما قرار دارند. این فداکاری های بزرگ در کنار حضور مستمرّ رزمندگان ملت ما در جبهه های گوناگون کارزار انقلابی، توانسته است اسلام را سربلند، و دست بیگانگان را از میهن کوتاه و ایران را بلندآوازه و آبرومند سازد. این مجاهدتها توانسته است راه ملت ایران را به سوی هدفهای متعالی اسلام، بگشاید و در دنیای تاریک و اسیر مادّیت و شهوت، دریچه ای به معنویّت به روی او باز کند و به او عزّت و شخصیت ببخشد. (2)

ص: 195

1- . در دیدار خانواده های شهدای استان بوشهر 1370/10/11

2- . پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا در هفته ی دفاع مقدّس 1370/7/4

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوَارِثِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ» (1). وعده ی الهی وعده ی درستی است. صف اول، شهیدان ما قرار دارند... صف دوم متعلق به خانواده ها است؛ به شما پدرها، مادرها، فرزندان شهیدان، همسران شهیدان؛ شما که صبر کردید، شما که این حادثه ی به ظاهر تلخ را تحمل کردید. از دست دادن عزیزان تلخ است، سنگین است. پدر و مادر زحمت میکشند، این دسته ی گل را، این نهال عزیز بابرکت را با خون دل آبیاری میکنند، بزرگ میکنند، بعد جسد او را از جبهه می آورند؛ چیز سنگینی است، چیز آسانی نیست. پدرها، مادرها، همسرها، فرزندان این حادثه ی به ظاهر تلخ را با آغوش باز قبول کردند؛ نشان دادند که معامله ی با خدا را باور دارند. (2)

خدای متعال جزئیات کارها را حساب میکند. این جوان، همسر جوانی داشته، فرزند کوچکی داشته، پدر و مادری داشته که به او چشم دوخته بودند که کمک حالشان باشد؛ اینها را گذاشته و رفته در راه خدا جانش را کف دست گرفته، اینها کوچک است؟ اینها کم است؟ فهم ما و درك ما كفاف نمیدهد که اهمیّت و عظمت این کار را بفهمیم. بنده خودم که این جور هستم؛ همانی که میگوئیم خیلی کوچک تر و کمتر از آن چیزی است که در واقع هست. خدای متعال میتواند محاسبه کند، دقیق حساب کند. دستگاه خدای متعال هم دستگاه عجیبی است....

دستگاه محاسبات دقیق است، آنجا «مورا از ماست میکشند»؛

ص: 196

1- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 111، ترجمه: «در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا میجنگند و میکشند و کشته میشوند [این] به عنوان وعده ی حقّی در تورات و انجیل و قرآن برعهده ی او است...»

2- . در دیدار خانواده های شهدا و جانبازان قم 1389/7/28

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (1)؛ به قدر سنگینی يك ذره كار خوب فراموش نمیشود، پیش خدای متعال محفوظ است. آن وقت شما پدرها، مادرها، همسرها صبر کردید؛ این بچه های كوچك دلهايشان تنگ میشود، ناراحت میشوند، فشارش روی شماها است و شماها تحمل کردید؛ اینها همه پیش خدای متعال اجر دارد، اینها همه اش پیش خدای متعال محسوب است، حساب میشود. اینکه در بعضی از زیارتها و دعاها میخوانیم «صبراً و احتساباً» (2)، معنایش همین است، یعنی خود انسان صبر کند و به حساب خدا بگذارد، پای خدا حساب کند؛ این «صبراً و احتساباً» است. (3)

2-2. عنایت و رحمت ویژه ی الهی و توجه خاص شهید به بازماندگان شهدا

بدانید عزیزان من! هریك از این مصائب الهی که برای انسان پیش می آید، در کنار خود، اجر بزرگ و عایدی هم دارد. قضیه يك طرفه نیست. انسان در مقابل دشواری و محنت، از خدای متعال عوض میگیرد و هیچ کس در دستگاه الهی مغبون نمیشود. آن کسی که فرزندش شهید شده است، با آن کسی که فرزندش در خانه کنار او با راحتی زندگی میکند، پیش خدا یکسان نیستند. آن کسی که در راه خدا، سلامت خود یا سلامت عزیزش را از دست داده است، پیش آن که این رنج را ندارد، یکسان نیستند. آن کسی که عزیزش از او دور است و خبری از او ندارد، با دیگران یکسان نیست. بر روی همه ی تلاشها و فعالیتهایی که يك انسان یا يك جامعه انجام میدهد، اجر الهی هست؛ «وَهُمْ فِيهَا لَا يُنْخَسُونَ» (4)؛ در دستگاه

ص: 197

- 1- . سوره ی زلزال، آیه ی 7
- 2- . از جمله دعای هر روز ماه مبارك رمضان با شروع فراز «اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنُ»
- 3- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1394/11/5
- 4- . سوره ی هود، بخشی از آیه ی 15، ترجمه: «... و به آنان در آنجا کم داده نخواهد شد.»

خدا، هیچ کس دچار غبن و بَخس نمیشود؛ این را بدانید. (1)

خوشامد عرض میکنیم به شما خانواده های محترم شهیدان، پدران، مادران، همسران و فرزندان. خدای متعال مژده ی الهی را در قرآن بیان فرموده و به شما مصیبت دیده ها میفرماید: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ» (2)؛ کسانی مثل شما که سختی ای را تحمل میکنند، مصیبتی را تحمل میکنند، عزیزی را از دست میدهند - بخصوص که شما عزیزانتان را در راه خدا از دست دادید - خدای متعال بر اینها درود و رحمت میفرستد، هم مقام عزت و عظمت الهی و مقام جلال و رفعت ربوبی خدای متعال، هم ملائکه ی الهی بر شما پدرها، بر شما مادرها، بر شما همسرها، بر شما فرزندان شهدا صلوات میفرستد، رحمت میفرستد؛ خیلی مقام بالایی است. ضمن اینکه از مصیبتهایی که بر شما وارد شده و جوانهای عزیزتان را از دست دادید و قلباً، عمیقاً بسیار متأثر هستید، ما این مژده ی الهی را به شما عرض میکنیم، بدانید که خدای متعال يك چنین مژده ی بزرگی به شما داده، این را قدر بدانید.

مصائب دنیا هست؛ خیلی ها در طریق عادی جوانهایشان، برادرانشان، خواهرانشان، فرزندانسان، پدر و مادرهایشان از دست میروند، لکن عزیزان شما در طریق الهی از دستتان رفتند... این نعمت بزرگی است، این سعادت بزرگی است. البته سخت است؛ من آن سوز درونی يك پدر را، يك مادر را، يك همسر را، فرزندان را که عزیزانشان را از دست میدهند کاملاً درك میکنم؛ انسان میفهمد. لکن اجر الهی هم به همان اندازه بالا است و زیاد است.

امیدواریم که ان شاءالله این، ذخیره ی آخرت شما باشد، ان شاءالله بتوانید این دستاورد مهمی که به دست آورده اید را حفظ کنید. کسی

ص: 198

1- . در دیدار خانواده های معظم اسرا و مفقودان جنگ تحمیلی 1376/2/31

2- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 157، ترجمه: «... بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد]...»

نگوید آنها جهاد کردند، ما چرا دستاورد داشته باشیم، این حرف درست نیست. دستاورد شما به خاطر صبر شما است، به خاطر مصیبت دیدگی شما است. خدای متعال عادل است؛ این ترازوی الهی اجازه نمیدهد که کسی از کسی نعمت بیشتری بگیرد. هرکسی مصیبتی دید، کفّه ی آن طرفی اش سنگین میشود؛ خدای متعال این جور است. هرچه شما اینجا مشکل پیدا کنید، هرچه در این کفّه از دست بدهید، در آن کفّه به جایش برایتان میگذارند. امیدواریم ان شاءالله خدای متعال به همه تان اجر بدهد، همه تان را حفظ کند، همه تان را خیر بدهد، شهدایتان را با پیغمبر محشور کند. (1)

شهید شما در خانه تان نیست، پهلوی شما نیست، دیگر هم تا آخر عمرتان و در عالم واقع او را نمی بینید؛ اما هست، مال شما است، آنجا است و چه موقع به دردتان میخورد؟ آن روزی که انسان از همیشه فقیرتر است؛ آن روزی که انسان از همیشه احتیاجش بیشتر است. (2)

«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ» (3)؛ در قرآن یکی از کم نظیرترین تعبیرات، این تعبیر است. صلوات و رحمت خدا بر آن صابران که مصیبت و حادثه ی گزنده را تحمل میکنند و با روی باز با آن مواجه میشوند. مادری که دسته گل عزیز خود را در طول سالیان دراز بزرگ کرده و به برگ و بار رسانده، پدری که آرزوی جوانی فرزند را در طول سالیان دشوار تربیت همواره در دل پرورانده، ناگهان خبر میشود که این جوان در جبهه ی جنگ به شهادت رسید؛ صبر میکند. خبر شهادت به همسر محبوب او میرسد؛ یارِ دورانهای تلخ و

ص: 199

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1393/12/25

2- . در دیدار خانواده ی شهید مصطفی احمدی روشن 1390/10/29

3- . سوره ی بقره، بخشی از آیات 155، 156 و 157، ترجمه: «... و مژده ده شکیبایان را. [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد میگویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز میگردیم. بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد].»

شیرین زندگی و دل پیوند خورده ی با دل این زن؛ خیلی اینها سخت است؛ خیلی سخت است؛ اما مردم ما با بازترین چهره و شیرین ترین برخورد، این سختی ها را تحمل کردند. این گزاره نیست اگر بگوییم در هیچ ملّتی و در هیچ جنگی، آزمایشی که ملّت ما دادند، پیش نیامده است. خود جنگ يك داستان است، دنباله های جنگ، یعنی خانه های رزمندگان، خانه های شهیدان، خانه های جانبازان، خود آن جانبازان، يك داستان دیگری است؛ این داستان دوّم گاهی از آن داستان اوّل گزنده تر است. صبر پدر و مادر و همسر و فرزند در فقدان عزیزشان در جبهه، گاهی دشوارتر از صبر خود آن رزمنده است در زیر گلوله های آتش بار دشمن. این صبر را مردم نشان دادند. من با پدران شهدا، مادران شهدا و همسران شهدا زیاد نشست و برخاست کرده ام و میکنم؛ داستانها و ماجراها در این دیدارها از زبان آنها شنیده ام که حیرت آور است... آن پدری که با دو فرزندش در جبهه است و هر دو فرزند در يك روز شهید میشوند، از مسئولان سپاه آمار و اسم شهدا را میپرسد؛ وقتی آنها اسم شهدا را به آن پدر میدهند، میگویند این دو، پسران من هستند؛ خم به ابرو نمی آورد! فقط میگوید میخواهم با پیکر يك آنها حرف بزنم؛ و او را بالای سر دو شهیدش میبرند. این، شبیه افسانه ها است؛ اما واقعیت است. (1)

شماها خانواده های شهدا هستید، البتّه رنج میبرید؛ فرزندان، برادران، پدرتان، همسران از دستتان میروند، [آنها را] دوست دارید، محبّت دارید، بدیهی است که داغدار میشوید؛ در این تردیدی نیست. اما با این نگاه وقتی نگاه کنید، خواهید دید که شما هم برنده اید. چرا؟ برای خاطر اینکه او که عروج پیدا کرد و رفت به درجات عالی، او قدرت دارد شفاعت کند؛ او میتواند در برزخ و در قیامت نقش ایفا کند. همین الان هم کسانی که در دنیا هستند، بعضی ها که با شهدا انس بیشتری دارند، در

ص: 200

مشکلات زندگی متوسل به شهدا میشوند و شهدا جواب میدهند. در این شرح حالهایی که ما میخوانیم از خانواده ی شهدا، از این قبیل زیاد هست که همسر شهید، پدر شهید، مادر شهید دچار يك مشکلی میشوند، به شهید متوسل میشوند؛ میگویند «تو که دستت باز است، تو که میتوانی، کمکمان کن»، و او کمک میکند. در برزخ هم همین جور است. شماها میروید دیگر؛ شماها هم که ماندنی نیستید؛ من و شما همه رفتنی هستیم؛ ما هم همین عالم برزخ را، همین دالان را، همین وادی را در پیش داریم، به آنجا خواهیم رسید. وقتی که رفتید، آنجا گرفتاری ها زیاد است؛ اگر انسان آنجا بتواند شفيعی داشته باشد که این شفيع به درد آدم بخورد، خیلی قيمت دارد. این شهید، شفيع شماها است. (1)

البته درباره ی خانواده ی شهدا من حرف زیاد دارم؛ زیاد هم حرف زده ام؛ حرفهای زیادی دارم درباره ی خانواده ی شهدا. مسئله ی خانواده ی شهدا فقط این نیست که يك شهید از آنها در راه حق به شهادت رسیده؛ صبر آنها خودش يك کوه بارزش است. همین که پدر شهید، مادر شهید، همسر شهید، فرزند شهید، صبر میکنند بر این مصیبت، خود این يك ارزش بسیار والایی است؛ بسیار والا. «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ» (2)؛ شما باور میکنید که خدا بر شما صلوات بفرستد؟ خدا صلوات بفرستد بر شما! شما که خانواده ی شهید هستید، وقتی صبر میکنید بر این مصیبت و شکر میکنید خدا را و تحمّل میکنید و این را پای خدا حساب میکنید، این صبر شما موجب میشود که خدای عزوجل - که مالک ملک و ملکوت است، مالک عالم وجود است - بر شما صلوات بفرستد. اینها ارزش است؛ ما این مفاهیم را باید درست بفهمیم. این مفاهیم، نیروهای عجیبی در وجود ما ایجاد میکنند، ما را آماده میکند برای خیلی کارهای بزرگ. (3)

ص: 201

- 1- . در دیدار خانواده های شهدای مرزبان و مدافع حرم 1396/3/28
- 2- . سوره ی بقره، بخشی از آیه ی 157، ترجمه: «بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد]...»
- 3- . در دیدار خانواده های شهدای مرزبان و مدافع حرم 1396/3/28

3-2. توفیق مجاهدتی طولانی برای دفاع از وجهه‌ی شهادت

اگر پدران، مادران و همسران شهدای صبری و شکایت می‌کردند، منت می‌گذاشتند و آه و ناله می‌کردند، مگر چهره‌ی این ملت این قدر درخشان میشد؟! این شما بودید که به این ملت آبرو دادید. این شما بودید که با حرفهایتان، با بیاناتتان، با منش و رفتارتان، با بالا گرفتن سرتان به خاطر شهادت این فرزندان، چهره‌ی این ملت را این طور نورانی کردید! این مجاهدت، هنوز هم ادامه دارد. سالهاست که این شهید، به رضوان الهی پیوسته است، مجاهدت او تمام شد، ولی مجاهدت شما ادامه دارد. کدام ارزشی و کدام کار بزرگی این طور ترکیب پیچیده‌ای از مجاهدتهای گوناگون، آن هم برای مدتهای طولانی است؟! هر کار خوبی را يك بار انجام میدهند، تمام میشود. صدقه در راه خدا، پولی است میدهند، تمام میشود و میرود؛ اما شهادت، این گونه نیست. ببینید چقدر والا است! (1)

4-2. شريك بودن در افتخار تمام موفقیتهای کشور تا ابد

من این را به جوانها می‌خواهم بگویم؛ به فرزندان شهدا و به خانواده‌های آنها: آن عظمتی که خانواده‌های شهدا و پدرها و مادرها و همسرها نشان داده‌اند، از عظمت خود شهدا کمتر نیست. ما مادران و پدرانی را دیدیم که اینها با حادثه‌ی سنگین و کوبنده‌ی فقدان فرزند خودشان مثل بشارت برخورد کردند؛ چون میدانستند که فرزند آنها در چه راهی حرکت میکند. من امروز عرض میکنم: پدران شهدای ما! مادران شهدای ما! همسران داغدار آنها! فرزندان آنها! خیلی‌ها پدران خودشان را ندیدند یا چند صبحی بیشتر ندیدند! جانبازان عزیزی که سلامت خودشان را برای سالهای طولانی از دست داده‌اند! زحمات شما به توفیق الهی و به حول و قوه‌ی الهی بر باد نرفت و خدا به تلاش شما برکت داد و کار و کشور و ملت شما را از تنگناهای بزرگی نجات داد... این يك افتخار تمام نشدنی است.

ص: 202

این چیزی نیست که زمان بر آن بگذرد و کهنه شود. (1)

شهدا پیشرو و پیشگام بودند و سنگر دوم، خانواده های شهیدان و دیگر ایثارگران. رفتند جلو، مانعها را از سر راه برداشتند و توانستند يك ملتى را که چند قرن او را به بی حالی و تسلیم در مقابل زورگویان عادت داده بودند، تبدیل کنند به این ملت بانشاط، سرافراز، پرافتخار و با عزم و اراده ی مستحکم و راسخ. این کار را شهدای ما کردند؛... این کار را شما خانواده های شهدا کردید. حقّ شما بر گردن ایران و ایرانی تا ابد باقی است و تاریخ ایران باید نسبت به خانواده ی شهدا، حق گذاری کند. (2)

مصیبتها سنگین است و دلهای شما غمگین است و شگی در این نیست. ما دعا میکنیم خدای متعال بر شماها صبر و سکینه و اطمینان قلب خودش را نازل کند و باید ان شاءالله صبر کنید لکن بدانید که این مصیبت سنگین پیش خدای متعال يك چنین اجری دارد، يك چنین جایگاهی دارد، «فتحه الله لخاصة اولیائه» (3).

امیدواریم ان شاءالله که خدای متعال با پیروزی اهل حق در جمهوری اسلامی، در عراق، در سوریه، در لبنان، در فلسطین، در افغانستان، در پاکستان، در یمن و در همه جا، موجب بشود که دلهای مؤمنین و مسلمین شاد بشود. البته این پیروزی های بزرگ طبعاً هزینه دارد، هزینه اش هم اینها است که شماها این هزینه ها را پرداخت کنید؛ افتخار پرداخت این هزینه ها متعلق به شما است. (4)

3. توصیه هایی به خانواده های شهدا

3-1. اهتمام به خودسازی هرچه بیشتر برای ادامه دادن راه شهید

اگر انسان مسلمان، با روحیه ی شهادت طلبی در میدان بماند، هیچ

ص: 203

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای استان همدان 1383/4/16

2- . در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده های شهدای استان فارس 1387/2/13

3- . نهج البلاغه، خطبه ی 27

4- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1393/11/28

قدرتی نمیتواند بر او فائق بشود؛ این روحیه را باید حفظ کرد. من به خانواده های عزیز شهدا، مخصوصاً فرزندان شان - این جوانان و نوجوانان عزیز - توصیه میکنم، هرچه میتوانید، خودسازی کنید. همه باید خودسازی بکنند؛ اما شما اولی هستید. (1)

... تا راه خدا را ادامه میدهید، جزو صالحینید؛ اگر کج رفتید، همه چیز تمام میشود. همه ی ما همین طوریم؛ بنده هم همین طورم. اگر کج قدم گذاشتیم، نمیشود بگوییم ما کسی هستیم که يك روز فلان کار را کردیم. کسانی که در راه خدا جهاد کردند، جهادشان محفوظ است؛ این ذخیره ای است که خدای متعال در آن دنیا برای آنها نگه داشته است.

يك نفر از پیغمبر (صلی الله علیه وآله) شنید که ایشان فرموده اند هرکس بگوید «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»، خدای متعال در بهشت برای او يك درخت میرویانند. گفت: «یا رسول الله! پس ما در بهشت خیلی درخت داریم؛ چون این ذکر را خیلی تکرار کرده ایم.» نقل میکنند پیغمبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «بله، به شرط اینکه صاعقه ای نفرستاده باشی که درختها را بسوزاند!» گاهی صاعقه ای میفرستیم، درختهای ما را میسوزاند. گاهی مثل آن درویش خوش خیال با عصا میزنیم، کوزه ی روغنمان میشکند و روغنمان میریزد. گاهی با يك گناه سقوط میکنیم. گاهی با يك انحراف، خود را از ارزش می اندازیم. باید مراقب باشیم. (2)

شما فرزندان شهدا هستید و پدران شما در این راه جان خودشان را دادند و شما احق و اولی هستید که این راه را ادامه بدهید و در این جهت حرکت بکنید. شما باید از خودتان و از این جهتگیری تان خیلی مراقبت کنید. این نکته را هم به شما عزیزان عرض کنم که انسان دائماً در معرض ابتلاء و امتحان است. هیچ چیز يك انسان را برای همیشه

ص: 204

1- . در دیدار خانواده های شهدای استان بوشهر 1370/10/11

2- . در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده های شهدای استان کرمان 1384/2/12

مصونیت نمیبخشد؛ نه علم، نه مجاهدت، نه حتی تدبیر و تقوا، اگر انسان سعی نکند آن را حفظ بکند. این طور نیست که ما به خودمان بگوییم در راه خدا این عمل بزرگ و این مجاهدت را انجام داده ایم، پس ما دیگر آسیب پذیر نیستیم؛ نخیر، این طور نیست. حتی کسانی که کارهای بزرگ را در راه خدا انجام میدهند، اگر مراقب خودشان نباشند، آسیب پذیرند. انسان باید دائم از خود مراقبت کند.

قرآن کریم درباره ی آن مجاهدانی که در جنگ زخمی هم شدند - که دیگر از این بالاتر چیست؟ انسان، هم به میدان جنگ برود و هم مجروح بشود؛ مثل این عزیزان جانباز ما - میفرماید: «الَّذِينَ إِسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ» (1)؛ کسانی که به میدان جنگ و جهاد در راه خدا رفتند و مجروح و زخمی شدند، «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ» (2)؛ این اجر و پاداش بزرگ برای آنها میماند؛ در صورتی که تقوا و نیکوکاری را با خودشان همراه داشته باشند. و الا اگر کسی آن مجاهدت را بکند و آن ارزش معنوی را به دست بیاورد، اما خدای نکرده آن ارزش را برای خود حفظ نکند، این خسران است. چه چیزی میتواند آن ارزش را برای ما حفظ کند؟ تقوا. به همین خاطر است که در هر نماز جمعه و در هر سوره ی قرآن، تقوا دائماً به ما تذکر داده میشود. در اول قرآن - همین آیاتی که در اینجا تلاوت شد - صحبت از تقوا است: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (3). شما عزیزان، در دنیا و آخرت عزیزید؛ به خاطر اینکه در راه خدا مشکل بزرگی را تحمل کردید و آن، فقدان پدر است؛ این چیز خیلی مهمی است و باید این را حفظ

ص: 205

-
- 1- . سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی 172، ترجمه: «کسانی که [در نبرد احد] پس از آنکه زخم برداشته بودند دعوت خدا و پیامبر [او] را اجابت کردند...»
 - 2- . همان، ترجمه: «... برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزکاری کردند پاداشی بزرگ است.»
 - 3- . سوره ی بقره، آیه ی 2، ترجمه: «این است کتابی که در [حَقَائِیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه ی هدایت تقوایبندگان است.»

کنید. این ارزش، دائمی و لایزال نیست؛ بسته به این است که خودتان آن را نگه دارید و حفظ کنید؛ و حفظش به این است که تقوا را رعایت کنید. راه آن پدران و آن شهیدان را حفظ کنید. شما ان شاءالله مقامات عالی‌ی علمی را طی میکنید، محقق میشوید، دانشمند میشوید، استاد میشوید، دکتر میشوید، کارهای فنی میکنید، کارخانه‌ها را اداره میکنید، بخشهای دولتی و ملی را اداره میکنید. هر جا هستید - چه در دانشگاه و چه در محیط کار - بایستی فراموش نکنید که راه، راه همان شهیدی است که شما بازمانده‌ی او محسوب میشوید. راه او را باید دنبال کنید؛ و این، آن چیزی است که اگر ما به یاد داشته باشیم، انقلاب ما را حفظ خواهد کرد. (1)

2-3. حفظ عزت نفس و آگاهی روزافزون نسبت به اسلام

من به شما خانواده‌های شهدا عرض میکنم که هوشیاری و بیداری و عزت نفس و آگاهی روزافزوتان نسبت به اسلام را حفظ کنید؛ که بحمدالله حفظ هم کرده اید. (2)

به خود شما بچه‌های عزیز و نورچشمان هم عرض میکنم که پدران شما برای عظمت و عزت این کشور جهاد کردند و از مرگ استقبال نمودند و در راه خدا به شهادت رسیدند. البته پدران شما امروز سرافرازند و ان شاءالله در محضر خدا منتعم به نعمتهای الهی اند و به آنها خوش میگذرد. شما جوانان و نوجوانان و پسران و دختران باید هدفتان ادامه‌ی راه پدرانتان باشد. آنها در این راه شهید شدند؛ شما ان شاءالله زنده بمانید و تلاش کنید و عمری را با عزت در این راه بگذرانید. اسلام به شما نیاز دارد. شما فرزند اسلامید؛ باید سرباز اسلام باشید و در راه اسلام جهاد کنید. (3)

ص: 206

1- . در دیدار جمعی از فرزندان شاهد 1370/10/8

2- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای استان لرستان 1370/5/30

3- . در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد و مدیران و معلمان نمونه‌ی مدارس شاهد به همراه مسئولان بنیاد شهید انقلاب اسلامی، و...

1370/6/13

3-3. پاسداری از خون شهید و ارزشهای الهی شهیدان

شما عزیزان - خانواده های عزیز، پدران، مادران، همسران، فرزندان و بقیه ی کسان شهدا - این افتخار را برای خودتان حفظ کنید که حافظ خون شهید و دنباله رو راه شهید و نگه دارنده ی علم شهید باشید که همان علم راه خدا و دین خدا و حفظ ارزشهای الهی و اسلامی است. (1)

خانواده ی شهدا، جوانهای شهدا، پسرهایشان، دخترهایشان بایستی پاسداران حقیقی ارزشهای شهید باشند. امروز بحمدالله بسیاری از فرزندان شهیدان و جانبازان ما در دانشگاه ها، در رتبه های علمی یا فارغ التحصیل شدند یا در شرف فارغ التحصیلی هستند؛ مبادا امواج گوناگون، اینها را از آن ریشه ی باارزشی که دارند، غافل کند. ریشه ی آنها همان شهادت است... این، افتخار دارد. این حرکت عظیم، بزرگ ترین افتخار است. فرزندان این عزیزان، همسرانشان و خانواده هایشان به وجود اینها افتخار کنند. خود شما پاسداری کنید؛ مبادا بگذارید کسانی با تبلیغاتشان، با وسوسه هایشان این روحیه را بشکنند. من گاهی در ملاقات با خانواده های عزیز شهدا، از اینها می شنوم که از برخی از اظهاراتی که گاهی کسی گوشه کنار میکند، گله مندند. تحت تأثیر این حرفها قرار نگیرید. حقیقت را که نمیشود پوشاند؛ این حقیقت درخشان که عزیز شما توانسته است کشورش را، استقلالش را، عزت و حرمت ملی را حفظ کند. این نکته مربوط به خانواده های شهدا و خانواده های جانبازان است. (2)

3-4. حراست از مرزهای فکری و روحی اعتقادی و ایمانی خود و مردم

ملت ما، جوانان ما، زن و مرد ما نباید احساس کنند که دوران مجاهدت

ص: 207

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدا 1377/7/5

2- . در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران خراسان 1386/2/27

به پایان رسید، خطری ما را تهدید نمیکنند. ممکن است خطر نظامی ما را تهدید نکنند... اما تهاجم فقط تهاجم نظامی نیست. دشمن به آن نقاطی متوجه میشود که پشتوانه‌ی استقامت ملی ما است. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی را هدف قرار میدهد. دشمن روحیه‌ی صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار میدهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناک‌تر است. در تهاجم نظامی شما طرفتان را میشناسید، دشمنتان را می‌بینید، اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی‌بینید. هوشیاری لازم است. من از همه‌ی ملت ایران بخصوص از خانواده‌های شهیدان و از همه‌ی شما عزیزان، بخصوص از جوانها خواهش میکنم با هوشیاری کامل مرزهای فکری و روحی را حراست کنید. نگذارید دشمن مثل موریانه‌ای به جان پایه‌های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آنها را دچار رخنه کند؛ این مهم است. همه وظیفه داریم مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم. (1)

3-5. استقامت، حضور در صحنه‌ی دفاع از انقلاب و پشتیبانی از مسئولان نظام

من به شما عرض میکنم که ای پدران و مادران و همسران و فرزندان و برادران و خواهران شهدا! این آبرو و این روحیه را برای خودتان حفظ کنید؛ همچنان که بحمدالله حفظ کرده اید. دنیا تاریک و پر از ظلم است. ملتها تنه‌ایند و احتیاج به پشتگرمی دارند. روحیه‌ی شما و تداوم نهضت شما و استقامت شما، مایه‌ی روحیه و پشتگرمی برای ملتها است. شما زنان مسلمان، برای زنان فلسطین و زنان کشورهای اسلامی، مایه‌ی دلگرمی هستید. صریحاً میگویند که ما از شما - بخصوص از شما جوانان - یاد گرفته ایم. این مقاومت را حفظ کنید و این ایستادگی را غنیمت بشمارید. با استقامتتان، با وحدتتان، با حضورتان در صحنه‌های گوناگون سیاسی

ص: 208

و اقتصادی و سازندگی و اداره ی کشور، و با پیشبرد کارها و پشت سر مسئولان قرار گرفتن، آبرویی را که به اسلام داده اید، تداوم ببخشید؛ شماها اسلام را زنده کردید. (1)

ملت ما باید با همین معنویت، با همین ایمان، با همین وحدت و با همین هوشیاری و زیرکی ای که از اول انقلاب نشان داده است، در صحنه بماند. خانواده های عزیز شهدا، جوانان، شما جوانانی که برادرانتان شهید شدند، پدرانتان در جبهه ی نبرد حق با باطل جان دادند، باید جلوتر از دیگران باشید؛ خدا را شکر که هستید. (2)

خود این خانواده های مکرم (3) نیز حس کنند که در خط مقدم انقلاب قرار دارند و سهمی مؤثر و ارزشمند از تلاش افتخارآمیز ملت ایران را برعهده گرفته اند و برای عمل به تکالیف انقلابی خود باید همواره به کمک و اعانت پروردگار متکی و امیدوار باشند و والدین و همسران و فرزندان شهدا با معرفت به رتبه ی والای شهادت و پابندی به لوازم این ارزش بزرگ اسلامی، حیات جاودانه و حضور دائم شهید خود را در عرصه ی زندگی احساس کنند. (4)

بازماندگان شهدا باید به شهدا افتخار کنند؛ ولی به این کار اکتفا نکنند. باید راه شهدا را که راه دین و فداکاری برای اسلام و سربازی برای انقلاب و تقویت نظام اسلامی بود، دنبال کنید. بازماندگان شهدا، باید احترام به اسلام و استحکام بخشیدن به نظام و سربازی انقلاب را، بیشتر از بقیه ی مردم شعار خود قرار بدهند و در این راه حرکت کنند. بعضی خیال میکنند چون خانواده های شهدا مورد احترام و عطف دستگاه های

ص: 209

1- . در دیدار خانواده های شهدای استان بوشهر 1370/10/11

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای استان لرستان 1370/5/30

3- . خانواده ی شهدا

4- . حکم انتصاب حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدحسن رحیمیان به نمایندگی ولیفقیه در بنیاد شهید 1371/8/9

دولتی و مردم هستند، دیگر وظیفه ای برعهده ندارند و با دادن شهید، از آنها سلب وظیفه شده است. این، اشتباه است. هرکه برای این نظام بیشتر سرمایه گذاری کرده، بیشتر موظف به حفظ نظام است و هرکه در شرکتی، سهم بیشتری داشته باشد، نسبت به منافع آن شرکت حساسیت بیشتری دارد. خانواده های شهدا چون با دادن عزیزشان، سرمایه گذاری بیشتری برای بقای نظام کرده اند، باید بیش از تمام مردم برای حفظ نظام اسلامی و حیثیت آن حساس باشند؛ که بحمدالله این گونه هم هست و خوشبختانه بازماندگان شهدای ما به نحوی هستند که ان شاءالله کارشان موجب رضای روح مطهر شهدای ما است. (1)

6-3. افتخار کردن به شهید دادن در راه خدا

حقیقتاً افتخار دارد که انسان عزیزش را و جوانش را در راه خدا بدهد و بداند که خدای متعال را با این کار خشنود کرده است؛ «صبراً و احتساباً»، پای خدا حساب کند. بداند که این عزیزی که در راه خدا داد، یک سنگری بود که در مقابل هجوم دشمنان به عزت و به استقلال این ملت، برافراشته شد. هرکدام از شهدای شما یک سنگرند؛ این افتخار دارد؛ ... خانواده ی شهدا، پدر و مادر شهید، همسر شهید، فرزندان شهید، برادران و خواهران و خویشاوندان شهید، پدران و خواهران و همسران جانبازان باید افتخار کنند. (2)

همه ی کسانی که در جنگ تحمیلی هشت ساله - چه با حضور خود یا فرزندان و عزیزانشان - حضور و فعالیت داشته اند، مخصوصاً خانواده های شهیدان عزیز و جانبازان و اسیران گرامی، باید بدانند که در امتحانی بزرگ

ص: 210

1- . در دیدار با فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان امامیه ی پاکستان 1368/5/25

2- . در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده های شهدای استان فارس 1387/2/13

شرکت کرده و در آن سربلند بیرون آمده اند. خدا را بر این توفیق بزرگ، سپاس بگزارند و روحیه‌ی دفاع از اسلام را که موهبتی عظیم است، برای خود حفظ کنند. (1)

خانواده‌های شهدا به شهدایشان افتخار کنند. همسران رنج کشیده، پدران و مادران داغ دیده و فرزندان سایه‌ی پدر بر سر ندیده، این رنجها را کشیده اند؛ اما اکنون احساس میکنند سربلندند. پدران و شوهران و فرزندان شما بودند که توانستند این کشور را - که امروز بحمدالله عزیز است - به این عزت برسانند. اگر آنها نبودند، وضع ما طور دیگری بود. (2)

آنچه برعهده‌ی خود شما (3) است، این است که نام و یاد شهیدان را با عمل و روحیه و زبان خود، همچنان عزیز و ارجمند بدارید. دشمن باید از زبان فرزندان شهدا چیزی را بشنود که مثل گلوله‌ای در دلش اثر کند. فرزندان شهدا امروز در همه جا هستند؛ در دانشگاه‌ها، در مدارس، در مراکز کار و مسئولیت، در سطوح مختلف. عزیزان من! هر جا هستید، نگذارید درخشندگی نور شهادت که در خمیره‌ی شما است، به وسیله‌ی ترفندهای دشمنان خاموش شود و افول پیدا کند. به شهادت و راهی که پدران و عزیزان شما در آن به شهادت رسیدند، افتخار کنید و بدانید اگر شهدا و جانبازان نبودند، اگر آن ایثارگری‌ها و فداکاری‌ها نبود، این ملت امروز تیره‌ترین ملت‌های منطقه بود. اینکه می‌بینید مردم بعضی از کشورها با داشتن دین و احساسات و حرف، جرئت و میدان ابراز آن را ندارند و مسئولانی بر آنها حکومت میکنند که اجازه نمی‌دهند مردم عقاید و احساسات اسلامی خود را ابراز کنند، این وضعیّت در این کشور به خاطر سلطه‌ی طولانی آمریکا به مراتب از آن کشورها بدتر می‌شد؛ زندگی مادی و معنوی مردم لگدمال اهواء و اطماع دشمنان می‌شد. آن عنصری که به این

ص: 211

1- . پیام به خانواده‌های شهدا و ایثارگران در آستانه‌ی هفته‌ی دفاع مقدّس 1368/6/23

2- . در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلّح 1380/7/4

3- . خانواده‌ی شهدا

ملت عزت و آبرو داد و در واقع حیثیت و حرمت ملت ایران را حفظ کرد، عزیزان شما - همین شهیدان و ایثارگران - بودند. (1)

7-3. تحصیل علم و طی مدارج عالی علمی توسط فرزندان شهدا

البته در تحصیل علم هم شما به خصوص باید بیشتر تلاش کنید، تا آن کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست، نتوانند چیزی بگویند و بهانه ای بگیرند. بیشتر و بهتر از همه باید درس بخوانید و مدارج علمی را عالی تر از همه باید طی کنید. شهادت، نشانه‌ی استواری است. شهدا غالباً عناصر پولادین جبهه‌ی جنگ و جزو عناصر پولادین مردم بودند. این روحیه و این اراده باید در درس خواندن و در کار شما خودش را نشان بدهد. خیلی خوشحالم از اینکه میبینم شما بحمدالله این مقاطع گوناگون را طی کردید؛ ان شاءالله باز هم ادامه‌ی تحصیل بدهید. آنهایی که هنوز راهی برای ادامه‌ی تحصیل دارند، ادامه بدهند، تا باسوادتر و عالم تر بشوند و آن چنان که شایسته است، در جامعه و در نظام مفید واقع بشوند. این انقلاب متعلق به شماها است؛ متعلق به جوانان است؛ متعلق به مردم مؤمن و حزب‌اللهی است؛ متعلق به خانواده‌ی شهدا است؛ متعلق به فرزندان شهدا است؛ شما باید آن را اداره کنید، و شما هستید که باید ان شاءالله این کشور و این انقلاب را تحویل بگیرید. ادامه‌ی راهی را که امام بزرگوارمان آن را شروع کردند و پدران شما جاده‌هایش را کوبیدند، ان شاءالله شما باید با استواری بروید. (2)

8-3. آمادگی برای تأمین نیازهای آینده‌ی کشور

امثال شماها باید بمانند؛ این کشور به جوانهایی مثل شما خیلی احتیاج دارد؛ این را بدانید که امروز احتیاج دارد و من احتمال میدهم فردا

ص: 212

1- . در دیدار خانواده‌های شهدای کاشان و آران و بیدگل 1380/8/20

2- . در دیدار جمعی از فرزندان شاهد 1370/10/8

بیشتر از امروز احتیاج داشته باشد؛ این را حواستان باشد. ممکن است فردایی در پیش باشد که امثال شماها خیلی مورد احتیاج این کشور باشید. البته خدای متعال مرتباً رویشهای جدید دارد، این به جای خود محفوظ، اما شماها هم حیف هستید. حالا هر وقت يك نفر در راه خدا شهید میشود عیبی ندارد، خوب است. به قول شما مزدش را میگیرد، اینها مزد آن خدماتی است که انجام داده اند، اما خوب امروز فقط شهادت لازم نیست، ممکن است در فردها مورد نیاز باشد. (1)

ص: 213

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1394/8/26

فصل ششم : شهدای خاص و برجسته

اشاره

ص: 215

آقای بهشتی خیلی خیلی بزرگ بود و این مردم هنوزم که هنوز است، به نظر من آقای بهشتی را نشناخته اند. بهشتی در آینده شناخته خواهد شد. بهشتی را ماها میشناختیم که سالیان درازی کوشش او را در راه پیشبرد این انقلاب دیده بودیم از نزدیک که قدم به قدم چگونه این مرد، این انقلاب را پیش برد. کاری هم نداریم، اثبات هم لازم ندارد، اثبات خواهد شد. (1)

حادثه ی هفتم تیر همچنین نشانه ی اقتدار و استحکام هم است؛ چون اگر کسی شهید بهشتی را میشناخت و قوت فکر و اراده و ابتکار در تصمیم و اقدام را در این شخصیت ممتاز میدانست، خوب میفهمید که حذف یک چنین شخصیتی از مجموعه ی مدیریتی کشور چه معنایی میدهد. شهید بهشتی حقیقتاً مثل سنگ آسیای گرانی بود که با گردش خود، ده ها کار انجام میداد؛ تولید انرژی میکرد، کار راه می انداخت، پیش میرفت و فکر تولید میکرد. وقتی کسی مثل این شخصیت را که در مدیریت، در اجرا، در اقدام، در فکر، در مبانی فقهی و فلسفی، در تجربه و جهان دیدگی و روشن فکری و وسعت نظر در آن پایه و رتبه بود، از دل مدیریت نظامی نو پا

ص: 217

بیرون بکشند و آن را از بین ببرند، باید نظام فلج میشد؛ اما نظام نه تنها با رفتن بهشتی و با رفتن شخصیت‌های برجسته‌ی دیگری که چه با او، چه قبل از او و چه بعد از او به شهادت رسیدند، فلج و زمین گیر نشد، بلکه هرکدام از این شهادتها مثل خون تازه‌ای در رگ کالبد زنده و پُرطراوت این نظام جوان دوانده شد و او را سرحال تر، بانشاطتر و پُرانگیزه تر کرد؛ این، همان استحکام نظام است، که تا الان هم همین طور است. به همین دلیل، مردم ما برای شهادت شهدا مثل بقیه‌ی متوفی‌ها، به همدیگر تسلیت نمیگویند؛ تبریک میگویند. وقتی بهشتی شهید شد، مردم میگفتند: «تبریک و تسلیت»؛ غم در کنار فتح؛ این، هویت این نظام و انقلاب را روشن میکند. (1)

حقیقتاً مردن معمولی و در بستر، برای کسانی مثل شهید مظلوم ما مرحوم شهید بهشتی با آن همه تلاش، با آن همه همت و غیرت کم بود و باید شهید میشد. شهادت پاداش بزرگی است که خداوند به او و یارانش داد. امیدواریم که همچنان در نعیم الهی باشند و هستند و روزبه روز درجات آن عزیزان متعالی باشد و ما هم در همین راه و به سوی همین هدف، به آنها ملحق شویم. (2)

2-1. شهید مطهری

یاد چند شهید عالی مقام هم از جمله فرصت‌های این دیدار و این روز است. در صدر، شهید عزیزمان مرحوم شهید آیت الله مطهری [است] که متفکر بزرگ ما و معلّم ما و مجاهد در راه فکر و عقیده‌ی اسلامی بود و این سعادت را پیدا کرد که با شهادت خود، قبولی این مجاهدت طولانی مدّت را از خدای متعال دریافت بکند؛ خوشا به حال او! (3)

لازم است که یاد شهید همیشه زنده‌ی انقلابمان، آیت الله شهید

ص: 218

1- . در دیدار مسئولان قوه‌ی قضائیه و خانواده‌ی شهدای هفتم تیر 1383/4/7

2- . در دیدار مسئولان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های شهدای هفتم تیر 1377/4/7

3- . در دیدار معلّمان و فرهنگیان سراسر کشور 1393/2/17

مطهری را که امام فرمودند حاصل عمر مبارکشان است، گرامی بداریم و عرض کنیم که شهید مطهری (رضوان الله علیه) چشمه ی فیاض و جوشانی بود. اگر ما به خاطر شهادت ایشان متأسّفیم - در حالی که شهادت خلعت ذی قیمتی است که خدای متعال بر تن خاصّان میپوشاند و آن بزرگوار با شهادت، به مقامات عالی و معنوی که همه مشتاق آن هستند، عروج کرد - علّت آن است که این چشمه میتوانست برکات جدیدی را به عالم اسلام ارزانی کند. هر يك ساعت و يك روز از عمر بابرکت کسی مثل آن شهید بزرگوار، برای امت اسلام و یکایک مردم مسلمان، دارای فایده است، و برای او حسنه. (1)

يك جمله در باب شهید مطهری باید عرض کنم. اگرچه سیزده، چهارده سال است که در جلالت این مرد، مکرّر در مکرّر حرف زده ایم و حرف شنیده ایم، امّا این، يك کتابِ ناتمام است. فضیلت مردی مثل شهید مطهری، واقعاً در طول سالها هم قابل بیان کردن به شکلی که حقّش ادا شود، نیست. لذا، باز هم ملّت ما باید از مطهری عزیز، این شهید بزرگوار بشنود. آن جمله این است که شهید مطهری يك مبارز در راه خدا، یعنی يك مجاهد فی سبیل الله بود. منتها جهاد، انواعی دارد. یکی از سخت ترین جهادها این است که در مقابله با هجوم افکار و فرهنگهای غلط و انحرافی و درك غلط جمعی از مردم، انسانی که حق را میشناسد، بایستد و بخواهد از حق دفاع کند و با بیان، با فکر، با منطق و با سلاح زبان و قلم، ذهنها را به سمت آنچه درست است هدایت کند. این، از آن جهادهای بسیار دشوار است و شهید مطهری، این جهاد سخت را سالهای متمادی انجام داد. او انسان بصیر و نافذالبصیره ای بود؛ آدم معمولی نبود؛ بینش تیزی داشت؛ به سطح جامعه نگاه میکرد و اشتباهاتی را که در فهم عمومی ملّت ما وجود

ص: 219

1- . در دیدار با گروه کثیری از کارگران و معلّمان سراسر کشور، به مناسبت روز جهانی کارگر و روز معلّم 1370/2/11

داشت و متأثر از تلقین دشمنان بود، میفهمید که چیست و شروع میکرد با آنها مبارزه کردن. همین مبارزه، که مبارزه‌ی در راه خدا بود، کمک بسیار زیادی به پیروزی این انقلاب کرد؛ چون تا مردم فکرشان درست نباشد، کار درست از آنها سرنمیزند. فکر که درست شد، انسان درست عمل میکند. اعتقاد به یک راه درست که پیدا کرد، در آن راه به حرکت درمی‌آید و آن راه را میبیماید. شهید مطهری به شناخت مردم کمک میکرد که راه را بشناسند. پس، به پیروزی این انقلاب و به هدایت این حرکت عمومی کمک کرد. (1)

3-1. شهید رجایی و شهید باهنر

شهید رجایی و شهید باهنر که عمرشان را عمدتاً در آموزش و پرورش گذراندند. دو انسان مجاهد و پارسا و خالص، در خدمت آموزش و پرورش کشور که ما از نزدیک شاهد تلاش این دو عزیز در این زمینه‌ها، در طول سالهای متمادی و در مدت کوتاه پس از انقلاب بودیم. (2)

یاد شهدای عزیز این هفته را گرامی میداریم؛ در واقع با تکرار نام شهید رجایی و شهید باهنر، این پرچمها را که تعیین کننده‌ی خط مشی دولت و نظام جمهوری اسلامی است، مشخص تر و واضح تر جلوی چشم خودمان میگیریم، تا فراموش نکنیم که از چه راهی عبور میکنیم و به کجا میخواهیم برسیم. (3)

یاد شهیدان عزیز این روز، رجایی و باهنر را گرامی میداریم. البته این دو نفر، دو شخص بودند، لیکن فضایل انقلابی و دینی و تقوایی در آنها آن قدر بارز بود که خوشبختانه در جامعه‌ی ما یک جریان محسوب میشوند. وقتی که هفته‌ی دولت میشود و اسم شهید رجایی و شهید باهنر می‌آید، مردم در ذهنشان نیست که فقط از دو شهید تجلیل میکنیم؛ میفهمند که

ص: 220

1- . در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت روز کارگر و روز معلم 1372/2/15

2- . در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور 1393/2/17

3- . در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت 1383/6/4

يك جریان فكري و عملي و انقلابي است كه مورد تجليل قرار ميگيرد. شما هم كه اجتماع فرموديد، احترام به آن بزرگواران است. ان شاءالله كه خداوند ارواح طيبه ي همه ي شهدا و آن دو بزرگوار را مشمول رحمت خودش كند و به خاطر زحمتي كه كشيدند و اخلاصي كه ورزيدند، در اعلى درجات علّين به آنها پاسخ و پاداش دهد. (1)

از ياد شهيدان عزيزمان، مرحوم شهيد رجايي و شهيد باهنر و همچنين شهيد عراقي غفلت نكنيم؛ اينها در واقع سرسپرده و دل سپرده ي به ارزشهاي انقلاب بودند. علّت اينكه خداى متعال نام و ياد اينها را باقى گذاشته، شايد همين است. اين، نوعى شكر الهى و شكر پروردگار عالم است از بندگان خودش؛ «فَاِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (2)؛ با اينكه ما هيچ طلبى نداريم، خدا هم شكرگزارى ميكند. خداى متعال از بندگانى كه با اخلاص كار كردند و همه ي سرمايه ي خودشان را آوردند وسط، شكرگزارى ميكند. يكي از بخشهاي شكرگزارى هم همين است كه اين نام نيك در سالهاي متمادى براى اينها باقى ميمانند. اميدواريم كه ان شاءالله اين چهره هاي نوراني، در جامعه ي ما همچنان زنده باشند؛ چون اينها نماد ارزشها هستند. زنده بودن اسم اينها به معنای زنده بودن ارزشها است، يا بايد به اين شكل ان شاءالله جريان پيدا كند. (3)

2. شهدای اصناف و اقشار خاص

2-1. شهدای اصناف و بازار

مسئله ي بازار و اصناف، و ورود در ميدان مبارزه از سوى اين جمع و اين قشر، يكي از مسائل مهمّ تاريخ انقلاب ما است. بنده تصديق ميكنم

ص: 221

1- . در ديدار رئيس جمهور و هيئت وزيران به مناسبت آغاز هفته ي دولت 1376/6/2

2- . سوره ي بقره، بخشي از آيه ي 158، ترجمه: «... خدا حق شناس و داناست.»

3- . در ديدار رئيس جمهور و اعضاي هيئت دولت 1389/6/8

و از نزدیک شاهد بودم که جزو اولین گروه‌ها و شاید بشود گفت اولین گروهی که به ندای امام در نهضت پاسخ دادند، بازاریان متدین بودند - در سراسر کشور به نحوی لکن عمدتاً در تهران و بعضی شهرهای بزرگ - و فضای کشور را در سال 41 گرم کردند؛ و همچنین در طول این سالهای متمادی همین جور بوده. حالا شما از کسانی از برجستگان اصناف اسم آوردید(1) ولیکن تعداد اشخاص نام آور و برجسته، خیلی بیش از اینها است و بسیاری از اینها شناخته شده نیستند؛ این کنگره ای که شما دارید یقیناً کمک خواهد کرد به اینکه نام این آبرومندان نظام اسلامی و انقلاب اسلامی زنده بشود و احیاء بشود؛ بسیار کار بجا و بموردی است. در اصناف هم بعضی از کسانی که مشغول کار بودند، کار خودشان را در خدمت انقلاب، و در خدمت جنگ قرار دادند که اینها را ما از نزدیک دیدیم؛ بعضی خودشان رفتند جبهه؛ بعضی کارشان را بردند جبهه؛ بعضی تمویل(2) کردند جبهه‌ها را و کمکهای مالی کردند؛ کارهای بسیار باارزشی انجام گرفته و انصافاً حق و سهم آنها و نصیب آنها هم این است که حتماً يك یادبود بزرگی، کنگره‌ی خوبی انجام بگیرد، که حالا بحمدالله شما در صدد این هستید. و ان شاءالله خداوند کمک کند به شما که بتوانید این کار را با محتواهای خوب - همین طور که اشاره کردند - انجام بدهید؛... ان شاءالله موفق و مؤید باشید.(3)

2-2. شهدای نظامی

2-2-1. شهدای ارتش جمهوری اسلامی ایران

یادهای افتخارآمیز ارتش جمهوری اسلامی ایران و به طور خاص نیروی

ص: 222

1- . اشاره‌ی حجّت الاسلام احدی نژاد به اسامی برخی شهدا و برجستگان اصناف، از جمله: حاج مهدی عراقی، حاج صادق امانی، حاج سیّد اسدالله لاجوردی، حاج اسماعیل رضایی، حاج طیب، مرحوم عسکراولادی.

2- . کمک مالی

3- . در دیدار دست اندرکاران برگزاری کنگره‌ی ملی ده هزار شهید اصناف و بازار 1393/3/26

هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران - که امروز این مراسم با میزبانی این نیرو انجام میگیرد - از یاد تاریخ این کشور زدوده شدنی نیست. بله، شهیدان و فداکارانی عروج کردند و رفتند؛ ولی راه آنها که راه مجاهدت پرافتخار در راه آرمانهای اسلام و قرآن و حفاظت از میهن عزیز ایران است، همچنان ادامه دارد. روحیه ی خلبانهای ما در دوران جنگ تحمیلی از جمله ی پدیده هایی بود که در نیروهای مسلح کشورهای جهان بی نظیر یا بسیار کم نظیر بود... یاد خلبانی همچون شهید بابایی و افسر فتی عالی قدری همچون شهید ستاری هرگز از یاد ملت ایران نخواهد رفت. (1)

نیروی دریایی هم برای نیروهای مسلح و هم برای کشور مایه ی آبرو و عزت بوده و یاد شهدای این نیرو از جمله شهدای فداکار ناوچه ی پیکان همواره در تاریخ این کشور ماندگار خواهد بود. (2)

3-2. نخبگان علمی - هنری شهید

ما در علم و تحقیق نخبه های برجسته ای داریم، مثل مرحوم کاظمی آشتیانی که این سلولهای بنیادی و این تشکیلات عظیم را راه انداخت و انسانهای زیادی را تربیت کرد - همکارانش هم همان جور هستند؛ امروز هم بحمدالله این حرکت ادامه دارد - یا مثل شهید شهریاری؛ که این روزها اسم شهید شهریاری را می آوریم، چون این روزها سالگرد شهادت او است؛ بقیه هم همین طور: رضایی نژاد، علی محمدی، احمدی روشن؛ اینها نخبگانی بودند در وادی علم و تحقیق که بسیجی وار کار کردند؛ شهید شهریاری بسیجی وار کار کرد. آن روزی که درها را به روی ملت ایران خواستند ببندند - با آن شیوه هایی که حالا خیلی ها از آحاد مردم در تلویزیون، در خبرها

ص: 223

1- . در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران 1392/7/13

2- . در دیدار فرماندهان نیروی دریایی ارتش 1393/9/9

چیزهایی را شنفتند، خیلی ها هم پشت پرده است که بعدها روشن خواهد شد که چقدر خباثت کردند - که محصول این رادیوداروها به دست مردم نرسد و جمهوری اسلامی دچار مشکل بشود و گفتند «نمیفروشیم» که این مرکز تهران تعطیل بشود، اینها - مرحوم شهید شهریاری - هم مشغول کار شدند، تلاش کردند، که بعد آمدند به ما گفتند که توانستیم بیست درصد را تولید کنیم، بعد هم آمدند به ما اطلاع دادند که ما لوله ی سوخت و صفحه ی سوخت را هم ساختیم؛ دشمن [متحیر] ماند. این کار، کار بسیجی بود؛ این کار، کار معمولی نبود. در همه ی این میدانهایی که ذکر کردیم، هزاران انسان بزرگ بودند و هستند و تلاش کردند که بعضی را اسم آوردیم. (1)

کسانی که به عنوان شهید در این جلسه معرفی شدند، جزو قشرهای برتر و نخبه ی جامعه اند؛ دانشجویانند، هنرمندانند، معلمانند، دانش آموزانند؛ این نشان دهنده ی این است که انگیزه ی فداکاری در راه خدا و شهادت در این راه، در سطوح گوناگون در جامعه ی ما رواج و گسترش داشته؛ این خیلی مطلب مهمی است. استاد دانشگاه میروود شهید میشود، هنرمند میروود شهید میشود، دانشجو میروود شهید میشود. بسیاری از این نام آوران عرصه ی دفاع مقدس ما - که نامهایشان زینت بخش خیابانهای ما و مراکز ما و عکسهایشان زینت بخش محیطهای زندگی ما است - یا اغلبشان، دانشجویانی بودند؛ بعضی از اینها حقیقتاً نوابغ بودند؛ هنرمندانی بودند، معلمان بودند، اساتیدی بودند؛ رفتند و جان خودشان و عمر خودشان را - ارزشمندترین چیزی که انسان از امور مادی در اختیار دارد یعنی زندگی خودشان را - در راه خدا، در راه اهداف، هدیه کردند، تقدیم کردند؛ این بسیار مهم است. (2)

ص: 224

1- . در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین 1393/9/6

2- . در دیدار اعضای ستادهای کنگره ی شهدای امور تربیتی، کنگره ی شهدای دانشجو و کنگره ی شهدای هنرمند 1393/11/27

يك نکته در زمینه ی مسائل مربوط به مهندسين کشور در بيان ايشان ناگفته ماند و آن نقش مجموعه های جوان مهندسی در مسائل انقلاب بود؛ هم در دوران مبارزات انقلابی، دانشکده های فنی ما در همه جای کشور جزو پیشروان مبارزات بودند، هم بعد از پیروزی انقلاب، بخصوص در دوران دفاع مقدس، مهندسين واقعاً آنجا سربازان ازجان گذشته ای بودند که همه ی توانایی خود، نیروی خود، استعداد خود، هنر خود، نبوغ خود را به کار گرفتند که ما در جنگ اینها را دیدیم. میتوان گفت هر روزی يك پدیده ی نواز این جوانهای بااستعداد که رشته های مهندسی را طی کرده بودند، بروز پیدا میکرد. (1)

در همه ی این مراکز هم ما الگو داریم؛ الگوهای برجسته ای داریم که اینها نشان دادند که برجسته اند، بزرگند. در جنگ سرداران بزرگی داشتیم، شخصیت‌های برجسته؛ حالا بعضی ها نخبه ی علمی بودند، آمدند در جنگ شدند سرباز و فعال و تفنگ به دست؛ مثل مرحوم شهید چمران. چمران يك نخبه ی علمی بود، نخبه ی هنری هم بود؛ خودش به من میگفت: «من در عکاسی هنرمندم.» آمده بود جنگ، لباس نظامی پوشیده بود، شد نظامی؛ [اما] قبل از اینکه وارد این میدان بشود، نخبه بود. بعضی قبل از اینکه وارد این میدان بشوند نخبه نبودند، این میدان آنها را به فلک رساند؛ مثل اوستا عبدالحسین بٹا (2) که يك شاگرد بٹا بود؛ وارد میدان جنگ شد، رسید به خورشید، اوج گرفت، نخبه شد، آن هم چه نخبه ای! اینها برجسته اند. (3)

شهید چمران يك نخبه ی علمی بود؛ چمران را همه به عنوان يك سرباز و سردار و جنگ آور میشناسند اما چمران يك نخبه ی علمی درجه ی يك

ص: 225

1- . در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندسی 1393/11/6

2- . شهید عبدالحسین برونسی

3- . در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین 1393/9/6

بود؛ من، هم از خود او شنیدم و هم از دیگران شنیدم، در مراکزی که در آمریکا تحصیل میکرد، جزو بالاترین درجات دانشجویانی بود که آنجا تحصیل میکردند؛ يك نخبه ی علمی به تمام معنا بود اما احساس کرد نیاز است که بیاید در این میدان کار کند؛ از همان استعداد، از همان توانایی، از همان همت استفاده کرد وارد این میدان شد و کارهای کارستانی انجام داد؛ این يك نخبه است. مثلاً شهید مجید شهریاری هم يك نخبه است. در مورد کار شهریاری، دیگر بحث بحث جنگ نبود؛ يك جایی خالی بود، يك نقطه ای مورد نیاز بود، این نخبه رفت آنجا مشغول کار شد؛ و همین طور دیگر شهدای نخبه ی ما که حقیقتاً کار کردند. (1)

این دانشگاه که به نام مبارک امیرالمؤمنین مزین است، افتخارات زیادی دارد. این شهدایی که در اینجا تصویر نورانی آنها را مشاهده میکنیم، اینها همه از این دانشگاه برخاستند، در اینجا تربیت شدند و توانستند نقش ایفا کنند. در میان رزمندگان ما و شهدای عزیز ما تعدادی از جوانان دانشجوی این دانشگاه هم حضور داشتند؛ این دانشگاه جای بابرکتی است، جای مبارکی است؛ این دانشگاه محلّ پرورش و رشد انسانهایی است که امروز ملت ایران به وجود آنها میبald و آنها را مایه ی اقتدار معنوی خود به حساب می آورد؛ این را قدر بدانید و به اینکه در يك چنین مرکزی مشغول آماده سازی خودتان هستید افتخار کنید. (2)

از بیانات آقای ستّاری هم حقیقتاً من لذت بردم. خود ایشان هم نخبه است، پدر شهید ایشان هم - شهید منصور ستّاری - حقیقتاً يك نخبه بود؛ هم از لحاظ فکری، ذهنی، علمی و عملیاتی، هم از لحاظ انگیزه و ایمان و حضور در عرصه های دشوار. خداوند ان شاءالله شهید ستّاری عزیزمان را با اولیانش محشور کند؛ به ایشان هم توفیق بدهد. (3)

ص: 226

- 1- . در دیدار شرکت کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان 1393/7/30
- 2- . در هشتمین مراسم دانش آموزتگی دانشجویان دانشگاه های افسری ارتش 1393/8/26
- 3- . در دیدار شرکت کنندگان در هشتمین همایش ملی نخبگان جوان 1393/7/30

کار بسیار بجایی است که ما چهره های سالم و برجسته را در میان بخشهای مختلف اقوام کشورمان جستجو کنیم و معرفی کنیم؛ ظلم بزرگی است که انسان قبول کند شخصیت‌هایی فداکاری‌هایی کردند و برجستگی‌ها و امتیازاتی از خودشان نشان دادند و چهره‌ی اینها مغفول بماند و فداکاری اینها و مجاهدت اینها ندیده گرفته بشود. (1)

1-3. پیشمرگان مسلمان کُرد

بله همان طور که اشاره کردید، برادران شجاع و بااخلاص در منطقه‌ی کردنشین کم نبودند و در همه جای منطقه‌ی کردنشین، برادران مؤمن و بااخلاص وجود داشتند که برای انقلاب واقعاً مایه گذاشتند. گل سرسبد اینها، همین جوانانی بودند که در مجموعه‌های پیشمرگان مسلمان کُرد مجتمع شدند، سلاح دست گرفتند و رفتند در میدان؛ هم جان خودشان را به خطر انداختند، هم خانواده‌های خودشان را به خطر انداختند؛ این نکته‌ی مهمی است. در اصفهان، در تهران، در یزد، در مشهد، در تبریز اگر چنانچه فرزند یک خانواده‌ای میرفت در میدان جنگ و به شهادت میرسید، مردم نسبت به اینها اظهار ارادت میکردند؛ کسی به خود، این جرئت را نمیداد و اصلاً کسی تمایلی نداشت که اینها را تهدید کند؛ [اما] در کردستان این جور نبود؛ در کردستان بعضی از خانواده‌هایی که جوانانشان میرفتند به شهادت میرسیدند یا مبارزه میکردند، از طرف ضد انقلاب مورد تهدید قرار میگرفتند. این جوانی که در مجموعه‌ی پیشمرگان مسلمان کُرد با این شجاعت می آمد وسط میدان - که بنده یادم هست و کاملاً با این مجموعه آشنا بودم؛ مکرراً آنجاها رفته بودم، دیده بودم، می آمدند، میرفتند

ص: 227

- هم جان خودش را در معرض تهدید قرار میداد، هم آرامش خانواده ی خودش را؛ میدانستند و می آمدند؛ اینها خیلی مهم است. و امتحان خوبی دادند؛ حقاً و انصافاً امتحان بسیار خوبی دادند. (1)

2-3. سلحشوران بختیاری

اشاره

شما مردم استان چهارمحال و بختیاری را در جبهه و در پشت جبهه، با سربلندی و سرافرازی دیده ایم. سپاهیان و بسیجیان و سرداران و فرماندهان و برگزیدگان شما در جبهه های جنگ، در قالب «تیپ قمر بنی هاشم»، حقیقتاً مایه ی سرافرازی بودند، که فراموش شدنی نیست. شما مردم در پشت جبهه، از جهت کمکهای مردمی، از جهت بسیج مردمی، از جهت حضور در صحنه های گوناگون انقلاب، جزو مردم نمونه ی کشور ما هستید. خدا را شکرگزاریم که دلهای شما را به نور محبت و صفا و ایمان و عشق به انقلاب منور کرد؛ قدمهای شما را استوار، دلهای شما را امیدوار، گامهای شما را محکم و پیروزی را در صحنه های جنگ نصیب شما کرد. این، لطف پروردگار است. (2)

عشایر بختیاری در این منطقه و برخی عشایر دیگر در طول تاریخ گذشته نشان داده اند که مردمی وفادار به دین و ایمان و وفادار به استقلال کشور و علاقه مند به سرنوشت این ملت و این کشورند. در میان مجموعه های عشایری در این منطقه، انسانهای باارزشی در انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی توانسته اند بدرخشند؛ لذا این منطقه يك منطقه ی شهیدپرور است. (3)

ص: 228

1- . در دیدار اعضای ستاد کنگره ی گرامیداشت شهدای پیشمرگان مسلمان کُرد 1394/2/14

2- . در جمع مردم چهارمحال و بختیاری، در استادیوم ورزشی شهرکرد 1371/7/15

3- . در دیدار مردم ایذه 1378/1/9

مهم ترین برجستگی علیمردان خان حضور در جنگ بختیاری ها در مشروطه نیست - آن وقت يك جوانی بوده، هجده، نوزده سال یا بیست سالش بوده - مهم ترین کارش مبارزه ی با رضاخان است که بعد هم دستگیر شد و بعد هم اعدام شد به دست رضاخان؛ و ایستادگی کرد. البته اشاره کردند آقای رضایی، مادر او - بی بی - ضد انگلیسی و ضد بیگانه بوده؛ واقعاً این هم نشان دهنده ی این است که چگونه تربیت مادر، شخصیت فرزند را اصلاً شکل میدهد؛ یعنی این مادر توانست این بچه را این جور بار بیاورد که يك شخصیت برجسته ای بشود. تجلیل از شخصی مثل علیمردان خان و مادر او و شخصیتهایی از این قبیل که مبارزه کردند با استبداد و با رضاخان و با سلسله ی پهلوی، کار شایسته ای است، کار خوبی است؛ و جهت گیری های اینها هم روشن بشود؛ این پرچم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ای که گفتند (1) به نظر من چیز مهمی است که معلوم باشد که اینها کسانی بودند که با عقاید دینی و با احساسات برخاسته ی از عقیده ی دینی و تأییدشده ی به وسیله ی عقاید دینی شان مبارزه میکردند و میجنگیدند. (2)

4. شهدای مدافع حرم

اشاره

این کسانی که در سوریه به شهادت میرسند، اینها در واقع دشمن را از کشور دور نگه میدارند؛ دشمنانی که اگر در سوریه و عراق جلوی اینها گرفته نشود، به تهران و تبریز و اصفهان و مشهد می آیند. یعنی این شهیدان علاوه بر اینکه از مرقد مبارک حضرت زینب دفاع میکنند، شهیدانی هستند که دارند دشمن را از حریم کشور دور نگه میدارند. آن خبیثها اگر بر سوریه مسلط بشوند، زینبیه را با خاک یکسان خواهند کرد. آنها این جوری اند.

ص: 229

1- . آقای محسن رضایی

2- . در دیدار اعضای همایش نکوداشت شیرعلیمردان خان بختیاری 1392/12/26

این عزیزان شما که در این راه به شهادت رسیدند، حق بزرگی برگردن ملت ایران دارند؛ برای خاطر اینکه اینها با آن دشمن در آن نقطه‌ی از عالم جنگیدند که اگر جلوی این دشمن گرفته نمیشد، ما باید در خانه‌های خودمان با آنها می‌جنگیدیم، در شهرهای شما باید با آنها می‌جنگیدیم. این جوانان شما با شجاعت، با ایمان قوی رفتند و در این راه فداکاری کردند، مجاهدت کردند، به شهادت رسیدند؛ اینها جلوی دشمن را گرفتند. این برای کشور ما، برای جوانان ما، برای خانواده‌های ما یک افتخاری است. (2)

ما هم عرضی که به شما برادران و خواهران عزیز داریم در وهله‌ی اول، اظهار ارادت به شماها است که پدر شهید، مادر شهید، همسر شهید، فرزند شهید، برادران و خواهران شهید هستید؛ و در درجه‌ی بعد، تسللی به شما است. این را همه‌ی پدران، مادران، همسران، فرزندان بدانند که خون این شهدا - شهدای دفاع از حریم اهل بیت - هدر نرفت؛ این را همه بدانند. این شهدای ما، همین جوانهای شماها، همین عزیزان و امثال اینها که چند برابر آن تعدادی که از اینجا رفتند از جاهای دیگر رفتند، اگر نمی‌رفتند و دفاع نمی‌کردند، امروز دشمنان اهل بیت، حرم حضرت زینب را با خاک یکسان کرده بودند، سامرا را با خاک یکسان کرده بودند، اگر دستشان میرسید کاظمین و نجف و کربلا را هم با خاک یکسان کرده بودند؛ این کارها را آنها در تاریخ کردند، ما خبر داریم. بزرگان آنها و گذشتگان آنها، همان کسانی هستند که تقریباً دویست سال قبل آمدند کربلا، کربلا را غارت کردند، مردم را قتل عام کردند، رفتند حرم امام حسین، داخل حرم مطهر حسین بن علی (علیه السلام) - که آن قبه‌خانه‌ی عرش الهی است، مرکز

ص: 230

1- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم 1394/8/26

2- . در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم 1394/10/23

مهبط (1) ملائکه ی الهی است - ضریح حضرت را شکستند، صندوق چوبی را شکستند، آتش زدند، رویش قهوه درست کردند و نشستند قهوه خوردند؛ اینها همانهایند. اگر این جوانهای شما نبودند، نمیرفتند و دفاع نمیکردند، قضیه همان قضیه بود، مسئله همان مسئله بود. اینها رفتند از مرز ولایت دفاع کردند، از مرز دین و حریم اهل بیت دفاع کردند، خب به شهادت رسیدند. همه خیال میکردند بعد از جنگ تحمیلی باب شهادت بسته شد؛ معلوم شد که نه، «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»؛ همیشه باب شهادت باز است؛ البته همه به این سعادت نمیرسند؛ بعضی ها بودند، ماها بودیم، در عملیات، در جنگ، خب نصیب نشد. (2)

این بچه های ما، همین فرزندان شما که رفتند آنجا، در هر نقطه ای از عراق یا سوریه، در مقابل داعش شهید شده باشند، مدافع حرم حضرت زینب و مدافع کربلا و نجف اند، اینها مدافع حرمند. اگر مردان مجاهد فی سبیل الله در مقابل این عناصر خبیث که اگر دستشان به مکانهای متبرک برسد، آنجا را با خاک یکسان میکنند - این قدر اینها وقیح و خبیثند - نایستند، قطعاً از تشیع و نشانه های تشیع اثری باقی نمیماند.

البته ما جوانهایمان را برای حضور در جبهه ی جنگ به مناطق خارج از کشور [مانند] سوریه و عراق نفرستادیم، اینها برای برنامه های بالاتر و مهم تر از جنگیدن به جبهه رفتند، لکن بعضی مثل فرزندان شما به شهادت رسیدند. اینها در واقع مدافعان حرم حضرت زینب اند، مدافعان سامرا هستند، مدافعان کاظمین اند، مدافعان حرم امیرالمؤمنین و حرم امام حسین اند. گذشتگان این تکفیری ها در سالهای خیلی دور به نجف و کربلا حمله کردند، نتوانستند به نجف دست پیدا کنند، لکن وارد کربلا شدند، حرم امام حسین را با خاک یکسان کردند، ضریح امام حسین را

ص: 231

1- . فرود آمدن

2- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1394/10/7

سوزاندند، صندوق قبر امام حسین را آتش زدند؛ آنها گذشتگان همینهایند. خونهای آن جوانی که در این راه ریخته شده است، چه اهل لبنان باشد، چه اهل سوریه باشد، چه اهل ایران باشد، چه اهل عراق باشد، در دفاع از حریم تشییع ریخته شده؛ این خونها در دفاع از حرم اهل بیت (علیهم السلام) ریخته شده، لذا خیلی ارزش دارد. ما برای این شهدای عزیز که فرزندان شماها هستند، بعضی از آنها همسران شما هستند یا پدران شما هستند، خیلی ارزش قائلیم. (1)

این را بدانید که هرکدام از این شهدا، جوانهای شما در هر جای سوریه، در هر جای عراق که به شهادت رسیدند، در مقام دفاع از حرم اهل بیت به شهادت رسیدند؛ فرق نمیکند کجای عراق باشد و کجای سوریه باشد چون این جوانهای شما در مقابل کسانی ایستادند که اگر آنها مسلط میشدند، میخواستند اثری از آثار اهل بیت را باقی نگذارند. چه کسی مانع شد؟ همین جوانهای فداکار از جمله بچه های شما، همسران شما، که رفتند و ایستادند و شربت شهادت را نوشیدند. باب شهادت این جوری بر روی کسانی که این سعادت را دارند، باز است. حتی آن کسانی هم که در مقام پشتیبانی بودند و در جنگ هم نبودند؛ ما در دوران جنگ کسانی را داشتیم که در راه جبهه ماشینشان تصادف میکرد، این هم شهید است، این هم برای خدا است، این هم در راه خدا است. اینها را بایستی ما قدر بدانیم، اینها را بایستی ما با عمق جانمان و از بن دندان بفهمیم. اگر بفهمیم، نگاه ما به مسائل دنیایی فرق میکند. هر جا این بچه های شما شهید شدند، کانه پای ضریح امام حسین یا پای ضریح امیرالمؤمنین یا پای ضریح حضرت زینب شهید شدند. فرق نمیکند که در بیابانهای فلان استان سوریه یا فلان استان عراق باشد یا هر جای [دیگر] باشد، تفاوتی نمیکند. مثل اینکه دم در حرم امام حسین در مقام دفاع شهید شده

ص: 232

باشند؛ این نعمت بزرگی است، این سعادت بزرگی است. (1)

اینها اسمی هم ندارند؛ يك تعدادی شان معروف میشوند و شناخته میشوند؛ اکثرشان معروفیتی هم ندارند، اما اینها دارند امنیت را برای من و شما حفظ میکنند. اگر امنیت نباشد، دانشگاه نیست، تحقیق نیست، پژوهش نیست، نخبه سازی نیست. آنجایی که امنیت نیست، در واقع هیچ چیز نیست. (2)

این فرزندان شما در واقع جان خودشان را سپر قرار دادند برای اینکه دست این بدخواهان و این خبیثها به حرم اهل بیت نرسد، لذا شأن اینها شأن بسیار بالایی است. البته برای پدرها و مادرها و همسرها و فرزندانها سخت است، مسلم است که خیلی سخت است اما این سختی را برای خدا تحمل میکنید و ان شاءالله خدای متعال چشم شما را روشن به لطف خود، به فضل خود در عالم آخرت، در نشئه ی دیگر، در قیامت خواهد کرد؛ در آن وقتی که همه ی خلائق دچار استغاثه هستند، دچار اضطراب هستند، ان شاءالله این شهدای شما به فریاد شما میرسند، ان شاءالله آن وقت به درد شما میخورند.

این مصیبتها را شما تحمل میکنید به خاطر وظیفه ی بزرگی که اینها متحمل شدند و قبول کردند. همه حاضر نیستند فداکاری بکنند؛ آن کسانی که فداکاری میکنند برجستگان ائمتند. از اول هم همین جور بوده است؛ بعضی ها به اسلام، به خدا، به پیغمبر عقیده دارند اما حاضر نیستند در دسر قبول کنند، مشکل قبول کنند؛ اینها با کسانی که در راه خدا مجاهدتهای بزرگ و سنگین را تحمل میکنند يك جور و یکسان نیستند. (3)

ص: 233

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1393/12/25

2- . در دیدار شرکت کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» 1394/7/22

3- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1395/1/8

اشاره

يك مطلب راجع به این شهدایی که در عراق یا سوریه به شهادت میرسند عرض بکنیم. این شهدای شما که در حقیقت در دفاع از مرزهای عقیدتی و مرزهای حساس به شهادت رسیدند چند امتیاز دارند؛ يك امتیاز این است که اینها داوطلبانه به استقبال شهادت رفتند؛ يك وقت انسان در خانه ی خودش نشسته، دشمن به او حمله میکند، موشکی میخورد، شهید میشود، این هم شهید است، اما فرق میکند با کسی که از خانه بیرون می آید - «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ» (1) - هجرت میکند، این يك هجرت با ارزش است. از خانه ی خودشان، از راحت خودشان، از میان زن و فرزند و پدر و مادر، خودشان را بیرون میکشند و به سراغ جهاد فی سبیل الله میروند. این يك امتیاز بزرگ است. البته در جنگ تحمیلی هم از این قبیل زیاد داشتیم، لکن این معنا در مورد شهدای عزیزی که یا در عراق یا در سوریه در دفاع از حریمهای مطهر ائمه به شهادت رسیدند عمومیت دارد و همه شان از این قبیلند.

دوم اینکه بسیاری از این شهیدان افرادی هستند که از دوران نوجوانی و جوانی عبور کردند، نمیشود گفت هیجان جوانی اینها را کشانده، نه؛ مردی که چهل و چند سال، پنجاه و چند سال، سی و چند سال عمر دارد، اگر این به استقبال خطر رفت، این به مقابله ی با دشمن جرّار رفت، این دیگر ناشی از بُب و اعتقاد و فداکاری است.

خصوصیت دیگر این است که اینها غالباً - نه عموماً - دارای زن و فرزند و تعلّقات زندگی بودند. این فرق میکند با آن کسی که این تعلّقات را ندارد، این پابندی ها را ندارد؛ اینها غالباً از این قبیلند. این هم يك امتیاز دیگر که اجر این شهدا را مضاعف میکند.

ص: 234

1- . سوره ی نساء، بخشی از آیه ی 100، ترجمه: «... و هرکس [به قصد] مهاجرت در راه خدا از خانه اش به درآید...»

و يك امتیاز دیگر که جزو بالاترین امتیازها است، این است که اینها در دفاع از حریم اهل بیت رفتند، در دفاع از حریمها رفتند. اگر اینها به كمك جوانان محلی آنجا - چه عراق، چه سوریه - نمیرفتند معلوم نبود کار چه جوری انجام بگیرد. آن کسانی که در مقابل این جریانهای تکفیری می ایستند، در واقع در مقابل يك جبهه ی جرّار خطرناك بدتر از صهیونیست ها ایستاده اند. اینها از صهیونیست ها اگر بدتر نباشند، بهتر نیستند.

آنچه در این منطقه ی مادر منطقه ی غرب آسیا دارد اتفاق می افتد، يك بخشی از يك نقشه ی فوق العاده خطرناك دشمنان، یعنی آمریکایی ها و صهیونیست ها و غربی ها است. اینها دارند در مقابل این نقشه ی استکبار مقاومت میکنند، ایستادگی میکنند. هرکسی اینها را نفهمد، حقایق منطقه را نفهمیده. هرکسی اینها را انکار کند و بیّنات عقلی و سیاسی را نفهمیده. لذا است که اینها خیلی باارزشند. ما در روایاتمان مواردی را داریم که ائمّه (علیهم السّلام) به يك عدّه ای از شهدا اشاره کردند، گفتند اینها اجر دو شهید دارند؛ در مواردی این جوری آمده که هر يك شهیدشان اجر دو شهید دارد....

در مورد يك گروهی از مجاهدان زمان ائمّه (علیهم السّلام) در روایت آمده است که اینها در روز قیامت از روی شانه های بقیّه ی مردم عبور میکنند و به بهشت میروند، خدا اینها را پرواز میدهد. من در مورد این شهدای شما چنین تصوّری دارم؛ من خیال میکنم اینها همانهایی هستند که هر يك از شهدایشان اجر دو شهید دارد. گمان میکنم در روز قیامت که همه ی ما گرفتاریم، همه ی ما مبتلاییم - در روز قیامت اولیا هم مبتلا هستند - این جوانان شما، این فرزندان شما، این همسران شما و پدران شماها از جمله کسانی هستند که به لطف الهی به سمت بهشت پرواز میکنند و دیگران به

این شهدایی که امروز خانواده هایشان اینجا هستند که شهدای [مدافع] حرمند، يك امتیازاتی دارند که حالا من به یکی دو تا از این امتیازات اشاره میکنم.

یکی این است که اینها از حریم اهل بیت در عراق و سوریه دفاع کردند و در این راه به شهادت رسیدند. اگر دفاع از این حریمها نبود - که حالا - البته بچه های ما بخشی از آن خیل عظیم جمعیت جوانانی بودند از عراقی و غیر عراقی که فعالیت کردند - این دشمنان عنود و خبیث به حریمهای اهل بیت اهانت میکردند. شاید اگر زورشان میرسید این مکانهای متبرک را که ملائکه ی آسمان به آنها تقرّب میجویند با خاك یکسان میکردند؛ این جوانها نگذاشتند. البته عرض کردم جوانهای ما، بچه های ما آنجا خیلی کم اند، عدد کوچکی هستند، چه در عراق، چه در سوریه؛ بیشتر خودشان هستند لکن شرکت این جوانهای ما در این حادثه ی مهم یکی از امتیازات بزرگ اینها است که «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» (2)؛ عده ای از اینها به شهادت رسیدند که بچه های شما هستند، عده ی دیگری هم هستند که برای شهادت خودشان را آماده کرده اند. این يك امتیاز؛ امتیاز دفاع از حرم اهل بیت، از حرم سیدالشیهداء، از حرم امیرالمؤمنین، از حرم کاظمین، از حرم حضرت زینب (سلام الله علیهم اجمعین).

امتیاز دوم این شهدای شما این است که با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها [با او] مبارزه نمیکردند، این دشمن می آمد داخل کشور و اینجا باید با او مبارزه میکردند. آن دشمنی که در فلان استان عراق یا فلان استان سوریه جلویش گرفته شد، اگر جلویش گرفته نمیشد ما باید با اینها در کرمانشاه و

ص: 236

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1394/3/5

2- . سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی 23، ترجمه: «... برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند...»

در همدان و بقیه ی استانها میجنگیدیم و جلوی اینها را میگرفتیم. در واقع این شهدای عزیز ما رفتند و جان خودشان را در راه دفاع از کشور، ملت، دین، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی فدا کردند.

امتیاز سوّم هم این است که اینها در غربت به شهادت رسیدند؛ این هم امتیاز بزرگی است، این هم پیش خدای متعال فراموش نمیشود، نادیده گرفته نمیشود، خدای متعال جزئیات کارها را حساب میکند. (1)

شهدای دفاع از حرم اگر نبودند، ما باید حالا با عناصر فتنه گر خبیث دشمن اهل بیت و دشمن مردم شیعه، در شهرهای ایران میجنگیدیم. در برنامه های دشمن بود دیگر؛ در عراق که بودند، اینها در يك منطقه ای بودند و سعی میکردند خودشان را بکشاند به سمت منطقه ی مرزی با جمهوری اسلامی؛ و خودشان را برسانند به مناطق شرقی شان که همسایه ی جمهوری اسلامی است؛ سعی میکردند بیایند به این استانهایی که با ما هم مرزند؛ جلویشان گرفته شد، بهشان تودهنی زده شد، تارومار شدند، پدرشان درآمد، حالا [هم] که دارند بکلی ازاله (2) میشوند، جارو میشوند. در سوریه هم همین جور؛ اگر این کاری را که سرداران باارزش ما انجام دادند انجام نمیدادند، به قول این آقای مدّاح عزیزمان، حالا باید در همین دوروبر و اطراف با اینها میجنگیدیم؛ باید در همین خیابانهای خودمان و شهرهای خودمان با اینها مبارزه میکردیم. بخش مهمی از این امنیتی که امروز شما دارید، مربوط به همین مدافعان حرم است. (3)

اهمّیت و مظلومیت شهدای مرزدار

بخش مهم دیگری از امنیتی، مربوط به این مرزداران ما است؛ چه از

ص: 237

1- . در دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم 1394/11/5

2- . از بین رفتن

3- . در دیدار خانواده های شهدای مرزبان و مدافع حرم 1396/3/28

نیروی انتظامی که در مرز مستقرند، چه از نیروهای زمینی سپاه که در مرز مستقرند، چه از بقیه ی نیروهایی که در مرزها در حال رفت و آمد و استقرار و فعالیت و تلاشند؛ این ناشی از برکات آنها است؛ آنها - طفلکها - دیده هم نمیشوند! شما در خانه هایتان نشسته اید؛ از مرز چه خبر دارید؟ شما پسرتان را، دخترتان را میفرستید مدرسه، می آید، نگران نیستید؛ خودتان میروید محل کار و می آید، نگران نیستید؛ میروید در پارک می نشینید، نگران نیستید؛ راه پیمایی میکنید، نگران نیستید؛ نگران ناامنی نیستید، دارید با امنیت زندگی میکنید. چه خبر دارید که آن که در مرز ایستاده و جلوی دشمن را گرفته که وارد کشور نشود، او دارد چه میکشد؟ این را مردم خبر ندارند؛ او مظلوم است. شهدای مرزی ما مظلومند؛ چه در مرزهای جنوب شرقی یعنی منطقه ی بلوچستان و کرمان و مانند اینها، چه منطقه ی شمال غربی [یعنی] منطقه ی کردستان و کرمانشاه و بقیه ی جاها، چه بقیه ی مناطق دیگری که در مرزها مشکلاتی وجود دارد؛ در همه ی اینها، این مرزدارهای ما هستند که دارند با همه ی وجود، آنجا دفاع میکنند. اگر این مرزدارها نباشند، از بعضی از مرزهای ما هزارکیلو هزارکیلو مواد مخدر وارد کشور میکنند که هر يك كيلويش ممکن است صد جوان را بدبخت کند و به روز سیاه و به خاک سیاه بنشانند. چه کسی جلوی اینها را میگیرد؟ مرزدار ما! اینها هستند که دارند فداکاری میکنند؛ بعد هم شهید میشود؛ این شهید خیلی ارزش دارد. شهید مدافع حرم آن جور، شهید مرزبان این جور. (1)

نقش شهدای امنیتی و اطلاعاتی در آرامش کشور

شهید کارهای امنیتی و اطلاعاتی در داخل کشور [هم] يك جور؛ اینهایی که با چشمهای نافذ خودشان میگردند و تیم های خرابکار را،

ص: 238

تیم های تروریست را - که شکل و قیافه شان با بقیه ی مردم فرق ندارد، دلهایشان جهنمی است که دیده نمیشود - پیدا میکنند این مأمور امنیتی ما با تجربه ای که دارد، با هوشی که دارد، با کمکی که از مردم میگیرد، با هدایتی که خدا میکند، میتواند اینها را پیدا کند. اینها را پیدا میکنند و یک وقت شما می شنوید که چهل تیم را ضربه زدند، بیست تیم را ضربه زدند که هر یک از این تیم ها میتواند ده ها نفر را به خاک و خون بکشد؛ یک وقتی هم یکی از اینها به شهادت میرسد؛ اینها خیلی ارزش دارند. (1)

حق بزرگ شهدای مدافع حرم و مرزداری و خانواده ی ایشان بر ایران

شما که خانواده ی شهدا هستید، خودتان داغدارید و دستتان در کار است؛ من میخواهم این را عرض بکنم - این حرفها پخش میشود، گفته میشود تا مردم بدانند که این شهیدان ما چقدر دارند به این کشور خدمت میکنند - خدمت، فقط دادن آب و نان نیست؛ بالاتر از آب و نان، امنیت است؛ اینها دارند امنیت کشور را تأمین میکنند. در همه ی مرزهای کشور این جوری است؛ چه آنهایی که در خارج کشور در دفاع از حرم کار میکنند، چه آنهایی که در مرزها کار میکنند، چه آنهایی که در داخل شهرها و جاده ها برای امنیت کار میکنند، همه ی اینها حق حیات به گردن کشور دارند. (2)

5. شهدای حزب الله لبنان

5-1. فرماندهان شهید حزب الله

5-1-1. سیدعباس موسوی

5-1-1. سیدعباس موسوی (3)

با تألم و تأسف بسیار، خبر شهادت مظلومانه ی روحانی مجاهد

ص: 239

1- . در دیدار خانواده های شهدای مرزبان و مدافع حرم 1396/3/28

2- . همان

3- . دوّمین دبیر کلّ جنبش انقلابی حزب الله لبنان

و خستگی ناپذیر و رهبر فداکار حزب الله لبنان، حجت الاسلام آقای سیدعبّاس موسوی و همسر و فرزند خردسالش را به دست جنایت بار رژیم صهیونیست دریافت کردم. رحمت خدا بر این سید عالی قدر و شجاع و بااخلاص و هوشمند؛ و لعنت و نفرین خدا و خلق بر صهیونیست های ددمنش و خون آشام که در راه مقاصد پلید و تجاوزکارانه ی خود، از هیچ جنایتی روی گردان نیستند. خون بناحق ریخته ی این شهید بزرگوار عزیز و همراهان مظلومش، مبارزه ی حق طلبانه ی مردم لبنان و فلسطین را بر ضدّ اشغالگران صهیونیست جدّی تر و عمیق تر خواهد ساخت. این سید عالی قدر که علم را با عمل، و گفتار را با صدق، و فداکاری را با درایت توأم کرده بود، در راه هدف الهی و مقدّس خود که دفاع از اسلام و مقابله با ظلم و تجاوز بود به شهادت رسید و به سعادت ابدی نائل آمد و راه او به وسیله ی یاران و هم سنگران و ملت مسلمان و مظلوم لبنان و فلسطین ادامه خواهد یافت. (1)

به نظر من، آنچه که برای شهید عزیزمان آقای سیدعبّاس موسوی پیش آمد، بهترین سرانجامی است که برای يك مجاهد فی سبیل الله ممکن است پیش بیاید. برای کسی که در راه خدا تلاش میکند، بهتر از این نمیشود چیزی را فرض کرد. ما هم همین آرزو را داریم؛ اما ایشان موفق شد و زودتر به مقصد رسید. البتّه فقدان ایشان برای ما مصیبت است؛ و برای صحنه ی لبنان و بخصوص حزب الله، يك قربانی دادن در راه خدا است. مرحوم شهید سیدعبّاس موسوی شخص برجسته ای بود؛ در او خصوصیات بسیار خوبی با هم جمع شده بود؛ دین و تقوا و متانت را، با هوش و شجاعت همراه کرده بود. ما فداکاری او را در صحنه ی لبنان تجربه

ص: 240

کرده بودیم. ما در اینجا خودمان از نزدیک جوش و خروش و غم او را برای مسئله‌ی لبنان لمس کرده بودیم. من آن روزهای سخت و محنت بار درگیری‌های داخلی لبنان را فراموش نمیکنم که ایشان اینجا پیش ما آمد و تقریباً هفت ساعت با ما در یک جلسه نشست، برای اینکه به نتیجه‌ای برسیم؛ و من میدیدم که چقدر ایشان پُرخروش و مهتم به مسائل مردم و مجاهدان بود. خداوند او را رحمت کند و با اولیانش محشور نماید و به این مظلومیتی که علاوه بر شهادت برای او پیش آمد، اجر وافرایی به او و به کسانش بدهد. (1)

2-1-5. حاج عماد مغنیه

شهادت برادر مجاهد مخلص و فداکار آقای حاج عماد مغنیه برای خود او که سراپا عشق و شور جهاد فی سبیل الله بود فوزی عظیم و سرانجامی سعادت بار است و برای ملت لبنان که چنین مردان بزرگی را پرورده و به عرصه‌ی آزادی خواهی و مبارزه با ستم، تقدیم کرده، مایه‌ی سرافرازی و سربلندی است. فقدان این مرد آزاده‌ی فداکار و برجسته، اگرچه برای همه‌ی انسانهای شریف و همه‌ی آنان که او را میشناختند به ویژه برای والدین و همسر و فرزندان عزیز و دیگر کسان و یارانش دردناک است، ولی زندگی و مرگ انسانهایی مانند او، حماسه‌ای است که ملت‌ها را بیدار میکند و به جوانان الگو میدهد و افق‌های روشن و راه رسیدن به آن را برای همه ترسیم مینماید. صهیونیست‌های خون‌خوار و جنایت‌کار بدانند که خون مطهر شهیدانی همچون عماد مغنیه صدها عماد مغنیه می‌آفریند و مقاومت در برابر ظلم و فساد و طغیان را دوچندان میکند. مردانی چون این شهید بزرگوار، زندگی و آسایش و بهره‌مندی‌های مادی خود را در راه دفاع از مظلوم و مبارزه با ظلم و استکبار فدا کردند. و این ارزش والایی است که

ص: 241

همه ی وجدانهای انسانی در برابر آن سر تعظیم فرود می آورند. رضوان خدا بر او و بر همه ی مجاهدان راه حق باد. (1)

2-5. دیگر شهدای شاخص حزب الله لبنان

1-2-5. شهید هادی نصرالله

جناب حجّت الاسلام عالم مجاهد آقای سیدحسن نصرالله (دامت معالیه) شهادت افتخارآمیز فرزند عزیز و جوان برومندتان را به شما و مادر گرامی اش تبریک و تسلیت میگویم. این آزمایش بزرگ دیگری است که شما در راه خدا آن را با سرافرازی میگذرانید و فهرست آزمایشهای دیگری را که در دوران پررنج و پُراجر جهاد و مقاومت، صبورانه طی کرده اید با آن زینت میبخشید. رژیم غاصب و متجاوز و ددمنش صهیونیستی از جنایتهای خود که به شهادت بهترین جوانان لبنان و فلسطین، می انجامد هیچ بهره ای نخواهد برد و خون هادی شهید و دیگر فرزندان شهید اسلام در لبنان، آتش مقاومت در برابر رژیم اشغالگر فلسطین و لبنان را مشتعل تر خواهد ساخت. (2)

دعای پایانی

پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند می‌دهیم روزبه روز یاد شهیدان ما را در کشور ما زنده تر کن. پروردگارا! روزبه روز عزّت شهیدان و عزّت خانواده های شهیدان را در کشور ما بیشتر کن. پروردگارا! این نور شهادت، این فضای شهادت، این طلب شهادت، این شور و شوق به شهادت را که در دل بعضی ها هست، خاموش مکن. پروردگارا! هرکسی را که این شوق و شور به معنای واقعی کلمه در دل او هست، به این فضیلت

ص: 242

1- . پیام به دبیر کلّ حزب الله لبنان به مناسبت شهادت حاج عماد مغنیه 1386/11/25

2- . پیام تبریک و تسلیت به حجّت الاسلام سیدحسن نصرالله به مناسبت شهادت فرزند ایشان 6/23/1376

برسان؛ تفصّلات خودت را درباره ی آنها زیاد کن، شهدا را با پیغمبر محشور کن، با شهدای کربلا محشور کن. روح مطهر امام بزرگوار ما را که سلسله جنبان شهادت بود، از ما راضی و خشنود کن. قلب مطهر ولیّ عصر را از ما راضی و خشنود کن و ما را به رضای آن بزرگواران روزه روز نزدیک تر کن. (1)

ص: 243

1- . در دیدار خانواده های شهدای مرزبان و مدافع حرم 1396/3/28

نمايه ها

اشاره

ص: 245

- ذلك الكتاب لا ريب فيه... --- بقره --- 2 --- 205
- ولا تقولوا لمن يقتل في... --- بقره --- 154 --- 40، 67، 68
- ولنبلوكنكم... وبشر الصّابرين. --- بقره --- 155 --- 199
- الذين إذا أصابتهم مصيبة... --- بقره --- 156 --- 199
- أولئك عليهم صلوات... --- بقره --- 157 --- 198، 201
- إن... فإن الله شاکرٌ عَلِيمٌ. --- بقره --- 158 --- 221
- وما... أفان مات أو قتل... --- آل عمران 144 --- 4
- وكأين من نبي قاتل معه... --- آل عمران 146 --- 23
- ولا تحسبنّ الذين قتلوا... --- آل عمران 169 --- 40، 67، 68، 134
- فرحين... ويستبشرون... --- آل عمران 170 --- 8، 67
- الذين استجابوا لله والرسول... --- آل عمران 172 --- 205
- وما لكم لا تقاتلون في... --- نساء --- 75 --- 113
- ومن... ومن يخرج من بيته... --- نساء --- 100 --- 234
- ولا تهنوا... إن تكونوا تآلمون... --- نساء --- 104 --- 11
- الذين... ولن يجعل الله... --- نساء --- 141 --- 113
- يا أيها... لا يضركم من... --- مائدة --- 105 --- 35
- لو خرجوا... ولأضعوا... --- توبه --- 47 --- 88

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ... --- توبه --- 111---9، 10، 12-14، 29، 196

أَلَا... لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ... --- يونس --- 62---183

من... وهم فيها لا يبخسون. --- هود --- 15---197

ما تعبدون... إِنَّ الْحَكْمَ إِلَّا... --- يوسف --- 40---113

له معقباتٌ... إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ... --- رعد --- 11---92

فاصدع بما تؤمر وأعرض... --- حجر --- 94---24

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ --- حجر --- 95---24

فلا تعلم نفسٌ ما أخفى لهم... --- سجده --- 17---64

أشحةً... فإذا ذهب الخوف... --- احزاب --- 19---155

من... فمنهم من قضى... --- احزاب --- 23---30، 72، 117، 141، 236

الَّذِينَ يَلْعَنُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ... --- احزاب --- 39---23

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ... --- فصلت --- 30---185

فما... وما عند الله خيرٌ... --- شورى --- 36---184

يوم... يسعى نورهم بين... --- حديد --- 12---65

يوم... ارجعوا وراءكم... --- حديد --- 13---66

وَالَّذِينَ... ويؤثرون على... --- حشر --- 9---136

يقولون... ولله العزة... --- منافقون --- 8---113

ارجعني إلى ربك راضيةً... --- فجر --- 28---50

فمن يعمل مثقال ذرة خيراً... --- زلزال --- 7---197

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ. كَوْثَرٌ --- 1---15

الف: عربی

فلا تبیعوها بغيرها ---- 10

لا یوم کیومک یا ابا عبد الله ---- 19، 26

یا عمّ! و الله لو وضعوا الشمس... رسول اکرم (ص) --- 24، 25

الهی هب لی کمال الانقطاع... ---- 41

إنّ الجهاد بابٌ من أبواب... ---- امام علی (ع) --- 42

الا لا یحمل هذا العلم الا اهل... امام علی (ع) --- 55، 125

و امتنا به و لم نره صدقاً و... ---- 173

ما رأیت الا جمیلاً. --- حضرت زینب (س) 178، 188، 189

فتحہ الله لخاصة اولیائه --- امام علی (ع) --- 203

ب: فارسی

وقتی هر خیر و هر ارزشی... ---- 7

یا علی! آن روزی که به تو... --- رسول اکرم (ص) --- 45

هر جماعتی که در داخل... --- امام علی (ع) --- 54

هرکس یک بیت شعر درباره ی... امام صادق (ع) --- 137، 138

یک نفر از پیغمبر (ص) شنید... ---- 204

ائمه (ع) به یک عده ای از... ---- 235

اینها در روز قیامت از روی... ---- 235

چرا که تو وعده کردی و او بجا آورد... حافظ --- 70

زن مگو، مرد آفرین روزگار... عمّان سامانی 184

وقت مردن آمد و جستن ز جو... مولوی --- 47

ص: 251

آبادی کشور، سازندگی کشور: 29، 69، 129، 130، 209

آرامش، سکینه ی قلبی: 8، 15، 16، 25، 57، 165، 172، 203، 228، 238

آرمان گرایی: 5، 45

آرمانهای امام (ره): 46، 47، 79

آرمانهای بشری: 150

آزادی بیان: 76

آزادی: 53، 74-77، 89، 117

آیات جهاد: 150

ابرقدرت ها، قدرتهای زورگو، قدرتهای جهانی، دولتهای استکباری، مستکبران: 18، 41، 56، 57، 76، 80، 94-97، 100-102،

104، 109-112، 116، 119، 126، 127، 132، 133، 138، 152، 157، 161، 176، 182، 185، 189، 203، 235

اتاق جنگ: 50

اتکاء به خدا، توکل به خدا: 43، 74، 92، 112، 114، 176، 209

اثرگذاری در دنیا: 106، 186

احساس افتخار، احساس شخصیت، احساس عظمت، احساس عزت: 102، 104، 134، 154، 188، 189، 192، 193

احساس تکلیف، احساس مسئولیت، مسئولیت پذیری: 47، 50، 51، 53، 149

احساس حقارت، احساس ذلت، احساس کوچکی، احساس خضوع: 102، 104، 181، 188

احساسات الهی، احساسات دینی: 49، 105، 211، 229

احساسات انقلابی، روحیه ی انقلابی، روح حسینی: 49، 51، 164، 178

اختناق: 187

ص: 253

اخلاص، خالص شدن: 4، 19، 26، 39، 40، 41، 45، 59، 64، 76، 81، 86، 99، 123، 126، 221، 227، 240

ادامه ی راه شهید، ادامه ی شهادت، دنبال کردن هدف شهید: 132، 139، 143، 156، 157، 180، 192، 203، 204، 206، 207، 209، 212، 240

اراده ی الهی: 33، 35، 57

اراده ی انسانی، اراده ی مردم: 43، 58، 93، 126، 188، 203

ارزش الهی، ارزش اسلامی، ارزش معنوی، ارزشهای متعالی: 19، 22، 36، 53، 56، 77، 131، 156، 207، 209

ارزش شهادت، عظمت شهادت، اهمّیت شهادت: 4، 6، 7، 15-18، 45، 54، 59، 72، 105، 106، 117، 152

ارزش مادی: 38

ارزشهای انسانی، شرافتهای انسانی: 3، 5، 6، 132

استبداد: 78، 229

استحکام درونی، استحکام نظام: 81، 84، 218

استحکام بخشی: 83، 86، 87، 89، 115، 141، 174، 209، 218

استعداد علمی، نخبه، نابغه: 78، 85، 148، 223-226

استعمار: 18، 99

استقبال از خطر، نترسیدن از خطر، ایستادگی در مقابل خطر، در معرض خطر رفتن: 28، 30، 33، 40، 53، 65، 141، 155، 180، 186، 189، 227، 228، 234

استقبال از شهادت، در آرزوی شهادت، شهادت طلبی، پذیرش شهادت، دل دادن به شهادت، اهل شهادت، اعتقاد به شهادت، شوق شهادت: 40، 41، 43، 52، 56-59، 80، 81، 84، 93، 94، 105، 107، 108، 113، 114، 149، 151، 190، 194، 203، 206، 234، 240، 242

استقلال: 9، 39، 52، 72، 75-80، 96، 97، 99، 111، 117، 141، 154، 157، 207، 210، 228

استکبار: 57، 77، 88، 94، 97، 98، 102-104، 110-112، 153، 157، 161، 176، 185، 235، 241

اسلام ناب، اسلام جهاد، دین حقیقی: 17، 77، 111، 112، 125، 185

اشراف شهدا بر عالم دنيا، توجه شهيد به بازماندگان، شفاعت شهدا، كمك

ص: 254

شهید، حضور شهید، به فریاد رسیدن شهید: 9، 68، 197، 200، 201، 209، 233

اعتقاد به اسلام، تمسک به اسلام، پیرو اسلام، توجه به اسلام، حرکت در راه اسلام، علاقه به اسلام، آگاهی به اسلام، احترام به اسلام، پذیرش اسلام: 67، 87، 88، 97، 100، 113، 158، 174، 176، 177، 206، 209، 233

افتخار به شهیدان: 9، 49، 95، 154-157، 172، 178، 180، 181، 183، 188، 189، 191، 193، 195، 209-211

اقامه ی حکومت اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، استقرار نظام اسلامی: 34، 97، 119، 185

اقامه ی دین، به پا داشتن دین: 27، 95، 96

الگو شدن ایران، سرمشق شدن ایران، الهام بخشی ایران: 104، 115-117، 133، 178، 180، 195، 208

الگو قرار دادن شهیدان، سرمشق بودن شهیدان، الگوسازی شهیدان: 45، 65، 70-، 73، 134، 135، 241

الگوگیری از معصومین (ع): 48

انجام وظیفه، تکلیف گرایی، عمل به تکلیف: 38، 49، 50، 54، 55، 118، 131، 132، 148، 186، 209

انفعال در برابر دشمن: 57، 58

انقطاع به سوی خدا، حالت فنا: 41، 165، 178

انقلاب اسلامی: در بسیاری از صفحات

اهتزاز پرچم اسلام، سرافرازی پرچم اسلام، سربلندی پرچم اسلام: 52، 74، 77، 101، 103، 104، 110، 119، 123، 140

ایجاد اختلاف: 94

ایمان آگاهانه، دین فهمی، ایمان عمیق، ایمان صادقانه، ایمان پایدار، ایمان بالا، ایمان خالصانه، ایمان مستحکم، ایمان قوی: 46، 47،

52، 86، 87، 132، 142، 155، 173، 174، 208، 230

باب شهادت: 42، 64، 182، 231، 232

باطل کردن محاسبات، به هم زدن محاسبات: 5، 80، 114

بصیرت، روشن بینی، آگاهی، ذهن روشن: 50-53، 55، 75، 86، 125، 126، 131، 134، 139، 147، 182، 189، 190

بعثت: 24

بمباران شیمیایی: 134

به فساد کشیدن جامعه، ترویج فساد:

ص: 255

بهره‌گیری از هنر، قالب هنری، شیوه‌ی هنری: 163، 159، 145

بیداری اسلامی، بیداری مسلمین: 189، 159، 118، 99

بیداری مردم، بیداری ملت‌ها، هوشیاری ملت: 241، 209، 206، 185، 132، 116، 115، 75، 70

پاسداری از خون شهدا، پاسداری از حرمت شهیدان: 207، 174، 158، 157، 156، 130، 124، 76

پاك دامنى: 42، 11

پذیرش قطعنامه: 41

پرورش انسانهای صالح، تربیت جوانان پاك، تربیت اسلامی: 229، 226، 199، 192، 187، 186، 177، 134، 82، 81، 48، 42

پشتیبانی از جبهه، کمک‌های مردمی جبهه: 232، 228، 222

پشتیبانی از مسئولان: 209، 208

پیام شهدا، درس شهیدان: 171، 147، 133-129، 68، 57، 35-33

پیروزی انقلاب: 225، 220، 192، 190، 175، 147، 128، 116، 110، 105، 56، 40، 34، 28، 21

پیروزی خون بر شمشیر: 114

پیشرفت حق، رونق دین، رشد دین، بالندگی اسلام، سربلندی اسلام، عزیز شدن اسلام، عظمت بخشیدن به اسلام، طلوع اسلام، سرافرازی حق، احیاء دین، اعتلای اسلام: 127، 125، 119، 117-115، 112، 110، 109، 105-103، 100، 99، 91، 73، 54، 25، 18

129، 130، 131، 175، 195، 209

پیشرفت علمی: 85، 78، 74، 73، 70، 69

پیشرفت کشور، تعالی کشور، پیشبرد ملت: 186، 184، 140، 134، 126، 118، 97، 79، 78، 70، 68، 55، 29

تاریخ اسلام: 173، 135، 88، 73، 47، 35، 26، 22، 17، 16

تاریخ بشریت: 140، 111، 64، 34، 27، 26

تأمین نیازهای کشور: 226، 213، 212

تبلیغات جهانی، تبلیغات استکبار، تبلیغات دشمن: 56، 112، 138، 139، 154

تبلیغات حق: 139

تبلیغات مخرب، تبلیغات دروغ، تبلیغات مغرضانه: 94، 138، 139، 153، 154

تحقیر مردم، تحقیر ملت: 95، 116، 160

تحمل سختی، تحمل مشکلات،

ص: 256

تحمل مصیبت، مقابله با مشکلات: 11، 23، 26، 28، 36، 44، 49، 103، 105، 115، 136، 137، 146، 156، 166، 172،
173، 176، 177، 183، 193، 196، 198-201، 205، 233

تحوّل روحی، تغییر در دل، انقلاب معنوی: 85، 135، 163

ترجیح مصالح امت: 52

ترس از مرگ: 4، 59، 76

ترور: 75، 84، 86، 88، 91، 111، 117، 217، 218، 239

تسلیم شدن: 35، 94، 112، 114، 203

تظاهر به اسلام: 102

تعاون اجتماعی: 93

تعریف شهادت، معنای شهادت، مفهوم شهادت: 3-7، 10، 12، 14، 65، 75، 76، 81، 94، 105، 135، 136، 140، 143، 144

تفحص شهدا: 98

تفسیر قرآن: 17، 68

تقوا، پرهیزکاری: 11، 42، 87، 147، 205، 206، 220، 240

تقویت ایمان: 80، 107

تقویت روحی: 46، 132

تکلیف الهی، تکلیف انقلابی: 45، 186، 209

تنبلی، راحت طلبی، بی حالی: 93، 155، 203

توجه به خدا، انس با خدا، با یاد خدا، عشق الهی: 41، 43، 44، 48، 77، 166، 177، 178

توسّل به شهدا: 201

توطئه ی دشمن، نقشه ی دشمن، تجاوز دشمن، کمین دشمن، تهاجم دشمن، تهدید دشمن، ظلم دشمن، فشار دشمن، فساد دشمن: 13،
18، 24، 37، 43، 53، 54، 75، 81، 87، 91، 94-97، 99، 101، 102، 117، 128، 137، 139، 141، 150، 154، 155

181، 185، 210، 211، 234، 235

تهاجم فرهنگی، تنهاجم نرم: 150، 208

جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ی مسلمین: 17، 21، 26، 34، 81، 109، 115، 186

جریان تکفیری، تکفیری‌ها: 231، 235

جمع کردن غنیمت، دنبال غنیمت رفتن: 34، 35، 39

جنگ تحمیلی، دفاع مقدّس: 17، 22، 33، 36، 39، 40، 44، 48، 50، 51، 53، 55، 56، 58، 71، 77، 79، 83، 86، 87، 92،

98، 99، 107، 110، 111، 114، 117، 123، 127، 138، 139، 142، 145، 147، 148، 151، 153، 160-165، 171، 175،

177، 182،

ص: 257

183، 189، 190، 193، 194، 210، 212، 222-225، 228، 231، 232، 234

جنگ داخلی: 181، 241

جهان بینی الهی: 45، 46

چسبیدن به زندگی، ماده پرستی، مادی گری، اسیر مادیّت: 48، 67، 114، 116، 150، 195

چشم انداز روشن، آینده ی روشن، افق روشن: 11، 104، 241

حادثه ی کربلا، حادثه ی عاشورا: 18، 19، 26، 27، 89، 90، 99، 100، 138، 159، 188، 189

حادثه ی هفتم تیر: 84، 87، 88، 111، 217

حسن التّبعّل (شوهرداری نیکو): 192

حضور در تشییع شهدا: 124، 149

حضور در صحنه: 19، 133، 189، 190، 208، 209، 226، 228

حضور در مناطق جنگی: 145

حفظ استقلال، دفاع از استقلال: 9، 95، 99، 111، 141، 154، 207

حفظ اسلام، بقای اسلام، حفظ دین، حفظ آبروی اسلام: 26، 41، 99، 100، 111، 127

حفظ امنیّت، تأمین امنیّت: 233، 239

حفظ انقلاب، بقای انقلاب، استمرار انقلاب: 40، 42، 81، 91، 119، 206

حفظ نظام اسلامی، تقویت نظام اسلامی، بقای نظام: 35، 42، 209، 210

حفظ یاد شهید، گرامی داشتن یاد شهید، احترام به شهید، تکریم شهید، زنده نگه داشتن یاد شهید، قدرشناسی از شهدا: 3، 9، 58، 77،

79، 123، 124، 126-128، 132-138، 140-144، 147، 148، 153-158، 161، 211، 221، 222، 242

حکومت اسلامی، حکومت قرآنی، حاکمیّت اسلام، حاکمیّت دین: 34، 39، 104، 129، 131، 139، 156

حیات جاودان، بقای دائمی، زندگی ابدی: 12، 13، 65، 78، 209

حیات معنوی، حیات اسلامی: 67، 144

خدمت به اسلام، خادم اسلام: 28، 109

خدمت به ملت، کار برای مردم: 28، 47، 91، 126، 187، 239

خشم انقلابی: 92

خواندن وصیت نامه ی شهدا: 44، 63، 67، 161، 163، 165، 166

خودآگاهی: 50، 52

خودباوری، اعتماد به نفس: 7، 189

ص: 258

خودخواهی، خودپرستی: 56، 132، 149، 150

خودسازی، مراقبت از خود، حراست از مرزهای اعتقادی: 203-205، 207، 208

خیانت به ملت، خیانت به کشور، خدمت به دشمن: 35، 82، 126، 128، 151، 152

درجات شهادت، مراتب شهیدان: 16، 21، 83، 209

دفاع از اسلام، یاری دین، دفاع از حق، دفاع از دین، دفاع از مرز عقیدتی: 18، 20، 47، 52، 56، 58، 72، 79، 117، 131، 138، 141، 207، 208، 211، 219، 231، 232، 234، 237، 240

دفاع از انقلاب: 47، 55، 56، 125، 187، 208، 237

دفاع از حرم، دفاع از حریم اهل بیت (ع)، دفاع از مرز ولایت، دفاع از حریم تشیع: 13، 229-239

دفاع از میهن، دفاع از آبروی کشور، حفظ میهن، نجات کشور، حفظ حرمت ملت: 39، 55، 56، 76، 77، 80، 95، 99، 103، 116، 127، 128، 131، 138، 141، 187، 202، 207، 212، 223، 229، 237، 238، 239

دفاع از نظام، دفاع از ارزشهای نظام:

72، 79، 97، 117، 131، 237

دوران غیبت: 137

دولت وابسته، حکومت وابسته: 117، 118

دیدگاه قرآنی، معیار الهی، مبانی دینی، معیار اسلامی، مقیاس معنوی: 4، 7، 66، 133، 154

راز پیروزی، رمز انقلاب: 38، 42

رحمت الهی: 72، 114، 149، 182، 197-199، 221، 240، 241

رستگاری جامعه، سعادت خلق، سعادت جمعی، سعادت ملت، سعادت دنیا و آخرت کشور: 51، 52، 69، 72، 74، 95، 117، 130، 133، 156، 167

رسیدن به نتیجه، نزدیک شدن به هدف، رسیدن به آرمان: 49، 50، 69، 93، 98، 186

رشد استعدادها: 71

رشوه گرفتن: 94

رضای الہی، رضوان الہی: 10، 11، 34، 39، 42، 51، 52، 66، 69، 78، 133، 149، 174، 202، 210، 242

رفتن به جبهه، حضور در صحنه ی جهاد، وارد شدن به جهاد، اقدام به جهاد، رفتن به میدان: 15، 19، 22، 37، 39، 46، 49، 50، 52، 55، 56

ص: 259

65، 71، 77، 82، 85، 87، 92، 96، 105، 128، 141-143، 158، 164، 172، 177، 180، 184، 189-191، 193، 195،
205، 210، 222، 227، 231

رفع فتنه: 87

رقابت خصمانه ی زن و مرد: 186، 187

روحیه ی ایثار، روح فداکاری، فرهنگ ایثار: 80، 81، 130، 131، 136

روشن گری: 74، 75

ریاضت کشیدن: 5، 164، 165، 166

زبان مادری: 160

زندگی مرقّه، زندگی راحت: 44، 46، 98، 197

زیر ستم، زیر سلطه، زیر ظلم: 92، 93، 96، 118، 119، 127، 160

زیر سؤال بردن شهادت، زدن ریشه ی مجاهدت، تخطئه ی دوران دفاع مقدّس: 151-154

سرمایه ی اصلی، برترین سرمایه، سرمایه ی بزرگ: 3، 10، 12، 75، 129، 138، 141، 148، 221، 224

سعادت ابدی: 9، 12، 13، 39، 78، 240

سلاح اتمی: 107

سلطه گری، قدرت طلبی، سلطه طلبی، سیطره جویی: 55، 56، 101، 112، 113، 133، 150، 157

سلولهای بنیادی: 223

سنّت الهی: 14، 41، 58، 110، 115، 159

سنّت جاهلی: 112

سیره ی اهل بیت (ع): 177

شجاعت اقدام: 53، 54

شعار «الله اکبر»: 104

شکست محاصره ی آبادان: 98

شناخت دشمن: 54، 72، 88، 133

شوق لقای پروردگار: 44، 165

شهدای اصناف: 221

شهدای امت اسلامی: 117، 118

شهدای امنیتی: 238

شهدای انقلاب اسلامی: 17، 53، 147

شهدای دانش آموز: 50

شهدای دانشجو: 52

شهدای زنده: 28، 29، 30

شهدای غواص: 149

شهدای مدافع حرم: 13، 229، 231، 234، 236-239

شهدای مرزدار: 237-239

صبر خانواده ی شهدا: 10، 97، 124، 126، 156، 172-176، 179، 180، 182، 183، 185، 188، 190، 195-197، 199-

201، 203

ص: 260

صدر اسلام: 16، 17، 21، 22، 37، 50، 83، 110، 131، 135، 154، 173، 179، 185، 187

صراط مستقیم: 115

ضد انقلاب: 181، 227

ضربه به دشمن، شکست دشمن، مقابله با قدرتها، مقابله با دشمنان، مبارزه با ظلمتها، مبارزه با طاغوت، ظلم ستیزی، خوار نمودن دشمن، دور کردن خطر دشمن، سیلی به دشمن، ناکامی دشمن، قطع دست طواغیت: 13، 18، 21، 23، 26، 40، 43، 46، 57، 58، 73-75، 77، 79، 81، 94-96، 98، 101، 110، 111، 113-115، 129، 132، 133، 154، 155، 157، 161، 181، 185، 194، 195، 210، 229، 230، 234-238، 240، 241

ضعف نفس: 76

طاغوت: 23، 51، 109، 113، 190

عالم اسلام، دنیای اسلام: 17، 27، 73، 90، 99-102، 124، 130، 136، 138، 190، 219

عالم عامل: 19، 240

عدل، عدالت: 23، 89، 139، 142

عزت اسلام: 70، 94، 100، 104، 105، 130

عزت ملت، عزت میهن، شرف ملی، آبروی ملت: 29، 39، 52، 55، 69، 70، 72، 77-79، 92-95، 97-99، 110، 111، 116، 117، 130، 133، 134، 138، 154، 157، 158، 183، 184، 195، 202، 206، 207، 210، 211، 212، 223

عزت نفس: 130، 206

عقب ماندگی: 69، 79

عقب نشینی: 59، 74

عیاشی، شهوترانی: 47، 112

غربت اسلام: 18

غلبه ی احساسات: 49

فتح الفتوح امام (ره): 48

فداکاری، ایثارگری: در بسیاری از صفحات

فدای اسلام، فدای راه خداوند، تقدیم اسلام: 17، 55، 58، 175-177، 191، 192، 209

فراموشی دشمن: 129

فردگرایی غربی: 136

فرصت شناسی، شناخت نیاز لحظه، شناخت موقعیت حساس، اقدام به موقع: 17، 53، 54، 55، 131، 132، 134

فرهنگ اسلامی: 147، 149

فرهنگ شهادت: 136، 144، 149، 150

ص: 261

فضای انقلابی، فضای مجاهدت، جریان انقلابی: 150، 151، 190، 221

فضایل اخلاقی، فضایل دینی: 186، 220

فلسفه ی شهادت: 137

قدرت معنوی، نیروی معنوی، اقتدار معنوی: 42، 43، 107، 109، 171، 226

قدرت ملی، اقتدار ملی: 80، 93، 97، 105، 106، 113، 155، 158، 189

قدرت نیروی انسانی، عظمت انسانی: 55، 125، 184

قدردانی از خانواده ی شهدا، تکریم خانواده های شهدا: 82، 123، 124، 126-128، 130، 143، 173، 203

قله ی کمال: 63، 64

قیام برای خدا، قیام برای اسلام: 7، 18، 65

کرامت انسانی: 113، 133

کشتار دانش آموزان: 51

کشور اسلامی، ممالک اسلامی: 19، 28، 48، 69، 97، 101، 102، 104، 112، 128، 130، 187، 208

کمک الهی، توفیق الهی: 9، 93، 154، 202، 209

کوبیدن اسلام، شکست اسلام، محو اسلام، نابودی اسلام، دشمنی با اسلام، از بین بردن اسلام، خارج کردن اسلام از صحنه: 18، 99-

102، 112، 115

کهنه نشدن شهادت، از یاد نرفتن شهیدان، فراموش نشدن یاد شهیدان: 14، 15، 36، 83، 87، 88، 130، 140، 144-147، 153،

155، 162

گذشت از شهوات، بی اعتنا به شهوات، گذشت از لذات زندگی، دل بریدن از عواطف، گذشت از خود، گذشت از جان، گذشت از آرزوها، جان فشانی: 5، 20، 33-35، 37-39، 41، 48، 51، 52، 56، 64، 74، 77، 78، 92-94، 97، 100، 104، 110، 113،

114، 119، 135، 136، 145، 149، 164، 166، 182، 190، 196، 225، 234

گرایش به معنویت: 115، 116، 178

گروهکهای وابسته: 112

گروه های جهادی: 113

گم کردن جان: 12

گمنامی: 57، 58

محاصره ی اقتصادی، یورش اقتصادی: 87، 94

مردم سالاری دینی: 78

مرگ تاجرانه: 7، 14

مرگ معمولی، مرگ ناگزیر، مردن: 4-11، 89، 172، 198، 218

ص: 262

مسئله گویی، بیان حکم شرعی: 22، 23

مشروطه: 229

مصالح مردم، مصالح جامعه، منافع ملت، صلاح کشور: 33، 52، 73، 94، 126، 132

مصرف زدگی: 112

مصیبت خوانی، نوحه سرایی: 125، 162

معارف اسلامی، عقیده ی اسلامی، تعالیم دینی: 67، 69، 90، 144، 150، 218، 229

معامله با خدا: 10، 12، 29، 107، 128، 140، 196

مقابله با هجوم افکار غلط: 219، 220

مقام شهیدان، منزلت شهید، فضیلت شهید: 20، 21، 63، 65، 77، 117، 183، 194، 200

مقام معنوی، رتبه ی معنوی، کمال معنوی: 77، 186، 194، 198، 219، 221

مقاومت، ایستادگی، پایداری، استقامت: 11، 18، 24، 25، 30، 37، 40، 46، 55، 57، 59، 74-77، 79، 81، 82، 86، 91، 94، 95، 102، 107، 110، 113، 114، 116، 125، 126، 132، 133، 142، 150، 152، 155، 157، 172-175، 177، 179-242، 241، 238، 235، 232، 229، 208، 192، 190، 188، 185، 184، 181

مقدس مآبی: 136

مقصد الهی، هدف مقدّس، آرمان الهی، اهداف دین، آرمان والا، هدف اسلامی: 3، 5، 7، 25، 26، 34، 40، 45، 52، 76، 77، 89، 93، 94، 98، 105، 106، 125، 149، 157، 173، 192، 195، 223، 240

ملت‌های مسلمان، امت اسلام: 18، 26، 52، 72، 73، 73، 88، 90، 102، 104، 109، 110، 114، 117-119، 125، 130، 132، 133، 150، 178، 219

منابع ثروت: 97

منافع شخصی، خواسته ی شخصی، هدف شخصی: 39، 40، 52، 89، 110، 136

منطق گرای، صاحب منطق: 49، 74

موازن مادّی، موازن ظاهری، به صورت ظاهر، مقیاس مادّی، نگاه مادّی، فکر مادّی: 11، 19، 27، 100، 133، 154، 162، 166

نام گذاری ایّام و اماکن به نام شهدا: 147، 224

نایب ائمه (ع): 22

نترسیدن از دشمن: 25، 57، 58

ص: 263

189، 182، 110، 104

نجات فلسطین، دفاع از فلسطین: 108، 118

نزول ملائکه: 63، 185، 231

نشاط مجاهدت، نشاط انقلابی: 28، 82، 83

نظام الحادی: 118

نظام جمهوری اسلامی: 35، 42، 43، 55، 69، 72، 78-75، 82-80، 88-84، 91، 93، 97، 100، 103، 104، 109-111، 115، 117، 119، 125، 130، 141، 152، 153، 155، 156، 160، 174، 175، 183-185، 203، 209، 210، 217، 218، 220، 222، 224، 237

نعمت الهی، نعمت معنوی: 5، 6، 8، 12، 21، 22، 42، 46، 47، 132، 206، 218

نعمت همیشگی: 14، 22

نفاق: 79، 87، 88

نفوذ انقلاب: 90

نفوذ دشمن: 13، 88، 154، 155

نقش زنان، حضور زنان: 177، 189-193

نکته یابی زندگی شهدا، تحقیق در مورد شهدا، مطالعه ی شرح حال شهیدان، ضبط خاطرات شهیدان، نشر خاطرات شهیدان: 143-145، 147، 148، 159-162، 167، 201

نور قیامت: 64، 66

نیروی ایمان، معجزه ی ایمان: 58، 79، 106، 107

وابستگی: 75، 76، 117، 118

وحدت، وحدت ملی: 133، 208، 209

وصیّت نامه ی امام (ره): 133

وصیّت نامه ی شهدا: 43، 44، 63، 67، 135، 161-166

وعدہ ی الہی، مژدہ ی الہی: 9، 13، 14، 29، 67، 93، 114، 196، 198

وفای بہ عہد، عمل بہ وعدہ: 14، 70، 71، 79

ہجرت: 10، 132، 234

ہدایت الہی: 166، 239

ہدایت ذہن: 219

ہدر نرفتن خون شہدا: 100، 129

هدف ملی، آرمان ملت: 9، 157، 167

ہدیہ ی الہی، ودیعه ی الہی: 4، 7، 8، 9، 42، 44، 97

ہمدلی با شہدا: 171

ہنر امام (رہ)، هنر انقلاب: 48

ہویّت اسلامی: 99، 119، 135

ہویّت ملی: 76، 93، 105، 116، 135، 183

یورش فرهنگی: 87

ص: 264

اشخاص، اقوام، مکانها و...

آبادان: 98، 145

آسیا: 118

آفریقا: 118

آفریقای جنوبی: 117

آمریکا: 40، 51، 80، 81، 95، 100، 108، 109، 112-114، 117، 150-152، 211، 226، 235

آمریکای لاتین: 117

آبان: 51

22 بهمن: 116

ابراهیم (ع): 183

احمدی روشن، مصطفی: 223

اربعین: 137، 138

ارتش جمهوری اسلامی: 43، 98، 101، 143، 146، 222، 223

اردوی راهیان نور: 145، 146

اروپا: 95، 111، 112، 114، 118

اصفهان: 183، 227، 229

افغانستان: 203

انجیل: 9

انگلیس: 229

اهل بیت (ع): 26، 48، 50، 90، 137، 138، 159، 177، 230-237، 242

اهواز: 145، 146، 191

ایران: در بسیاری از صفحات

بابایی، عباس: 223

باهنر، محمدجواد: 75، 92، 220، 221

بحرین: 190

بختیاری، شیرعلیمردان خان: 229

برونسی، عبدالحسین: 225

بسیج: 43، 96، 98، 101، 143، 146، 151، 182

بلال بن رباح: 25

بلوچستان: 238

ص: 265

بنیاد شهید: 140

بنی امیّه: 34، 73، 90، 125

بنی عبّاس: 34، 125

بهمنشیر: 98

بیت المقدّس: 118

پاکستان: 203

پهلوی، رضاخان: 229

پیشمرگان مسلمان کُرد: 227

تبریز: 227، 229

تورات: 9

تونس: 190

تهران: 46، 51، 80، 166، 222، 224، 227، 229

تیپ قمر بنی هاشم: 228

جبهه ی خلق: 108

جنگ احد: 21، 34، 35، 179

جنگ بدر: 21، 107

جنگ جمل: 21

جنگ حنین: 21

جنگ صفین: 21، 55، 125

ملکی تبریزی، آمیرزا جواد: 166

جهاد اسلامی فلسطین: 108

جهاد سازندگی: 143

چمران، مصطفی: 225

چهار محال و بختیاری: 228

حبيب بن مظاهر: 21

حجّت بن الحسن، صاحب الزّمان (عج):

93، 128، 129، 149، 243

حزب الله لبنان: 108، 239، 240، 242

حسین بن علی، سیدالشیّدا (ع): 15، 16، 18، 19، 25-27، 34، 40-42، 44، 73، 74، 89، 100، 110، 124، 125، 129،

137-140، 144، 164، 230-232، 236

همدانی، ملا حسین قلی: 166

حسینی بهشتی، سید محمد: 75، 84، 88، 92، 129، 217، 218

حسینی، سیده زهرا: 191

حکومت بعثی: 95، 99، 111، 117، 181

حکومت خودگردان فلسطین: 109

حمزة بن عبدالمطلب: 21

حنظلة بن ابی عامر: 21

حوزه ی علمیّه: 19، 151، 153، 185

حوزه ی هنری: 160

خاورمیانه، غرب آسیا: 117، 235

خراسان بزرگ: 140

خرّمشهر: 145، 171

خمینی، روح الله (ره)، حضرت امام (ره): 18، 22، 28، 42، 44، 46، 48، 51، 57، 71، 72، 76، 78، 79، 85، 103، 109، 115،
116، 119، 128، 133، 138، 139، 151، 153، 155، 162-164، 177، 191، 195، 212.

ص: 266

243، 222، 219

خوزستان: 20، 33، 146

دا (کتاب): 191

دارخوین: 146

داعش: 13، 231

دانشگاه امام علی (ع): 226

دستگاه طاغوت، رژیم پهلوی: 51، 56، 59، 71، 93، 101، 229

دعای سمات: 173

دهه ی فجر: 158

رجایی، محمدعلی: 75، 92، 220، 221

رضایی، محسن: 229

رضایی نژاد، داریوش: 223

روح الامین: 63

روزبهانی، بتول: 184

ریان بن شیب: 125

زبان انگلیسی: 160

زین الدین، مجید: 49

زین الدین، مهدی: 49

زینب بنت علی (س): 90، 124، 136-138، 159، 177-179، 186، 188، 189، 229-232، 236

سازمان حماس: 108

سازمان فتح: 108

سازمان ملل: 114

سال 1320:102

سال 1341:222

سال 1342:51

سال 1343:51

سال 1357:51

سال 1359:146

سال 1360:146

سامرا: 230، 231

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: 43، 98، 101، 143، 146، 161، 200، 238

ستّاری، سورنا: 226

ستّاری، منصور: 223، 226

سعودی: 112

سکینه بنت حسین (س): 90

سمیّة بنت خباط: 25

سنندج: 181

سوریه: 203، 229، 231، 232، 234-237

قاضی طباطبایی، سیّدعلی: 166

شام: 90، 137، 159، 160

شلمچه: 43

شوروی: 95

شهریاری، مجید: 223، 224، 226

شیراز: 192

شیعه، تشیع: 19، 26، 231، 232، 237

ص: 267

صخر بن حرب بن أمية، ابوسفیان: 73

صدام حسين: 95

صهيونست، رژیم اشغالگر: 81، 88، 108، 113، 114، 116، 118، 235، 240-242

صياد شيرازي، علي: 171

عاشورا: 25-27، 44، 89، 90، 137، 138، 159، 179

عبدمناف بن عبدالمطلب، ابوطالب: 24، 25

عبدالله بن جعفر: 27

عبدالله بن عباس: 27

عراق: 95، 116، 171، 203، 229، 231، 232، 234-237

عراقي، مهدي: 221

عرب: 95

عشاير بختياري: 228، 229

عليين ابي طالب (ع): 17، 22، 26، 42، 43، 45، 48، 49، 54، 55، 125، 226، 231، 232، 236

عليين حسين الاكبر (ع): 21، 179

عليين حسين السجاد (ع): 124، 125، 136-138، 159

عليين محمد الصادق (ع): 137

عليين موسى الرضا (ع): 125

علي محمددي، مسعود: 223

عمارين ياسر: 25

عمليات بدر: 171

عمليات بيت المقدس: 146، 162

عملیات خیبر: 146، 171

عملیات فتح المبین: 146، 162

عملیات کربلاى 5:171

عملیات والفجر 8:171

عون بن عبدالله بن جعفر: 179

غزّه: 114

فارس: 192

فاطمة بنت محمّد، الزهرا(س): 14، 15، 177، 186

فاو: 43

فرعون: 23

فرمانده ی من (کتاب): 71

فلسطين: 108، 109، 113، 116-118، 203، 208، 240، 242

فهمیده، محمّدحسین: 72

قرآن: 3، 9، 11، 17، 47، 55، 58، 67، 83، 103، 105، 112، 113، 123، 132، 144، 150، 175، 198، 199، 205، 223

قرن اوّل هجرى: 26

قرن دوّم هجرى: 26

قریش: 24

کارون: 145

کاظمى آشتيانى، سعيد: 223

کاظمين: 230، 231، 236

ص: 268

کربلا: 18-22، 26، 73، 90، 100، 110، 124، 137، 139، 188، 230، 231، 243

کُرد: 227

کردستان: 33، 180، 181، 227، 238

کرمان: 238

کرمانشاه: 236، 238

کشورهای عربی: 114، 117

کعبه: 23

کمونیست: 117، 118

کوفه: 27، 90، 137، 159

گرده رش (کوه): 20

گیلان: 134

لبنان: 106، 113، 117، 203، 232، 239-242

لیبی: 190

مازندران: 103، 145

ماه رمضان: 80

محمّد بن عبدالله، رسول الله (ص): 16، 21، 22، 24-26، 35، 36، 45، 50، 83، 88، 89، 107، 137، 173، 179، 199، 204،

243، 242، 233

محمّد بن عبدالله بن جعفر: 179

محمّدیّه: 146

مدینه: 73، 90، 137، 179

مشهد: 7، 227، 229

مصر: 190

مطهری، مرتضی: 218-220

مغنیه، عماد: 241

مکه: 24، 25، 73

مناجات شعبانیّه: 41

منافقین: 88، 114، 117

موسوی، سیدعبّاس: 239، 240

مؤمنی، رستگار: 184

مؤمنی، فتحعلی: 184

مؤمنی، نورعلی: 184

ناوچه ی پیکان: 223

نجف: 165، 166، 230، 231

نصرالله، سیدحسن: 242

نصرالله، سیدهادی: 242

نهج البلاغه: 42، 88

نیروهای مسلح: 43، 96، 223

نیروی انتظامی: 238

نیروی دریایی: 223

نیروی زمینی: 238

نیروی هوایی: 223

همدان: 237

ياسر بن عامر: 25

يزد: 227

يزيد بن معاوية: 19، 34، 100، 139

يمن: 190، 203

ص: 269

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

